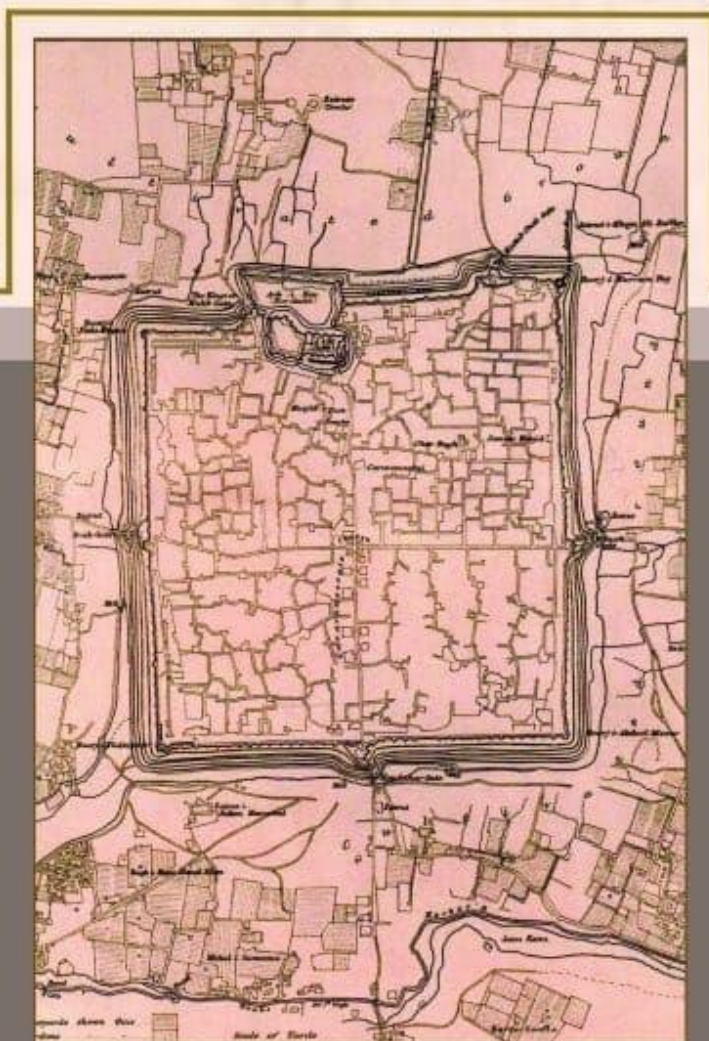


توسعه شهری هرات

نقش مشارکت مردمی در توسعه اجتماعی و امنیت شهری هرات



| سید جلال الدین فرجی |

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان



توسعه شهری هرات

نقش مشارکت مردمی در توسعه اجتماعی و امنیت شهری هرات



مطالعات توسعه شهری ۱

© ۱۳۹۹ انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان یک نهاد مستقل پژوهشی است که در عقرب ۱۳۹۱ به هدف فراهم‌سازی زمینه‌ی علمی و آکادمیک برای ارزیابی موضوعات راهبردی افغانستان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تأسیس شد. انستیتوت تلاش دارد از طریق انجام پژوهش‌های مستقل، ترجمه، انتشار کتاب‌ها و مقالات علمی، برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی به رشد و بهبود دموکراسی، امنیت، صلح، حکومت‌داری خوب و سایر مسائل در جامعه کمک کند.

رفع مسئولیت

تحلیل ارائه‌شده در این پژوهش صرفاً نظر نویسنده است و دیدگاه انستیتوت را بازتاب نمی‌دهد.



توسعه‌ی شهری هرات؛ نقش مشارکت مردمی در توسعه‌ی اجتماعی

و امنیت شهری هرات

نویسنده: دکتر سید جلال‌الدین فرجی

دستیار پژوهش: شفیقه احمدی

شماره نشر: ۲۰۲۱-۰۳۵-AISS-P

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

تاریخ چاپ: ۱۳۹۹، هرات

نشانی کابل: قلعه ۹ برج، کارته پروان، کابل، افغانستان

نشانی هرات: چهارراهی بلندآب، جاده عارف خان، هرات، افغانستان

ISBN 978-9936-655-09-6



9 789936 655096

فهرست مطالب

ر	سپاس‌گزاری
۱	مقدمه
۱	طرح مساله
۵	سوالات پژوهش
۶	فصل اول
۶	روش‌شناسی تحقیق
۸	جامعه آماری و تعیین حجم نمونه
۹	روش تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیات
۱۰	روایی و پایایی
۱۱	پیشینه تحقیق
۱۸	الگوی انجام تحقیق
۱۹	خلاصه فصل
۲۰	فصل دوم
۲۰	مقدمه
۲۱	تعریف مشارکت
۲۴	انواع مشارکت از لحاظ موضوع
۲۴	مشارکت اجتماعی
۲۵	مشارکت از دیدگاه نظریه پردازان علوم اجتماعی
۲۶	مشارکت سیاسی
۲۷	مشارکت فرهنگی
۲۷	مشارکت اقتصادی
۲۸	مشارکت روانی
۲۸	مهم‌ترین نظریات مشارکت
۲۸	نظریه مشارکتی شری ارنشتاین
۲۹	نظریه مشارکتی جان ترنر
۳۰	نظریه‌های مشارکتی جیمز میجلی

۳۰.....	شیوه ضد مشارکتی.....
۳۱.....	شیوه مشارکت هدایت کننده.....
۳۱.....	شیوه مشارکت فزاینده.....
۳۱.....	شیوه مشارکت واقعی.....
۳۱.....	نظریه مشارکتی دیوید درسیکل.....
۳۲.....	مشارکت شهروندی.....
۳۶.....	شهروند و شهروندی.....
۳۷.....	صفات شهروند.....
۳۸.....	مؤلفه های شهروندی.....
۳۸.....	حقوق شهروندی در جهان.....
۴۲.....	نظریات شهروندی و حقوق شهروندی.....
۴۹.....	رابطه مشارکت با توسعه شهری.....
۵۳.....	ارتباط میان مشارکت مردمی با امنیت اجتماعی.....
۵۷.....	توسعه اجتماعی.....
۵۷.....	تعاریف.....
۵۸.....	شاخص های کمی توسعه اجتماعی.....
۵۸.....	اشتغال کامل.....
۵۹.....	تولید (درآمد) سرانه.....
۵۹.....	نوآوری و خلاقیت.....
۵۹.....	نرخ باسوادی.....
۵۹.....	وجود کالاهای ضروری برای همه.....
۵۹.....	نرخ پایین رشد جمعیت.....
۶۰.....	هزینه های بهداشت و درمان.....
۶۰.....	توزیع درآمد به صورت عادلانه.....
۶۰.....	شاخص توسعه انسانی.....
۶۰.....	نرخ مشارکت در فعالیت های اجتماعی.....

- ۶۱ معیار تقویت جنسیتی
- ۶۱ نرخ پوشش بیمه های درمانی و بازنشستگی
- ۶۱ شاخص های کیفی توسعه اجتماعی
- ۶۱ آزادی انتخاب یک جامعه
- ۶۲ سطح بالای زندگی
- ۶۲ آرمان های نوسازی
- ۶۲ اراده سیاسی
- ۶۲ عزت نفس
- ۶۲ ثبات و امنیت جامعه
- ۶۳ شاخص های منفی توسعه اجتماعی
- ۶۳ تورم
- ۶۳ وجود انواع دوگانگی
- ۶۳ فقر
- ۶۴ نرخ معلولیت ذهنی و جسمی
- ۶۴ میزان آلودگی محیط زیست
- ۶۴ ارتباط میان مشارکت مردمی با توسعه اجتماعی
- ۶۵ امنیت شهری
- ۶۶ امنیت
- ۶۶ احساس امنیت
- ۶۷ نظریه پردازان با رویکرد ایجاد امنیت و انسان مداری در فضاهای شهری
- ۶۸ نظریه هایی مربوط به رابطه بین احساس امنیت و حضور در فضاهای شهری
- ۶۸ نظریه (Crime Prevention Through Environmental Design) CPTED
- ۶۸ نظریه فضای قابل دفاع
- ۶۹ نظریه پنجره شکسته

۷۰ مؤلفه های فضای امن
۷۰ ایمنی
۷۰ امنیت
۷۱ شاخص های امنیت شهری
۷۱ شاخص کالبدی
۷۱ شاخص اقتصادی - اجتماعی
۷۱ شاخص زیست محیطی
۷۲ خلاصه فصل
۷۷ فصل سوم
۷۷ مقدمه
۷۸ موقعیت جغرافیایی شهر هرات
۸۰ توپوگرافی
۸۱ راه های ارتباطی
۸۱ ارتفاعات
۸۲ دره های مشهور
۸۲ فضای سبز هرات
۸۲ امکانات بهداشتی و درمانی
۸۳ زیرساخت های اقتصادی
۸۳ منطقه شهری
۸۵ الگوی حاکمیتی هرات
۸۶ وضعیت امنیت و توسعه شهر هرات
۸۹ خلاصه فصل
۹۱ فصل چهارم
۹۱ مقدمه
۹۱ آمارهای توصیفی
۹۱ ویژگی های فردی پاسخگویان

- توزیع سنی ۹۲
- تحصیلات ۹۳
- محدوده سکونت ۹۴
- وضعیت تاهل ۹۷
- وضعیت اشتغال ۹۷
- منبع درآمد ۹۸
- میزان درآمد ماهیانه ۹۹
- میزان مشارکت با انواع نهادهای شهری ۱۰۰
- مدت زمان فعالیت با نهاد های شهری ۱۰۱
- میزان مشارکت با نهادهای شهری ۱۰۳
- میزان مشارکت با NGO ۱۰۴
- میزان مشارکت در جشنواره، کنفرانس یا نمایشگاه ها ۱۰۵
- تحلیل متغیرها و شاخص‌های اصلی تحقیق ۱۰۶
- بررسی شاخص مشارکت اجتماعی از دید شهروندان ۱۰۶
- بررسی شاخص توسعه اجتماعی شهری از دید شهروندان ۱۱۰
- بررسی شاخص امنیت شهری از دید شهروندان ۱۱۸
- آمار استنباطی ۱۲۳
- بررسی نرمال بودن متغیرها ۱۲۳
- نقش مشارکت مردمی در بالا بردن توسعه اجتماعی شهروندان شهر هرات چگونه است؟ ۱۲۵
- نقش مشارکت مردمی در بالا بردن امنیت در شهر هرات چگونه است؟ ۱۲۷
- مهمترین گویه های مشارکت مردمی چه مواردی است؟ ۱۲۸
- مهمترین گویه های توسعه اجتماعی چه مسائلی است؟ ۱۳۰
- مهمترین گویه های امنیت شهری چه مسائلی است؟ ۱۳۲
- رابطه بین مشارکت شهروندان و توسعه اجتماعی و امنیت شهری در شهر هرات چگونه است؟ ۱۳۴

۱۳۴.....	ارتباط بین مشارکت شهروندان و سطح تحصیلات
۱۳۵.....	ارتباط بین مشارکت شهروندان و سطح درآمد
۱۳۶.....	تحلیل فضایی شاخص‌های تحقیق در شهر هرات
۱۳۸.....	تحلیل فضایی شاخص مشارکت مردمی
۱۴۰.....	تحلیل فضایی شاخص توسعه اجتماعی
۱۴۲.....	تحلیل فضایی شاخص امنیت شهری
۱۴۵.....	خلاصه فصل
۱۴۷.....	فصل پنجم
۱۴۷.....	مقدمه
۱۴۹.....	جایگاه مشارکت و وجود آن در بین شهروندان هراتی
۱۵۰.....	مشارکت شهروندان و توسعه شهری هرات
۱۵۱.....	مشارکت شهروندان و امنیت شهری
۱۵۴.....	پیشنهادات کاربردی برای بالابردن سطح مشارکت
۱۵۹.....	پرسشنامه
۱۷۰.....	منابع

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱: شاخص‌های مشارکت ارنشتاین ۲۹
- جدول ۲: نظریه مشارکتی جان ترنر ۳۰
- جدول ۳: مولفه‌های شهروندی ۳۸
- جدول ۴: انواع شاخص‌های توسعه اجتماعی ۵۸
- جدول ۵: درصد انواع توپوگرافی در ولایت هرات ۸۰
- جدول ۶: شاخص‌های اصلی بهداشت در افغانستان ۸۳
- جدول ۷: توزیع فراوانی سنی پاسخگویان ۹۲
- جدول ۸: وضعیت تحصیلات پاسخگویان ۹۳
- جدول ۹: توزیع فراوانی محدوده سکونت پاسخگویان ۹۵
- جدول ۱۰: وضعیت تاهل پاسخگویان ۹۷
- جدول ۱۱: وضعیت شغلی پاسخگویان ۹۸
- جدول ۱۲: وضعیت منبع درآمدی پاسخگویان ۹۹
- جدول ۱۳: توزیع فراوانی درآمد ماهیانه پاسخگویان به هزار افغانی ۱۰۰
- جدول ۱۴: توزیع فراوانی مشارکت در انواع نهادهای شهری پاسخگویان ۱۰۱
- جدول ۱۵: توزیع فراوانی مدت زمان فعالیت در نهادهای شهری ۱۰۲
- جدول ۱۶: توزیع فراوانی مشارکت با نهادهای شهری ۱۰۳
- جدول ۱۷: توزیع فراوانی مشارکت با NGO ۱۰۴
- جدول ۱۸: توزیع فراوانی شرکت در جشنواره، کنفرانس و نمایشگاه‌ها از دید پاسخگویان ۱۰۵
- جدول ۱۹: شاخص مشارکت اجتماعی ۱۰۶
- جدول ۲۰: شاخص توسعه شهری ۱۱۰
- جدول ۲۱: شاخص امنیت شهری ۱۱۸
- جدول ۲۲: نتایج آزمون نرمال بودن در مورد شاخص‌های تحقیق ۱۲۴
- جدول ۲۳: نتایج آزمون T تک نمونه ای ۱۲۴
- جدول ۲۴: مقدار همبستگی، ضریب تعیین تعدیل شده و خطای استاندارد برآورد ۱۲۵
- جدول ۲۵: مجموع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات و سطح معناداری رگرسیون ۱۲۶
- جدول ۲۶: ضریب رگرسیون استاندارد نشده و شده، آماره تی و سطح معناداری رگرسیون ۱۲۶
- جدول ۲۷: مقدار همبستگی، ضریب تعیین تعدیل شده و خطای استاندارد برآورد ۱۲۷
- جدول ۲۸: مجموع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات و سطح معناداری رگرسیون ۱۲۷
- جدول ۲۹: ضریب رگرسیون استاندارد نشده و شده، آماره تی و سطح معناداری رگرسیون ۱۲۸

- جدول ۳۰: میزان معناداری آزمون فریدمن در گویه‌های شاخص مشارکت مردمی ۱۲۸
- جدول ۳۱: رتبه و میانگین رتبه ای گویه های شاخص مشارکت مردم ۱۲۹
- جدول ۳۲: میزان معناداری آزمون فریدمن در گویه‌های شاخص توسعه اجتماعی ۱۳۰
- جدول ۳۳: رتبه و میانگین رتبه ای گویه های شاخص توسعه اجتماعی ۱۳۱
- جدول ۳۴: میزان معناداری آزمون فریدمن در گویه‌های شاخص امنیت شهری ۱۳۲
- جدول ۳۵: رتبه و میانگین رتبه ای گویه های شاخص امنیت شهری ۱۳۳
- جدول ۳۶: رابطه بین مشارکت مردمی با توسعه اجتماعی و امنیت شهری ۱۳۴
- جدول ۳۷: رابطه بین مشارکت شهروندان با سطح تحصیلات ۱۳۵
- جدول ۳۸: رابطه بین مشارکت شهروندان با سطح درآمد ۱۳۵
- جدول ۳۹: تحلیل فضایی شاخص مشارکت مردمی ۱۳۹
- جدول ۴۰: تحلیل فضایی شاخص توسعه اجتماعی ۱۴۱
- جدول ۴۱: تحلیل فضایی شاخص امنیت شهری ۱۴۳

فهرست نمودارها

- نمودار ۱: مراحل اجرایی تحقیق ۱۸
- نمودار ۲: مدل دو بعدی رابطه میزان قدرت تصمیم گیری و افزایش تعامل و همکاری با جامعه ۳۲
- نمودار ۳: درصد توزیع فراوانی سنی پاسخگویان..... ۹۳
- نمودار ۴: درصد توزیع فراوانی تحصیلی پاسخگویان ۹۴
- نمودار ۵: درصد محدوده سکونت پاسخگویان..... ۹۶
- نمودار ۶: درصد وضعیت تاهل پاسخگویان ۹۷
- نمودار ۷: درصد توزیع فراوانی شغلی پاسخگویان ۹۸
- نمودار ۸: درصد وضعیت منبع درآمدی پاسخگویان ۹۹
- نمودار ۹: درصد وضعیت درآمد ماهیانه پاسخگویان به هزار افغانی ۱۰۰
- نمودار ۱۰: درصد مشارکت در انواع نهادهای شهری پاسخگویان..... ۱۰۱
- نمودار ۱۱: درصد مدت زمان فعالیت در نهادهای شهری ۱۰۲
- نمودار ۱۲: درصد مشارکت با نهادهای شهری..... ۱۰۳
- نمودار ۱۳: درصد مشارکت با NGO..... ۱۰۴
- نمودار ۱۴: درصد شرکت در جشنواره، کنفرانس و نمایشگاه ها ۱۰۵

در گذر زمان شهرها سیر تطور خود را طی کرده و به سرعت در حال دگرگونی و حرکت به سمت و سویی تعریف شده می‌باشند که در آن نقش مدیران و مسئولین، بس کلیدی و مهم است. در این بین شهرهایی که از مدیران قابل‌برخوردارند؛ روز به روز سیر سعودی خود را سپری کرده و به سمت کمال در حال حرکت می‌باشند و برعکس شهرهایی که از ضعف مدیریتی رنج می‌برند در این مسیر به سمت اضمحلال در حرکت هستند. شناخت قابلیت‌ها و توانمندی‌های موجود در هر مکان و رساندن آنها به مرحله فعلیت بدون بهره‌گیری از متخصصین و همت مسئولین امکان پذیر نخواهد بود.

در این بین افغانستان علی‌رغم پتانسیل‌های فوق‌العاده‌ای که در آن وجود دارد در دهه‌های اخیر مورد بی‌مهری قرار گرفته و در بسیاری از زمینه‌ها، قابلیت‌های آن مورد غفلت واقع گردیده است. یکی از مهم‌ترین پتانسیل‌هایی که این کشور با آن رو به رو است، وجود شهرهایی با قدمت هزاران سال می‌باشد که می‌توانند نقش کلیدی در آینده‌ی این کشور بازی نمایند. هرات یکی از مهم‌ترین این شهرها است. این شهر دارای هویت و قدمت تاریخی، سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی قابل توجهی است؛ اما سال‌های مدیدی مورد بی‌مهری قرار گرفته و قابلیت‌های موجود در آن نادیده گرفته شده است. با این وجود همت برخی از مسئولین در سال‌های اخیر بر آن گردیده که در حد توان گوشه‌ای از قابلیت‌های این شهر را مورد توجه قرار داده و زمینه رشد و توسعه آن را فراهم سازند. بدین منظور این پژوهش که نخستین پژوهش (مطالعات توسعه شهری) انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان است را می‌توان آغازی برای پروژه‌های آتی این شهر دانست.

در واقع شهر هرات از خلا تئوریک فوق‌العاده‌ای رنج می‌برد و از این قبیل پژوهش‌ها مرحمی کوچک برای آرام فراوان این شهر تاریخی می‌باشد. امیدوارم که مسئولین، به این امر مهم توجه داشته و در راستای رشد و توسعه شهری چون هرات که نیازمند استمرار و پیگیری مداوم می‌باشد، همت به خرج دهند. و همچنان نتایج حاصل از این پژوهش بتواند چراغ راهی برای سایر مطالعات و گامی در جهت رشد و توسعه شهر هرات باشد.

جا دارد از تمامی دوستانی که در انجام این کار ما را یاری رسانده، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشیم. همچنین از مرورگران پژوهش هر یک، دکتر امید علی خوارزمی، استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد و آقای اسدالله حنیف، کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری/ برنامه‌ی شهر برای همه UN-Habitat به خاطر مطالعه نسخه اولیه و درمیان گذاشتن نظرات ارزشمندشان سپاس گزارم.

با تشکر

دکتر سید جلال‌الدین فرجی

مقدمه

در کشورهای در حال توسعه، به دلیل ساختارهای معیوب و ناکارآمدی نهادی و ساختاری، شهرنشینی و شهرگرایی غالباً به پدیده‌ای ناهنجار تبدیل شده و مسائل و آسیب‌های شهری متعددی را به بار آورده است. شهرهایی که رشد نامتوازن و ساختار ناسالم دارند کژکارکردهایی را در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی، کالبدی و سیاسی تجربه می‌کنند. در چنین شرایطی شهر حالت بیمارگونه به خود می‌گیرد و از رشد و توسعه نامتوازی برخوردار خواهد گردید. رشد و گسترش شهرها و تبدیل آن به شهرهای بی‌نظم، عاملی شد تا بسیاری از مسائل و مشکلات شهری از قبیل ناامنی، بدمسکنی، حاشیه نشینی و سکونت‌گاه‌های غیر رسمی، جرایم شهری، خشونت و ناآرامی‌های شهری، اعتیاد، قاچاق، فقر شهری، مهاجرت، آلودگی محیط زیست، مزاحمت‌های خیابانی و مانند آن به صورت حاد پدیدار شده و روز به روز این امر در شهرهای در حال توسعه رو به ازدیاد باشد. در واقع، گسترش روزافزون این مسائل در بطن شهرهای کشورهای در حال توسعه ضرورت نگاه مدیریتی جامع‌تری را می‌طلبد. لذا در این پروژه با توجه به شناخت نقش و جایگاه این مسائل در فضاهای شهری به بررسی نقش مشارکت مردمی در افزایش امنیت و توسعه شهری هرات توجه خواهد گردید.

طرح مساله

رشد روزافزون شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها به عنوان اصلی اجتناب ناپذیر در جوامع امروزی بخصوص در شهرهای کشورهای در حال توسعه، سبب تغییرات اساسی در ساختار شهرها شده است (Sarafi, 2003, 2). با گسترش رویکرد شهرسازی نوین و طرح دیدگاه‌های توسعه پایدار اجتماعات محلی، توجه دولت‌ها و جوامع به ایجاد بسترهای مشارکتی برای افزایش تأثیرگذاری سطوح مختلف اجتماعی و ابعاد ملموس زندگی شهری بر طرح‌ها جلب، و ارزش‌های محله مبنا و مفاهیمی چون احساس هویت و تعلق به مکان، مسئولیت‌پذیری، مشارکت جمعی و اصالت بخشی به نقش مردم، سرمایه‌های اجتماعی و توجه به نقش مشارکتی گروه‌های ذینفع و ذینفوذ در طرح‌ها و پروژه‌های شهری دوباره مورد توجه قرار گرفت (Bullen and Onyx, 2000, 106).

مشارکت شهروندان ابزاری برای تقویت مدیریت شهری در جوامع پیشرفته امروزی و یکی از شاخص‌های مهم در زندگی جوامع مختلف محسوب می‌شود. در واقع، تنوع و پیچیدگی مسائل شهری در کنار معضله‌های اجرایی و مدیریتی، مشارکت شهروندان را در مسائل شهری ضروری می‌نماید. در

بحث مشارکت فعال شهروندان، رشد و تعالی شخصیت شهروندان، بالابردن سطح امنیت اجتماعی در فضاهای شهری، گسترش توانایی های افراد، تقویت هویت شهری، تقویت حس اعتماد و همکاری میان اهالی شهر برای رسیدن به توسعه‌ای هماهنگ مورد توجه می‌باشد. با نگاهی جامع‌تر می‌توان اذعان داشت که مشارکت شهروندان ابزاری برای تقویت مدیران در مدیریت شهری و توسعه و پیشرفت جامعه می‌باشد. بنابراین، اگر نقش و جایگاه مشارکت مردم در امور روزمره شهری خود کاهش یابد و زندگی مردم به گونه‌ای مدیریت گردد که جایگاه شهروندان فعال در امور شهری به یک شهروند صرفا شهرنشین تنزل یابد در چنین وضعیتی، نه تنها شاهد رشد و تعالی شخصیت مردم و شناخت توانایی و پتانسیل‌های افراد، تقویت هویت شهری و احساس تعلق به شهر و همکاری میان اهالی شهر و مدیران شهری نخواهیم بود، بلکه میزان کارکرد و بهره‌وری در نظام مدیریت شهری به شدت تنزل خواهد کرد و از این طریق سطح کمی و کیفی توسعه شهرها تحت تاثیر قرار خواهد گردید. در واقع مشارکت در سطوح مختلفی و پیرامون مسائل گوناگونی قابل انجام می‌باشد که از جمله می‌توان مشارکت اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی و مانند آن را مورد توجه و تاکید قرار داد که هر کدام به نوعی توسعه شهرها را متاثر می‌سازند.

از سوی دیگر، امروزه در بسیاری از شهرها مواردی مانند حاشیه نشینی، تراکم زمین، ساختمان‌های متروک، تغییر کاربری زمین، جرم و جنایت، اعتیاد و غیره، لزوم پایداری شهرها را مطرح می‌کنند. با توجه به مسائل و مشکلاتی که شهرها دارند، بایستی به ابعاد و اصول توسعه پایدار شهری توجه نمود. فرآیند توسعه پایدار شهری ایجاد تقویت ویژگی‌های پایداری در زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و زیست محیطی است (یوسفی پهلولی و هاشمی، ۱۳۹۱، ۲۱۳۴). بنابراین، ناامنی و ناپایداری مانع رشد و توسعه می‌شود و زمینه را برای عدم توسعه یافتگی فراهم می‌آورد؛ پس توسعه و امنیت رابطه متقابل و دوسویه دارند. هر یک به دیگری وابسته است و درعین حال هر یک می‌تواند مانعی برای دیگران باشد. به این معنا، نبود امنیت در عقب ماندگی و ناپایداری فرآیند رشد و توسعه نقش دارد و موجب بحران در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره می‌شود (عنبری، ۱۳۹۰، ۳۲۹). با نگاهی به زندگی شهروندان می‌توان دریافت که امنیت و احساس امنیت در رضایتمندی و مطلوبیت زندگی دارای نقش اساسی است.

در این بین شاید بین مشارکت و امنیت شهروندان و تاثیری که این مساله می‌تواند بر توسعه شهری داشته باشد بتوان ارتباطات خوبی برقرار نمود. به عبارتی بسیاری از محققین زیربنای توسعه را امنیت

می‌دانند و قائل به این هستند که بدون وجود امنیت لازم هر گونه توسعه‌ای روبه زوال خواهد بود. بنابراین ضرورت این مساله باعث گردیده که در بسیاری از کشورها به مقوله امنیت توجه ویژه‌ای نماید و سعی نمایند که از راه‌های مختلف این مساله را رشد و توسعه دهند. در این بین رویکرد مشارکت و توجه و نقش مردم در افزایش امنیت در سطح جامعه از مسائلی است که در سال‌های اخیر از طرف مسئولین چه در سطح حاکمیتی و چه در سطوح محلی به شدت مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. جایگاه این مساله تا حدی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، امنیت به عنوان یکی از حقوق اجتماعی انسان‌ها بیان شده و هم ردیف آزادی قرار گرفته است (دوستی و دیگران، ۱۳۹۵).

در این بین توجه این موضوع در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور افغانستان به خوبی می‌تواند سطوح مختلف این کشور را تحت تاثیر قرار دهد. در واقع وجود مشکلات عدیدی امنیتی که در این کشور وجود دارد ضرورت توجه به موضوعاتی که بتواند گام‌هایی اساسی در راستای بالابردن سطح توسعه و امنیت را در افغانستان فراهم سازد را دو چندان می‌نماید. این مهم تنها با توجه و تاکید به اجزای درونی این کشور قابل تحقق می‌باشد. در این بین شهرها و ایالات مهم این کشور را می‌توان به عنوان اجزایی راهبردی برای تحقق این هدف در نظر گرفت و آنها را مورد توجه و بررسی قرار داد. در واقع با توجه به شهرهای مهمی چون کابل، هرات، قندهار، مزار شریف، جلال آباد که به عنوان بزرگترین شهرهای افغانستان شناخته می‌شوند می‌توان زمینه ایجاد ثبات امنیتی بالایی برای توسعه شهری از یک سو و توسعه کل کشور از سوی دیگر را فراهم سازند (درودیان، ۱۳۹۱، ۶۹). در این میان ولایت هرات به عنوان یکی از قدیمی‌ترین شهرهای افغانستان با مساحتی حدود ۶۵۲۰۰۰ کیلومتر مربع و با موقعیت استراتژیکی مناسبی که از آن برخوردار می‌باشد به خوبی می‌تواند در این ارتباط نقش آفرینی کند و به عنوان شهری نمونه و الگو برای سایر شهرهای افغانستان معرفی گردد. پیش نیاز این امر شناخت ابعاد مختلف حاکم بر این شهر می‌باشد (پویان، ۷۵، ۱۳۸۸ و یوانز، ۱۳۹۶، ۹).

در این ارتباط با نگاهی اجمالی به وضعیت هرات به خوبی میتوان به این واقعیت پی برد که هرات با عین مشکلاتی که افغانستان در سطح ملی با آن روبروست، مواجه است. مشکلاتی از قبیل: بودجه ملی ناکافی در فراهم آوری و ارائه خدمات ضروری، اتکای بیش از اندازه به کمک‌های خارجی در بیشتر پروژه‌های سرمایه‌گذاری شده، نیاز گسترده به ساخت پروژه‌های زیربنایی، نگرانی‌های امنیتی و فساد اداری، محدودیت در مکانیزم‌های مالی بخش خصوصی و تصور اینکه اجناس تولید شده در داخل در نتیجه ۳۰ سال جنگ و عقب ماندگی فاقد کیفیت مناسب هستند (احمدی، ۱۳۹۴، ۸). بجز مسئله

نامنی، اوضاع بد اقتصادی در افغانستان و به تبع آن در شهر هرات یکی دیگر از مشکلات اصلی و عمده‌ای که مردم با آن روبه رو می‌باشند. وجود فقر، بیکاری، مهاجرت روستاییان و مردمان دیگر شهرستان‌ها به شهر باستانی هرات، افزایش جمعیت و نبود آینده‌ی روشن کاری برای مردم این شهر بخشی از معضلات و مشکلاتی است که گریبانگیر این شهر می‌باشد.

(www.dailyafghanistan.com)

در این بین، مسئولین می‌توانند با افزایش سطح مشارکت شهروندان در فعالیت‌های شهری و افزایش حس تعلق مکانی آنها، رفته رفته سطح مشارکت مردم را افزایش داده و نقش آنها در بالا بردن سطح امنیت در جامعه را افزایش دهند و از این طریق گام‌های بعدی در راستای توسعه و پیشرفت جامعه را فراهم سازند. بنابراین در این پروژه با توجه به اهمیت این موضوع، ضرورت توجه به مساله مشارکت شهروندان در افزایش سطح امنیت در جامعه و به تبع آن توسعه شهری به عنوان موضوعی است که مورد توجه محققین قرار گرفته و در ارتباط با آن سوالات زیر مورد توجه قرار گرفته است:

در واقع شهر هرات از دو نوع نامنی رنج می‌برد که این دو به شدت می‌تواند توسعه و پیشرفت این شهر و اجتماعات انسانی موجود در این شهر را تحت تاثیر قرار دهد. یکی نامنی داخلی است که به شدت متاثر از وضع بد اقتصادی، فقر، مهاجرت، حاشیه نشینی و دیگری نامنی خارجی است که متاثر از حضور طالبان و گروه‌های مخالف دولت فعلی افغانستان می‌باشد. در این ارتباط براساس آمار موجود بیش از یک سوم شهروندان هراتی از فقر اقتصادی رنج می‌برند و این مساله زندگی اجتماعی آنها را به شدت تحت تاثیر قرار داده و بر دامنه ناهنجاری‌های اجتماعی افزوده است (World bank report, ۲۰۱۸).

در کنار این مساله وجود نیروهای مسلحین و طمع آنها برای تسلط بر این شهر باعث گردیده که تنها بین سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ بیش از ۱۸۰ حادثه امنیتی در این شهر اتفاق افتاد و تنها در سال ۲۰۱۷ نزدیک به ۲۵۰ نفر غیرنظامی کشته شوند (EASO, ۲۰۱۷) و (CPINA, ۲۰۱۹) بنابراین مسئولین به منظور مدیریت هر چه بهتر شهر و سوق دادن آن به سمت افزایش امنیت و توسعه اجتماعی نیازمند کمک گرفتن از خود مردم می‌باشند .

در این بین مسئولین می‌توانند با افزایش سطح مشارکت مردم در فعالیت‌های شهری و افزایش حس تعلق مکانی شهروندان، رفته رفته سطح مشارکت آنها را افزایش داده و نقش مردم را در بالا بردن

سطح امنیت پررنگتر نمایند و از این طریق گام‌های بعدی در راستای توسعه و پیشرفت جامعه را بردارند. بنابراین در این پژوهش ضرورت توجه به مشارکت شهروندان در افزایش سطح امنیت در جامعه و به تبع آن توسعه اجتماعی شهر مساله ای است که مورد توجه محققین قرار گرفته است و در این ارتباط سوالات زیر مورد توجه قرار گرفته است:

سوالات پژوهش

- نقش مشارکت مردمی در بالا بردن توسعه اجتماعی شهروندان شهر هرات چگونه است؟
- نقش مشارکت مردمی در بالا بردن امنیت در شهر هرات چگونه است؟
- مناطق مختلف شهر هرات از نظر وضعیت مشارکت، امنیت و توسعه اجتماعی چگونه است؟

فصل اول

کلیات تحقیق و طرح مساله

روش شناسی تحقیق

«دکارت» روش را راهی می‌داند که به منظور دستیابی به حقیقت در علوم باید پیمود و در عرف، روش را مجموعه‌ای از شیوه‌ها و تدابیری دانسته‌اند که برای شناخت حقیقت و برکناری از لغزش به کار برده می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۹۲، ۸). پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی و توسعه‌ای و به لحاظ روش انجام تحقیق، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش شناسی تحقیق باید با توجه کافی به موضوع اصلی تحقیق انتخاب و بسته به نوع، هدف و موضوع مورد مطالعه می‌تواند متفاوت باشد (نور بخش، ۱۳۹۲: ۱۱).

از دیدگاه هدف محور، این تحقیق نوعی تحقیق کاربردی است که با توجه به موضوع آن باید از روش‌های فرآیند برنامه ریزی استفاده نمود. اینگونه تحقیقات با استفاده از زمینه و بستر شناختی و معلوماتی که توسط تحقیقات بنیادی فراهم شده است برای رفع نیازمندی‌های بشر مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف از این تحقیق نیز پاسخگویی به نیازهایی است که ساکنان ناحیه و مدیران مسئول به منظور برنامه ریزی به آن نیاز دارند.

از دیدگاه ماهیت محور نیز این تحقیق نوعی تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد. بدین معنی که در تحقیق پیش رو به منظور شناخت وضع موجود و بررسی سطح مشارکت مردم در امور شهری کاری میدانی انجام گرفته و نهایتاً تحلیل‌های لازم به عمل آمده است.

برای دستیابی به ادبیات نظری پژوهش از روش‌های توصیفی و اسنادی با مرور ادبیات مربوط به مفاهیم مشارکت اجتماعی، توسعه اجتماعی، امنیت شهری استفاده شد. همچنین روش‌های تحلیلی برای کمی نمودن در محدود مورد مطالعه انجام شده است. معیارها با توجه به مبانی نظری پژوهش و تجارب مطالعاتی و همچنین بر اساس اهداف ارائه شده انتخاب گردیده است. مطالعه و بررسی به منظور تدوین متغیرها و شاخص‌های مشارکت اجتماعی، توسعه اجتماعی، امنیت شهری نیازمند جامع‌نگری گسترده‌ای بود. در این تحقیق ۳ متغیر مورد توجه بوده که برای بررسی آنها از ۳۸ گویه استفاده گردیده است. واحد تحلیل در این پژوهش شهر هرات می‌باشد. ارزش گذاری داده‌ها با استفاده از طیف

۵ گزینه‌های لیکرت و سوالات باز در مقیاس فاصله‌ای و نسبی انجام شده است. اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه‌های مورد نظر، با استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل آماری (آزمون‌های همبستگی پیرسون، فریدمن، تی تک نمونه‌ای، کی دو، رگرسیون) در محیط نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت. همچنین از سه نرم افزار Excel و GIS و Waspas هم برای تدوین در این پژوهش استفاده شده است. بدین ترتیب که داده‌های لازم در محیط اکسل ساماندهی گردیده، سپس در محیط نرم افزار SPSS مورد تحلیل اولیه قرار گرفته، سپس به منظور انطباق فضایی داده‌های بدست آمده با فضاهای شهری از نرم افزار واسپات استفاده گردیده است.

آمار و اطلاعات لازم به شیوه‌های زیر جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است:

الف- روش کتابخانه‌ای

هر محقق قبل از شروع تحقیق و هنگامی که به موضوعی ویژه برای تحقیق علاقه‌مند شده است. ناگزیر از مراجعه به کتابخانه خواهد بود. با مطالعه کتاب‌ها، مقاله‌ها و تحقیقات دیگران که در حوزه موضوع مورد علاقه اوست، محقق می‌تواند موضوع تحقیق خود را بیشتر بشناسد و ابعاد آن را ببیند و هدف یا هدف‌های تحقیقی خود را خالص‌تر و رساتر سازد. در واقع در این تحقیق از روش توصیفی و پیمایشی به منظور مطالعه پیشینه نظری و تجربی موضوع و تعریف واضح نیازهای پروژه استفاده گردیده و بعد از استخراج داده‌های لازم آنها در قالب پرسشنامه محقق ساخته تنظیم و ارائه گردیده است.

ب- روش عملیات پیمایشی

اصول مطالعات میدانی شامل مصاحبه، پرسشنامه و مشاهده می‌باشد که در این پروژه سعی می‌شود از روش پرسشنامه استفاده گردد. برای این منظور تعداد ۳۸۲ پرسشنامه بین افراد توزیع و جمع‌آوری گردیده است. در واقع شهر هرات با جمعیتی حدود ۷۰۰ هزار نفر می‌باشد. در این بین به منظور استخراج تعداد افراد مورد نیاز برای توزیع پرسشنامه از فرمول کورات به شرح زیر استفاده گردیده است.

جامعه آماری و تعیین حجم نمونه

جامعه آماری عبارت است از کلیه عناصر و افرادی که در مقیاس جغرافیایی مشخص (جهانی، منطقه‌ای، محلی و یا مکانی) دارای یک یا چند صفت مشترک باشند (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۱۴۳). به عبارتی جامعه آماری، مجموعه اعضای حقیقی یا فرضی است که نتایج پژوهش به آنها تعمیم می‌یابد (دلاور، ۱۳۸۶: ۸۹). جامعه آماری در تحقیق حاضر شامل شهروندان شهر هرات و کارمندان و مدیران اجرایی در حوزه مدیریتی این شهر می‌باشند. برای این منظور از روش تصادفی برای انتخاب افراد استفاده گردیده است تا از این طریق سطح مشارکت افراد جامعه در مسائل شهری و نقش آنها در افزایش امنیت و توسعه شهری سنجیده گردد. روش نمونه‌گیری با استفاده از فرمول تعدیل شده کوکران بود که با توجه به جمعیت ۷۰۰ هزار نفری شهر هرات در مجموع ما ۳۸۲ پرسشنامه انجام دادیم.

$t = (1,96)$	$p = (0,5)$	$q = (0,5)$	$d = (0,05)$	$N = 700000$
$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} \Rightarrow \frac{\frac{(1,96)^2 \times 0,5 \times 0,5}{(0,07)^2}}{1 + \frac{1}{700000} \left(\frac{(1,96)^2 \times 0,5 \times 0,5}{(0,07)^2} - 1 \right)} \approx 382$				
<p>n = حجم نمونه مورد نیاز؛</p> <p>N = حجم جامعه مورد مطالعه؛</p> <p>t = اندازه متغیر در توزیع نرمال (در اینجا وقتی سطح معناداری آزمون برابر با ۰/۰۵ باشد، مساوی ۱/۹۶ است)</p> <p>؛</p> <p>p = درصد توزیع صفت در جامعه (یعنی نسبت افرادی است که دارای صفت مورد مطالعه هستند)؛</p> <p>q = درصد افرادی که فاقد آن صفت در جامعه هستند؛</p> <p>d = تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین محقق برای وجود آن صفت در جامعه است که حداکثر آن ۰/۰۷ می‌باشد و دقت نمونه‌گیری به آن بستگی دارد.</p>				

روش تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیات

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده جهت دست‌یابی به نتایجی منطقی و صحیح که بتواند راه گشای هدف‌های پژوهش حاضر باشد و همچنین آزمون فرضیه‌ها، با توجه به نوع اطلاعات، از روش‌های مناسب استفاده شده است. در این تحقیق به منظور تحلیل داده‌ها از نرم افزارهایی مانند SPSS، Excel و GIS استفاده شده است. همچنین با استفاده از شیوه‌های مختلف آماری (آمار توصیفی و استنباطی) به تجزیه و تحلیل داده‌های کمی پرداخته شده است. همچنین در این فرایند داده‌ها هم از لحاظ مفهومی و از لحاظ تجربی پالایش شدند و تکنیک‌های تکنیک‌های آماری همبستگی پیرسون، فریدمن و آزمون‌های مقایسه تفاوت میانگین تی و رگرسیون خطی ساده به کار گرفته شدند که نقش عمده‌ای در تعمیم‌ها به عهده دارند.

همبستگی پیرسون: ضریب همبستگی پیرسون که به نام‌های ضریب همبستگی گشتاوری و یا ضریب همبستگی مرتبه‌ی صفر نیز نامیده می‌شود، توسط سرکارل پیرسون معرفی شده است. این ضریب به منظور تعیین میزان رابطه، نوع و جهت رابطه بین دو متغیر فاصله‌ای یا نسبی و یا یک متغیر فاصله‌ای و یک متغیر نسبی به کار برده می‌شود. ضریب همبستگی پیرسون بین $+1$ و -1 تغییر می‌کند (گودرزی، ۱۳۸۸: ۶۵) این ضریب روشی پارامتری است و برای داده‌هایی با توزیع نرمال یا تعداد داده‌های زیاد استفاده می‌شود (مؤمنی و قیومی، ۱۳۹۱: ۹۸). در این پژوهش برای بررسی ارتباط بین شاخص مشارکت مردمی با توسعه اجتماعی و امنیت شهری پرداخته شده است.

T تک نمونه‌ای: آزمون تی یک آزمون پارامتریک است که به منظور تعیین معناداری تفاوت بین دو میانگین بکار می‌رود (گودرزی، ۱۳۸۸: ۲۸۹). در این پژوهش برای بررسی تفاوت میانگین شاخص‌های اصلی با عنوان مشارکت مردمی، توسعه اجتماعی و امنیت شهری از این آزمون استفاده شده است.

رگرسیون خطی ساده: رگرسیون خطی یا تنازل خطی یا وایازی خطی (Linear regression) یکی از روش‌های تحلیل رگرسیون است. در رگرسیون خطی، متغیر وابسته ترکیب خطی‌ای از ضرایب (پارامترها) است. زمانی که دو متغیر دارای سطح سنجش فاصله‌ای یا نسبی باشند برای بررسی رابطه خطی یا بررسی اثر متغیر مستقل بر وابسته از رگرسیون خطی ساده استفاده می‌کنیم (افشانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳۵). در رگرسیون خطی ساده تأثیر یک متغیر مستقل بر روی یک متغیر وابسته بررسی می‌شود به عبارت دیگر با استفاده از متغیر مستقل به پیش بینی متغیر وابسته، که شاید

رابطه‌ای با متغیر مستقل داشته باشد می‌پردازیم به طوری که کم‌ترین خطا در پیش بینی به وجود آید. پس در تحلیل رگرسیون خطی ساده با استفاده از متغیر مستقل به تبیین واریانس متغیر وابسته می‌پردازیم (گودرزی، ۱۳۸۸: ۳۲۲). در این پژوهش برای بررسی نقش مشارکت مردمی با دو شاخص توسعه اجتماعی و امنیت شهری از این آزمون استفاده شده است.

روایی و پایایی

روایی: مقصود از روایی آن است که وسیله اندازه‌گیری بتواند به واقع خصیصه مورد نظر را اندازه بگیرد، نه خصیصه دیگری را. اندازه‌گیری نامناسب و ناکافی، هر پژوهش علمی را ناروا و بی‌اعتبار می‌نماید. همچنین مطالعه روایی، بدون بررسی ماهیت و معنای متغیرها، امکان‌پذیر نمی‌باشد ولی از آنجا که حصول اعتبار تا حد زیادی یک امر فنی می‌باشد و روایی بالاتر از یک فن بوده، به عنوان جوهر و ذاتاً اصلی علم محسوب می‌شود. برای تعیین روایی پرسشنامه تحقیق، با اساتید و متخصصین در این زمینه مشورت بعمل آمد و نظرات و پیشنهادهای اصلاحی آنان در پرسشنامه اعمال گردید.

پایایی: پایایی ابزاری است که از آن به اعتبار، دقت و اعتماد پذیری نیز تعبیر می‌شود، و عبارت است از اینکه اگر یک وسیله اندازه‌گیری که برای سنجش متغیر و صفتی ساخته شده در شرایط مشابه در زمان یا مکان دیگر مورد استفاده قرار گیرد، نتایج مشابهی از آن حاصل شود. به عبارت دیگر، ابزار پایا یا معتبر، ابزاری است که از خاصیت تکرار پذیری و سنجش نتایج یکسان برخوردار باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۸۳). در این پژوهش برای تعیین پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرون باخ استفاده گردید که توسط نرم افزار SPSS به دست آمد. ضریب آلفای کرون باخ بین ۰ تا ۱ نوسان دارد که براساس آن، هر چه مقدار این ضریب به عدد یک نزدیک‌تر باشد نشان دهنده همسازگی بیشتر گویه‌های یک مقیاس است. در این پژوهش مقدار ضریب آلفای کرون باخ برای متغیرهای جامعه ۰.۷۱ است همان‌طور که مشخص است ضریب پایایی بدست آمده در حد قابل قبولی می‌باشد و این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مورد نظر می‌باشد و بدین ترتیب می‌توان گفت که تحقیق ما از قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم برخوردار می‌باشد.

پیشینه تحقیق

ضروت توجه به مطالعات پیشین و اهمیت آن در تحقیقات آتی نقش مهم و برجسته‌ای در رویکرد علمی حاکم بر تحقیق خواهد داشت. در این ارتباط در مطالعه پیش رو که پیرامون مشارکت شهروندان شهر هرات در امنیت و توسعه این شهر تنظیم گردیده، سعی گردیده که به این مهم توجه گردد. با این وجود با توجه به اینکه پیرامون شهر هرات مطالعات بسیار محدودی انجام گرفته و خلع تئوریک قابل توجهی در این ارتباط وجود دارد ولی سعی گردیده که با استفاده از منابع علمی موجود در سطح دنیا تا حدی این کمبود پوشش داده شده و این تحقیق خود به عنوان یکی از منابع تولیدی در حوزه شهر هرات تهیه و تنظیم گردد. در واقع شاید بتوان این مطالعه را از نخستین تحقیقاتی به شمار آورد که در ارتباط با وضعیت مشارکت شهروندان هرات در توسعه و امنیت این شهر تهیه گردیده است. در ادامه به بررسی مطالعاتی که به نحوی موضوع تحقیق را تحت پوشش قرار میدهد پرداخته خواهد شد.

یکی از پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با افغانستان و شهر هرات مطلبی است که توسط Leslie در سال ۲۰۱۵ تهیه گردیده است. این پژوهش به پویایی سیاسی و اقتصادی هرات توجه و تاکید نموده است. در این مطالعه سعی بر آن گردیده که به معرفی شهر هرات پرداخته و ابعاد حکومتی و سیاسی موجود در این شهر و نواحی پیرامونی آن به انضمام ساختار اقتصادی و توسعه شهری آن توجه گردد (Leslie, ۲۰۱۹). در کنار این مطالعه میتوان به پژوهش «سیاست و اطلاعات افغانستان، امنیت و وضعیت بشردوستانه» که به بررسی وضعیت امنیت تا سال ۲۰۱۹ در کشور افغانستان پرداخته اشاره داشت که در آن گزارشات و خبرهای متعددی پیرامون موضوع مطرح شده در مناطق مختلف افغانستان جمع آوری گردیده است. در این بین یکی از شهرهایی که مورد توجه و تاکید قرار گرفته، شهر هرات و وضعیت امنیتی موجود در این شهر می‌باشد. (CPIAN, ۲۰۱۹) مطلب دیگری که در ارتباط با هرات میتوان به آن اشاره داشت و مطالب آن می‌تواند در پژوهش پیش رو مفید فایده باشد، پژوهشی است که از طرف بانک جهانی در سال ۲۰۱۸ تحت عنوان ترسیم وضعیت فقر در افغانستان تهیه و تدوین گردیده است. در این پژوهش بر دو شهر هرات و کابل تاکید گردیده و وضعیت فقر در نقاط مختلف این دو ولایت مورد بررسی قرار گرفته است. (world bank report, ۲۰۱۸) در کنار این مطالعات باید به طرح جامع شهر هرات نیز اشاره داشت که در سال ۲۰۱۲ تهیه گردیده و در آن ابعاد مختلف

شهر مورد بررسی قرار گرفته و جهات توسعه شهر در آن مورد مطالعه قرار گرفته و نقشه‌های مربوط به توسعه آتی شهر ارائه گردیده است (طرح جامعه هرات، ۲۰۱۲).

علی رغم وجود مطالعاتی که پیرامون شهر هرات اتفاق افتاده، در ارتباط با وضعیت مشارکت شهروندان در شهر هرات مطالعه دقیق و عمیقی صورت نگرفته و این مساله خلع تئوریک پیرامون این موضوع را مشهود نموده است. با این وجود استفاده از برخی مطالعات و پژوهش‌های مربوط به این حوزه مطالعاتی می‌تواند به نحوی در غنای کار و شکل دهی به ابعاد تئوریک پژوهش، مورد توجه قرار گیرد. در این ارتباط، یکی از نظریه پردازان عرصه عمومی حنا آرنت می‌باشد که کتاب شرایط انسانی را در سال ۱۹۸۵ تألیف نموده است. او، مشوق برونگری و زندگی سیاسی و اجتماعی است که در آن قلمرو عمومی نقش اصلی را بازی می‌کند. آرنت فضا را در دو معنا، فضای حضور در میان دیگران و فضای مابین دیگران تحلیل کرده تا درکی جامع از قلمروی عمومی سیاست و همینطور فضای عمومی کالبدی شهر فراهم کرده باشد. هماهنگی مردم و اشیاء در تحلیل و پذیرش این مطلب که روابط اجتماعی به واسطه اشیاء شکل می‌گیرد، نکته کلیدی است که در تحلیل آرنت درباره فضاهای عمومی آمده است (مدنی پور، ۱۳۸۷، ۱۹۸).

گل در کتاب زندگی در میان ساختمان‌ها انواع فعالیت‌های انسان در فضاهای همگانی را به سه گروه عمده تقسیم بندی نموده است: فعالیت‌های ضروری کارکردی، فعالیت‌های گزینشی تفریحی و فعالیت‌های اجتماعی، اولدنبورگ در کتاب خود مکان خیلی خوب: کافه‌ها، کافی شاپ‌ها، فروشگاه‌های کتاب، بارها، سالن‌های آرایش و سایر پاتوق‌ها در قلب یک اجتماع این نظریه مرکزی را طرح می‌نماید که زندگی روزانه برای آسوده و رضایت بخش بودن باید تعادلش را در سه قلمرو تجربه‌ای؛ سکونتی، کاری و اجتماعی پیدا نماید. او با تبیین اصطلاح مکان سوم برفضاهای عمومی شهری و نقشی که با نزدیک شدن مکان‌های اول و دوم) قلمروهای خانه و کار) به یکدیگر می‌توانند به عنوان عامل اصلی هویت بخشی به یک شهر ایفا نمایند، تأکید می‌نماید. اولدنبورگ بحث می‌کند که از آنجا که انتظارات از خانواده و کار در ورای گنجایش آن نهادها برای برآورده شدن آنها گسترش یافته است مردم به آزادکردن و تحرکی را که قلمروهای اجتماعی تر می‌توانند فراهم کنند، نیاز دارند (Carmona, ۲۰۰۳, ۱۱۲).

در سال ۱۹۷۱ مقاله‌ای تحت عنوان پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی رویکرد CPTED، می‌باشد که توسط ری جفری منتشر شد. این رویکرد یک پیشنهاد روش شناسی طراحی است که بر اساس آن با به کارگیری طراحی مناسب و هدفمند محیط انسان‌ساخت، معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ترس از جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند (کوزنس، ۲۰۰۸، ۶). در واقع هدف نظریه پیشگیری از جرم از طریق، طراحی محیطی، مشخص کردن شرایط کالبدی و محیط اجتماعی است که امکان و تسریع در ارتکاب جرم را فراهم می‌کند. همچنین هدف آن تغییر شرایط برای جلوگیری از اتفاق جرم است. از این جهت که هدف آن پیشگیری از ارتکاب عمل مجرمانه است (رابینسون، ۱۹۹۶، ۱۲).

مشارکت اجتماعی به عنوان واقعیتهای اجتماعی ریشه در زندگی اجتماعی انسان داشته، فرایندی است که با گذشت زمان دگرگون شده است. ایده مشارکت در مفهوم خود از مباحث مربوط به دموکراسی مایه می‌گیرد که خود دارای سابقه دیرینه‌ای است. در دوره‌های جدید با توجه به نقشی که برای عاملیت انسانی در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی قایل می‌شوند، مشارکت در اشکال اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و حتی روانی مورد توجه سیاستگذاران اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته است (موسوی، ۱۳۸۵، ۷۶).

اینگلههارت^۱ که نوسازی اجتماعی و فرهنگی را در غرب مطالعه نموده است، افزایش مشارکت در کشورهای غربی را با سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی که تاکید کمتر بر نیازهای آنی طبیعی داشته و بر حق ابراز نظر تاکید بیشتری می‌ورزند، تبیین کرده است. به نظر این صاحب نظر متغیرهای تحصیلات رسمی، موقعیت اجتماعی - اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات، مهارت‌های ارتباطی، تجربه‌های شغلی، شبکه‌های سازمانی در وظایف اجتماع و سیاسی بر افزایش مشارکت تاثیر داشته اند (اینگلههارت، ۱۳۷۳).

^۱ Ingelhart

اوکلی و مارسدن از مشارکت اجتماعی سه تفسیر ارائه داده‌اند:

شرکت داوطلبانه مردم در برنامه‌های عمومی

برانگیختن احساسات مردم و افزایش درک و توان شهروندی

دخالت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، اجرا و سهیم شدن عامه مردم در منافع (گلابی و اخشیريال
۱۴۵،۱۳۹۴)

لیپست^۲ از دیگر نظریه پردازان نوسازی است که در مدل خود می‌کوشد بر اساس متغیرهای اجتماعی، پدیده مشارکت یا عدم مشارکت گروه‌های مختلف را در پویای اجتماعی تبیین کند. وی معتقد است در کلیه کشورها میزان مشارکت در فرایندهای اجتماعی در میان مردان، گروه‌های تحصیل کرده، متاهلان، شهرنشینان، افراد میانسال و نیز افراد دارای منزلت و همچنین اعضای سازمان‌ها، احزاب، سندیکاها و شوراها بیشتر است (ازکیا و غفاری، ۵۲، ۱۳۸۰).

*استس (۲۰۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان روند توسعه اجتماعی در خاورمیانه، ۱۹۷۰-۱۹۷۷: جستجو برای مدرنیته؛ می‌گوید ملت‌های خاورمیانه به پیچ تاریخی‌ای رسیده‌اند. سیستم‌های سیاسی و اقتصادی کهنه، رقابت‌های قومی رقت انگیز، شعله‌ور شدن جنگ‌های درون منطقه‌ای، گسترش بنیادگرایی بسیاری از کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه را از فرایند تحول آفرین که توسعه کشورهای جهان را شکل می‌دهد دور نگه داشته است. در واقع این تصور به وجود آمده است که هیچ معجزه‌ی توسعه‌ای در خاورمیانه رخ نمی‌دهد و تا حد بسیاری کشورهای این منطقه در پی در حاشیه ماندن از مدرنیته هستند. با این حال اگر کشورهای خاورمیانه بخواهند در قرن ۲۱ رشد یابند باید خود را با واقعیت‌های پیچیده‌ی گسترش جهانی شدن و بین‌المللی شدن بازسازی کنند. استس در این مقاله به بررسی موفقیت‌ها و شکست‌های ۲۲ کشور خاورمیانه بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۷ پرداخته است. همچنین رهبران اجتماعی منطقه، کشورهای کمتر توسعه یافته از نظر اجتماعی و کشورهای با عملکرد متوسط را شناسایی می‌کنند. عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مرتبط با طبقه بندی توسعه‌ی کشورها نیز مورد شناسایی قرار داده است.

^۲ Lipset

*متیو کرمونا (۲۰۰۳)، در کتابی با عنوان مکان‌های عمومی و فضاهای شهری، ۶ وجه مختلف را برای کیفیت محیط شهری بیان می‌کند. ۱. مؤلفه کالبدی، ۲. مؤلفه ادراکی، ۳. مؤلفه اجتماعی، ۴. مؤلفه بصری، ۵. مؤلفه عملکردی، ۶. مؤلفه زمانی.

* سوآرئس (۲۰۰۴)، در پژوهشی به بررسی رابطه نرخ جرم و توسعه اقتصادی با استفاده از اسناد رسمی در سراسر کشورها پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان داد بین میزان جرم و توسعه کشورها رابطه مستقیم وجود دارد؛ و وجود نابرابری در کشورها از جمله عوامل تأثیرگذار در وقوع جرائم بوده است.

*ساموئل مارتین و فردریک مائورا (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان امنیت شهری، جلوگیری از خشونت و جنایت به تشویق راه رفتن در اماکن عمومی در کشورهای در حال توسعه (OECD) بیان کردند که آسیب پذیرترین کاربران فضای عمومی در شهرها پیاده هستند، و رانندگان و کاربران حمل و نقل عمومی توسط کابین موتر از خود محافظت می‌کنند. در حال حاضر امنیت یک مسئله بسیار پیچیده است و عابر پیاده به بسیاری از عوامل موثر امنیت بسیار حساس می‌باشد از جمله، چارچوب قانونی در جرم و جنایت و خرابکاری، نظارت و حضور پلیس، ویژگی‌های اجتماعی از منطقه (حس مکان، روابط اجتماعی و ادغام، همبستگی، و غیره)، تاسیسات شهری (روشنایی، مبلمان و طراحی پوشش گیاهی و محل) و ویژگی‌های شهری (تراکم، توزیع زمین، طرح خیابان، و غیره) آنها در مقاله خود در گزارشی استراتژیک و عملیاتی مربوط به مسائل امنیتی شهری تشویق به راه رفتن در اماکن عمومی پرداختند.

*جین جیکوبز (۲۰۰۹)، کتابی با عنوان حیات و مرگ شهرهای بزرگ امریکا نوشته که در آن به بررسی، فضاهای عمومی شهری و آمار پائین جرم و جنایت در محیط‌های محلی که تعاملات اجتماعی قابل توجهی دارند پرداخته است.

*چوا و وونگ (۲۰۱۰)، در مقاله‌ای با عنوان توسعه اجتماعی هنگ کنگ؛ مسائل مربوط به توسعه تعیین شده توسط شاخص اجتماعی (SDI)، بیان می‌کنند که هنگ کنگ پس از پشت سر گذاشتن بحران مالی و شیوع بیماری سارس در سال ۲۰۰۳ رشد اقتصادی قابل توجهی داشته است. با این حال همچنان که شاخص‌های توسعه اجتماعی نشان می‌دهد، رشد اقتصادی بهره‌ی قابل توجهی را نصیب مردم شهر نکرده است؛ به طوری که می‌بینیم شاخص‌های توسعه اجتماعی مثل انسجام، امنیت،

عدالت و توانمندسازی به مراتب فرسایش یافته است. این محققان با تشریح وضعیت توسعه اجتماعی هنگ کنگ نشان می‌دهند که این کشور با چالش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بزرگی روبه‌رو شده است. بر اساس یافته‌ها، طیف وسیعی از گزینه‌های سیاسی برای پیشبرد رویکردی متعادل‌تر برای توسعه اجتماعی و اقتصادی ارائه شده است. این مقاله نمونه‌ی بسیار خوبی از استفاده از تحقیقات شاخص‌های اجتماعی مانند SDI در ارزیابی کیفیت زندگی و کمک به طرح‌های برنامه‌ریزی اجتماعی مرتبط با آن در جوامع آسیایی از جمله هنگ کنگ است.

*ان.دمپسی و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهشی با موضوع کلید توسعه شهری پایدار در شهرهای بریتانیا، تأثیر تراکم بر پایداری اجتماعی اظهار داشتند که تراکم بالای مسکونی یکی از عناصر مهم مفهوم شهر فشرده در کنار کاربری مختلط زمین است. این پژوهش به بررسی رابطه بین عناصر فرم شهری از جمله تراکم و پایداری شهری پرداخت و به طور خاص اشاره به رابطه بین تراکم و جنبه‌های پایداری اجتماعی، عدالت اجتماعی (به عنوان مثال دسترسی به خدمات و امکانات) و عدالت محیطی (به عنوان مثال دسترسی به استفاده از فضای باز و سبز) و پایداری جامعه (شامل ایمنی، تعاملات اجتماعی و پایداری جامعه) شد. محققین در پایان پژوهش با توجه به یافته‌های تجربی نتیجه گرفتند، که محله‌های متراکم احتمال بیشتری برای دسترسی خوب به امکانات و خدمات دارند، محله‌های متراکم احتمال بیشتری برای دسترسی کم به فضای سبز دارند، ساکنان در محلات متراکم احتمال ناامنی در آن بیشتر است، در محلات متراکم تعاملات اجتماعی کمتری رخ می‌دهد.

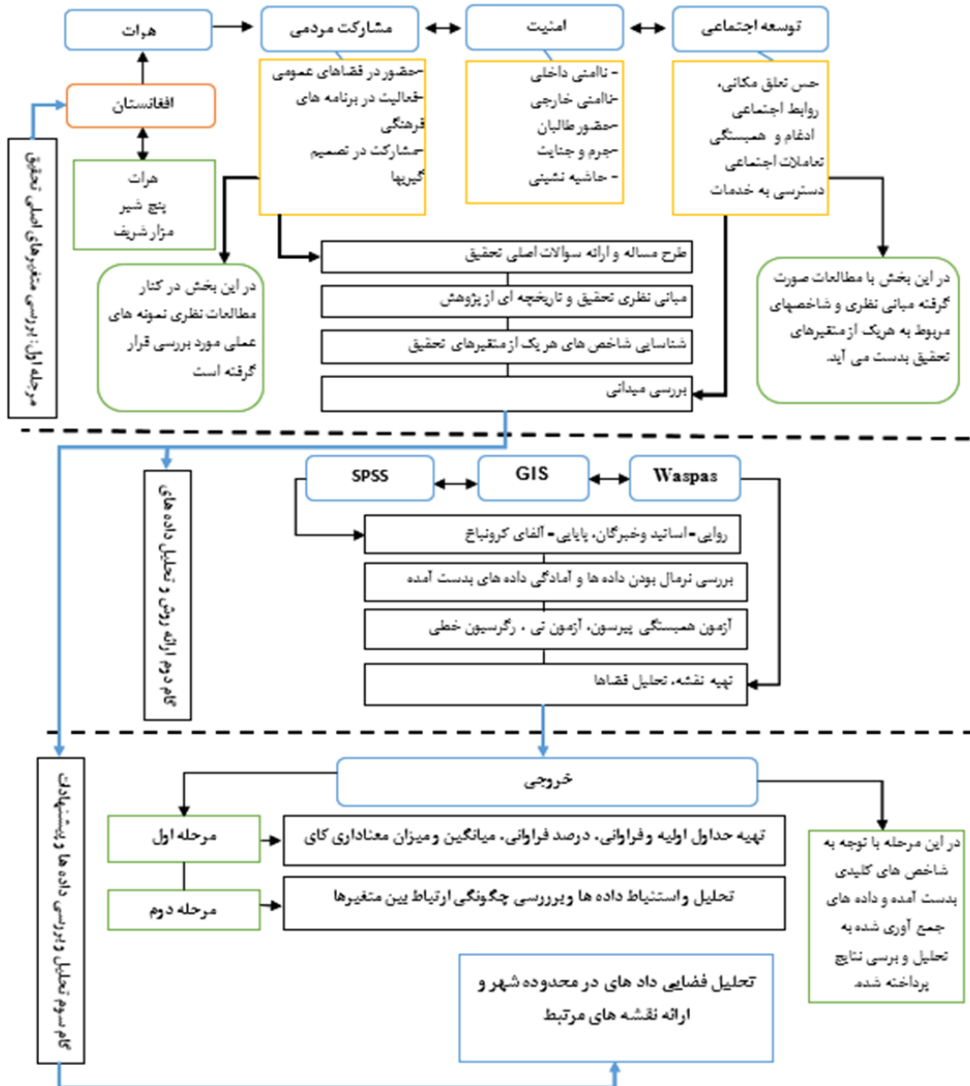
*شاگتر، ژنگ، هولرز (۲۰۱۴)، در مطالعه‌ای تحت عنوان تأثیر ساختار دولتی در مشارکت؛ مطالعه موردی: شهرداری‌های نیو جرسی به آنالیز و تحلیل انجمن‌های مشارکتی در سه ساختار دولت محلی: شورای شهرداری، شورای مدیر، شورای ایالت پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد شهردار شورا بیش از دولت سطوح بالاتری در پیشنهاد انجمن‌های جدید مشارکت دارند. همچنین محققان به نقش بسیار مهم یک مدیر رایبی در این ساختار برای آرایه تسهیلات برای فرصت‌های بزرگ برای شهروندان در مشارکت معتقد هستند. در دو دهه گذشته دولت شروع به استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به پیشنهاد انجمن‌های جدید برای مشارکت هر چه بیشتر شهروندان کرده است.

با توجه به جمیع مطالعات صورت گرفته به خوبی ضرورت توجه به مساله مشارکت شهروندان و نقش و جایگاه آن در توسعه و امنیت شهرها بر همگان هویدا می‌گردد. این امر باعث گردیده که توجه به

این مساله نیز در شهر هرات (به عنوان یکی از مهمترین شهرهای افغانستان) مورد توجه مسئولین مربوطه واقع گردیده و به دنبال رویکردهای لازم برای بالابردن سطح مشارکت شهروندان در امور مختلف شهر باشند. این در حالی است که رسیدن به این هدف نیازمند مطالعات عمیق و گسترده در این راستا می‌باشد در حالی که عدم وجود مطالعات لازم در این ارتباط خلع تئوریک قابل توجهی را در این ارتباط به دنبال داشته و این امر باعث گردیده که مسئولین امر در رسیدن به اهداف خود با مشکل مواجه گردند. در این ارتباط این تحقیق به منظور رفع بخش محدودی از این کمبود تهیه و تنظیم و نهایتاً به مراجع ذیصلاح ارائه گردیده است تا اقدامی حداقلی در این ارتباط صورت گیرد.

الگوی انجام تحقیق

با توجه به جمیع داده های بدست آمده می توان به بررسی و مطالعه موضوع تحقیق در قالب الگوی زیر پرداخت.



نمودار ۱: مراحل اجرایی تحقیق

خلاصه فصل

توجه به مشارکت مردمی در توسعه و امنیت شهری نقشی مهم و برجسته در جهان کنونی دارد. در این ارتباط در ضرورت توجه به این مساله و اهمیت این موضوع در شهر هرات در این فصل مورد توجه قرار گرفته است و متناسب با این امر طرح مساله لازم تهیه و سوالات مربوطه تنظیم گردیده است. در کنار این امر توجهی به پیشینه برخی از تحقیقاتی که به مساله مشارکت و نقش آن در توسعه و امنیت شهرها نیز پرداخته شده تا این باور حاصل گردد که ضرورت توجه به این موضوع برای توسعه شهرهای آتی نقشی مهم و برجسته خواهد داشت و در نتیجه اهمیت این موضوع برای شهر هرات نیز مهم و قابل توجه می‌باشد.

فصل دوم

مبانی نظری تحقیق

مقدمه

از جمله پدیده‌هایی که در عصر تحولات سیاسی- اجتماعی در جهان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته پدیده امنیت و مشارکت شهروندان می‌باشد. ارائه نظریه‌ها و گفتمان‌های روزافزون از سوی جامعه‌شناسان، فیلسوفان سیاسی و حقوقدانان، در زمینه مشارکت و امنیت، نشان‌دهنده نیاز دنیای مدرن امروز، به ساز کار چگونگی اجرای مشارکت و گسترش امنیت در سطح جوامع است. به طوری که مسائل جوامع و راه‌های کاهش مشکلات شهروندان، آگاهی از حقوق شهروندان و توجه به تهیه شیوه‌های تعمیم آن، خود از موضوعات مهم در سیاستگذاری اجتماعی، انتظامی و ... تلقی می‌شود. به علاوه مسائل مربوط به مشارکت، امنیت و توسعه شهری دارای زمینه‌ها و ابعاد مختلفی است که توجه به آن می‌تواند موجبات کاهش پاره‌ای از چالش‌ها و مشکلات شهروندی گردد که در حال حاضر متوجه نهادهای متولی امور شهری است. (به‌دین و دیگران، ۱۳۸۸). یکی از این چالش‌ها مساله ایجاد و حفظ امنیت و جلوگیری از خدشه دار شدن آنها می‌باشد. چرا که توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای منوط به داشتن شهروندانیست که ایمن از هر گونه احساس عدم آسایش و امنیت بوده و کلیه حقوق اساسی مبرهن آنها (از جمله امنیت) توسط نظام حاکم بر جامعه حفظ شود. بر این اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت که یکی از مولفه‌های توسعه شهری، امنیت و مشارکت اجتماعی است.

یکی از ابعاد مهم توسعه، امنیت و مشارکت اجتماعی می‌باشد که ناظر بر امنیت شهروندان در شبکه تعاملات فرد، دولت و جامعه می‌باشد. ایجاد امنیت اجتماعی و حفظ آن در سطح جامعه در جهت تأمین و تضمین حقوق شهروندی افراد از جمله کارکردهای دولت‌ها می‌باشد که توسط سازمان‌های انتظامی در کشورهای مختلف انجام می‌گیرد. آنچه مسلم است این است که استقرار نظم و تأمین امنیت عمومی و بالا بردن ضریب احساس امنیت در شهروندان، با مشارکت شهروندان و با برنامه ریزی و اقدامات اندیشمندانه مبتنی بر قانون و تضمین حقوق شهروندی امکان پذیر خواهد بود و این امر زمینه توسعه شهری را افزایش میدهد. (به‌دین و دیگران، ۱۳۸۸). از طرفی مدیران و برنامه ریزان شهری باید بتوانند فضاهای شهری را، به عنوان بسترهای زندگی و فعالیت شهروندان، با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های سنی و اجتماعی و جنسی، محیطی امن و سالم، پایدار و جذاب

برای همه افراد طراحی و فراهم سازند (حکیمی و رضایی پور، ۱۳۹۴) و از این طریق پاسخگوی نیازهای گوناگون اقشار مختلف جوامع شهری امروزی باشند.

در نتیجه با توجه به موارد فوق در باب ضرورت پرداختن به این مقوله، هدف این پژوهش بررسی مفاهیم مشارکت اجتماعی شهروندان از یک سو و امنیت از سوی دیگر می‌باشد که زمینه شکل‌گیری توسعه شهری را به دنبال خواهد داشت.

تعریف مشارکت

مشارکت یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات علمی و مدیریتی است و با توجه به زمینه علمی آن، تعاریف گوناگونی از آن به عمل آمده است. مشارکت در جامعه محلی یعنی فرایند بکارگیری توانمندیهای فردی یا گروهی ذینفعان برای دستیابی به یک هدف گروهی که در این فرایند، رفتار آگاهانه، خواست جمعی، پذیرش جمعی، انتخاب و وجوه نیازهای مشترک اهمیت دارند. (شفیعی، ۱۳۸۶). در لغتنامه دهخدا مشارکت به معنای «شرکت کردن» تعریف شده است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد نیز مشارکت یا (participation) را به عنوان «عمل یا واقعیت شرکت کردن در امور می‌باشد و به معنی بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن است» (رهنا، ۱۳۷۷: ۱۱۵). مشارکت فرایند درگیر شدن کلیه گروه‌های مردم در همه مراحل توسعه جهت ظهور توانایی‌ها، قابلیت‌ها و در نتیجه رشد و تعالی آنهاست. (رضویان، ۱۳۸۱).

کراتر و همکاران مشارکت را این‌گونه تعریف می‌کنند: واژه مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع به منظور خاص می‌باشد. مشارکت به معنای به کارگیری منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است (کراتر و همکاران، ۲۰۰۰). «اولکی» که گرایش خاص به ابعاد کاربردی مفهوم مشارکت دارد معتقد است که مشارکت عبارت از حساس سازی مردم و در نهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخگویی به برنامه‌های توسعه از طریق درگیر کردن آنان با تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها بر اساس تلاش‌های سازمان یافته است (سارتس، ۲۰۰۲).

برخی از صاحب نظران مدیریت تعریف زیر را برای مشارکت ارائه نموده اند. «مشارکت درگیری ذهنی، عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند» (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۱۵). در دایره المعارف برنامه‌ریزی شهری مشارکت عمومی اینگونه تعریف شده است: «مشارکت عمومی در

شهرسازی ابزاری است که به وسیله آن اعضای جامعه قادر می‌شوند تا در تدوین سیاست‌ها و طرح‌هایی که بر روی محیط زندگی آن‌ها مؤثر هستند شرکت کنند (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۵). در همین ارتباط، دنیل . اچ. استروپ در کتاب "توسعه در سازماندهی شهرداری" اشاره داشته که دیدگاه‌های فلسفی مربوط به مشارکت مردمی را می‌توان در قالب چهار نظریه زیر بررسی کرد:

۱- نظریه همراه ساختن: همراه ساختن ظاهری مردم در امر مشارکت جهت جلوگیری از ایجاد موانع حداقلی و متوسط آن‌ها در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شهری در آینده (مرادی، ۱۳۸۰: ۲۲۰).

۲- نظریه مشورتی: این نظریه به این مساله اشاره دارد که ارزش‌هایی که از سوی برنامه ریزان و سیاست‌گذاران در زمینه منافع عموم مطرح می‌گردد، اصولاً ارزش‌هایی است که به طبقه متوسط تعلق داشته و نمی‌تواند جوابگوی نیازهای اقتصاد پایین جامعه باشد. این نظریه بر سه روند تأکید دارد: الف) اطلاع‌رسانی به ساکنین در مورد گزینه‌های موجود؛ ب) اخذ نظرات شهروندان؛ ج) لحاظ نمودن افکار جامعه در طرح و یا برنامه نهایی.

۳- نظریه درمان آموزشی- اجتماعی یا مدل یادگیری اجتماعی: آنچه اساس این نظریه را تشکیل می‌دهد را باید در ابعاد دموکراسی جستجو نمود. در این ارتباط ارتقاء وضعیت شهروندان از طریق آموزش و تربیت شهروندان مسئول در امور شهر را اساس همت خود قرار داده است. به عبارت دیگر دخالت مردم در سرنوشت خودشان (در محله) باعث بهبود وضع آنان خواهد شد این مدل را «مدل یادگیری اجتماعی» نیز می‌نامند. از مبتکرین و بزرگان این نظریه می‌توان به جان فریدمن اشاره داشت که مبر این باور بود که باید بین برنامه ریزان به عنوان وکلای مردم و مردم به عنوان موکلین فاصله‌ها حذف شوند (Andrews & Herschel, ۱۹۹۷: ۳۵).

۴- نظریه قدرت جامعه: این نظریه به طور کلی به صورت رادیکال مطرح شده و با نظریه‌های دیگر متفاوت است. دارای دو رویکرد می‌باشد: رویکرد اول می‌باید در مردمی‌تر بودن هرچه بیشتر حکومت‌های محلی از طریق جای دادن افراد محلی در هیأت‌های سیاست‌گذاری مستقل در مناطق کم درآمد از طریق ایجاد سازمان‌های همسایگی اقدامات لازم صورت گیرد (حناجی، ۱۳۷۹: ۸۵-۸۴). رویکرد دوم با هدف افزایش کنترل شهروندان سعی در ایجاد پایگاه قدرت سیاسی دارد. در واقع، مشارکت شهروندی در امور توسعه شهری حداقل دارای شش سطح است: مشارکت شهری خودجوش، فعال،

منفعل (مانند حضور فیزیکی شهروندان)، کارکردی، غیرموثر (مانند حضور مردم در نهادهای بدون حق رأی) و مشورتی (معصومی، ۱۳۹۰: ۳۲ و ۳۱).

از مشارکت تعاریف متعددی از نظر نوع نگرش شده است. گروهی مشارکت را وسیله ای برای رسیدن به هدف می دانند گروهی نیز آن را وسیله ای برای رشد آگاهیهای اجتماعی و تشویق پیشگامی در فعالیت‌های محلی به شمار می آید و هدف آن است که ساختار تصمیم گیری محلی باید مداخله ی شهروندان را در موضوعاتی که مستقیماً با نیازهای آنان مرتبط است، تشویق و تسهیل کند. گروه دیگر مشارکت را هدف میدانند. از این دیدگاه، مشارکت مجموعه روشها و فرآیندها، نگرش‌ها و فعالیت‌هایی اطلاق میشود که منجر به افزایش توانایی‌های شهروندان میشود و آنها را در کنترل عوامل تأثیرگذار بر محیط زندگی یاری میکند. در واقع، مشارکت عبارت است از فرآیند توانایی مستمر، با ثبات و پایدار به منظور شناسایی و تحلیل مشکلات، تنظیم کردن و ارایه راه‌حل‌ها، تحرک منابع و به کارگیری آنها در همه سطوح نیازهای توسعه، تا مردم بتوانند بر فرآیندهایی که بر زندگی آنها تأثیر میگذارد نظارت و کنترل داشته باشند. (peris et al., ۲۰۱۱: ۸۵) آمارتیا سن، مشارکت را قدرت و توانایی مردم برای دگرگونی واقعیت از طریق تغییرات اجتماعی می‌داند. (Sen, ۱۹۹۹: ۸۶)

به طور خلاصه مشارکت مردم عبارت است از: فرایند و حق اساسی است که در طی آن مردم عاقلانه و با آگاهی، اراده و رغبت در زمینه امری خاص گوشه ای از مسئولیت را به طور گروهی می پذیرند و سعی در ارضای نیازهای روحی و روانی فردی و گروهی خود در همیاری جهت رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده دارند، که این امر بر اساس نیازهای واقعی اولویت بندی شده با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت‌ها جهت یافتن هویت فردی و جمعی در جامعه صورت می‌گیرد (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

در این بین ضرورت توجه به مساله مشارکت در مسائل مربوط به توسعه شهری و امنیت اجتماعی امری ضروری و قابل تامل می‌باشد. رسیدن به این مهم بدون توجه به زیرساختهای تئوریک و مبنایی میسر نمی‌گردد. در این بین یکی از مهمترین زیرساخت‌های شکل گیری مشارکت و به تبع آن تأثیرگذاری آن بر مساله توسعه و امنیت اجتماعی ضرورت توجه به شهروندان به عنوان اساس و پایه شکل گیری یک ملت در گام نخست و ضرورت توجه به ابعاد اجتماعی و امنیتی مشارکت و نقش آن در پویایی و توسعه یک جامعه در گام بعدی باید به عنوان مبانی اولیه و مهم در توجه به توسعه مورد

تاکید قرار گیرد. با توجه به این ضرورت‌های در ادامه به بررسی هر یک از این ابعاد و مولفه‌ها پرداخته خواهد شد.

انواع مشارکت از لحاظ موضوع

به لحاظ تقسیم‌بندی می‌توان مفهوم مشارکت را از ابعاد مختلفی مورد توجه و بررسی قرار داد که در این ارتباط یکی از مهمترین تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته در این را می‌توان تقسیم‌بندی بر اساس موضوع در نظر داشت. اما باید توجه داشت که تفکیک دقیق آن‌ها به دلیل در هم تنیدگی، هم پوشی و مکمل یکدیگر واقع شدن امکان پذیر نیست و معمولاً یا به صورت عام از مشارکت بحث می‌شود و یا به صورت ترکیبی که بر این اساس می‌توان به مشارکت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، روانی و اقتصادی و مانند آن اشاره داشت.

مشارکت اجتماعی

برای تعریف این مفهوم باید ابتدا حوزه اجتماعی را توصیف کرد و آن را از دیگر حوزه‌ها تمیز داد. زیرا معنای مشارکت اجتماعی اساساً در کلمه دوم آن یعنی اجتماعی نهفته است. مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیردولتی دارند. با این رویکرد سیاست‌های اجتماعی، مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف را به عنوان یکی از مهمترین اهداف خود در نظر می‌گیرد (غفاری، ۱۴۷: ۱۳۸۰). مشارکت می‌تواند دارای لایه‌های مختلفی باشد از جمله: مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها مشارکت در عمل و اجرا و مشارکت در سطح نظارت. انجمن‌های داوطلبانه مهم‌ترین عرصه شکل‌گیری و سامان‌دهی فعالیت‌های مشارکتی در جامعه محسوب می‌گردند از این منظر، مشارکت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با جامعه مدنی دارد. از دیدگاه چلبی انجمن‌های داوطلبانه نوعی بسترسازی مناسب برای مشارکت اجتماعی را فراهم می‌آورند. یک طرف تشکل‌های مشارکتی با جلب همکاری افراد، زمینه اتصال هرچه بیشتر آن‌ها به جامعه را فراهم آورده و مشارکت فردی در امور اجتماعی را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر با بسط شبکه‌های اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه کمک می‌کنند. (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۹۰).

مشارکت اجتماعی از یک سو به عنوان کنش تحت تأثیر هنجارهای بیرونی و از سویی دیگر متأثر از حالات فکری، اعتقادی و احساسی درونی و ارتباط میان آنها است که به صورت عوامل مشروط کننده و کنترل کننده نظام شخصیت در تعامل افراد با جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. در وقوع یک کنش اجتماعی، منفعت طلبی، جمع گرایی و کسب رضایت از عوامل اصلی به شمار می‌روند که متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه هستند (روشه، ۱۳۷۴). در نظریه های کنش اجتماعی با تفکیک مشارکت به دو بخش ذهنی و رفتاری، مشارکت به عنوان یک رفتار انسانی از رفتارهای بازتابی متمایز شده چرا که افراد برای رفتار خود معنای ذهنی مشخصی قائلند (رتیز، ۱۳۷۳: ۳). مشارکت اجتماعی ریشه در ساخت و روابط گروهی در سطوح محلی و ملی دارد و در نهایت مبتنی بر یک فرایند است. فرایندی که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار می‌شود. (محسین، جاراللهی، ص ۱۲). از آثار و برکات مشارکت اجتماعی اینست که مردمان اهل مشارکت با مشارکت خود این پیام را می‌دهند که نسبت به سرنوشت خود بی تفاوت نیستند بلکه حساس اند و مسئولیت خود را در کنش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پذیرفته‌اند.

مشارکت از دیدگاه نظریه پردازان علوم اجتماعی

نظریه پردازان حوزه مشارکت معتقدند، مشارکت شهروند واقعی نه تنها به اخذ تصمیمات بهتر می‌انجامد بلکه علاوه بر این به ثبات اجتماعی، ایجاد حس شهروندی، توسعه تصمیم‌گیری گروهی و ایجاد حس احترام و پذیرش نسبت به تصمیمات اخذ شده منجر می‌گردد. (callahan, ۲۰۰۷: ۱۱۷۹). از بعد جامعه‌شناختی، مشارکت به معنی تعلق فرد به گروه و سهمی که در آن دارد، تلقی می‌گردد و همچنین به معنی شرکت فعالانه در گروه در جهت به ثمر رسانیدن یک فعالیت اجتماعی است. آلن بیرو می‌گوید: «مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. به همین دلیل از دیدگاه جامعه‌شناسی باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد. (بیرو، ۱۳۸۰: ۲۵۷).

از منظر نظام مندی و کارکردی، مشارکت را «سازوکاری برای بقاء توسعه و تعالی نظام اجتماعی دانسته‌اند. که توسعه یافتن ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادینه کردن آن به انقراض نظام اجتماعی و سقوط سیاسی آن می‌انجامد.» (مردوخی، ۱۳۷۳: ۱۷۱). پیتراولکی برای تعریف مشارکت به بیان سه تفسیر درخصوص مشارکت می‌پردازد که عبارتند از: «مشارکت به عنوان سهم داشتن،

سازماندهی و توانمندسازی (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۶۹) سالیما عمر در تعریف مشارکت بر تأثیر نظام ارزشی جامعه در تعیین هدف تأکید می‌کند و می‌گوید: «فرایند مشارکت، مداخله و کنترل مردم، بیشتر به تعیین آنچه از دیدگاه خود مردم یک زندگی بهتر را تشکیل می‌دهد منجر خواهد شد. در این صورت تصمیم‌های مربوط به اینکه چه چیزی یک زندگی بهتر را می‌سازد پیش از آنکه با آنچه مردم، مقدس و مهم می‌شمارند منافات داشته باشد، نظام ارزشی آنان را منعکس می‌کند.» (کمالی و شادی طلب، ۱۳۸۱: ۲۷).

مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی یکی از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است و یکی از اساسی‌ترین صورت‌های روابط اجتماعی بوده و به عنوان یکی از محورهای موضوعی در جامعه‌شناسی تلقی شده است. دایره‌المعارف‌های بین‌المللی علوم اجتماعی مشارکت سیاسی را فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخابات رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی تعریف کرده‌اند. (مصفاری ۱۳۷۵: ۱۹).

مشارکت در حوزه سیاسی برابر با کسب قدرت تعریف شده که توان دسترسی به منابع لازم برای حفظ معیشت و کنترل این منابع را امکان‌پذیر می‌سازد (اولکی، ۱۳۷۰). در جامعه‌شناسی شهری هم مشارکت را به عنوان وسیله‌ای برای تبدیل شهروندان بی‌تفاوت به شهروندان صاحب حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی میدانند (Faurks, ۲۰۰۰). حقی که منعکس‌کننده نقش فردی اعضای یک جامعه نسبت به یکدیگر است و با اجتماعی شدن انسان، مسئولیت او را افزایش داده و منجر به تعیین حد و حدود قانونی برای دستیابی به آن گردیده است (Macdonald, ۲۰۰۰). در مشارکت سیاسی فرد با اتخاذ تصمیماتی که عملاً مبتنی بر رأی‌گیری است در انتخابات مدیران شهری مشارکت می‌نماید. گاهی نیز مشارکت‌های سیاسی در قالب اعتراض و تحصن‌های گروهی شکل می‌گیرد که مدیران شهری مجبور به همراهی یا پذیرش خواسته‌های معترضین گردد. به نظر هانتیگتون مشارکت سیاسی عبارت است از؛ «فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم‌گیری سیاسی دولت. (هانتیگتون، ۱۳۷۳).

آنتونی‌گیدنز در بحث مشارکت سیاسی به مردم‌سالاری مشارکتی اشاره نموده و آن را نظامی می‌داند که در آن تصمیمات به طور جمعی توسط کسانی که این تصمیمات بر زندگی‌شان تأثیر گذار

است گرفته می‌شود. از طرفی اولوف پیترسون مشارکت سیاسی را به عنوان «تلاش هایی که با هدف تأثیرگذاری بر جامعه صورت می‌گیرد» تعریف می‌نماید. (تاج مزینانی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

مشارکت فرهنگی

مشارکت فرهنگی شرکت داوطلبانه افراد، گروه‌ها و سازمان‌های یک جامعه در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی برای گسترش توسعه پایدار، متوازن و همه‌جانبه فرهنگی آن جامعه است. (کوثری و نجاتی حیفی، ۱۳۷۹: ۲۲). مفهوم مشارکت فرهنگی از جمله جوان‌ترین مفاهیمی به شمار می‌رود که خاستگاه آن را می‌توان در دهه ۱۹۶۰ یعنی، دوره رواج ایدئولوژی و همچنین سیاست‌های دموکراتیک سازی فرهنگی ارجاع داد. مشارکت فرهنگی بهره‌مندی و بهره‌گیری عموم مردم از مجموع کالاها، تجهیزات، اشیاء و محتوای فرهنگی را امکان‌پذیر می‌سازد. عوامل متعددی می‌تواند مشارکت مردم به ویژه جوانان را به عنوان سرمایه‌های انسانی در فعالیت‌های فرهنگی تحت تأثیر قرار دهد. بدیهی است برای بررسی این عوامل به آگاهی از شیوه‌های رفتاری مردم، علاقه، نگرش و انگیزه آنان نسبت به فعالیت‌های فرهنگی و شناخت موانع و محدودیت‌های مشارکت فرهنگی نیاز است. فعالیت‌های فرهنگی، فعالیت‌هایی هستند که اعضاء یک جامعه از طریق آن استعدادهای خود را توسعه و شخصیت خود را گسترش می‌دهند (رجب زاده، ۱۳۷۶: ص ۲).

در اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصلی وجود دارد که مقرر می‌دارد «هر فرد حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی جامعه شرکت کند، از هنرها برخوردار شود و در پیشرفت علم و مزایای آن سهیم باشد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۷۹: ص ۵۸). به عبارت دیگر، دستیابی تعداد هر چه بیشتر مردم به فرهنگ، ملاک اندازه‌گیری حیات مردم سالار است (موشتوری، ۱۳۸۶: ص ۲۸). نهایتاً اینکه در این نوع مشارکت، مردم در تولید فرهنگ و ارتقای آن در بین گروه‌ها دخالت می‌کنند. تقویت هنر مردمی، تسهیل و تعامل فرهنگی در جوامع چند فرهنگی و افزایش وفاق اجتماعی و تأثیر آن بر بالابردن امنیت در جوامع چند قومی از عرصه‌های مهم مشارکت فرهنگی می‌باشد (سعدی، ۱۳۸۲: ۱۱).

مشارکت اقتصادی

مشارکت اقتصادی با فرایند تولید و نظام‌های تولید رابطه تنگاتنگ دارد. تعاونی‌ها، سازمان یافته‌ترین اشکال مشارکت اقتصادی اند (سعدی، ۱۳۸۲: ۱۱). مشارکت اقتصادی بر تأثیرگذاری بر شیوه و پویای تولید، روابط حاکم بر این پویا و وسایل مادی تولید برای رفع نیازهای مادی و افزایش

تولید متمرکز است که در قالب مداخله و درگیر شدن افراد در نظام تصمیم‌گیری مربوط به تخصیص منابع اقتصادی و مشارکت در سیاست توسعه اقتصادی نمود پیدا می‌کند (غفاری، ۱۳۸۰: ۱۴۷). در کل می‌توان ادعا کرد که منظور از مشارکت اقتصادی، حضور آگاهانه و دواطلبانه اقشار مختلف مردم در جهت تولید، پس انداز سرمایه‌گذاری بیشتر و مطلوب‌تر، توزیع مناسب و عادلانه، مصرف عقلانی و بهینه از منابع مادی و طبیعی و کالاهای موردنیاز زندگی و صرفه‌جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی می‌باشد.

مشارکت روانی

این نوع مشارکت مورد تأکید روان‌شناسان اجتماعی است. دلالت بر نوعی درگیری ذهنی و عاطفی دارد که زمینه‌ساز ابتکارات جمعی است. مشارکت روانی در قالب ایجاد تغییر و دگرگونی در ذهنیت‌ها و شکستن عقاید نامناسب و شرکت در عمل جمعی مشترک عمل نموده و آمادگی روانی لازم را برای کنش جمعی را فراهم می‌سازد (غفاری، نیازی، ۱۳۸۶: ۶). از دیدگاه روان‌شناختی افزایش مشارکت در جامعه ناشی از تغییر در نگرش، افکار و شخصیت افراد است. به منظور بالا رفتن میزان مشارکت مردم در جامعه، ایجاد سلسله تغییرات مطلوبی در ساخت شخصیت آن‌ها الزامی است. در این دیدگاه، تأکید به الگوهای تغییر در سیستم اعتقادات و خصوصیات شخصیتی است. مردم باید از نظر روانی، انگیزه سبک موفقیت بیشتر را داشته باشند. از نظر انگلس (Engels) انسان مدرن، شهروندی مشارکت‌کننده، آگاه، مستقل، خودمختار و قابل انعطاف است و نسبت به انجام وظایف و کارها احساس مسئولیت کامل می‌کند (مجموعه مقالات، ۱۳۸۳: ۴۹۹).

مهم‌ترین نظریات مشارکت

نظریه‌های متعددی در زمینه مشارکت و مدیریت شهری مشارکتی از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به این سو مطرح گردیده است. ملاک انتخاب این نظریه‌ها، میزان نوآوری و خلاقیت و استحکام نظری و تأثیرگذاری بر نظریه‌های بعدی می‌باشد که در اینجا به آن‌ها اشاره می‌گردد.

نظریه مشارکتی شری ارنشتاین

در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، نقش مشارکت شهروندان در جوامع بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. ارنشتاین، مشارکت شهروندی را سهیم شدن شهروندان در تعیین اهداف و سیاست‌های مربوط به شهر، تخصیص منابع مالی شهر، اجرایی برنامه‌های شهری و نظارت آن‌ها می‌داند

(Arnstein, ۱۹۶۹: ۱۶). ارنشتاین مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت و در توضیح آن از نردبان مشارکت استفاده کرد. نردبان مشارکت ارنشتاین دارای پله های زیر است: (عدالت خواه، ۱۳۷۵: ۲۷)

جدول ۱: شاخص های مشارکت ارنشتاین

محروریت از مشارکت	مشارکت جزئی	قدرت شهروندان	مولفه ها
درمان	تسکین بخشیدن	اختیار شهروندان	شاخص ها
دستکاری و عوام فریبی	مشاوره	قدرت تفویض شده	
	اطلاع رسانی	شراکت	

نظریه مشارکتی جان ترنر

تحقیقات جان ترنر و دیگران نشان می دهد، هنگامی که دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت می کند هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی توان و امکانات لازم از دست می رود. وی با طبقه بندی اصولی انواع مشارکت در جدول معروف خود، کمک شایانی به شکل گیری نظریه مشارکت کرده است. در زیر خلاصه ای از نظریه وی به صورت جدول ارائه شده است (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۶۵).

جدول ۲: نظریه مشارکتی جان ترنر

حالت ها	وضعیت	نمونه
اول	دولت مقتدر، متمرکز و ثروتمند است. نیازی به مشارکت مردم احساس نمی‌کند.	اکثر کشورهای عربی
دوم	دولت مقتدر و متمرکز است ولی ثروتمند نیست. به زور یا به تشویق از مردم می‌خواهد در امور به طور رایگان مشارکت کنند یا با اهداء پول یاری برسانند.	برخی کشورهای اروپای شرقی
سوم	دولت تابع تصمیم‌گیری مردم در تمام اموری که مربوط به آن‌ها می‌شود است. دولت هزینه‌های عمرانی را از ثروت ملی می‌پردازد.	کشورهای اسکاندناوی
چهارم	دولت دخالتی در امور محلی ندارد. مردم از طریق ارگان‌های مردمی هم منابع مالی را تأمین می‌کند و هم امور را مدیریت می‌کنند.	شمال اروپا و آمریکای شمالی

نظریه‌های مشارکتی جیمز میجلی

میجلی بر اساس پاسخ دولت‌ها به مشارکت اقدام به دسته‌بندی نوع مشارکت نموده است. براین اساس وی چهار نوع متفاوت از مشارکت را به شرح زیر مرتب نموده است:

شیوه ضد مشارکتی

طرفداران این روش، معتقد به سرکوب مشارکت توده‌ها هستند. حکومت‌ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها و امور را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آن‌ها تعارض پیدا کند را به شهروندان نمی‌دهد.

شیوه مشارکت هدایت کننده

در این شیوه دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه های پنهانی، حمایت می کند در مجموع دولت ها با بهره گیری از شیوه های مشارکت هدایت شده اهداف زیر را دنبال می کند:

- استفاده ابزاری از مشارکت، برای اجرای طرح ها
- کنترل جنبش ها و اجتماعات محلی
- استفاده از جاذبه های مشارکت برای کسب مشروعیت سیاسی - اجتماعی

شیوه مشارکت فزاینده

در این شیوه دولت در برخورد با مشارکت به شکلی دوگانه عمل می کند. به این ترتیب که در موضع گیری های رسمی از آن حمایت می کند، اما عملاً در مسیر تحقق پیشنهادهای مشارکتی اقدام انجام نمی شود.

شیوه مشارکت واقعی

در این شیوه دولت ، به طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می کند و از طریق ایجاد ساز و کارهای برای ورود موثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه ها ، تلاش می کند. در این شیوه دولت متعهد به فعالیتهای مشارکتی از طریق آموزش و تقویت اجتماعات محلی و ... و هماهنگی در تصمیمات مرکزی و محله ای است.

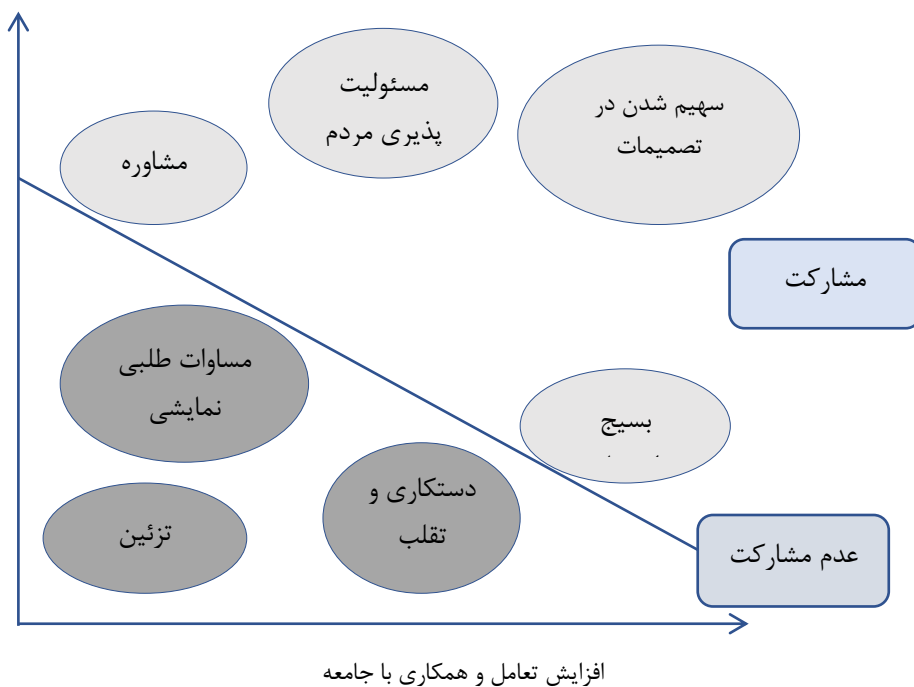
نظریه مشارکتی دیوید درسیکل

درسیکل در اثر خود با عنوان «شهرهایی بهتر همراه با کودکان و نوجوانان» معتقد است، مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است:

الف) توسعه، در وهله اول و پیش از همه باید به نفع ساکنان محلی باشد. ب) مردمی که در محدوده مورد برنامه ریزی زندگی می کنند، دقیق ترین اطلاعات را درباره آن محدوده دارند. ج) مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می پذیرند؛ سهم بیشتری برای مشارکت در تصمیم گیری دارند. از نظر درسیکل اشکال مختلفی از مشارکت وجود دارد که در دو دسته کلی تر «مشارکت» و «عدم مشارکت» جای می گیرد. درسیکل انواع مشارکت را در یک نمودار دو بعدی و برحسب میزان اختیار در تصمیم گیری به شکل زیر نشان می دهد. (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۲۳).

نمودار ۲: مدل دو بعدی رابطه میزان قدرت تصمیم‌گیری و افزایش تعامل و همکاری با جامعه

میزان قدرت تصمیم‌گیری



مشارکت شهروندی

رشد فزاینده شهرنشینی و گسترش روند شهرگرایی و پیچیده تر شدن نظام جامعه شهری از جمله عواملی هستند که ضرورت مشارکت شهروندان در مدیریت شهرها را بیش از پیش مورد توجه قرار داده است (۴۲۸: ۱۹۹۹، unpp). در واقع مشارکت شهروندان از پیش نیازهای اساسی برای موفقیت برنامه‌ها و به ثمر رسیدن تلاش‌های مدیران شهری است. با مشارکت شهروندان در اداره امور شهر می‌توان از توانایی‌های آن‌ها در جهت پیشبرد اهداف مدیریت شهری کمک گرفت و از سوی دیگر مشارکت، خود باعث توانمندسازی شهروندان می‌گردد. در این ارتباط پیرامون مفهوم مشارکت شهروندی تعاریف متعددی ارائه گردیده است. چرا که با مشخص شدن تعاریف مربوط به این مفهوم ابعاد عملکردی آن روشنتر خواهد گردید و زمینه توسعه مبانی مفهومی شهر را روشنتر می‌سازد. با توجه به این امر، گروهی مشارکت شهروندی را به مثابه شرکت فعال شهروندان در زمینه‌های

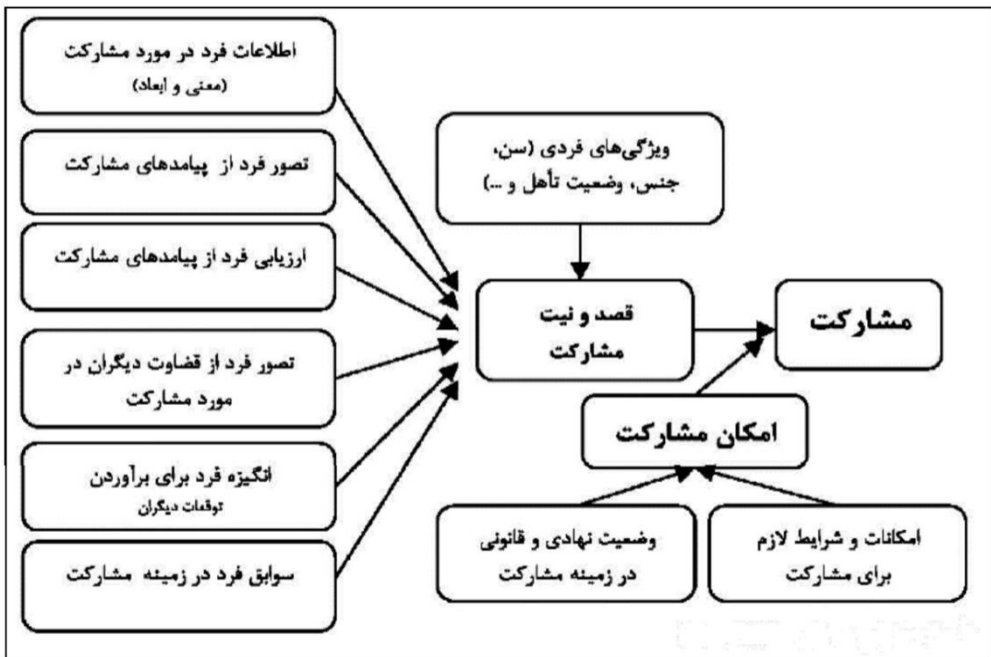
گوناگون حکمرانی و امور مربوط به اداره جامعه شهری معرفی می‌کند (Roberts, ۲۰۰۲۱, ۳۱۹). آرنستاین، مشارکت شهروندی را سهیم شدن شهروندان در تعیین اهداف و سیاست‌های مربوط به شهر، تخصیص منابع مالی شهر، اجرای برنامه‌های شهری و نظارت آن‌ها می‌داند. (Arnstein, ۱۹۶۹: ۱۶). رابرتس در تعریف خود بیشتر بر مشارکت شهروندی مستقیم تأکید می‌کند. مشارکت مستقیم به مشارکت بدون واسطه اطلاق می‌گردد که در آن شهروندان به صورت شخصی و فعالانه در روند اداره شهر سهیم می‌شوند. او مشارکت شهروندی را روندی می‌داند که در آن شهروندان عادی همراه با مقامات رسمی به اخذ تصمیمات مهم مربوط به شهر می‌پردازند (Roberts, ۲۰۰۴, ۳۱۹).

نظام مدیریت شهر مانند دیگر نهادها در تبادل و تعامل با جامعه و شهروندان معنا پیدا می‌کند. دخالت مردم در امور شهری از اصیل‌ترین شیوه‌های رشد ملی به شمار می‌رود، تجربه سودمند و شوق انگیز محلی در اداره امور جمعی رغبت مردم را برای پرداختن به کارهای بزرگ تر ملی تحریک می‌کند و آنان با تکیه بر نتایج سودمندی که از مشارکت محلی به دست آوردند. به مشارکت‌های بزرگ ملی راغب می‌گردند (طوسی، ۱۳۸۰: ۶). نقش شهروندان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای شهر و دستیابی به توسعه حائز اهمیت است و مشارکت شهروندی به مثابه یکی از مؤلفه‌های اساسی و لازم برای رسیدن به توسعه پایدار شهری در نظر گرفته می‌شود (portneg, ۲۰۰۵: ۵۸۳). از سوی دیگر نتایج تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که تصمیم‌سازی بدون در نظر گرفتن آراء شهروندان و دیدگاه‌های آنان، به ناکارآمدی تصمیمات اتخاذشده خواهد انجامید (kinget.al, ۱۹۹۸: ۳۱۹). با مشارکت شهروندان در اداره شهر، توزیع قدرت شکل تازه‌ای می‌یابد و شهروندان نقش بیشتری در اداره شهر ایفا خواهند نمود (van speier, ۲۰۰۹: ۱۵۶). در حقیقت بدون توزیع مجدد قدرت، مشارکت شهروندی ممکن نمی‌باشد و مشارکت در سطح ظاهری و صوری باقی می‌ماند (Arnstein, ۱۹۶۹: ۲۱۶). نظریه پردازان مشارکت اجتماعات محلی، معتقدند که مشارکت شهروندان در اداره امور خود هم حقیقت و هم ارزش است. نظریات امروزی تأکید می‌کنند که مشارکت شهروندان در اداره امور مربوط به خود، هم بارهای سنگینی از دوش دولت مرکزی بر می‌دارد و هم ضامن اجرای صحیح برنامه‌های ملی در سطوح منطقه‌ای و محلی گردیده و هم رضایت اجتماعات محلی را فراهم خواهد آورد (شوریابی، ۱۳۸۶: ۲). نهایتاً این که مشارکت

شهروندان را می‌توان وزنه‌ای قدرتمند در راستای پیشبرد اهداف حاکمیت در رسیدن به اهداف از پیش تعریف شده معرفی نمود.

در نظام سنتی مشارکت، کارگزاران شهری کنترل توانمندی شهروندان برای اثرگذاری بر موقعیت و فرآیندها را بر عهده دارند. این سیستم به مدیران شهری این اختیار را میدهد که با تولدایی و آگاهیهای خود، به طرح موضوع و اتخاذ تصمیم بپردازند. در واقع مدیران به جای شهروندان تصمیم میگیرند و به جای اینکه شهروندان موضوع را تعیین کنند، در برابر عمل انجام شده قرار گرفته و به نتایج عمل مجربان واکنش نشان داده و به قضاوت می پردازند. آرنشتین معتقد است که کارگزاران سیستم اداری فاقد دوراندیشی لازم و کافی هستند، در برابر ارایه اطلاعات مقاومت میکنند و برای اعمال نقش ساختارهای اداری، تکیه بر دانش فنی و تخصصی خود دارند. به این ترتیب شهروندان نقشی ندارند و به مداخله غیر مستقیم در طرحهای شهری محدود میگردند (دارابی، ۱۳۸۷: ۷۱۱).

جان ترنر از پیشگامان نظریه‌ی مشارکت مردمی، با توجه با دو عامل پشتیبان کننده (دولت) و استفاده کننده (شهروند) چهار رویکرد مشارکتی را به شرح زیر بیان می‌دارد که می‌تواند شهروندان را متأثر نماید (مطوف، ۱۳۸۳ و فلاحی، ۱۳۸۳: ۱۳).



۱- دولت تصمیم میگیرد- دولت میسازد (رایج در کشورهای قدرتمند و ثروتمند و کشورهای تک محصولی صادرکننده نفت)؛

۲- دولت تصمیم میگیرد- مردم میسازند (رایج در کشورهایی با دولت قدرتمند و نه ثروتمند)؛.

۳- مردم تصمیم میگیرند- دولت میسازد (رایج در کشورهای اسکاندیناوی)؛

۴- مردم تصمیم میگیرند- مردم میسازند (رایج در کشورهایی با شهروندانی فقیر نظیر هند).

مشارکت شهروندان در سطوح مختلف و درجات متفاوت تحقق می یابد، به عبارتی دیگر بین ورود به مشارکتی تشریفاتی و تصنعی و مشارکتی که نشانگر قدرت واقعی تأثیر در نتایج و فرآیند برنامه ریزیها است، تفاوت وجود دارد (۲۰۰۶: ۲۱، Arnesterins). مشارکت توسط یک فرد هنگامی صورت می پذیرد، که اولاً قصد و نیت او برای مشارکت مشخص شده و انگیزه کافی برای مشارکت داشته باشد (بعد ذهنی)؛ ثانیاً امکان مشارکت (بعد عینی) برای فرد خواهان مشارکت فراهم باشد (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۸).

مشارکت در برنامه ریزی فرآیندی از تحقیق و گفتمان است که از طریق آن عقاید خود را به متصدیان امور اعلام می دارند تا به این وسیله درکی چندجانبه از نیازهای خود به دست دهند. متصدیان از سوی دیگر علل و اثرات این نیازها را تجزیه و تحلیل می کنند و به تصمیمی مشترک و مؤثر دست می یابند (دارابی، ۱۳۸۷: ۷۵۴). از نگاه صاحب نظران، مشارکت شهروندان در روند توسعه از اعتبار زیادی برخوردار بوده و گاه آن را معادل توسعه میدانند. مشارکت، انسانهای ناتوان را به سوی توانمندیها هدایت میکند و توانمندیهای بالقوه ی آنان را به بالفعل تبدیل میکند. مشارکت، بهره گیری از کمک شهروندان در پاسخگویی به نیازهای آنها است. سلسله مراتب مشارکت به ترتیب توانمندسازی، همیاری، توافق/مصالحه، برخورد دوگانه، دیپلماسی، اطلاع رسانی، تبانی و خود مدیریت، می باشد (همان، ۷۵۵). نظریه پردازان، نظریه ی مشارکت (Participation) را توسعه داده و متحول کردند تا به نظریه شراکت (Partnership) رسیدند. براساس نظریه شراکت، محققین معتقدند که دولت و مردم باید مانند دو شریک دارای منافع مشترک و با حقوق و اختیارات معین در کلیه کارهای مربوط به توسعه و اداره ی امور ملی و محلی کشور دوشبهدوش یکدیگر و هماهنگ با یکدیگر، فعالیت کنند (مطوف، ۱۳۷۸: ۵۱). در جوامع توسعه نیافته مشارکت، صرفاً در اجرا مد نظر است و از این زاویه مسائل را مورد بررسی و ارزیابی قرار میدهند. این در حالی است که در کشور

های در حال توسعه این مساله بیشتر در سطح تئوریک وجود داشته و در ابعاد عملی جایگاه کم‌رنگ تری دارد.

شهروند و شهروندی

شهروند مفهومی است که اگرچه می‌توان ریشه‌های آن را در گذشته‌های دور و دوران اولیه‌ی اندیشه‌ی سیاسی در یونان باستان جست؛ اما اساساً مفهومی مربوط به اندیشه‌ی سیاسی مدرن است. شهروند از واژه‌ی لاتین سیویتاس مشتق شده است. این واژه در زبان لاتین تقریباً معادل کلمه‌ی پلیس در زبان یونانی است. پلیس یا شهر، تنها مجتمعی از ساکنین نیست؛ بلکه واحدی سیاسی و مستقل به شمار می‌آید. شهروند کسی است که به آن واحد سیاسی تعلق دارد و شرایط لازم را برای مشارکت در اداره‌ی عمومی در محدوده‌ی شهر داراست (نیازی و جعفرپور، ۱۳۹۵). همچنین شهروند در حقوق بین‌الملل، به معنی مصطلح آن، تنها فردی است طبیعی که در واحد سیاسی حکومت از حقوق کامل سیاسی و مدنی بهره‌مند باشد و در علوم اجتماعی، کسی است که از حقوق مدنی برخوردار است (جهانیان و حقوقی، ۱۳۹۱). بیشتر بحث‌های معاصر در مورد شهروندی مدیون کارهای تی. اچ. مارشال می‌باشند. مقاله «شهروندی و طبقه اجتماعی» او (۱۹۵۰) مبنایی را برای نظریه‌مدرن شهروندی فراهم کرد. وی شهروندی را به عنوان موقعیتی تعریف می‌کند که عضویت کامل در یک جامعه را در بر می‌گیرد (Garcia, ۱۹۹۶). به تعبیر آنتونی گیدنز نیز، شهروند عضو یک اجتماع سیاسی است که حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت دارد. وی حقوق مدنی را حقوقی قانونی برای همه شهروندان میدانند. در زبان فرانسه، اغلب شهروند در نقطه مقلبل رعیت به کار می‌رود. به تدریج، دولت-کشور جای دولت-شهر را گرفت و مفهوم شهروند به مفهوم دولت-کشور وابسته شد (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۶).

ظاهراً نخستین فرهنگ فارسی به فارسی که کلمه شهروند را تعریف کرده فرهنگ فارسی امروز است. در این فرهنگ شهروند چنین تعریف شده است: کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار شود. در فرهنگ علوم سیاسی نیز شهروند کسی است که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار می‌باشد. در فرهنگ‌های دو زبانه حیم و آریان پور، کلمه شهروند به معانی: بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت، شهرنشینی که از خدمت لشکری و شهرداری آزاد باشد، آمده است (جهانیان و حقوقی، ۱۳۹۱). در واقع، مفهوم شهروندی از سه بعد اصلی تشکیل شده است: اولین بعد این مفهوم بعد قانونی آن است که از طریق حقوق مدنی،

سیاسی و اجتماعی تعریف می‌شود. در اینجا شهروند فردی قانونی است که می‌تواند آزادانه و بر طبق قوانین رفتار کند و این حق را دارد تا مدعی حفظ حقوق خود باشد. اما این بدان معنی نیست که شهروند بتواند در قاعده و دستور سازی قوانین نیز مشارکت کند یا قوانین برای همه شهروندان یکنواخت باشد. دومین مفهوم شهروندی این است که شهروندان به عنوان نمایندگان سیاسی به صورت فعال در نهادهای سیاسی اجتماعی شرکت کنند. و سومین بعد از مفهوم شهروندی، شهروندی را عضوی از دیدگاه جامعه سیاسی می‌بیند (Cohen, ۱۹۹۹: ۲۰۳).

صفات شهروند

کانت، صفات زیر را ذاتی و تفکیک ناپذیر یک شهروند، محسوب می‌نماید: (محسنی، ۱۳۸۹)

- ۱- اختیار قانونی؛ شهروند از هیچ قانونی اطاعت نمی‌کند، مگر قانونی که خود با آن موافقت کرده است.
- ۲- تساوی مدنی؛ به معنی اینکه، شهروند با دیگران در وضعیت مساوی قرارداد و هر تجدیدی نسبت به حقوق او همانند دیگران است و هیچ تبعیض روا داشته نمی‌شود.
- ۳- استقلال مدنی؛ هستی و بقای شهروند در یک جامعه ناشی از گزینش افراد دیگر نیست، بلکه نتیجه حقوق و استعدادهای خاص خود او به عنوان عضو جامعه مشترک المنافع است.

مؤلفه های شهروندی

صاحب نظران، با توجه به نوع نگاه خود، مؤلفه‌هایی را برای شهروندی مطرح می‌کنند. که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

جدول ۳: مؤلفه‌های شهروندی

صاحب نظران	مؤلفه ها
منکلر	احساس تعهد، احساس برابری، کنجکاو و ترقی طلبی، اطاعت از قانون، توجه به نفع عمومی، مشارکت و...
توماس دی	مشارکت، تعاون، همکاری و دانایی محوری
می هویی لیو	آراستگی شخصی، دانش محوری محلی - ملی و جهانی، سخت کوشی، وطن دوستی، تبعیت از قانون، نوع دوستی، مشارکت و فالکس مسئولیت پذیری، بسط ارتباطات انسانی، کل نگر، احترام به اصول اخلاقی
سامرز	توجه به نفع عمومی، مشارکت در زمینه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، درک نیازها و نگرش های دیگران، رفتار متعهدانه و...

منبع: محسنی، ۱۳۸۹

حقوق شهروندی در جهان

ایده شهروندی به طور جدی برای نخستین بار با نقد شهروندی قرون وسطی و با برگشت به تجربه روم و یونان باستان، در دوره رنسانس مطرح شد و در سال ۱۷۸۹ میلادی در جریان انقلاب فرانسه اعلامیه ای نوشته و به طور رسمی از عبارت حقوق شهروندی نام برده شد. (قربان زاده و شاکری، ۱۳۹۴). اما می‌توان گفت تکوین و توسعه پدیده شهروندی به طور کلی دارای یک پیشینه تاریخی بلندمدت (از دولت شهر آتن در یونان باستان تا امپراتوری روم باستان و قرون وسطی در غرب) و یک پیشینه تاریخی کوتاه مدت (از رنسانس تا عصر روشنگری در سده ۱۸ و دوران تاریخی معاصر در سده ۲۰) است. که نقاط عطف آن سده چهارم، دوره رنسانس و انقلاب فرانسه می باشد. (شیانی و دالوند، ۱۳۹۰). در تحول تاریخی، می توان ظهور شهروندی را در بین النهرین و در تمدن سومر یافت. پس از آن شهروندی در پولیس آتن دوباره روید و برای اولین بار

در آتن مردم سالاری مستقیم تجربه شد. با ظهور دموکراسی در دولت شهرهای یونان، شهروندی به معنای برخورداری از حقوق و وظایف و مشارکت سیاسی فعال مطرح شد. (شیانی و دالوند، ۱۳۹۰) اولین فیلسوف و متفکر سیاسی که به مفهوم شهروند در تئوریهای سیاسی پرداخت، افلاطون بود. افلاطون در کتاب جمهوری که در آن الگوی ابرشهر (مدینه فاضله) را به دست داد، شهروندان را یکی از محورهای اصلی تأسیس دولت و حکومت مطلوب قرار می دهد. (علیدوستی، ۱۳۸۸) از نظر ارسطونیز یک فرد زمانی شهروند قلمداد می شد که می توانست به طور چرخشی و نوبتی در حکم رانند و اطاعت کردن سهیم باشد. در دولت شهرهای دموکراتیک یونان، فقط مردان آزاد متولد همان جا شهروند محسوب می شدند و زنان، بردگان، کودکان و خارجیان ساکن آن جا شهروند به حساب نمی آمدند. بنابراین، مفهوم شهروندی در یونان قدیم، نموداری از دموکراسی است که در معیارهای فعلی عنوان دیکتاتوری اقلیت به خود می گیرد. با گسترش امپراتوری روم، اولین نشانه های شکل گیری شهروندی با منشأهای فرهنگی متفاوت آغاز شد. حق شهروندی به بیگانگان شکست خورده و اقبشار پایین به عنوان سربازان ذخیره و گروه های آماده دفاع از مرزهای امپراتوری اعطا شد. در این جا شهروندی به جای تکیه بر مشارکت فعال در ایجاد و اجرای قانون، بر حمایت برابر در سایه قانون تأکید داشت.

نکته مهم در مورد تاریخ شهروندی این است که اولین تجلی شهروند به عنوان یک موضوع حقوقی همراه با حقوق مدنی و خصوصی در روم به نمایش گذاشته شد. این امر موجب شد که راه برای پذیرش خارجیان باز شود و مبنایی برای اصل عام گرایی در حقوق شهروندی ایجاد شود. (شیانی و دالوند، ۱۳۹۰). طی هزاره قرون وسطی و توأم با شکل گیری فرماسیون فئودالیزم، رعیت به جای شهروند جلوه گر شد و نظام ارباب رعیتی به جای نظام شهروندی نشست. در این دوره، شهروند به کسی اطلاق می شد که ساکن شهر یا شهرستان بود و پایگاه او بر اساس عضویتش در یکی از سازمان های جامعه مدنی مانند انجمن ها، اتحادیه ها و جمعیت ها تأمین می شد. در این دوره، عده ای از فرزندان فئودال ها به شوالیه گری روی آوردند و شیوه جدیدی از زندگی را برگزیدند که در آن اقتصاد مبتنی بر تجارت بود. این گروه، بورژوا نامیده شدند. رشد طبقه متوسط، فراغتی برای آنان فراهم کرد که علاوه بر کار یدی به کار فکری نیز بپردازند. به مرور زمان طبقه جدیدی به نام انتلکتوئل از میان آنان پا به عرصه نهاد. این ها دریافتند قوانین موجود تنها حقوق فئودال ها را به رسمیت می شناسد و دیگران تنها مکلف و تابع دستورات آنان اند. طبقه جدید شهری استدلال می

کرد، حال که از موقعیت رعیت به موقعیت شهروند تغییر جایگاه داده اند، قوانین هم باید تغییر کرده و بر اساس وضعیت جدید آنان را صاحب حق کند. بدین گونه بود که واژه ای با عنوان حقوق شهروندی شکل گرفت. پس از آن و همراه با رشد دوباره حیات شهر در دوره رنسانس، شاهد احیاء دلبستگی به اندیشه جمهوری خواهی یونان باستان و روم هستیم. از مشهورترین متفکران این دوره منتسکیو بود. او در کتاب روح القوانين استدلال می کند که دولت مبتنی بر مشارکت مردمی، جهت ثبات و پایداری نیاز به فضیلت مدنی شهروندانش دارد. در این مرحله قوانینی که بر حقوق شهروندی تکیه داشت، بیشتر جنبه واکنش به حق یکطرفه ارباب کلیسا و پاپ بود و به دنبال تصویب قوانین جهان شمول نبود. نقطه عطف شهروندی مدرن، انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه است که در آن دولت و ملت با هم ترکیب و ملت دولت شکل گرفت. در این دوره قلمرو شهروندی به وسیله مرزهای میان دولت ها تعیین می شد و عنصر محوری شهروندی حقوق بود که صرفاً به گروه های ممتاز اعطا نمی شد، بلکه در بستر ملت دولت به همه مردم تعلق می گرفت. (شیانی و دالوند، ۱۳۹۰) نهایتاً اصطلاح حقوق شهروندی (در مفهوم جدید) اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۸۹ میلادی در فرانسه مطرح شد که پس از تصویب در صدر قانون اساسی سپتامبر ۱۷۹۱ میلادی قرار گرفت. (علیدوستی و دیگران، ۱۳۹۵) این اعلامیه ادعا کرد که حقوق طبیعی و غیر مشمول مرور زمان انسان، « آزادی، مالکیت، امنیت و مقاومت در برابر ظلم و ستم » بوده است (Isin & Turner, ۲۰۰۷). اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز که در سال ۱۹۴۸ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به امضای کشورها رسید در بسیاری از مواد خود از محتوای اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه الهام گرفته است. (دوستی و دیگران، ۱۳۹۵).

در پایان می توان چنین نتیجه گرفت که پس از قرون وسطی و در قرن هجدهم میلادی مراد از حقوق شهروندی بیشتر حقوق مدنی و به ویژه حق آزادی بیان، محاکمات منصفانه و دسترسی برابر به نظام قضایی بود. در قرن هجدهم، مفهوم شهروندی مترادف با مجموعه ای از حقوق و تکالیف بود که رابطه میان دولت های ملی و یکایک شهروندان آن را معین می کرد. اما در قرن بیستم به تدریج مفهوم حقوق اجتماعی جای خود را به حقوق شهروندی داد. (قربان زاده و شاکری، ۱۳۹۴) همچنین به دلیل تبادل سریع اطلاعات و بالا رفتن میزان آگاهی جهانیان نسبت به حقوق خود در سده اخیر، توجه به حقوق شهروندی از مرزهای اروپا فراتر رفته و در قوانین داخلی کشورها و نیز

منشورها و معاهدات بین المللی مانند منشور حقوق سیاسی و مدنی وارد شده است. (علیدوستی
۱۳۸۸)

نظریات شهروندی و حقوق شهروندی

در مجموع دو برداشت و مکتب به طور کلی در خصوص شهروندی وجود دارد، یکی مفهوم فردگرایی -لیبرال و دیگری مفهوم جمهوری خواهی -مدنی می باشد.

فردگرایی -لیبرال: جریان فکری است که از هابز به بعد بر تفکر انگلیسی -آمریکایی غلبه یافته است. در این تفکیک، شهروندی به عنوان موقعیت در نظر گرفته شده که باید خواسته شود، به دست آید، و حفظ شهروند بودن یعنی برخورداری از حقوق امنیت فردی، آزادی بیان، حق رأی و مانند آن ... (دوستی و دیگران، ۱۳۹۵)

این مکتب اعتقاد دارد اصالت با فرد است، پس فرد موجودی عقلانی و آزاد در انتخاب شیوه زندگی خود به شمار می رود و دولت نیز در این میان نقشی بی طرف دارد؛ بنابراین، شهروندی باید بر مبنای حقوق باشد. هرچند این مسئله به معنی فراموش کردن وظایف نیست، بلکه نشان می‌دهد حقوق بنیادی ترند. (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۶)

جمهوری خواهی - مدنی : در مکتب جمهوری خواهی تعهدات و وظایف نقش محوری ایفا می‌کنند. اولین تلاش منظم نظری در این سنت فکری مربوط به ارسطو است. به عقیده وی، شهروندان افرادی هستند که به طور چرخشی در زندگی مدنی و شهری در حکم راندن سهیم اند. در این نظام حکومتی، شهروندان توانایی آگاهی از ویژگی‌های یکدیگر را دارند، نکته شایان توجه در بحث ارسطو این است که شهروند صاحب حقوق، حق دارد برای کسب حاکمیت تلاش کند و بپذیرد دیگران نیز حق دارند برای تصرف و حاکمیت و جانشینی او بکوشند. (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۶) برعکس مفهوم لیبرالی، جمهوری خواهی در حالی که اهمیت حقوق را انکار نمی کند وزن بیشتری به ایده شهروند فعال می دهد که از طریق گفت و گوی سیاسی با دیگران در تکوین جهت گیری آینده اجتماع خود مشارکت می کند. اینجا شهروندی نقشی است که شهروند به عنوان عضو کامل اجتماع بازی می کند. برای شهروند بودن باید در یک مسیر معین اندیشید و عمل کرد، یک شهروند باید از میزان معینی از آنچه که در سنت جمهوری گرایانه قدیمی به مزیت عمومی مرسوم است برخوردار باشد. (دوستی و دیگران، ۱۳۹۵)

شهروندی جمهوری گرایانه دارای چهار جزء اصلی است که دو جزء آن با برداشت لیبرالی مشترک است:

اول اینکه: شهروند جمهوری گرا مطمئناً از یک مجموعه حقوق برخوردار است که هم به منظور نیل به اهداف و مقاصد خصوصی و هم ایفای نقش عمومی لازم و ضروری است؛

دوم اینکه: همراه و ملازم با این حقوق، مجموعه تکالیفی نیز وجود دارد. حقوق و تکالیف مهم هستند اما از منظر جمهوری گرایانه، شهروندی بیشتر متضمن تعهدها است؛

سوم اینکه: شهروندی متضمن تمایل به گام برداشتن فعال در جهت دفاع از حقوق سایر اعضای جامعه سیاسی است و به طور کلی تر بر تقویت و ارتقای منافع مشترک جامعه سیاسی گام برمی دارد (التزام به کمک نه اختیار).

چهارم اینکه: شهروندی جمهوری گرا نقش فعالی در صحنه های رسمی ایفا می کند. مشارکت سیاسی صرفاً به منظور نظارت بر زیاده روی حکومت یا به منظور تقویت منافع بخش خصوصی انجام نمی گیرد. بلکه به عنوان راهکاری جهت بیان تعهدها نسبت به اجتماع صورت می گیرد (هزار جریبی و امانیان، ۱۳۹۰).

دو جزء اول شهروندی جمهوری گرایانه با شهروندی لیبرال مشترک است یعنی اول وجود حقوق و دوم التزام به تکالیف. اما بحث در بین این دو نوع شهروندی در درجهٔ تقدم حقوق و تکالیف است. شهروندی لیبرال حقوق را مقدم می شمرد و شهروندی جمهوری خواهانه تکالیف را. اما دو جزء دیگر یعنی دفاع از حقوق سایر اعضای جامعه و مشارکت سیاسی فعال مختص شهروندی جمهوری گرا است. فرد شهروند مسئول حقوق دیگران نیز هست و نمیتواند بی تفاوت به حقوق دیگران باشد. در مجموع شهروندی لیبرال و جمهوری گرایانه هر کدام معایب و مزایایی دارند. (هزار جریبی و امانیان، ۱۳۹۰) بر این اساس شهروندی جمهوری گرایانه به این دلیل که درصدد خلق شهروندان فعال است قابل تحسین است و شهروندی لیبرال دقیقاً به این دلیل که شهروندان را از فعالیت بازمی دارد، قابل نقد می باشد. در ادامه، در این زمینه به مفهوم مذکور و روند آن از نگاه صاحب نظران مختلف پرداخته می شود.

پارسونز: از نظر پارسونز یک شهروندی کامل به دور از هر گونه تبعیض اجتماعی به معنی برخورداری همه ی اقشار و گروه های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است. بنابراین، آگاهی از حقوق شهروندی نیازمند تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت های مناسب و باز تولید ارزشهای عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است. مهمترین مسأله ی مورد توجه پارسونز گروه هایی است که از امتیازات شهروندی

محروماند. به عنوان مثال او این پرسش را مطرح می‌کند که چه چیزی مانع بهره‌مندی سیاهان از مزایای شهروندی کامل شده است؟ و در پاسخ به این سؤال به نقش اندیشه توجه می‌کند و موضوع ارزشهای فرهنگی را پیش میکشد (هزار جریبی و امانیان، ۱۳۹۰). به نظر او گروه‌هایی که همچنان بر ارزشهای کهن خود تأکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند درکی از حقوق و امتیازات شهروندی نخواهد داشت. بنابراین، افرادی که دارای نگرش‌های خاص گرایانه هستند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند. در این میان آموزش نقش مهمی را در جامعه پذیری یکپارچه و گسترده‌ی افراد و ارائه‌ی نگرش‌های عام‌گرایانه ایفا می‌کند تا به تبع آن زمینه، آگاهی افراد از حقوق و به تبع آن از وظایفشان، فراهم شود. (حاج زاده و منصور، ۱۳۹۲)

تی اچ مارشال: حقوق شهروندی تی اچ مارشال با الهام از اندیشه‌های ماکس وبر و تالکوت پارسونز نظریه‌ای در رابطه با شهروندی در جوامع دموکراتیک مطرح می‌سازد. (دوستی و دیگران، ۱۳۹۵) وی در این رابطه سه عنصر تشکیل دهنده حقوق شهروندی را معرفی می‌نماید:

۱- «عنصر مدنی از حقوق لازم برای آزادی فردی، آزادی بیان، تفکر و ایمان، حق مالکیت و انعقاد قرارداد معتبر و حق برخورداری از عدالت تشکیل شده است.» مارشال این مجموعه حقوق را با دادگاه‌های قانون و حقوقی مرتبط می‌کند.

۲- «منظور از عناصر سیاسی این است که حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی را، به عنوان عضوی از یک بدنه دارای قدرت سیاسی یا به عنوان یک رای دهنده از چنین بدنه‌ای، داشته باشیم.» نهاد‌های مربوطه در این مورد مجلس و نهادهای محلی هستند. این یک موضوع بحث‌انگیز در نظریه مارشال است. بر اساس نظر برخی از نویسندگان، تمایز واضح و مشخصی بین حقوق سیاسی و مدنی وجود ندارد. برابری شهروندی سیاسی مارشال با گسترش مشارکت سیاسی، توسط همه منتقدانش به اشتراک گذاشته نشده است.

۳- «منظور از عناصر اجتماعی کل محدوده از حق بر رفاه اقتصادی و امنیت اندک تا حق به اشتراک گذاشتن کامل در میراث اجتماعی و داشتن یک زندگی متمدن با توجه به استانداردهای غالب در جامعه است.» نهادهای مرتبط با این حقوق، نظام آموزشی و خدمات اجتماعی هستند. (Marchetti, ۲۰۱۴). مارشال در نظریه خود اصول و تعامل میان شهروندی و طبقه اجتماعی را در جامعه‌ای با نظام سرمایه‌داری به عنوان نظامی پویا مطرح می‌سازد که در آن برخورد مداوم میان شهروندی و طبقات اجتماعی تعیین‌کننده زندگی سیاسی و اجتماعی است. بدین صورت که

فرایند تضمین حقوق اجتماعی و شهروندی موجب فرسایش تفاوت های طبقاتی می شود و مساوات طبلی شهروندی را تقویت می نماید. در عین حال تهدید امتیاز طبقاتی واکنش دفاعی را بر می انگیزد و طبقه مسلط از نظر اقتصاد ی، از موقعیت خود در برابر بسط و گسترش حقوق اجتماعی دفاع می کند. (نوروزی و گل پرور، ۱۳۹۰).

برایون ترنر: ترنر (۱۹۸۲) یک مفهوم شهروندی را در قالب وسیع و احتمالاً ابتکاری پیشنهاد می دهد. او نه تنها درباره مجموعه ای از حقوق و تعهدات (تعریف قانونی) سخن می گوید، بلکه بر ایده شیوه هایی " که یک فرد را به عنوان یک عضو صالح از جامعه تعریف می کند ، و به همین دلیل جریان منابع برای اشخاص و گروه های اجتماعی را شکل می دهد" ، تاکید می نماید. (Marchetti , ۲۰۱۴). بنابراین او ضمن نقد نظریه مارشال، الگوی جدیدی در خصوص شهروندی مطرح می کند . از نظر ترنر، مارشال از حقوق شهروندی بسیار مهمی غفلت کرده است .به عقیده وی حقوق اقتصادی و فرهنگی اهمیت زیادی دارد و در واقع شهروندی اجتماعی، رفاهی و سیاسی متکی بر شهروندی اقتصادی و فرهنگی است.همین امر منشأ بی توجهی مارشال به تفاوت زبانی، نژادی و مذهبی شده است.مارشال تنها به تفاوت های طبقاتی توجه کرده است و بر این اساس جمع بندی نموده که شهروندی میتواند به مثابه حلقه واصل همه طبقات اجتماعی و ارزش مشترک همه شهروندان تلقی شود . (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰). انتقاد ترنر از مارشال و حقوقی که برای شهروندی مطرح کرده است این نکته را روشن می کند که وجود تفاوت های فرهنگی و نژادی و حتی جنسی امکان بروز تفاوت در دسترسی به حقوق شهروندی را امکان پذیر می سازد. ترنر در الگوی جامعه شناختی از شهروندی چهار منبع اساسی یعنی شهروندی، هویت، جماعت و منابع (اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) را در تعامل با یکدیگر می داند و این چهار مؤلفه در روند متقابل با شهر متعالی می باشند. (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰)

هابرماس: هابرماس معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی – سیاسی و شکلگیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است .تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام عیار جامعه خود می گردند .در جامعه مدنی تصمیم گیری ها از طریق فرآیند های جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن ها و گروه های مدنی صورت می گیرد .کار این نهادها و گروه ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند .بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی میداند و آن را به گونه های

مختلف تحلیل کرده است. به زعم هابرماس، حقوق شهروندی تنها در نظام حقوقی مدرن قابل شناسایی است و هسته اصلی نظام حقوقی مدرن فرد می‌سازد. از طرفی شهروندان نیز باید به مشارکت فعال در جامعه بپردازد. (حاج زاده و منصوری، ۱۳۹۲).

مارکس: مارکس با زیربنا قرار دادن اقتصاد و تأثیر آن بر نقش‌های اقتصادی افراد، جامعه را با دو طبقه حاکم و زبردست مشخص می‌کند و عرصه‌ی جامعه را عرصه‌ی مبارزه‌ی همیشگی این دو طبقه دانسته و عنوان می‌کند طبقات اجتماعی بازیگران واقعی در فرایند تاریخ بوده و تحولات ملی و محلی صرفاً جنبه‌ای از این فرایند به شمار می‌آید. مارکس جامعه‌ی مدنی را همان بورژوازی میدانند که عرصه‌ی مبتنی بر بازار و مالکیت خصوصی است، اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروندی نیز صورت ظاهری برای پنهان کردن واقعیت و نقابی بر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است. به زعم مارکس شهروندی انقیاد اقتصادی - اجتماعی و عملی محرومان است که باید اصلاح شود. بر این اساس افرادی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و از طرفی از حقوق شهروندی برخوردار نیستند، لذا باید با آموزش شهروندان و آگاه کردن آنان از حقوق شان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه گام برداشت. طبقه کارگر با آگاهی از جایگاه خود با هم متحد شده و با انقلاب سوسیالیستی به سرنگونی نظام سرمایه‌داری به عنوان مانع احقاق حقوق شان می‌پردازند. (حکیمی و رضایی پور، ۱۳۹۴)

اریش یانگ: اریش یانگ به طرح مفهوم شهروندی متمایز می‌پردازد. برای اینکه شهروندی، فراگیر شود، باید یک سیاست تفاوتی به رسمیت شناخته شود و هویت‌های گروهی در نهادهای تصمیم‌گیری جامعه وارد شوند. شهروندی مدنظر یانگ بر حسب چهار بعد شهروندی یعنی - بستر، گستره، محتوا و عمق - گسترده‌تر از شهروندی لیبرال‌ها است. محتوای شهروندی باید بر حقوق گروه تأکید کند و نه بر حقوق افراد - بستر شهروندی نه یک جامعه همگون، بلکه جامعه‌ای است که به جای سعی در غلبه بر تفاوت‌ها، آنها را پاس می‌دارد و در نهایت، شهروندی یانگ، نه یک شهروندی سطحی، بلکه عمیق است؛ زیرا ریشه در هویت‌هایی دارد که فرد را می‌سازد. (دوستی و دیگران، ۱۳۹۵).

ژانوسکی: ژانوسکی چهار نوع حقوق شهروندی را از هم متمایز می‌کند:

- حقوق قانونی شامل حق برای قرارداد بستن، آزادی بیان، آزادی مذهب، حقوق مالکیت و خدمات
- حقوق سیاسی شامل: حق رای، حق تشکیل حزب سیاسی، حق اعتراض، جنبش و...

- حقوق اجتماعی شامل حق آموزش، مستمری، غرامت بیکاری و...
- حقوق مشارکت شامل حقوق مداخله در بازار کار، امنیت شغلی، خدمات ایجاد شغل و ... (کلدی و پوردهناد، ۱۳۹۱).

کاستلز: کاستلز سه رویکرد اساسی برای شهروندی و حقوق مربوط به آن قائل است که دارای ویژگی‌ها و مفروضات متفاوتی هستند. این رویکردها عبارتند از: (دوستی و دیگران، ۱۳۹۵).
الف) رویکرد حذفی متفاوت: رویکرد حذفی متفاوت، برخورد‌های متفاوتی را با شهروندان گوناگون به کار می‌گیرد. بر اساس این رویکرد، شهروندان می‌توانند به برخی از حوزه‌ها و قلمروهای اجتماعی دسترسی داشته باشند و یا با اکثریت قلمروهای اجتماعی منطبق و هماهنگ باشند در حالی که از حق برخورداری از سایر قلمروها و مزایا محروم هستند. این رویکرد شهروندی همچنین در مورد جوامعی که شهروندان طبقه بندی می‌شوند و به درجات و دسته‌های گوناگون تقسیم بندی می‌شوند نیز مصداق دارد. به موجب این رویکرد برخی شهروندان از مزایای بسیاری برخوردارند و برخی دیگر نیز از بسیاری از مزایا و امکانات اجتماعی محروم‌اند. مکانیزم حذف می‌تواند از طریق راه کارهای قانونی و یا از طریق اقدامات و فعالیت‌های غیررسمی صورت پذیرد.

ب) رویکرد جذب یا همانند سازی: رویکرد جذب یا همانند سازی طرفدار سیاست تلفیق نسل نوجوان و جوان با افراد تازه وارد به یک جامعه از طریق فرآیند سازگاری و انطباق یک طرفه می‌باشد. در برخی از موارد مفهوم جذب با همانندسازی و مفهوم تلفیق یا در هم تنیده شدن در جای هم به کار می‌رود ولی سازگاری مفهومی است که شکل تدریجی بیشتری دارد. بنابراین، جذب یا همانند سازی مطلب بدان معناست که فرد باید خود را از لحاظ فرهنگی، همانند و همساز غالب جامعه نماید.

پ) رویکرد تکثرگرایی؛ رویکرد تکثر گرایی دارای ویژگی بارز ارایه حقوق مساوی برای تمام افراد است. در این رویکرد تمام شهروندان از حقوق برابر برخوردارند و می‌توانند به تمام حوزه‌های اجتماعی دسترسی داشته باشند بدون آنکه از شهروندان انتظار رود که احساسات و تعلقات متفاوت و منابع خود را ترک نمایند. در این رویکرد، عضویت در جامعه مدنی در بر گیرنده مشارکت کامل در امور جامعه و دولت می‌باشد. بر اساس نظریه کاستلز، این رویکرد در کشورهای نظیر ایالات متحده آمریکا، کانادا و استرالیا مشاهده می‌شود، در عین حال، باید توجه داشت که حتی در رویکرد تکثر گرایی نیز محدودیت‌هایی در ارتباط با ارزش‌های بنیادی وجود دارد.

اما به طور خاص برای توضیح نسبت میان حقوق شهروندی و امنیت در جامعه میتوان نقطه عزیمت بحث را نظریه استوارت، لیستر و دونیسون قرارداد. این سه نظریه پرداز به ترتیب از چند مفهوم کلیدی استفاده کرده اند. این سه مفهوم کلیدی عبارت است از:

شهروندسازی توسط حکومت محلی (استوارت)، تحقق عملی حقوق شهروندی در سطح جامعه محلی و شهری (لیستر) و تحقق عدالت اجتماعی در سطح محلی (دونیسون). (چمی نجف آبادی، ۱۳۹۶).
استوارت: به نظر استوارت مهمترین وظیفه مقامات و حکومت های محلی که در راستای تقویت، بهبود اجتماع و امنیت کارآمد و مؤثر باید انجام گیرد شهروندسازی است. شهروندسازی یعنی فراهم نمودن امکانات، تسهیلات و سازوکارهای لازم برای شهروندان تا آنها از حقوق شهروندیشان بهره مند شوند و ضمناً بتوانند به نحوی مناسب وظایف و تکالیف شهروندیشان را در قبال جامعه محلی و شهری که در آن زندگی می کنند انجام دهند. به عقیده استوارت دولت های محلی در مقایسه با حکومت های مرکزی نقش فعال تری در ارتقا و ترغیب شهروندی و جلب مشارکتهای شهروندی در تحقق امنیت اجتماع دارند. (پورموسوی و امینی، ۱۳۹۲)

لیستر: لیستر نیز برآن است که شهروندسازی موردنظر استوارت می باید در راستای تحقق عینی و عملی حقوق شهروندی صورت گیرد و دولتهای محلی زمینه را برای برخورداری شهروندان از حقوق شهروندی موردنظر مارشال حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی شهروندی فراهم کنند؛ و در چنین شرایطی به تحقق امنیت اجتماعی فراگیر کمک می نمایند. (پورموسوی و امینی، ۱۳۹۲).

دونیسون: دونیسون نیز با تأکید بر تحقق عدالت اجتماعی در سطح محلی و شهری معتقد به ارتباط تنگاتنگ شهروندان و دولتهای محلی و شهری است و بران است که نقش حکومت های محلی و شهری تحقق عدالت اجتماعی در سطح محلی است و از این طریق به تحقق امنیت اجتماعی کمک می کنند. در کل این دیدگاه ها شهروندسازی در سطح محلی و شهری بر مؤلفه های کلیدی زیر تأکید دارند نقش دولت محلی در تثبیت حقوق شهروندی و امنیت اجتماعی و همچنین نقش دولت محلی در تعامل با مشارکت شهروندی، حمایت از شهروندان و برانگیختن زمینه مشارکت شهروندان در تحقق امنیت اجتماعی فراگیر و موردقبول همه جانبه اکثریت افراد جامعه. (پورموسوی و امینی، ۱۳۹۲).

درمجموع مطالعه مبانی نظری نشان می دهد که امنیت اجتماعی در جامعه با دو عنصر حقوق شهروندی از طریق احساس مسئولیت، اخلاق شهروندی و نیز عملکرد شهروندی و وظایف دولت

محلی با ایجاد عدالت در جامعه و فضای شهری امن و مناسب و همینطور رعایت انضباط اجتماعی تقویت میشود و در نهایت وجود چنین شرایطی به گسترش فضای مناسب امن و اخلاقی عمومی در جامعه کمک میکند. (چمی نجف آبادی، ۱۳۹۶).

رابطه مشارکت با توسعه شهری

امروزه به مشارکت به عنوان مؤلفه اساسی و تفکیک‌ناپذیر توسعه نگریسته می‌شود. یک جامعه توسعه‌نیافته، جامعه‌ای نامتعادل و ناپایدار نیز شناخته می‌شود و این در حالی است که جامعه پایدار، جامعه‌ای است که آحاد مردم در تعیین سرنوشت خویش، بیش‌تر دخالت داشته باشند که چنین جامعه‌ای توسعه یافته به شمار می‌رود. هر چه سطح مشارکت بالاتر باشد، جامعه از سطح دموکراسی بالاتری برخوردار است و دموکراسی بالاتر یعنی پایداری بیشتر و توسعه متعادل‌تر.

توسعه در معنای عام، فرایند تحولی پیچیده و همه‌جانبه و برنامه‌ریزی شده‌ای است که در زندگی اجتماعی- اقتصادی و سیاسی و فرهنگی یک جامعه رخ می‌دهد و آن را از وضع موجود به وضع مطلوب هدایت می‌کند. پذیرش مفهوم جدی توسعه و تلاش در جهت تحقق آن، قبول ویژگی‌های عصر عقلانیت و خردورزی است و در آن کنش منطقی و حسابگری و برنامه‌ریزی نهفته است. برای تنظیم روند هر نوع توسعه، لازم است که بین اهداف و وسایل دستیابی به آن‌ها هماهنگی ایجاد شود. و از تمامی منابع و امکانات طبیعی و انسانی بالقوه به‌صورت مطلوب و حساب شده بهره‌برداری شود و تمامی این منابع در ابعاد مختلف خود ارزش گذاشته شود.

توسعه شهری به عنوان یکی از ابعاد توسعه، با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه در ارتباط است که برای تحقق آن نیز شکل‌گیری و تقویت مشارکت مورد نیاز است. توسعه شهری عبارت است از ارتقای سطح زندگی افراد از ابعاد مختلف در جهت دستیابی همه شهروندان به زندگی بهتر است که لازمه تحقق آن، می‌تواند تقویت مشارکت مردمی باشد. مهم‌ترین بخش در توسعه شهری، شهروندان می‌باشند. هر چقدر هم که مدیران و برنامه‌ریزان پیشنهادات و برنامه‌های خود را جهت تحقق توسعه اعمال نمایند، مادامی که شهروندان و مردم مایل به همکاری نباشند، اهداف پایداری محقق خواهد شد. لذا در این راستا مشارکت آحاد مردم و شهروندان موردنیاز است. مشارکت شامل شفافیت، باز بودن فضای جامعه و چندصدایی بودن در حوزه عمومی جامعه است و نیازمند فضایی است که افراد بتوانند در تصمیم‌گیری‌هایی که در سرنوشت آن‌ها مؤثر است، تأثیرگذار باشند (بردی-آمرادنژاد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

فعالیتی و مکانی باشد. بررسی‌ها در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد که مؤلفه کلیدی در جهت دستیابی به چنین توسعه‌ای، درگیر ساختن شهروندان در مسائل و مشکلات حوزه‌های مختلف است (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۹). امروزه در کشورهای درحال توسعه مشارکت موضوعی نیست که در نظریه بررسی و تحلیل شود، بلکه در عمل معلوم شده است حل انبوه مسائل و مشکلات جامعه شهری و روستایی بدون مشارکت مردم میسر نیست (پاپلی یزدی و دیگران، ۱۳۸۲: ۳۳۵).

در دهه‌های اخیر توجه به پدیده مشارکت و تأکید بر نقش آن به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه تا حد بسیاری ناشی از تجربه شکست برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ می‌باشد. در بررسی برنامه‌ها، عدم بهره‌مندی از مشارکت مردم به عنوان عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه ارزیابی شده است. آنچه از جریان برنامه‌ریزی توسعه در دهه‌های گذشته برمی‌آید. بیانگر این امر است که این برنامه عمدتاً مبتنی بر طراحی متمرکز (Blueprint) و از بالا به پایین (up-to-down) بوده است. نارسایی این رهیافت‌ها آن بوده است که عموماً اغلب مردم به‌ندرت در برنامه‌ریزی توسعه شرکت داده شده‌اند و معمولاً نقش فعالی در برنامه‌های توسعه نداشتند. لیکن در دهه ۱۹۸۰ توجه بسیاری از اندیشمندان برنامه‌ریزی اجتماعی به طراحی جدید تحت عنوان از پایین به بالا (Down-to-up) و یا مشارکت معطوف گردیده است. (نیازی، ۱۳۸۱: ۳۸) در مفاهیم برنامه‌ریزی اصطلاح «توسعه از پایین به بالا» ناظر بر نقش مشارکت مردم است.

موضوع مشارکت مردمی که درگذشته یک ضرورت عقلانی برای توسعه بوده، امروزه به صورت یک ضرورت اخلاقی و انسانی درآمده است. اهمیت این موضوع به‌گونه‌ای است که اخیراً از مشارکت به مثابه هدف توسعه یاد می‌شود. آگاهی و مشارکت مردم، پایه‌های اصلی تولید قدرت، ثروت، عدالت و زیربنای شهرهای پایدار می‌باشد. بدون شک مشارکت عموم جامعه مسیر دستیابی به پایداری را هموارتر ساخته و زمان آن را تقلیل خواهد داد که البته در این میان نمی‌توان فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد را نادیده گرفت. بدین ترتیب با توجه به نقش نهادهای مردمی در دریافت و انعکاس بازخورد رویکردها و سیاست‌های اتخاذشده، توسعه و پیشرفت کشورها جز با بهره‌گیری از توان استعداد و حضور داوطلبانه مردم و مشارکت آنان امکان پذیر نمی‌باشد. (جمیله توکلی نیا، فاطمه سوری، مهدی خداداد، پاییز ۹۷).

امروزه توسعه پایدار شهری به کانون تمامی مباحث مدیران و مسئولین و اندیشمندان حوزه‌های شهری جهت ایجاد و ارتقاء شهرهایی با کیفیت بالای زندگی تبدیل شده است. بررسی‌ها در سطح

بین المللی، نشان می‌دهد که مؤلفه کلیدی در جهت دستیابی به چنین توسعه‌ای، درگیرساختن شهروندان در مسائل و مشکلات حوزه‌های مختلف می‌باشد؛ چرا که جوهره مفهوم مشارکت در مدیریت شهری، خلق و اداره فضاهایی هر چه مطلوب تر و پایدارتر برای ساکنین شهر است و در نظریه‌های رایج جهانی امروز نیز یکی از اصلی ترین و مقبول ترین راهبردها برای نیل به حداکثر مطلوبیت و پایداری، مشارکت می‌باشد که از آن جمله می‌توان به نظریه حکمروایی خوب شهری^۱ اشاره نمود که اولین ویژگی آن مشارکت می‌باشد. (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۹) در همین ارتباط، راجر، مشارکت شهری در اجرای پروژه‌های توسعه شهری را در شش سطح تقسیم بندی میکند:

مشارکت شهری خودجوش - حضور خودجوش مردم؛ -

مشارکت شهری فعال - همکاری مردم و مجریان پروژه؛

-مشارکت شهری منفعل - حضور فیزیکی صرف مردم؛ -

مشارکت شهری کارکردی - قرار گرفتن مردم در جریان پروژه؛

-مشارکت شهری نامؤثر - حضور مردم در نهادها بدون حق رأی؛

مشارکت شهری مشورتی - مشاوره دادن به مجریان پروژه (نجاتی حسینی، ۱۳۷۹: ۸)

تجارت برخی از کشورها نشان می‌دهد که موفقیت بسیاری از برنامه‌های توسعه شهری مستلزم درگیری و مشارکت گسترده و پایدار شهروندان، مشارکتی همراه با آگاهی بوده است. گسترش مشارکت و آگاهی بر دو شرط ضروری تأکید دارد. به وجود آمدن آگاهی با فرهنگ مدنی مناسب و ایجاد ساختارهای توزیع عادلانه فرصتها برای مشارکت و بهره‌مندی شهروندان از آن و فرآوری دست آوردهای روشن درباره اثربخشی مشارکت (Brinkerhoff, 2000).

رکن اصلی اجرای طرح توسعه شهری نیز مشارکت همه‌جانبه افراد و گروه‌های شهری است. مشارکت شهری را میتوان به معنای شرکت و حضوری جدی و فعال گروه‌های شهری در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی دانست. از دهه ۱۹۹۰ میلادی، توجه فزاینده‌ای به رویکرد مشارکتی

^۱ - urban Good Governance - هشت ویژگی اساسی که در نظریه حکمروایی خوب شهری بدان‌ها اشاره می‌گردد، عبارت هستند از: مشارکت (participation). توافق‌گرا بودن (consensus oriented) مساوات طلبی و فراگیر بودن (Equity and Inclusiveness)، اثربخشی و کارایی (and Efficiency) پاسخگو بودن (Responsiveness)، قانون مداری (Rule of law)، شفافیت (Transparency) و مسئول بودن (Accountability). بر اساس اصل مشارکت، تمامی شهروندان (مرد و زن) بایستی مستقیماً یا از طریق نهادهای میانجی که نشان‌دهنده علائق آنها باشد در فرایند تصمیم‌گیری شرکت داشته باشند. چنین مشارکتی بر مبنای آزادی بیان و آزادی انجمن‌ها صورت می‌گیرد.

صورت گرفته است به طوری که این پارادایم در حال حاضر به عنوان یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد مدیریت شهری محسوب می‌شود. (نجاتی، ۱۳۷۹: ۵). بعضی از صاحب نظران مدیریت شهری معتقدند که بایستی بخشی از مدیریت و برنامه‌ریزی شهری به نهادهای مردمی واگذار شود و ضرورت این امر را در یک رویکرد اساسی این چنین مطرح می‌کنند. به واسطه مشارکت مردم در فرآیند توسعه شهری، مدیران شهری بهتر می‌توانند مسائل و نارسایی‌های اجتماعی شهر را شناخته و در جهت حل آن و نهایتاً بهسازی و توسعه شهری اقدام نمایند. (رزمجویی، ۱۳۸۲: ۷)

به طور کلی، مدیریت شهری مبتنی بر دو پروژه اصلی است که عبارتند از:

❖ پروژه توسعه شهری

❖ پروژه مشارکت شهری

از دیدگاه جامعه‌شناسی شهری، این دو پروژه در حال حاضر ابزار کلیدی برای نظام مدیریت شهری هستند و از آن‌ها می‌توان برای بهبود مدیریت شهری سود جست. توجه روزافزون نظام مدیریت شهری به پروژه توسعه شهری ناشی از سه پدیده مهم «رشد فزاینده شهرنشینی»، «گسترش روند شهرگرایی» و «پیچیده شدن نظام جامعه شهری» است که این پدیده‌ها موجب شکل‌گیری پروژه توسعه شهری شده است؛ بنابراین پروژه توسعه شهری را می‌توان مبنای تجدید ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی شهر تلقی کرد که هدف آن در درجه اول بهبود شرایط زندگی شهری، مشارکت تمام شهروندان، سامان مند کردن اقتصادی شهر و تقویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری است و دارای خطوط کلی است از جمله:

❖ رفع نیازهای اقتصادی شهروندان (فراهم نمودن اشتغال و خدمات شهری مناسب)؛

❖ رفع نیازهای اجتماعی و فرهنگی شهروندان (فراهم نمودن تسهیلات فرهنگی و اجتماعی)؛

❖ رفع نیازهای زیست محیطی شهروندان (فراهم نمودن محیط زیست سالم و پایدار)؛

❖ رفع نیازهای سیاسی شهروندان (فراهم نمودن زمینه‌های مشارکتی سیاسی شهری). بر این

اساس اجرای پروژه توسعه شهری یک فعالیت جمعی است (محسنی تبری و آقامحسینی،

۱۳۸۹: ۱۵۲).

ارتباط میان مشارکت مردمی با امنیت اجتماعی

ارتباط میان امنیت اجتماعی با مشارکت مردمی یک ارتباط دو سویه است. از یک طرف گسترش امنیت اجتماعی می‌تواند زمینه ساز توسعه مشارکت مردمی باشد از طرف دیگر افزایش مشارکت های مردمی پشتوانه محکمی برای حاکمیت بقای امنیت در جامعه است. به اعتقاد دانشمندان علوم انسانی همچون مازلو و هرزبرگ، امنیت را یکی از اساسی ترین نیازهای بشر دانسته اند به همان اندازه که انسان نیاز به خوراک، پوشاک و مسکن دارد، نیاز به امنیت دارد. اهمیت این نیاز در حدی است که برای حفظ تعادل در جامعه یک امر حیاتی و واجب محسوب می‌شود. وجود ناامنی در جامعه موجب کاهش مشارکت های مردمی می‌شود. زیرا زمانی که امنیت اجتماعی وجود دارد. فعالیت های سالم زمینه بروز پیدا می‌کنند و افراد خواهند دانست آزادانه عقاید و نظرات خود را در جهت اصلاح امور جاری، ارائه داده و احساس مشارکت کنند(منظمی تبار، ۱۳۸۵: ۲۵)

مشارکت اجتماعی در مسأله ارتقاء امنیت نیاز به وجود فاکتورهای حیاتی ذیل دارد:

- ❖ وجود یک کمیته ی چند بخشی مسئول جهت ارتقاء امنیت.
- ❖ اجرای یک برنامه ی جامع که همه دوره های زمانی و محیط ها و موقعیت ها را بپوشاند و این برنامه باید بلندمدت باشد و نه کوتاه مدت.
- ❖ مشارکت فعال شبکه محلی و اولویت دادن به فعالیت ها بر اساس آنچه که جامعه ی محلی احساس می‌کند، اهمیت بیشتری دارد.
- ❖ توجه ویژه به گروه های پرخطر و محیط های پرخطر.
- ❖ استفاده از دسته وسیعی از تکنیک‌ها برای بسیج مردم، نماینده ها و تصمیم گیرندگان آن‌ها. (صفایی پور، ۱۳۹۶: ۱۱۱)

بنابراین برای توسعه مشارکت مردمی باید امنیت اجتماعی به عنوان زمینه آن به وجود آید. اما وجود امنیت اجتماعی به عنوان زمینه ساز مشارکت مردمی به این معنا نمی‌باشد که پلیس به تنهایی می‌تواند متولی امنیت اجتماعی باشد و این وظیفه را بدون مشارکت مردم و به تنهایی انجام دهد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که شیوه های سنتی و تهدید محور مواجهه با جرم که بر تقویت ابزارها و تجهیزات پلیسی و بدون مشارکت مردم تأکید می‌کرد. در عمل چندان رضایت بخش نبوده و نه تنها موجب افزایش امنیت و کاهش احساس ناامنی نشده است بلکه موجب ناامنی بیشتر نیز شده است. طبق مطالعات و تحقیقات به عمل آمده در اغلب کشورها بدون مشارکت مردم، شیوه های

سنتی تأمین امنیت عمومی نظیر واکنش سریع به گزارش های تلفنی، تلاش برای شناسایی، دستگیری مهاجمان و حضور مأموران گشتی سنتی، برای افزایش امنیت عینی و کاهش ترس شهروندان از جرم کافی نیست. (همان). مشارکت از جهتی وسیله ای برای دستیابی به اهداف توسعه ی انسانی و تمرکز و تجمع گروه های مختلف جهت تأمین سعادت سلامت، رفاه شهروندی و احساس تعلق به مکان در بین شهروندان شده و از طرفی به عنوان یک ارزش مستقل دارای نتایج و برآیندهای توسعه ای نیز می باشد که در این صورت مردم احساس عزت نفس و امنیت و احساس مسئولیت نموده و با سهیم شدن در تمام امور و پذیرش با رد آن، راه های دستیابی به توسعه را در جامعه ی خود تعیین خواهند کرد.

از آنجا که امنیت، مؤلفه ای اساسی در توسعه ی پایدار انسانی به شمار می رود، افزایش رضایت مندی شهروندی و شکل گیری سرمایه اجتماعی را در ساختار شهری ممکن می کند، بدین منظور باید علاوه بر سنجش میزان واقعی امنیت به ارزیابی احساس امنیت از دید شهروندان نیز التفات داشت. در واقع با استفاده از فرایند مشارکتی خود شهروندان در ارتقاء امنیت، حس مالکیت در شهروندان تقویت خواهد شد و این حس مالکیت با خود مسئولیت هایی در پی خواهد داشت که موجب می شود شهروندان از مراحل آغازین تا دستیابی به هدف، بالفعل گردد. (ضابطیان، خدایی: ۱۳۸۸). یکی از نکاتی که در جلب مشارکت باید به آن توجه کرد این است که فرآیند درونی کردن ارزش مشارکت بر حسب تابع سود و زیان است. بر اساس نظریه انتظار و پاداش چنانچه مشارکت کننده در مقابل مشارکت خود دریافتی (تقویت امنیت اجتماعی) داشته باشد، مسلماً به مشارکت تن می دهد، بر اساس الگوی هومنز، رفتار یا تمایل به مشارکت تابع فایده و هزینه های مترتب بر آن است. لذا باید فایده های حضور بیشتر مردم را در تأمین امنیت اجتماعی طوری به آنان نمایاند که تصور خوبی از این مشارکت به دست آورند. همچنین باید هزینه های فردی رسیدن به این امنیت را بالا و در مقابل، هزینه های جمعی آن را کمتر برآورد کرد چرا که مردم در صورتی که هزینه های فردی کاری را نسبت به هزینه های جمعی آن کمتر ارزیابی کنند، هیچ گاه به حرکت های جمعی روی نخواهند آورد. دست یابی به امنیت اجتماعی نیاز به فعالیت دسته جمعی دارد و باید در قالب تشکیلاتی تنظیم شود تا مردم بدین وسیله مشارکت را به شکل مدنی تمرین نمایند. (سفیری، ۱۳۸۷).

در هلند طرح «نگهبانان شهر» با برنامه ریزی شهرداری شهر آمستردام با هدف فعال کردن افراد باننشسته و داوطلب برای ارائه کمک و راهنمایی به شهروندان محله های مختلف در این موارد اجرا

شده است: اطلاع‌رسانی به شهروندان؛ جلوگیری از تخریب و ویرانی تأسیسات شهری؛ ارائه کمک به قربانیان حوادث و راهنمایی آنها برای مراجعه به مسئولان ذیربط؛ جلوگیری از وقوع جرائم خرد در محله‌ها؛ انعکاس مشکلات و نظرات مردم به واحدها و سازمان‌های دولتی. اقدامات شهرداری آمستردام، ضمن اینکه موجب تشویق افراد بازنشسته و سالمند به تجدید فعالیت و خروج از انزوا شد، تأثیر عمیقی نیز در توسعه تولدایی‌های فردی سالخوردگان و همچنین افزایش تعامل نهادهای دولتی و ساکنان محله‌ها و آگاهی از نظرات اداری و محلی بر جای گذاشت. (رمضانی، ۱۳۹۶).

از نکات مهم دیگر تقویت و توسعه نهادهای مدنی توسط دولت مرکزی و دولت‌های محلی است. مشارکت از طریق نهادهای جامعه مدنی مدرن‌ترین شکل نهادهای خودپدیدار هستند و برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و با هدف رفع نیازهای کل یا گروهی از جامعه و خدمت‌رسانی به شهروندان به وجود می‌آیند و با سازماندهی درست می‌توانند به یک نهاد انعطاف‌پذیر پویا و ماندگار تبدیل شوند. این نهادها از گروه‌های داوطلب مردمی تشکیل شده و به صورت گروهی کار میکنند و دارای تشکلی با ساختار معین و غیر دولتی هستند و هیچ وابستگی به نهادهای حکومتی ندارند و به صورت مستقل فعالیت می‌کنند. موسسین این نهادها، انتفاعی از این نهادها نخواهند داشت. از جمله نقش‌های سازمان‌های غیر دولتی می‌توان به مشارکت با دولت و بخش خصوصی، مشارکت در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی، نقش ترویجی، پژوهشی و آموزشی، رسانیدن صدای مردم به خصوص گروه‌های محروم به مسئولان و جامعه، مشارکت با سایر سازمان‌های غیر دولتی و گفت‌و شنود با دولت، اشاره کرد. (پورقهرمانی و باوفا، ۱۳۹۴).

به طور کلی سازمان‌های غیر دولتی از جایگاه ویژه‌ای در جریان تصمیم‌گیری محلی، ملی و بین‌المللی برخوردارند و سطح نفوذ آنها از مسایل فرهنگی، اقتصادی تا امور بشردوستانه گسترده شده و به مشورت‌دهی، تدوین برنامه و تأثیرگذاری در مذاکرات رسمی دولتی در طبقه‌های مختلف رسیده است. نهادهای مدنی به دلیل استقلال منابع مالی و انسانی تصمیم‌گیری سریع و به دور از بوروکراسی دولتی، انعطاف‌پذیر بودن و خودپیداری، کارآمدی رو به رشد دارند. این انجمن‌ها با تکیه به همیاری مردم، ساختن جامعه مدنی را اصل کلی حاکم بر فعالیت خود قرارداده‌اند و به این لحاظ یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های توسعه انسانی به شمار می‌روند.

NGO ها بهترین ابزاری هستند که می‌توانند اطلاعات را از جزیی‌ترین اجزای جامعه دریافت و سپس ساماندهی و طبقه‌بندی کرده در اختیار مسئولان و برنامه‌ریزان قرار دهند. جهت تقویت

مشارکت به جز استفاده از نهادهای مدنی غیردولتی مردم نهاد سنتی و خیریه می توان تقویت فرهنگ مشارکت را از طریق فعالیت های اقتصادی و همسویی منافع اجتماعی ایجاد کرد . (پورقهرمانی و باوفا، ۱۳۹۴). برای نمونه یکی از این سازمان ها غیر دولتی فعال - که در زمان جنگ در دهه ۱۹۸۰ در اوگاندا شکل گرفته و در سال ۱۹۸۸ قانونی شد- انجمن مقاومت اوگانداست. این انجمن سازمانی مردمی با مسئولیت هایی در نواحی روستایی و شهری است که در موضوعات جزائی نیز مداخله و عدالت را بدون اتهام بی مورد به طور سریع و شفاف بر قرار می کنند. این سازمان نخستین مؤسسه مردمی در اوگانداست که در مواردی چون دزدی ، نزاع های خشونت بار یا تصادفات فعالیت و مشارکت دارد. انجمن، موارد مذکور را به پلیس و دادگاه های قانونی گزارش می دهد. اگر هدف توقیف و دستگیری باشد پلیس وارد محله یا خانه قربانی نمی شود، مگر اینکه موافقت رئیس انجمن مقاومت را به دست آورده و به وسیله او همراهی شود. به طور کلی، ارزیابی ها نشان می دهد که انجمن جدای از مشارکت در توسعه اجتماعی و اقتصادی، امنیت را نیز بهبود بخشیده است. انجمن همکاری با پلیس را تسهیل کرده و مانع سو استفاده نظامیان از قدرت شده و اشکال مؤثر میانجی گری و مصالحه را انجام داده است. این سازمان غیردولتی همچنین در باز آفرینی و احیای هویت های محلی میان ساکنین شهرهای تحت حمایت سهیم بوده است. (عنبری و فیروزجائیان، ۱۳۸۸).

با توجه به ظرفیت سازمانهای غیردولتی در زمینه امنیت و فعالیت آنها در جهت افزایش قابلیت های مقابله با رفتارهای ضداجتماعی باید زمینه برای حضور گسترده تر آنها فراهم گردد، تجربه این سازمان ها در کشورهای دیگر نشان می دهد فعالیت این سازمانها باعث حضور بیشتر مردم در امر امداد، نوع دوستی، صلح و امنیت اجتماعی جامعه شده است. بنابراین می توان با مطالعه شیوه ها و چگونگی مشارکت این سازمان ها در کشورهای مختلف و فراهم کردن زمینه برای شکل گیری و حضور این سازمانها در حوزه های امنیتی، سطح امنیت جامعه را در حوزه های مختلف ارتقاء بخشید. (عنبری و فیروزجائیان، ۱۳۸۸).

توسعه اجتماعی

مفهوم توسعه اجتماعی بسیار جامع تر از توسعه اقتصادی است و ایده ها و اهداف گسترده تری را دنبال می کند. اما این اهداف و ایده ها و نیز مفهوم توسعه اجتماعی بطور دقیق تعریف نشده است. ابعاد گوناگون این مفهوم مورد بحث و محل اختلافات است و بعضی از شاخص های آن در حال شکل گیری و فورموله شده است. این مقاله درصدد است تعریف نسبتاً جامع و کاربردی از مفهوم توسعه اجتماعی ارائه نماید و شاخص هایی برای اندازه گیری درجه توسعه یافته گی جوامع تعریف کند.

توسعه اجتماعی: بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی و ارتقای کیفیت انسان ها می باشد. (کلانتری، ۱۳۷۷:۲۱۱). توسعه اجتماعی بیان گر شکل گیری شرایط مناسب برای کلیه افراد جامعه است و این امر تا حدی اندازه گیری آن را با مشکل مواجه می سازد. بهزیستی کمی و قابل اندازه گیری نیست. بعضی از شاخص های کمی وجود دارند که تا حدی بهزیستی جامعه را نشان می دهند. بعضی از متغیرهای کیفی نیز با روش های آماری و ریاضی قابلیت تبدیل به متغیرهای کمی را دارند.

تعاریف

توسعه اجتماعی: بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی و ارتقای کیفیت انسان ها می باشد. (کلانتری، ۱۳۷۷:۲۱۱)

شاخص: عدد مشخص کننده تغییر نسبی یک متغیر در فاصله زمانی دو تاریخ یا دو نقطه (فرهنگ، ۱۳۷۴:۳۵۵).

نرخ رشد جمعیت: میزان رشد یک جمعیت مشخص در طی یک سال (تودارو، ۱۳۶۶:۸۹۶).

بارتکفل: بخشی از کل جمعیت یک کشور در گروه های سنی زیر ۱۵ سال و ۶۴ سال به بالا قرار دارند و از لحاظ اقتصادی غیر مولدند (تودارو، ۱۳۶۶:۸۴۷)

سطح زندگی: میزان ارضای خواست های مادی و معنوی شخص، خانواده یا گروهی از مردم را سطح زندگی میگویند (تودارو، ۱۳۶۶:۸۸۰).

جدول ۴: انواع شاخص‌های توسعه اجتماعی

شاخص‌ها	انوع شاخص
<ul style="list-style-type: none"> ➤ اشتغال کامل ➤ تولید (درآمد) سرانه ➤ نوآوری و خلاقیت ➤ نرخ باسوادی ➤ نرخ پایین رشد جمعیت ➤ هزینه های بهداشت و درمان ➤ توزیع درآمد به صورت عادلانه ➤ نرخ مشارکت در فعالیت های اجتماعی ➤ نرخ تقویت جنسیتی ➤ نرخ پوشش بیمه های درمانی و بازنشستگی 	شاخص‌های کمی
<ul style="list-style-type: none"> ➤ آزادی انتخاب یک جامعه ➤ آرمان های نوسازی ➤ اراده سیاسی ➤ عزت نفس ➤ سطح بالای زندگی ➤ ثبات و امنیت جامعه 	شاخص‌های کیفی

تقسیم بندی های مختلفی پیرامون توسعه اجتماعی و شاخص‌های مربوط به آن انجام گرفته است که در این ارتباط می‌توان به دو نوع مشهور آن اشاره داشت. در این ارتباط دو نوع شاخص کمی و کیفی را می‌توان به آن اشاره داشت. به روشن تر شدن هر چه بهتر هر یک از این نوع شاخص‌ها به تشریح هر یک از این نوع شاخص‌ها می‌پردازیم.

شاخص‌های کمی توسعه اجتماعی

عمده ترین شاخص‌های کمی توسعه اجتماعی را می‌توان به شرح زیر مورد توجه و بررسی قرار داد:

اشتغال کامل

منظور از اشتغال کامل وضعی است که در آن هرکس قادر و مایل باشد و بتواند شغل مناسبی برای خود بدست آورد و نرخ بیکاری کمتر یا حداقل مساوی سطح مطلوب باشد. البته یادآوری می‌شود که

در شرایط اشتغال کامل هرکس باید در شغل تخصصی خود کار کند و در تولید اجتماعی، متناسب با تجربه و تخصص خود مؤثر باشد. به عبارت دیگر، در اشتغال کامل نرخ بیکاری پنهان نیز بسیار پایین است.

تولید (درآمد) سرانه

از تقسیم کل تولید (درآمد) ناخالص ملی بر کل جمعیت، تولید (درآمد) سرانه بدست می‌آید. از درآمد سرانه اغلب به عنوان شاخص سطح زندگی و توسعه استفاده می‌شود. البته این شاخص کاملاً رسا نیست. زیرا نمایانگر چگونگی توزیع درآمد و مالکیت دارایی‌ها که بخشی از آن ایجاد درآمد می‌کند، نیست.

نوآوری و خلاقیت

کاربرد اختراعات و روش‌های جدید تولید در فعالیت‌های مربوط به تولید و همچنین معرفی محصولات جدید از دیگر شاخص‌های توسعه اجتماعی است. گذشته از آن نوآوری‌ها شامل معرفی روش‌های جدید اجتماعی و نهادی برای سازمندی و مدیریت متناسب با راه‌های جدید انجام فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی هم می‌شود.

نرخ باسوادی

عبارت است از درصد افراد شش سال و بالاتر از شش سال که قادر به خواندن و نوشتن هستند. هر چه جمعیت باسواد بیشتر باشد رفاه جامعه و سطح توسعه اجتماعی بیشتر خواهد بود زیرا افراد باسواد از حق و حقوق شهروندی خویش مطلع بوده و خواهان رفاه بیشتر هستند.

وجود کالاهای ضروری برای همه

کالاهای ضروری کالاهایی هستند که ادامه زندگی شایسته بدون آنها ممکن نیست مانند غذا، پوشاک، مسکن، حمایت و مراقبت‌های پزشکی. این کالاها اقلامی هستند که برای یک زندگی خوب لازم است دسترسی همه افراد جامعه به این گروه از کالاها یکی دیگر از شاخص‌های توسعه اجتماعی محسوب می‌شود.

نرخ پایین رشد جمعیت

هرچه نرخ رشد جمعیت کمتر باشد کیفیت نیروی انسانی بالا می‌رود، محصول تولید شده و درآمد حاصل از رشد به شکل عدلانه تری بین جمعیت توزیع می‌گردد. بدین ترتیب رفاه افراد جامعه بالاتر می‌رود.

هزینه های بهداشت و درمان

هرچه هزینه های بهداشت یعنی طب پیشگیری برای مصئون سازی در مقابل بیماری ها بیشتر و هزینه های درمان کمتر باشد جامعه مرفه تر می باشد در نتیجه سطح توسعه اجتماعی بالاتر می رود.

توزیع درآمد به صورت عادلانه

توزیع درآمد به معنای سهم عوامل تولید یا سهم بخش های مهم اقتصادی از درآمد حاصل از تولید است. توزیع درآمد را از روش های مختلف اندازه گیری مینمایند از جمله توزیع درآمد بر حسب ابعاد گروه های درآمدی، توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید، توزیع مقداری درآمد، توزیع درآمد از طریق منحنی لورنز، توزیع درآمد از طریق محاسبه ضریب جینی. هرچه توزیع درآمد در یک جامعه عادلانه تر صورت گیرد درجه توسعه اجتماعی آن جامعه بالاتر است.

شاخص توسعه انسانی

این شاخص میانگین موفقیت های هر کشور را در سه بعد اصلی توسعه انسانی یعنی طول عمر، دانش و سطح مطلوب زندگی برآورد می کند. شاخص توسعه انسانی عبارت از شاخصی ترکیبی با سه متغیر میانگین عمر، دستیابی به آموزش (سوادآموزی بزرگسالان و ترکیب نام نویسی در دوره های ابتدایی و راهنمایی و متوسطه) و تولید ناخالص داخلی سرانه (بولتن UNDP) است.

نرخ مشارکت در فعالیت های اجتماعی

نسبت تعداد افرادی که در فعالیت های اجتماعی و سیاسی مشارکت مینمایند به جمعیتی که در سن فعالیت قرار دارند (۱۵ سال به بالا) و با محدودیتی برای فعالیت های اجتماعی روبرو نیستند نرخ مشارکت در فعالیت های اجتماعی را بدست میدهد. بطور معمول هرچه نرخ مشارکت مردم در فعالیت های اجتماعی و سیاسی مانند انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس نمایندگان، انتخابات شوراهای، عضویت در احزاب سیاسی و صنفی، و سایر فعالیت های سیاسی اجتماعی بیشتر باشد کشور به لحاظ اجتماعی توسعه یافته تر تلقی میگردد. زیرا نظارت مردم بر مسئولان اجرائی افزایش میابد و در نتیجه فعالیت های اجرائی کشور مسیر صحیح تری را طی می کند. در صورت کاهش مشارکت مردم در فعالیت های فوق یا جامعه به سمت جدایی حکومت از مردم می رود و یا توسعه اجتماعی مسیر دیگری را طی می کند که نتایج آن قابل پیشبینی نیست.

معیار تقویت جنسیتی

این معیار نشانگر آنست که آیا زنان میتوانند فعالانه در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شرکت کنند یا نه؟ معیار تقویت جنسیتی بر مشارکت استوار است و به ارزیابی نابرابری جنسی در عرصه های کلیدی مشارکت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تصمیم گیری ها نظر دارد.

نرخ پوشش بیمه های درمانی و بازنشستگی

بیمه های تامین اجتماعی، درمانی و بازنشستگی جمعیت، موجب تامین هزینه های درمانی و درآمد دوران بیکاری و بازنشستگی میگردد. هر چه نسبت افراد تحت پوشش انواع بیمه بیشتر باشد درجه توسعه اجتماعی کشور بالاتر خواهد بود.

شاخص های کیفی توسعه اجتماعی

معایب موجود در اندازه گیری درآمد ملی سرانه و درآمد ناخالص ملی به مثابه معیار مشخص کننده رفاه اجتماعی، گروهی از اقتصاد دانان را برآن داشت تا در صدد استفاده از شاخص های کیفی اجتماعی برای تعیین رفاه اجتماعی برآیند. معیارهای رفاه اجتماعی عبارتند از: بهداشت، تغذیه، آموزش و پرورش، اشتغال، شرایط کار، مصرف مواد حیاتی، حمل و نقل، مسکن، استفاده از تسهیلات زندگی روزمره، لباس، گسترش قوه ابتکار، تفریحات سالم و امنیت اجتماعی (قره باغیان، ۱۳۷۰، ج ۱:۱۳). تمام این معیارها بر تغییرات کیفی در روند توسعه اجتماعی تاکید دارند. شاخص های کیفی قابلیت اندازه گیری پایینی دارند که این مساله نوع ارزیابی آن را با مشکل روبه رو می سازد. با این وجود به منظور بررسی توسعه اجتماعی ضرورت توجه به ابعاد کیفی نیز مهم بوده ضرورت توجه به آنها را برای محققین مهم می نماید. در همین ارتباط عمده ترین شاخص های کیفی توسعه اجتماعی را می توان در موارد زیر مورد توجه قرار داد.

آزادی انتخاب یک جامعه

جامعه ای که برای برآوردن خواسته هایش راه حل های مختلفی در اختیار دارد از آزادی انتخاب برخوردار است (تودارو، ۱۳۶۶:۸۶۴). افزایش تنوع کالاها و خدمات، ایجاد فرصت های متنوع و متناسب شغلی برای فارغ التحصیلان رشته های مختلف تحصیلی و تنوع بخش های مطمئن برای سرمایه گذاری افرادی که به بخشی از درآمد خود نیاز ندارند همه گی موجب توسعه اجتماعی میگردد.

سطح بالای زندگی

اگر افراد تنها قادر به تامین حداقل مواد غذایی، مسکن و پوشاک خود باشند گفته می‌شود که سطح زندگی آنان بسیار پایین است. از طرف دیگر اگر آنان از تنوع بیشتری در غذا، مسکن، پوشاک و خدمات دیگر، نظیر بهداشت خوب، آموزش، فراغت و غیره برخوردار باشند به طور نسبی از سطح زندگی بالاتری برخوردارند.

آرمان های نوسازی

این آرمان ها برای رشد پایدار اقتصادی اجتماعی لازم است شامل منطقی بودن، برنامه ریزی اقتصادی اجتماعی، برابری اقتصادی اجتماعی و نمادها و برداشت های اصلاح شده می‌گردد عبارتند از:

اراده سیاسی

منظور از اراده سیاسی، تصمیم های قاطعانه، آگاهانه، هدفمند و مستقل، نتیجه گیری ها و انتخاب های مشخص مقام های سیاسی مملکت در زمینه های نظیر از بین بردن نابرابری، فقر و بیکاری از طریق اصلاحات مختلف در ساخت های اجتماعی، اقتصادی و نهادی است (تودارو، ۱۳۶۶: ۸۹۵). فقدان اراده سیاسی اغلب یکی از مهم ترین موانع توسعه و دلیل عمده شکست بسیاری از برنامه های توسعه اجتماعی است.

عزت نفس

هر جامعه، هنگامی که نظام ها و نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اش در جهت افزایش احترام، ارتقای شان، کمال، خودتصمیمی و غیره باشد از عزت نفس بیشتری بهره مند می‌شود. ایجاد شرایطی که موجب رشد عزت نفس مردم می‌شود و مردم به خود و جامعه خود احترام بگذارند و به آزادی خود و دیگران احترام بگذارند و بتوانند عقاید مخالف خود را تحمل نمایند سبب ارتقای سطح توسعه اجتماعی می‌گردد. ژانژاک روسو می‌گوید: "من دشمن تو و دشمن عقاید تو ام ولی حاضرم جانم را فدا کنم تا تو عقیده ات را ابراز کنی."

ثبات و امنیت جامعه

ثبات و امنیت به عنوان بستر اصلی هرگونه فعالیت مثبت اقتصادی و اجتماعی مورد تاکید و عنایت ویژه کلیه مکتب ها و مسلک هاست. تاریخ سیاسی افغانستان نشان میدهد که فقدان ثبات و امنیت

عنصر کلیدی عقب افتادگی و واپس ماندگی کشور است. تحلیل های تاریخی به وضوح بیانگر آنست که هرگاه گستره و عمق ناامنی در کشور محدود شده است شاهد پیشرفت و آبادانی بوده ایم.

شاخص های منفی توسعه اجتماعی

در کنار تقسیم بندی شاخص های به دو نوع شاخص های کمی و کیفی گروهی از شاخص های نیز وجود دارند که بر توسعه اجتماعی تاثیر منفی می گذارند و می توانند در قالب شاخص های کمی و کیفی گنجانده شوند. به منظور روشن تر شدن این نوع شاخص ها به برخی از آنها در زیر اشاره شده است.

تورم

افزایش بی رویه سطح عمومی قیمت ها در یک دوره طولانی را تورم گویند. تورم می تواند ناشی از فشار تقاضا، فشار هزینه و ساختار اقتصادی باشد. تورم آثار منفی زیر را ایجاد می نماید:

- غنی را غنی تر و فقیر را فقیر تر میسازد و شکاف بین طبقات مختلف اجتماعی را بیشتر می کند
- موجب ناکارایی سیستم اقتصادی اجتماعی میگردد.
- بر گروه های خاص جامعه و بر برنامه ریزان و مدیران اجرائی فشارهای اجتماعی وارد می کند.

وجود انواع دوگانگی

دوگانگی عبارت است از وجود دو موقعیت یا پدیده در کنار هم (یکی مطلوب و دیگری نامطلوب) مانند فقر شدید و وفور نعمت، بخش های مدرن و سنتی اقتصادی، رشد و رکود، تعداد محدود تحصیل کرده و توده بیسواد (تودارو، ۱۳۶۶: ۸۴۹). دوگانگی در حقیقت وجود دو شیوه تولید و شیوه زندگی در یک زیر مجموعه اقتصادی اجتماعی است. البته در کشورهای در حال گذار چندگانگی وجود دارد که برای راحتی دوگانگی نام گذاری شده است.

فقر

با گذشت هر سال در جهان اختلاف درآمد بین ثروتمندان و فقرا بیشتر می شود. محبوب الحق پاکستانی میگوید: "به ما یاد داده شد که در فکر تولید ناخالص ملی باشیم زیرا تولید ناخالص ملی خود مسئله فقر راحل خواهد کرد. اکنون اجازه دهید که این روند را معکوس کنیم. به فکر فقر باشیم

چون فقر مسئله تولید ناخالص ملی را حل خواهد کرد". در جامعه ای که فقر گسترده باشد درجه توسعه اجتماعی پایین ار خواهد بود.

نرخ معلولیت ذهنی و جسمی

معلولیت ذهنی یعنی اینکه فرد از لحاظ بهره هوشی، تکلم و انتقال مفاهیم نسبت به متوسط همسالان خود پایین تر باشد. معلولیت جسمی به ناتوانی بعضی از اعضای بدن اطلاق میگردد. هرچه نرخ انواع معلولیت ها بیشتر باشد سطح توسعه اجتماعی پایین تر است.

میزان آلودگی محیط زیست

آلودگی محیط زیست شامل آلودگی هوا در نتیجه حرکت وسایط نقلیه موتوری دودزا و کارخانه های دودزا، آلودگی آب های جاری توسط تولیدکنندگان و افراد جامعه، دفع نامطلوب زباله و تولید سداهای نامطلوب می باشد که آثار روانی اجتماعی آن بر جمعیت موجب ایجاد بیماری های جسمی و روانی میگردد. هرچه محیط زیست آلوده تر باشد سطح توسعه اجتماعی پایین تر خواهد بود.

ارتباط میان مشارکت مردمی با توسعه اجتماعی

بدون شک توسعه اجتماعی مستلزم مشارکت های مردمی در ابعاد مختلف است و در واقع بدون مشارکت نمی توان به توسعه اجتماعی مردم محور، فراگیر و پایداری دست یافت. در فرایند توسعه اجتماعی، مشارکت آحاد جامعه مدنظر است و شهروندان قطع نظر از تعلقات قومی و علایق اعتقادی شان، امکان می یابند تا با توجه به صلاحیت و توانمندی ذهنی شان، در تمام پدیده ها و متغیر ها اثر گذار باشند. توسعه در بسیاری از موارد حتی آداب و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می گیرد (AbediT، ۱۳۷، ۲۰۰۶). سازمان ملل متحد در دهه ۱۹۷۰ توسعه اجتماعی را به عنوان ظرفیت بیشتر ساختار اجتماعی به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در سطح زندگی تفسیر کرد. توسعه گسترش اجتماعی بیشتر ناظر بر شرایط مطلوب آموزشی، بهداشتی، فقر زدایی، گسترش عقلانیت و بهزیستی اجتماعی است (Griffin، ۱۹۹۲). توجه به مشارکت و تأکید بر نقش آن به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال توسعه است. در بررسی و ارزیابی این برنامه ها عدم بهره گیری از مشارکت مردمی به عنوان عامل اصلی شکست برنامه های توسعه ارزیابی شده است (Verba، ۲۰۱۱).

امنیت شهری

امنیت به معنای رهایی از ترس و تهدید، یکی از نیازهای اساسی انسان است. هر یک از ابعاد مختلف امنیت، موضوع کار رشته‌های مختلف بوده است. در بررسی علل پیدایش شهر و این که چرا اجتماعات بشری در محیطی چون شهر گرد هم آمدند، نظریات مختلفی ارائه گردیده است که یکی از نظریات، مسأله امنیت و ابعاد ایمنی را در پیدایش شهر مؤثر می‌داند. حال با گذر قرن‌ها از پیدایش نخستین اجتماعات شهری، شهرها در نتیجه رشد گسترده کالبدی و جمعیتی خود درگیر مسائل جدیدی در چارچوب انواع مختلف ابعاد زندگی شهروندان هستند. در ادبیات شهرسازی مفهوم امنیت به معنی امنیت شهری و امنیت در محیط شهر مطرح است که به عنوان یکی از مسائل مهم در مباحث، اصطلاحات و ساماندهی شهری به حساب می‌آید. نیاز به امنیت در شهرها، بازتاب‌های فضایی و کالبدی را به عنوان یک اصل مهم و حیاتی به همراه داشته است. بنابراین، برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از احساس امنیت، اهمیت فزاینده‌ای دارد. نظم و امنیت از نیازهای اولیه و حیاتی مهم شهروندان در شهر است، در واقع اساس زندگی شهری بر این دو محور قرار دارد. برخی از فضاهای شهری هستند که زمینه را برای برهم خوردن نظم و امنیت فراهم می‌کنند. فضا و جرم رابطه‌ای نزدیک با هم دارند. بنابراین شناخت این فضاها و تأثیر آن در کاهش امنیت و برهم خوردن نظم شهری از نکات بسیار مهمی است که طراحان و برنامه‌ریزان شهری در مدیریت شهرها باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای داشته‌اند (Blobsaum and Hunecke, ۲۰۰۵: ۴۸۱-۴۸۵).

در کنار مفهوم امنیت، «احساس امنیت» مطرح می‌شود. احساس امنیت را واکنش عاطفی به جرایم خشونت بار اجتماعی و آسیب‌های فیزیکی در نظر می‌گیرند و یا طیفی از واکنش‌های عاطفی و عملی به جرم و بی‌نظمی که افراد یا اجتماع با آن مواجه‌اند (Gert, ۲۰۰۵: ۶۵). در عصر حاضر، محیط‌های نامطلوب شهری مشکلات بسیاری را برای شهروندان ایجاد کرده و در رشد آسیب‌های اجتماعی مؤثر هستند. با گسترش این آسیب‌ها، امنیت، رنگ می‌بازد و بر میزان جرم افزوده می‌شود؛ مردم در کنش‌های اجتماعی محتاطانه عمل می‌کنند و با هر اتفاقی، ترس و دلهره آن‌ها دو چندان می‌شود و در نتیجه احساس ناامنی می‌کنند (Day & et al., ۲۰۰۳: ۳۱۱). موضوع ناامنی در شهرهای بزرگ ناشی از آسیب‌های اجتماعی درون خود جامعه شهری است. از آن‌جا که محله‌های شهری بخش تفکیک‌ناپذیر حیات کلی شهری محسوب می‌گردد، ضروری است تا موضوع امنیت در شهرها با نگاه جزئی مورد توجه قرار گیرد. در سال‌های اخیر رسالت شهرسازی در زمینه ارتقاء سطح امنیت بیشتر

معطوف به چگونگی طراحی فضاها و برنامه‌ریزی مناسب کاربری‌های شهری بوده است. براساس تحقیقات انجام گرفته در حوزه جامعه‌شناسی شهری، یکی از عوامل اساسی در ارتقاء احساس امنیت ساکنین در سکونت‌گاه‌های شهری، روابط همسایگی مطلوب در این سکونت‌گاه‌ها می‌باشد. مسأله‌ای که به نظر می‌رسد شهرسازی جدید بدان بی توجه بوده و به این ترتیب ممکن است به علت رعایت پاره‌ای از استانداردهای کالبدی در ساخت بافت‌های جدید (نسبت به مناطق قدیمی‌تر) میزان وقوع جرم و جنایت در آنها کمتر باشد، ولی میزان احساس امنیت (امری ذهنی) در مناطق قدیمی، به دلیل وجود روابط همسایگی بیشتر باشد.

امنیت

واژه "امنیت" در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلف است. فرهنگ آکسفورد این واژه را با عبارت زیر تعریف کرده است: "شرایطی که در آن یک موجود در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت می‌شود (کینگ و موری، ۱۳۸۳ ص ۷۸۷). تعاریف مندرج در فرهنگ لغات درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی "احساس آزادی از ترس" یا "احساس ایمنی" که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، ۱۳۷۹ ص، ۴۶). بعضی از معیارهای شهرسازی در تأمین امنیت یک فضا اختصاص به جنسیت و سن و غیره ندارند و برای کل جامعه کاربرد خواهند داشت نظیر ملاک‌های طراحی یک فضای امن شهری (روشنایی مناسب، حس دیده شدن و شنیده شدن و مراقبت عمومی، دسترسی به کمک و دید کافی و خوانایی محیط و نگهداری و جلوگیری از تخریب و ...).

احساس امنیت

احساس امنیت عبارت است از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت‌بخش، قانع‌کننده و آرام بخش) شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی در شرایط فعلی و آتی، در حوزه‌های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی یکپارچگی، امنیت سرزمینی (رجبی‌پور، ۱۳۸۲ : ۴۷). احساس امنیت پدیده روان‌شناختی- اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی است. به لحاظ روش‌شناسی احساس امنیت، سازه چند بعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به گونه‌ای متفاوت ظهور یافته و به اشکال مختلف نیز قابل سنجش و اندازه‌گیری است (مؤذن جامی، ۱۳۷۸: ۵۶). مفهوم احساس امنیت یکی از شاخصه‌های کیفیت زندگی در شهرها است و آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای مختلف امنیت به شمار می‌روند (عظیمی هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۲). احساس امنیت، تنها احساس اعتماد به خود در توانایی شخصی برای

مقابله با تهدیدات نیست. احساس امنیت و آسایش خاطر، اشاره به شرایطی دارد که سیستم حفاظتی جامعه در مقابل جرایم و رفتارهای آتومیک از شرایط مؤثر و کارآمدی در زمینه‌های پیشگیری از آن و برخورد مؤثر با آن برخوردار است (Sherman, ۱۹۸۸: ۹۳). در سطح فردی احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان یاعدم وجود جرم در آن جامعه برمی‌گردد و هر چه میزان فراوانی جرم بالاتر است احساس امنیت پایین‌تر است. ولی این احساس ناامنی صرفاً منبعت از عدم وجود امنیت در یک جامعه نخواهد بود. ممکن است در یک جامعه امنیت وجود داشته است لیکن شهروندان در آن احساس امنیت نداشته‌اند و بالعکس (کلاهیچیان، ۱۳۸۲: ۹۳).

نظریه پردازان مختلفی از جمله گیدنز، ورث، پارک، زیمل و... از زوایای مختلف به موضوع احساس امنیت در شهر پرداخته‌اند. گروهی از نظریه پردازان به نقش فضاهای شهری در افزایش امنیت پرداخته و در این باب نظریه فضاهای قابل دفاع و پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی و جرم‌شناسی محیطی مطرح شده است. اصول و پایه این نظریه بر این اساس است که می‌توان از وقوع جرم و بزهکاری در محیط شهری پیشگیری نمود و یا میزان آن را افزایش و یا کاهش داد و به این ترتیب میزان امنیت شهروندان را ارتقاء بخشید (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۲).

نظریه پردازان با رویکرد ایجاد امنیت و انسان مداری در فضاهای شهری

لوییس مامفورد را که به گفته خود در واقع بسط دهنده ایده های پاتریک گدس بود را میتوان جزء اولین نظریه پردازانی دانست که در نیمه اول قرن بیستم بر ایجاد امنیت، حس مکان و مقیاس انسانی در فضاهای شهری توجه نمود. او در کتاب فرهنگ شهرها از شهر به عنوان مکان تبلور فرهنگ و دفاع از انسان در مقابل اتومبیل نام برده و به تنوع و اختلاط کاربری‌ها در فضای شهری و اولویت حرکت پیاده بر سواره در محیط شهری اشاره کرده است. فرانسیس تیبالدز، معمار و رئیس پیشین انجمن سلطنتی شهرسازان انگلیس در کتاب ارزشمند خود شهرسازی شهروندگرا ضمن پرداختن به مباحث گوناگون و با استفاده از اسکیس‌های بسیار هنرمندانه، ارتقای عرصه های همگانی در شهرها و توجه به مقیاس انسانی در محیط های شهری را مورد تأکید قرار داده‌است. به باور تیبالدز، درس آموزی از گذشته، ادغام کاربریها و فعالیتها، آزادی عابران پیاده، قابلیت دسترسی برای همگان، ایجاد وضوح و محیط‌های ماندگار، کنترل و ترکیب روش‌ها(تیبالدز، ۱۳۸۳، ۹)، از دیگر اصول و معیارهایی هستند که با به کارگیری آنها میتوان کیفیت قلمروهای عمومی شهرهای معاصر را افزایش داد. ال زلینکا و دین برنان دیگر ایده پردازانی هستند که در استانه هزاره سوم و در کتاب منظر ایمن: ایجاد اجتماعات

ایمن‌تر قابل زیست‌تر از طریق برنامه ریزی و طراحی، منظرسازی ایمن را به عنوان برنامه ریزی و طراحی فضاهای عمومی در جهت ارتقاء ادراکات ایمنی و کاهش جرم و ترس از جرم تعریف می‌کنند (IPTA, 2004, 2).

نظریه‌هایی مربوط به رابطه بین احساس امنیت و حضور در فضاهای شهری

برداشت‌های تحلیلی از نظریات متعدد، گویای ارتباط احساس امنیت در فضای شهری با مؤلفه‌های مکانی هستند. هر چند تمامی این نظریات به طور مستقیم به تأثیر ویژگی‌های مکانی در احساس امنیت در فضای شهری اشاره نمی‌کنند. لوییس مامفورد (۱۹۳۸) را که به گفته خود در واقع بسط‌دهنده ایده‌های پاتریک گدس است، می‌توان جزو اولین نظریه پردازانی دانست که در نیمه اول قرن بیستم بر ایجاد امنیت، حس مکان و مقیاس انسانی در فضای شهری مورد توجه قرار داد. وی در کتاب فرهنگ شهرها/از شهر به عنوان مکان تبلور فرهنگ و دفاع از انسان در مقابل اتومبیل نام برده و به تنوع و اختلاط کاربری‌ها در فضای شهری و اولویت حرکت پیاده بر سواره در محیط شهری اشاره کرده است.

نظریه (CPTED (Crime Prevention Through Environmental Design

این نظریه در (دهه ۱۹۶۰ میلادی) آمریکا که تحت تأثیر اندیشه‌های جفری و جین جاکوبز مطرح شد، بر این ادعا استوار است که می‌توان با طراحی مناسب و کاربری مؤثر از محیط بر بهبود کیفیت محیط زندگی ناشی از ترس از جرم غلبه نمود. به عبارت دیگر اگر محیط به گونه‌ای طراحی شود که بتواند موجب بهبود نظارت افراد شده، تعلق ساکنان را به قلمرو خود بالا برده و تصویر مثبت از فضا ایجاد می‌نماید. جیکوبز (۱۹۶۱) نظریه پرداز بزرگ شهری، در تبیین امنیت شهری به تعامل فضای فیزیکی و فرآیندهای اجتماعی که محیط را می‌سازند توجه نموده و بر فعال بودن فضا به عنوان عاملی در ایجاد یک محیط امن و موفق تأکید می‌کند. وی ایجاد حرکت، استفاده‌های فعال از سطح خیابان و فعالیت‌های خیابانی و مراقبت‌های طبیعی از این فعالیت‌ها را به عنوان مؤلفه‌هایی برای ساختن یک محیط خوب شهری قلمداد می‌کند (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۱).

نظریه فضای قابل دفاع

نیومن نظریه پیشگیری از جرم به وسیله طراحی محیطی بر مبنای تغییر در محیط فیزیکی را در سال ۱۹۶۰ مطرح نمود. کاهش رفتارهای مجرمانه با استفاده از طراحی محیطی، رویکرد اصلی این نظریه است. به عبارتی ایجاد محیط ایمن به وسیله طراحی، با عملکرد پلیس هماهنگ

می‌شود. در این رویکرد سیستمی، سلسله مراتبی از فضاهای به هم پیوسته و کوچه‌های بن‌بست به کار گرفته می‌شود که راه فرار را بر مجرمان می‌بندد. به این ترتیب، در عین حال که دسترسی عمومی را ممکن می‌کند، از تمایل غریبه‌ها به حضور در فضا می‌کاهد و به نوعی مانند محدوده‌ای بسته عمل می‌کند (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۶). نیومن برخی از عقاید جیکوبز را توسعه داده و بر نظارت فعالانه و تعریف عرصه‌ها تأکید کرده است. وی در کتاب *مردم و طراحی در شهر پر خشونت*، نظریه فضای قابل دفاع را مطرح می‌کند. ایده فضاهای قابل دفاع، زمانی مطرح شد که جرم و جنایت، به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی به مسأله وخیمی تبدیل شده است و گمان بر این است تا شرایط تغییر نکنند، برای از میان بردن جنایت، کاری نمی‌توان کرد (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۲۷۶).

نظریه پنجره شکسته

این نظریه که توسط ویلسون و کلینگ در سال ۱۹۸۲ مطرح شد، به این نتیجه دست یافت که زوال محله و عدم نگهداری از آن می‌تولند بر رفتار افراد تأثیرگذار است. صاحبان این نظریه معتقدند محله‌هایی که در آن‌ها نشانه‌هایی از بی‌توجهی و خرابی نظیر تلنبار شدن زباله‌ها، نمای بیرونی ناموزون ساختمان‌ها و پنجره‌های شکسته وجود دارد به بیان دیگر امکان دسترسی مجرم مهیاست حاکی از آن است که ساکنان آن محله احساس آسیب‌پذیری بیشتری دارند.

هیلر (۱۹۸۸) بر افزایش امنیت از طریق افزایش تحرک و جنبش در فضاهای شهری تأکید دارد. بنابراین، مکان‌هایی که برای جنبش و حرکت، ظرفیت کمتری دارند، مستعد وقوع جرم هستند. همچنین، با بزرگ‌تر شدن فضا، افزایش حضور مردم و ایجاد الگوهای حرکتی توسط فضاهای خصوصی شده با مردمی که در آن حضور دارند، امنیت استفاده‌کنندگان از فضا افزایش خواهد یافت (Brenda & et al., ۱۹۹۷: ۲۷۶). هیلر از رویکرد دفاعی فوق، انتقاد می‌کند، به دلیل این که مانع حرکت طبیعی مردم می‌شود و برای غریبه‌ها چه صلح‌آمیز و چه خصم‌آمیز، محدودیت دسترسی قائل می‌شود. هیلر معتقد است حضور مردم چه غریبه و چه آشنا احساس ایمنی را در فضای عمومی ارتقا داده و وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان فضا را به صورت طبیعی مورد نظارت قرار داد. لذا وی به دنبال خصوصیات شکلی فضا است که حضور مردم و به تبع آن احساس امنیت را افزایش می‌دهد (Hiller, ۱۹۹۶: ۴۷).

به طور کلی، از تحلیل نظریات متعدد در رابطه با موضوع مورد بحث این نتیجه حاصل می‌گردد که مشخصه‌های کالبدی محیط نقش بسزایی در ارتقای احساس امنیت دارند. احساس امنیت خود

تابعی از این شاخص است و دارای رابطه دیالکتیک با آن‌ها است. با توجه به آن‌چه در نظریهٔ جیکوبز بیان شد، می‌توان این فرضیه را مطرح نمود که بین تنوع کاربری در فضاهای شهری و احساس امنیت شهروندان رابطه وجود دارد. همچنین فرضیه‌ای منتج از نظریهٔ هیلر می‌توان تعریف کرد که بین میزان تردها در فضاهای شهری و احساس امنیت شهروندان رابطه وجود دارد.

مؤلفه های فضای امن

فضای شهری امن از ویژگی‌ها و مولفه‌های عینی و کالبدی متعدد و گسترده‌ای برخوردار است که بعضاً دارای تأثیرات متقابل نیز هستند. اما علاوه بر این‌ها یک فضای شهر امن مستلزم تعاملات اجتماعی نیز هست. چنان که آرامش و امنیت شهرها صرفاً به وسیله پلیس تأمین نمی‌شود. بلکه آرامش و امنیت عمدتاً به وسیله ایجاد شبکه‌ای پیچیده و تقریباً ناخودآگاهی از نظارت‌ها و رعایت داوطلبانه هنجارها در میان خود مردم حفظ می‌شود و به وسیله خود مردم اجرا می‌گردد (صالحی، ۱۳۸۷، صص ۱۱۲-۱۱۳). امن بودن فضا خود دارای دو مولفه زیر است.

ایمنی

در این مولفه، اشاره به موارد و عوامل محیطی است که در صورت عدم تأمین شرایط مطلوب وقوع حوادث اجتناب ناپذیر است و خطرات به صورت بالقوه و بالفعل جان و مال حاضران، عابران و ناظران را تهدید خواهد نمود (Kelly et al, ۲۰۰۹: ۲)

امنیت

این مولفه نیز اشاره به جرایم علیه اشخاص و اموال آن‌ها دارد که در صورت عدم تأمین شرایط پیش‌گیری‌کننده، اموال و جان حاضران، عابران و ناظران را به صورت بالقوه و بالفعل تهدید خواهد نمود. یک فضای شهری امن در معنای کامل آن شامل هر دو مولفه فوق‌الذکر می‌شود و شرایطی که از فصل مشترک این دو به وجود آید را می‌توانیم به عنوان فضای شهری امن توصیف کنیم (Rothrock, ۲۰۱۰: ۹).

شاخص‌های امنیت شهری

عمده‌ترین و مهم‌ترین شاخص‌های اجتماعی قرار زیر است.

شاخص کالبدی

شاخص کالبدی به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی امنیت شهری است که شامل متغیرهای؛ کاربری‌ها و حیات‌شبانانه، میزان آشنایی به فضا، کیفیت معابر، مراقبت‌های طبیعی و مصنوعی؛ می‌باشد.

شاخص اقتصادی-اجتماعی

یکی دیگر از شاخص‌های مهم امنیت شهری است که با در نظر گرفتن متغیرهای اقتصادی (شامل افزایش قیمت زمین، افزایش خانه‌های مسکونی، افزایش اجاره و ایجاد شغل) و متغیرهای اجتماعی (شامل تقویت روابط اجتماعی، عملکرد نیروهای امنیتی و تجمع مجرمین و جنایت‌کاران) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

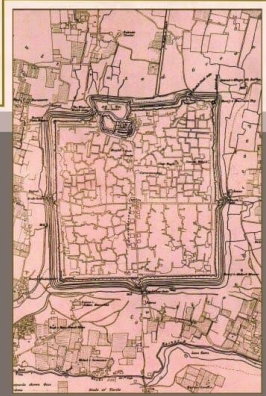
شاخص زیست‌محیطی

شاخص زیست‌محیطی نیز امنیت شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به ویژه این که در ایجاد آسفتگی و حس ترس در فضای شهری تأثیرگذار هستند. متغیرهای آلودگی هوا، آلودگی صوتی و حجم زباله را میتوان به عنوان زیرشاخص‌های این موضوع مورد توجه قرار داد.

توسعه شهری هرات

نقش مشارکت مردمی در توسعه اجتماعی و امنیت شهری هرات

توسعه شهری هرات نقش مشارکت مردمی در توسعه اجتماعی و امنیت شهری هرات



سید جلال‌الدین فرجی



ISBN 978-9986-255-09-6

9 789930 653096

www.iss.af

contact@iss.af

www.facebook.com/ISSAfghanistan

https://t.me/ISS_Af

www.iss.af

contact@iss.af

www.facebook.com/ISSAfghanistan

https://t.me/ISS_Af

خلاصه فصل

در فصل حاضر به منظور فراهم آوردن پشتوانه نظری پژوهش به تشریح مفاهیم و تعاریف پایه، رویکردها و دیدگاه‌های نظری در زمینه مشارکت شهری، توسعه اجتماعی، امنیت شهری، و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن‌ها پرداخته شده است. هدف اصلی این فصل، ارائه رویکرد و تدوین چارچوب نظری برای انجام این تحقیق بوده است. در این راستا تلاش شده است تا با اندیشه‌های جدید در زمینه مفاهیم فوق‌الذکر در محافل علمی دنیا آشنا گردیده و از آنها برای پیش برد اهداف تحقیق استفاده گردیده است. شهر هرات توجه کافی مبذول شود. از سوی دیگر با رجوع به تجربیات موجود می‌توان گفت که بدون شک انجام هر گونه مطالعه و بررسی بدون داشتن دیدی یکپارچه و کل نگر و آگاهی از اطلاعات نمی‌توان به دیدی جامع نسبت به منطقه مورد مطالعه دست یافت.

نهایتاً بر اساس یافته‌ها صورت گرفته پیرامون هر یک از متغیرهای اصلی تحقیق یعنی مشارکت، امنیت و توسعه شهری می‌توان موارد زیر را مورد توجه قرار داد.

در ارتباط با وضعیت مشارکت شهروندان توجه به پارامترهای مختلفی چون فقر، رشد جمعیت، بیکاری، ضعف مدیریتی و مانند آن می تواند بر میزان مشارکت مردم در امور مختلف تاثیرگذار باشد. در همین ارتباط می توان به رشد بالای ۵٪ جمعیت شهرنشین افغانستان در سالهای اخیر اشاره داشت که بخش عمده ای از آنها را افراد فقیر تشکیل می دهند. این رشد جمعیت، اجرایی کردن طرح های شهری را با مشکلی جدی مواجه خواهد ساخت و از طرفی می تواند هزینه هایی را به بدنه شهر تحمیل نماید. بنابراین جذب مشارکت شهروندان می توان بخشی از هزینه هایی که به شهر تحمیل می گردد را کاهش داده و مدیران شهری را در رسیدن به اهداف خود کمک نماید (Hidayat et al., ۲۰۱۵).

این در حالی است که در بسیاری از شهرهای افغانستان توجه به پتانسیل شهروندان در بسیاری از امور مورد بی توجهی قرار می گیرد. در همین ارتباط می توان به عملکرد ضعیف مدیران شهری هرات در جذب مشارکت شهروندان و عدم کسب رضایت شهروندان در ارائه خدمات مناسب به شهروندان خود اشاره داشت (Ghouse, ۲۰۲۰). این در حالی است که شهر هرات با رویکرد قوی فرهنگی که دارد به شدت نیازمند جذب مشارکت حداکثری شهروندان خود می باشد. بنابراین ضرورت توجه به مطالعات علمی و دقیق و ارائه راهکارهای عملیاتی جهت ارتقای وضعیت مشارکت شهروندان در امور شهری یک امر مهم می باشد. بنابراین در این پژوهش با توجه به شاخص های مشارکتی زیر، بخشی از داده های لازم با استفاده از پرسشنامه پیرامون مشارکت عمومی شهروندان جمع آوری و تنظیم گردیده است.

شاخص های موثر بر مشارکت عمومی شهروندان

شاخص ها
۱. سطح آگاهی شهروندان نسبت به مشارکت با نهادهای شهری
۲. مشارکت در برنامه های فرهنگی آموزشی
۳. میزان مشارکت در فعالیت های محلات
۴. سطح مسئولیت پذیری نسبت به محله
۵. عملکرد آموزشی مسئولین شهری جهت مشارکت شهروندان در امور شهری
۶. بررسی نقش مشارکت بر افزایش میزان اعتماد به نفس افراد در امور محلی
۷. بررسی تاثیرگذاری مشارکتهای جمعی بر شخصیت پذیری افراد

در کنار این مساله توجه به ابعاد امنیتی در کشور افغانستان و به تبع آن شهر هرات می تواند نقش قابل توجهی در وضعیت آینده این مکانها داشته باشد. در این ارتباط، به دلیل نبود امنیت لازم در کشور افغانستان گروه های مختلفی وجود دارند که بر وضعیت امنیت در این کشور تاثیرگذار می باشند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره داشت (جدول ۲).

جدول (۲) گروه های موثر بر امنیت در افغانستان

		منبع
نیروهای امنیتی ملی افغانستان Afghan National Security Forces (ANSF)	Afghan Border Police (ABP), Afghan Local Police (ALP), Afghan National Army (ANA), Afghan National Civil Order Police (ANCOP), Afghan National Police (ANP), Afghan Special Forces and the National Directorate of Security (NDS)	UNAMA (۲۰۱۷) Afghanistan Protection of Civilians in Armed Conflict Annual Report ۲۰۱۶, February ۲۰۱۷ (url), p. ۱۰۵
گروه های طرفدار دولت Pro-Government Forces (PGF)	-The Pro-Government Forces (PGF) -consist of: the Afghan National Security Forces (ANSF); -ProGovernment Militias (PGM) - the International Military Forces (IMF) (۸۳).	UNAMA, Afghanistan Protection of Civilians in Armed Conflict Annual Report ۲۰۱۶, February ۲۰۱۷ (url), pp. ۱۱-۱۰۹۰.
گروه های مخالف دولت	Taliban, Haqqani Network, Islamic Movement of Uzbekistan, Islamic Jihad Union, Lashkari Tayyiba, Jaysh Muhammed, groups identifying themselves as "Daesh" and so on.	UNAMA, Afghanistan Protection of Civilians in Armed Conflict Midyear Report ۲۰۱۷, July ۲۰۱۷ (url), p. ۶۶.
گروه های بین المللی	include all foreign groups like NATO, US forces and so on	UNAMA, Afghanistan Protection of Civilians in Armed Conflict Midyear

		Report ۲۰۱۷, July ۲۰۱۷ (url), p. ۶۹
سایر گروه ها Other forces	Hezb-e Islami/Gulbuddin Hekmatyar این حزب با دولت توافق نامه امضا کرده است اما سلاحهای خود را تحویل نداده است و همچنان در حال فعالیت در حوزه ها امنیتی در افغانستان می باشد.	Diplomat (The), What Gulbuddin Hekmatya's Return Means for Afghanistan, ۳ May ۱۹۷۱

Source: EASO, ۲۰۱۷

وجود گروه های متعدد جنگ طلب و معارض وضعیت آشفته ای از نظر امنیتی برای افغانستان به دنبال داشته است به گونه ای که بر اساس گزارشات موجود این کشور در سال ۲۰۱۹ به عنوان ناامن ترین کشور دنیا شناسایی شده است (۲۰۱۹, worldpopulationreview.com). این ناامنی را می توان در نقاط مختلف این کشور از جمله در ایالت هرات نیز مشاهده کرد که توسط گروه هایی چون، طالبان، former mujahideein fighters, local power elites, rebel groups and criminals و مانند آن شکل می گیرد. در این ایالت ناامن ترین منطقه Shindand می باشد که در فاصله ۱۳۰ کیلومتری از شهر هرات واقع شده است و امن ترین منطقه استان، خود شهر هرات می باشد (EASO, ۲۰۱۷). در این بین توجه به رویکردهای مشارکتی و جذب حداکثری مشارکت شهروندان تا حد زیادی می تواند در بالابردن امنیت در این شهر تاثیرگذار باشد. این در حالی است که در این ارتباط مطالعات اندکی وجود دارند که به طور دقیق به این مساله پرداخته باشند. با این وجود در این تحقیق با استفاده از شاخص های زیر (جدول ۳) که در قالب پرسشنامه تهیه و توزیع گردیده است، بخشی از ابعاد امنیتی موثر بر مشارکت شهروندان با نهادهای امنیتی استخراج گردد تا از این طریق بخشی از قابلیت و توانمندی شهروندان در امور امنیتی مورد توجه قرار گیرد.

شاخص های موثر بر امنیت شهری هرات

ردیف	شاخص ها
۱	سطح آگاهی شهروندان پیرامون مشارکت با نهادهای امنیتی
۲	میزان تمایل شهروندان جهت مشارکت با نهادهای امنیتی
۳	ذهنیت شهروندان نسبت به مشارکت با نهادهای امنیتی
۴	بررسی نوع و چگونگی مشارکت شهروندان با نهادهای امنیتی
۵	عملکرد نهادهای امنیتی در جذب مشارکت شهروندان
۶	تعداد نهادهای امنیتی و سختی مشارکت با آنها
۷	

توجه به ابعاد مشورتی در بسیاری از شهرهای افغانستان رو به توسعه می باشد. به گونه ای که در ۳۰ مرکز استان هیئت های مشورتی شهرداری جهت بالابردن شفافیت و پاسخگویی شکل گرفته است. در کنار آن؛ در پنج شهر مهم افغانستان یعنی هرات، کابل، مزارشریف، قندهار و جلال آباد (Herat, Mazar-i-Sharif, Kandahar and Jalalabad) شورای منتخب توسعه جامعه (elected Community Development Councils (CDCs) و مجامع گزار (Gozar Assemblies) جهت مشارکت پیرامون برنامه ریزی محلی و مدیریت خدمات و تسهیلات عمومی فعالیتهایی را شروع کرده اند (ACRH, ۲۰۱۵). با این وجود به دلیل مشکلات عدیده ای چون سیستم مدیریتی نامناسب، بیکاری، آلودگی محیطی، کمبود خدمات عمومی، ضعف زیرساختهای اساسی که در شهری چون هرات وجود دارد، حداقل فعالیتهایی هم که انجام می گیرد چندان چشمگیر نبوده و توجه افراد را به خود جلب نمی کند.

در واقع علی رغم وجود برخی اقدامات صورت گرفته در این شهر، همچنان رویکردهای مشارتمی در توسعه شهر کم رنگ و بیشتر رویکردی اداری می باشد (Kabiri, ۲۰۲۰). این در حالی است که نهادهای سازی این مساله و دخیل کردن مردم در امور شهر نیازمند اقدامات جدی تری است و ضرورت توجه مدیران شهری به جذب مشارکت مردمی نیازمند مطالعات دقیق تری می باشد. بنابراین در این پژوهش با توجه به این مهم برخی شاخص های مهم و کلیدی جهت ارتقای توسعه اجتماعی شهروندان و تاثیر آن بر مشارکت شهروندان استخراج و در قالب سوالاتی در بطن پرسشنامه گنجانده شده است.

شاخص های مشارکتی موثر در توسعه شهری مورد توجه در پرسشنامه

ردیف	شاخص ها
۱	راحتی شهروندان در برقراری ارتباط با مسئولین شهری
۲	عملکرد شهرداری در آگاهی رسانی نسبت به اهمیت مشارکت در امور شهری
۳	میزان تمایل شهروندان در مشارکت جهت پرداخت عوارض شهری
۴	بررسی ذهنیت شهروندان نسبت به مشارکت با شهرداری
۵	بررسی ذهنیت شهروندان نسبت به عملکرد شهرداری و تمایل آنها به مشارکت با آن
۶	مشارکت جهت ارائه مشکلات محله به مسولان شهری
۷	مشارکت در حل بخشی از مشکلات شهری

فصل سوم

منطقه مورد مطالعه

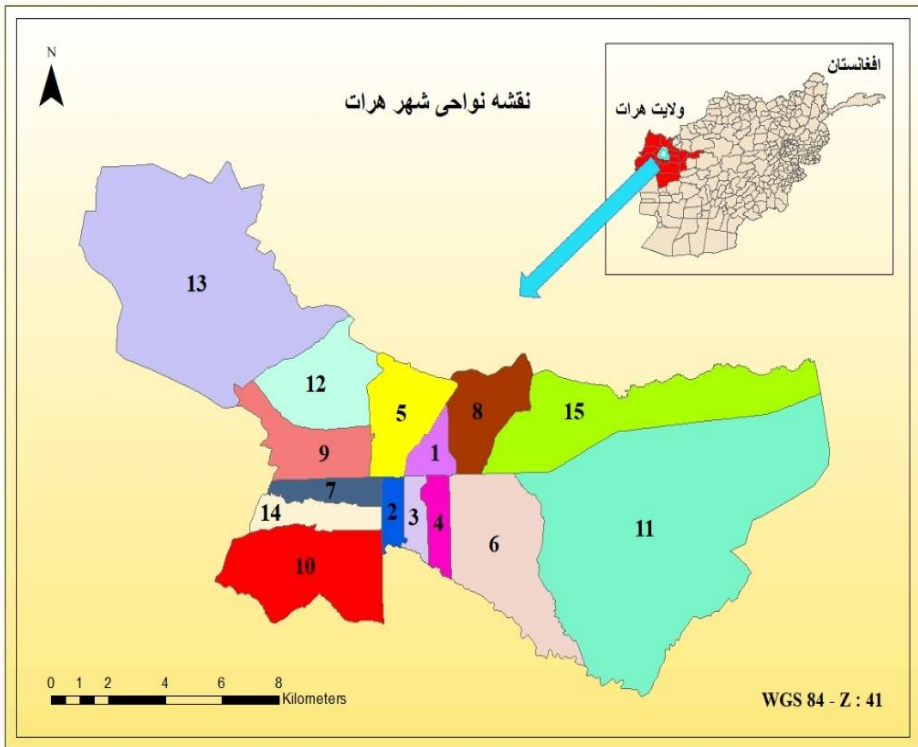
مقدمه

شناخت نقش و جایگاه شهرها و موقعیتی که در سطح ملی و بین المللی دارند نقش مهم و برجسته ای در مشخص نمودن جایگاه یک شهر در زمان حال و آینده آن خواهد داشت. فضای شهری ویژگی‌های کالبدی و کارکردی متفاوتی در دوره‌های مختلف به خود گرفته‌اند و از این روی تعاریف گوناگونی نیز از آنها به عمل آمده‌است. نگاهی به این تعاریف و دیدگاه‌ها برای استخراج ابعاد مختلف یک فضای شهری نشان از دو عامل فرم (کالبد) و ماهیت (عملکرد) فضاهای شهری است. کالبد و فعالیت در دوره باستان یکی است، اما در اواخر قرن هجدهم متفاوت از یکدیگر است. در این دوره شهر و فضاهای شهری کانون اندیشه‌ها، عواطف و احساسات بشری است؛ و از اواسط قرن بیستم تا کنون مفهوم فضای شهری با رویکردهای جدیدتری مورد بررسی قرار می‌گیرد. فضای شهری به ترکیبی اطلاق می‌شود که از فعالیت‌ها، بناهای مختلف فرهنگی، اجتماعی، اداری، تجاری و مانند آن و عناصر و اجزای شهری به صورتی آراسته، هماهنگ و واجد نظم و زیبایی و بالطبع با ارزش‌های بصری تشکیل می‌گردد و از نظر فیزیکی دارای بدن‌های محصورکننده هست. به عبارتی فضای شهری جزئی از یک شهر است که به عنوان عرصه عمومی، تجلیگاه فعالیت‌های شهری است. فضای شهری دارای ویژگی‌هایی ارتباطی بوده و بخشی از ارگانسیم زنده شهر است که با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فنی در حال تغییر، مرتبط است و در غیر این صورت بجزء حفره‌های در میان ساختمانها و سایر اجزای شهری نخواهد بود (ارزانی بیرگانی و همکاران، ۱۳۹۵، ۵). بنابراین شناخت ابعاد مختلف موجود در فضای شهر زمینه شناختی جامع تر از شهر را فراهم خواهد آورد و برنامه ریزی و مدیریت آن را آسان تر خواهد نمود.

در این بین افغانستان دارای پنج منطقه عمده شهری کابل، مزار شریف، هرات، کندهار و جلال آباد می‌باشد (آینده شهرهای افغانستان، ۲۰۱۵، ۳). مستقل کردن منطقه شهری هرات به عنوان یکی از مناطق مهم افغانستان به خوبی نقش و جایگاه این شهر را ساختاری سیاسی و اجتماعی کشور افغانستان نشان میدهد. بنابراین در ادامه به منظور شناختی جامع تر نسبت به وضعیت هرات ابعاد مختلف این شهر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

موقعیت جغرافیایی شهر هرات

شهر هرات در غرب افغانستان و هم مرز با کشور جمهوری اسلامی ایران (مرزاسلام قلعه) و کشور ترکمنستان (مرزتورغندی) می‌باشد. این شهر هم مرز با ولایت‌های بادغیس، غور و فراه می‌باشد (پلان انکشاف ظرفیت، ریاست شاروالی هرات، ۱۳۹۰). شهر هرات برابر با ۱۲۰ کیلومتر مربع مساحت دارد (وضعیت شهرهای افغانستان، ۲۰۱۵) و به عنوان سومین شهر بزرگ افغانستان شناخته می‌شود. این در حالی است که این شهر از نظر جمعیت دومین شهر پرجمعیت افغانستان شناخته می‌شود به گونه ای که جمعیت این شهر در سال ۱۳۹۶ در حدود ۷۰۰ هزار نفر بوده است. براساس احصائیه دقیق مدیریت ثبت احوال نفوس، پرنفوس‌ترین نواحی این شهر عبارت اند از نواحی دوم، پنجم و هفتم است (سازمان اسکان بشر دفتر ملل متحد، ۲۰۱۸). شهر هرات یک شهر قدیمی هست و بیشتر از ساختاری سنتی برخوردار می‌باشد این در حالی است که در حال حاضر قومیت‌های زیادی به این شهر مهاجرت کرده و در آن استقرار یافته اند که این امر می‌تواند سطح امنیت در این شهر را تحت تاثیر قرار دهد و به ناامن تر شدن شهر بیشتر دامن بزند. در برخی از خیابانهای اصلی هرات اختلاط کاربری‌ها بسیار دیده می‌شود و این موضوع در بسیاری از کشورها باعث ایجاد امنیت می‌شود. این شهر که دارای قدمتی تاریخی و هویتی مشخص در کشور افغانستان می‌باشد، نزدیکترین شهر مهم این کشور به جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. طول مرز مشترک ایران و ولایت هرات حدود ۳۶۵ کیلومتر است و در این بین شهر هرات به عنوان مرکز این ایالت از جایگاه مهمی برخوردار می‌باشد و می‌تواند به عنوان دروازه ی فرهنگی بین دو کشور نقش آفرین باشد. چرا که این شهر دروازه ورود ایران به افغانستان و آسیای مرکزی به شمار می‌رود و از این نظر می‌تواند به عنوان یک شهر استراتژیک به ایفای نقش بپردازد. (نجفی، ۱۳۸۹: ۱۲۱).



نقشه (۱-۳) موقعیت جغرافیایی شهر هرات در کشور افغانستان

این شهر در دره رودخانه هریرود که از کوه‌های مرکزی افغانستان جاری می‌شود و به صحرای قره‌قوم در ترکمنستان می‌ریزد، واقع شده است. هرات منطقه‌ای با آب و هوای اقلیمی نسبتاً خشک شناخته می‌شود که از تابستانی کم آب و تقریباً خشک و زمستان‌های سرد برخوردار می‌باشد. هرات از عوارض توپوگرافیکی وسیع برخوردار می‌باشد به نحوی که هر چه از سمت جنوب به سمت شمال حرکت کنیم بر ارتفاع افزوده می‌شود. این تنوع توپوگرافیکی اقلیم متفاوت با تنوع زیستی بالایی را برای هرات به دنبال داشته است. این مساله حتی نوع کاربری اراضی پیرامون شهر را نیز تحت تاثیر قرار داده و باعث گردیده که کشاورزی به عنوان الگوی غالب کاربری اراضی در نواحی پیرامونی شهر شناخته شود (طرح جامع هرات، ۱۹، ۲۰۱۳).

توپوگرافی

به لحاظ توپوگرافی بیش از یک سوم مساحت ولایت هرات (حدود ۹ درصد) کوهستانی یا نیمه کوهستانی است و بیش از یک دوم مساحت آن (۵۳ درصد) را زمین‌های پست و هموار تشکیل می‌دهد بدین ترتیب که قسمت شمال این شهر با کوه‌های کمر کلاغ، تخت سفر، سید عبدالله مختار، رود قارون، گازرگاه شریف و شیدائی، در قسمت جنوبی با کارآباد ولسوالی انجیل، در غرب با اراضی قریه‌های اسحاق سلیمان، قوای چهار زری دار، قریه‌آباد، پوران ولسوالی انجیل و در سمت شرق با قریه‌های عظیم‌آباد، قبول دراز، کهدستان و شیدائی هم‌مرز می‌باشد. (پلان انکشاف ظرفیت شاروالی هرات، ۱۳۹۰، ۶).

وضعیت ارتفاعات پیرامونی این شهر به نحوی است که ارتفاعات شمالی که در پنج کیلومتری این شهر واقع گردیده حدود ۱۶۵۰ متر و ارتفاعات جنوبی که در فاصله بیست کیلومتری از این شهر واقع گردیده حدوداً ۱۵۰۰ متر ارتفاع دارند.

جدول ۵: درصد انواع توپوگرافی در ولایت هرات

انواع توپوگرافی	هموار	کوهستانی	نیمه کوهستانی	نیمه هموار	گزارش نشده	مجموع
مساحت (درصد)	۵۳.۳	۲۵.۴	۱۳.۶	۶.۶	۱	۱۰۰

ماخذ: (نجفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۲)

به طور کلی می‌توان گفت این ولایت شامل سه موقعیت عمده‌ی جغرافیایی جلگه‌ای، منطقه خشک ییلاقی و کوهستانی است. رشته کوهی به نام فیروز کوه که موازی با هریرود در این ولایت تا دره‌ی ذوالفقار پیش رفته است به دلیل داشتن جنگل‌های پراکنده مرغزارها و مراتع مملو از علف در دامنه‌ها، زیبایی خاصی به جغرافیایی ولایت هرات بخشیده است. رشته کوه کوچکی نیز از جنوب هریرود تا غرب ایران امتداد یافته است. از دیگر رشته کوه‌های هرات می‌توان سفیدکوه و سیاه کوه را نام برد که شاخه‌های فرعی این کوه‌ها موجب شکل‌گیری دره‌های متعدد در این ولایت گردیده است. بنا بر وضع وضعیت توپوگرافی شهر هرات داری آب و هوای معتدل و تا حدی شبیه به آب و هوای نیمه‌صحرایی است به صورتی که اختلاف درجه حرارت شبانه‌روز در آن از ۲۰ درجه متجاوز نیست. بارندگی سالانه

در این ولایت محدود به بهار و زمستان و متوسط این بارندگی به ۲۲۰ میلی‌متر می‌رسد. باد معروف ۱۲۰ روزه در فصول گرما که به صورت بی‌وقفه، از ۱۵ جوزا (خرداد) هر سال شروع شده و تا ۱۵ میزان (مهر) ادامه می‌یابد موجب جلوگیری از گرمای شدید و عامل شکل‌گیری پدیده‌ای به نام «آسیاب‌های بادی» در این ولایت شده است. هریرود خروشان که از انتهای غربی کوه بابا سرچشمه می‌گیرد میدان‌های صحرایی هرات را شاداب می‌سازد و رود «کشک» که از شعبات رود مرغاب محسوب می‌شود از دامنه‌های شمالی سفیدکوه ولایت هرات سرچشمه گرفته در ترکمنستان به رود مرغاب می‌پیوندد، و رودهای ادرسکن و فراه رود که از دامنه‌های جنوبی سفید کوه سرچشمه می‌گیرد سرانجام به هامون صابری می‌ریزد (عظیمی، ۱۳۹۱، ۷۸۹-۷۸۰).

راه‌های ارتباطی

سیستم جاده ملی افغانستان ۱۲۳۰۰۰ کیلومتر راه را شامل می‌شود. طبق طبقه‌بندی بزرگراه‌های ملی، ۴۸۸۴ کیلومتر، بزرگراه‌های منطقه‌ای ۳۲۴۲ کیلومتر، راه‌های ایالتی ۹۶۵۶ کیلومتر، راه‌های روستایی ۱۰۱۰۰۰ کیلومتر و راه‌های شهری ۳۷۵۰ کیلومتر می‌باشد. در این بین آمار دقیقی از وضعیت جاده‌ای شهر هرات موجود نبوده و این مساله تا حدی تحلیل‌های مربوط به این مساله را نحت تاثیر قرار داده است. تا سال ۲۰۰۱ سیستم جاده‌ای بخاطر حوادث کشور به سختی غیر عملی بود در اواخر قرن، ساختار شهری هرات توسعه و تغییر پیدا کرد و همچنین سیستم جاده‌ای شهری نیز رشد داشته است. از مهمترین عوامل تأثیرگذار در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی در هر منطقه راه‌های ارتباطی می‌باشد (طرح جامع هرات، ۲۰۱۲، ۱۲۳) که دامنه ارتباطی این شهر را به نقاط مختلف این کشور افزایش داده است.

ارتفاعات

وادی سبز و شاداب هرات در آغوش دو سلسله سفید کوه و سیاه کوه آرامیده است. سفید کوه که در حدود چهارصد کیلومتر فاصله را از شرق به غرب دربرگرفته و موازی به رود هری گسترش می‌یابد. اواسط ارتفاع این کوه حدود ۳۰۰۰ متر معین شده است. سیاه کوه: این کوه از جنوب غرب لعل و سرچنگل شروع شده و به استقامت جنوب غرب به طرف اسفزار (شیندند) توسعه پیدا می‌کند. این سلسله کوه عموماً در اراضی آهکی به وجود به وجود آمده که از دوره کره ته شیش و جوراسمک نمایندگی می‌کند. تیوره بلندترین قله سیاه کوه، ۳۹۲۳ متر ارتفاع دارد. انتهای غربی این کوه، موسوم به دوشاخ است و شاخه غربی آن به دشت‌های نمکی و هموار هرات و فراه رود می‌انجامد، ولیکن در

جنوب شرقی به سطح مرتفع و فلات سرسبز منتهی می‌شود (پویان، ۱۳۸۸، ۲۴-۲۳). وجود توپوگرافی متنوع در نواحی پیرامونی شهر می‌تواند ابعاد مختلف توسعه شهر را از نظر مسائل امنیتی تحت تاثیر قرار دهد.

دره های مشهور

هرات دره های خوش آب و هوای فراوان دارد که چشمه ساران زلال و فضای سبز آن دیدگان هر بیننده ای را نوازش می‌دهد. این دره ها بیشتر در مناطق چشت شریف، اوبه، پشتون زرغون (شافلان)، کרוخ، کشک و ادرسکن واقع شده‌اند (پویان، ۱۳۸۸، ۲۷). استفاده از این فضاها به خوبی می‌تواند توسعه شهری مورد استفاده قرار گیرد. این فضاها به خصوص در ابعاد توریستی و اقتصادی می‌تواند شهر را به غنای لازم برساند. در این ارتباط ضرورت توجه به ساکنین این مناطق و تعریف نقش برای این افراد و مشارکت دادن آنها در امور مرتبط می‌تواند گامی مهم و موثر در ارتقای جایگاه این مناطق و به تبع آن رشد و توسعه شهری باشد.

فضای سبز هرات

در شهر هرات حدود ۲۰ پارک عمومی وجود دارد که با هدف تفریحی استفاده می‌شود. پراکنش بیشتر پارک‌ها در مرکز شهر است. از بین پارک‌هایی که در شهر پراکنده‌اند، برخی از آنها جنبه حیاتی برای شهر دارند که شامل پارک تخت سفر مخصوصاً در فصل بهار، پارک ملت که در یک مکان خصوصیه که در شمال منطقه ۵ است. این پارک امکانات زیادی دارد که شامل استخر، باغ وحش، کافی شاپ، تالار عروسی، بوفه‌ها (طرح جامع هرات، ۲۰۱۲، ۱۰۰). این در حالی است که توجه به وضعیت فضای سبز موجود در سطح شهر رابطه ای با میزان مشارکت مردم نداشته و در واقع در شکل دهی به فضای سبز شهری هیچ گونه استفاده ای از دیدگاه و نظر مردم نگردیده است.

امکانات بهداشتی و درمانی

از نظر امکانات بهداشتی شهر هرات دارای ۵۹ مورد که شامل ۳۰ کلینیک و ۲۹ بیمارستان می‌باشد. پراکنش آن در سراسر شهر است ولی بیشتر در مرکز شهر تمرکز دارند. البته دو کلینیک در جنوب شهر که خارج از ناحیه بندی شهر نیز هست قرار دارد. این بیمارستان اخیراً ساخته شده توسط تیم بازسازی ایالت ایتالیا که ۱۰۰ تخت و ۱۰ کیلومتری شرق مرکز شهر است. از ۵۹ امکانات بهداشتی موجود فقط ۱۲ مورد عمومی و ۴۷ مورد باقی مانده خصوصی است (طرح جامع هرات، ۲۰۱۲، ۹۱). بر اساس آخرین آمار شاخص وضعیت بهداشت به طور کلی در افغانستان به قرار جدول شماره ۶ می‌باشد.

جدول ۶: شاخص های اصلی بهداشت در افغانستان

شاخص	آمار
امید به زندگی در بدو تولد	۵۲.۱ سال (برآورد سال ۲۰۱۸، بانک جهانی امید به زندگی از بدو تولد ۶۴ سال در ۲۰۱۷۳۳۴ تخمین زده است)
نرخ مرگ و میر	۱۳.۲ فوت / ۱۰۰۰ نفر جمعیت
نرخ مرگ و میر مادران	۳۹۶ فوت / ۱۰۰۰۰۰ تولد زنده
تراکم داکتران	۰.۳ / ۱۰۰۰ نفر جمعیت
تراکم تخت شفاخانه	۰.۵ / ۱۰۰۰ نفر جمعیت

زیرساخت های اقتصادی

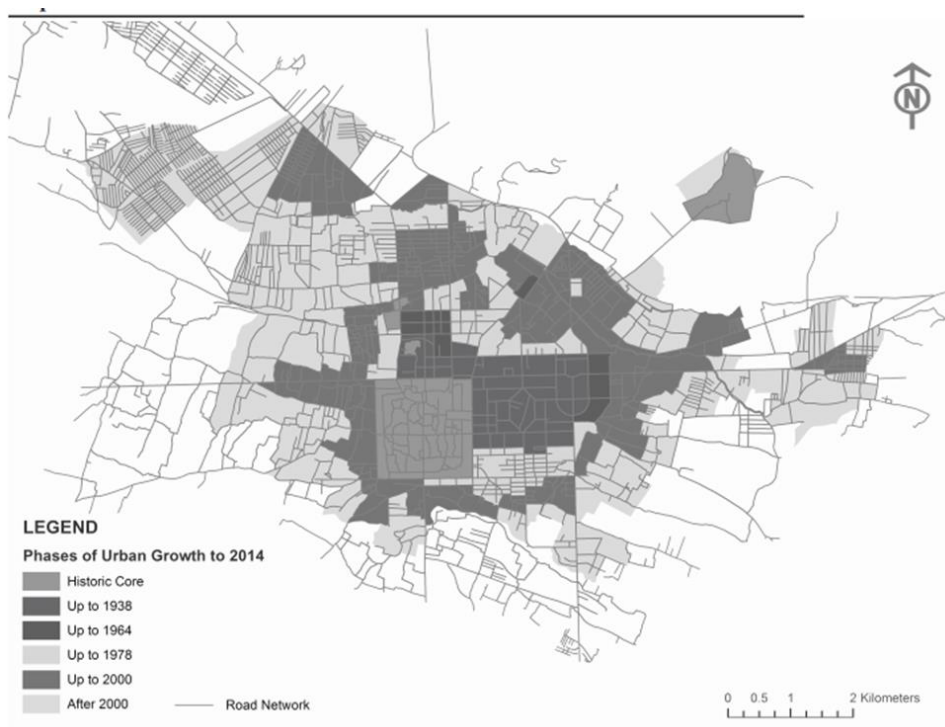
اقتصاد هرات بیشتر نشانگر وضعیت ملی است که در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه فقیر است. در سال ۲۰۱۰ GDB افغانستان کمتر از ۵ درصد از ایران بود. GDP (تولید ناخالص داخلی) افغانستان به هر حال به طور معنا داری بعد از سقوط رژیم طالبان به ۱۵.۶ بلیون دلار در سال ۲۰۱۰ افزایش پیدا کرد. در حال حاضر بر اساس آمار بانک جهانی سال ۲۰۱۸ GDP افغانستان ۱۹.۳۶ درصد بوده است که نسبت به سال قبل یک درصد نیز کاهش داشته است (TRADINGECONOMICS.COM). این در حالی است که آمار دقیقی راجع به تک تک شهرهای افغانستان موجود نبوده و متأسفانه در این ارتباط خلاء داده ای قابل توجهی وجود دارد که گریبانگیر شهر هرات نیز می باشد. با این وجود شهر هرات با برخورداری از شهرک صنعتی بزرگی که به خود اختصاص داده و از طرفی به واسطه موقعیت استراتژیکی که با ایران دارد به خوبی می تواند در بالابردن GDP افغانستان موثر باشد و از ظرفیت مناسب و بالای در بعد اقتصادی برخوردار باشد (طرح جامع هرات، ۲۰۱۲، ۱۱۵).

منطقه شهری

منطقه شهری عبارت است از ساحه کلان شهر و شهرهای زنجیری که از نگاه اداری مرتبط نبوده ولی وابستگی اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی داشته که این وابستگی آنها را به شکل فعال نگه میدارد. منطقه شهری یک کلمه جدید نبوده بلکه در دهه ۱۹۵۰ شهرسازان، اقتصاد دانان، پلان گذاران اراضی و نهادهای محلی و ملی ارزش ارتباط ارگانیکی میان شهر را در راستای انکشاف

اجتماعی و اقتصادی درک کرده بودند (UN-Habitat، ۲۰۰۴). در افغانستان، اصطلاح منطقه شهری طوری است که ساحات در محوطه شهر قرار داشته باشد و فعالیت های روزمره اقتصادی، اجتماعی و محیطی مستقل را دارا باشد. منطقه هرات (ساحه کلان شهر هرات) از نگاه یک زون کاملاً فعال پیچیده بوده است. نظر به برآورد تخمینی نفوس آن به ۱.۴ میلیون نفر (۸۰۰ هزار نفر در داخل محدوده شاروالی و ۷۰۰ هزار نفر در ساحه نیمه شهری) و این شهر بیش از ۲۴۵ قریه دهاتی را دارا می باشد (آینده شهرهای افغانستان، ۲۰۱۵، ۲).

با توجه به مطالعات انجام گرفته و متاثر از مهاجرت هایی که در دهه های اخیر برای این شهر اتفاق افتاد رشد شهر هرات به صورت پیوسته در حال اتفاق افتادن می باشد. روند رشد و توسعه شهری را می توان در نقشه (۲-۳) مشاهده کرد.



شکل: ۷ (۲-۳) نقشه رشد و توسعه شهر هرات در یک صد اخیر. منبع: ۲۰۱۵، leslie

الگوی حاکمیتی هرات

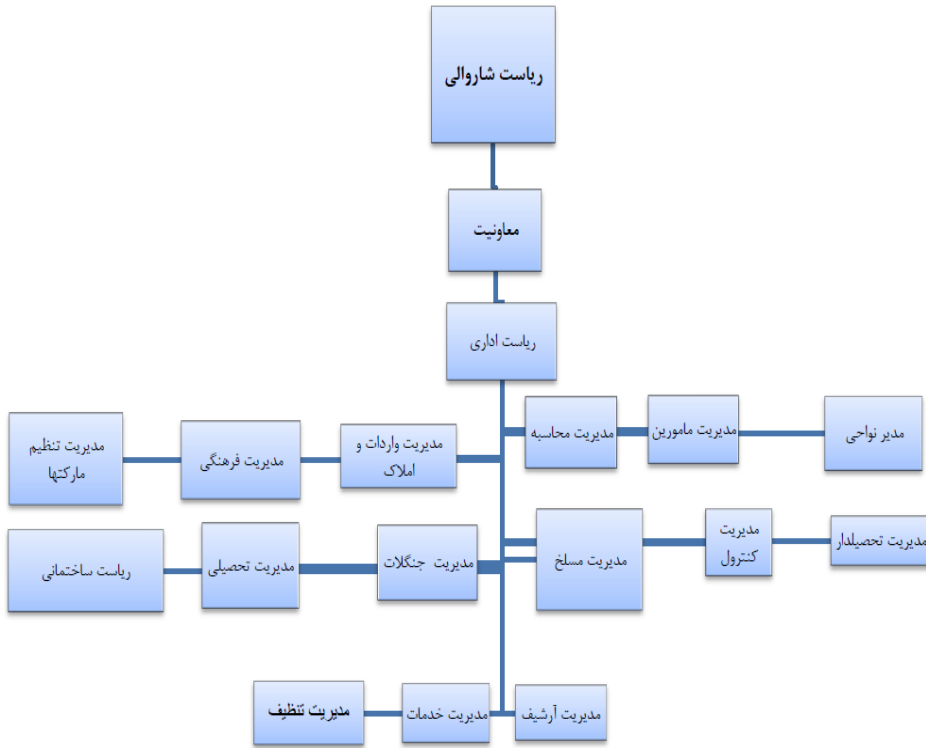
افغانستان از جمله کشورهای متمرکز از نظر اداره امور می باشد. این باعث گردیده که تمرکز قدرت در دست دولت مرکزی باشد. با این وجود شهرداریها به عنوان نهادهای محلی خودگردان جهت مدیریت فضاهای شهری در این کشور تعریف گردیده اند. در این کشور هر استانی یک اداری شهری استانی (provincial municipality) تحت عنوان ((sharwali wolayat)) دارد که تحت کنترل وزارت کشور (Ministry of the Interior) می باشد. در واقع بر اساس قانون اساسی مصوبه سال ۲۰۰۴ شهردار و اعضای شورای شهر برای یک دوره سه ساله از طریق انتخابات آزاد و عمومی برای اداره امور شهر انتخاب می گردند. شهردار از بین اعضای شورای شهر به طور غیرمستقیم و از طریق رای مخفی انتخاب می گردد. شهرداری ها داری وظایف مختلفی از آن جمله جذب مشارکت شهروندان، ارائه خدمات عمومی، برنامه ریزی محلی و مانند آن جهت بالابردن رضایت مندی شهروندان هستند. (Beall and Daniel, ۲۰۰۵)

در همین ارتباط می توان به شهرداری هرات به عنوان مهمترین نهاد عمومی فعال در حوزه شهر هرات اشاره داشت که در سال ۱۳۰۸ ه. ش تاسیس گردیده است .

شهرداری هرات در اوایل دارای شش ناحیه بوده که در زمان حکومت مجاهدین بعد از منظوری از مرکز کشور به هشت ناحیه و در زمان حکومت طالبان به ده ناحیه و در تحلیل سازمانی و تشکیل سال ۱۳۸۹ بعد از منظوری و طی مراحل به دوازده ناحیه و اکنون به ۱۵ ناحیه تقسیم شده است. . ساختار تشکیلاتی شهرداری هرات را می توان در شکل (۱) مشاهده کرد.

شهر هرات با ۱۸۲ کیلومتر مربع مساحت در غرب افغانستان موقعیت دارد. (وضعیت شهرهای افغانستان، ۲۰۱۵) این شهر تقریباً ۷۱ درصد آن بی برنامه رشد نموده و تنها ۳۰ درصد آن با طرح جامع تطبیق گردیده است (پلان انکشاف ظرفیت شاروالی هرات، ۱۳۹۰، ۵). نهاد اداری این شهر شهرداری می باشد که در سال ۱۳۰۸ ه ش تاسیس گردیده است. شهرداری هرات در اوایل دارای شش ناحیه بوده که در زمان حکومت مجاهدین بعد از منظوری از مرکز کشور به هشت ناحیه و در زمان حکومت طالبان به ده ناحیه و در تحلیل سازمانی و تشکیل سال ۱۳۸۹ بعد از منظوری و طی مراحل به دوازده ناحیه منقسم شد. این در حالی است که در حال حاضر شهرداری از ۱۵ ناحیه تشکیل شده و به ارائه خدمات مشغول می باشد. با تمامی این تفاسیر ساختار حاکمیتی شهر هرات در حال حاضر از الگوی زیر پیروی می کند.

ساختار تشکیلاتی فعلی شاروالی هرات



منبع: ۹: پلان انکشاف ظرفیت شاروالی هرات، ۱۳۹۰

وضعیت امنیت و توسعه شهر هرات

در حال حاضر اوضاع امنیتی در هرات نسبت به سال‌های گذشته نسبتاً خوب بوده و با وجود برخی تهدیدات امنیتی در شهرستان‌های هرات و روستاهای آن از سوی طالبان می‌توان گفت که اوضاع امنیتی در کنترل نیروهای امنیتی افغانستان است. معمولاً حضور آوارگان داخلی که از ولایت‌های فراه، بادغیس و غور به هرات آمده‌اند و در مناطق مختلف در چند کیلومتری شهر هرات زندگی می‌کنند، سبب ایجاد ناامنی در هرات شده است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷). در واقعاً شهر هرات را به عنوان یکی از سه شهر امن افغانستان در کنار مزارشریف و پنج شیر قرار گرفته است. با این وجود تهدید اصلی که در حال حاضر متوجه این شهر می‌باشد وجود طالبان و رویکرد تسلط جویانه این گروه برای مسلط شدن بر این شهر و سایر شهرهای افغانستان می‌باشد. در واقع بیشتر ناآرامی‌هایی که این شهر را متاثر می‌سازد به نوعی با طالبان یا گروه‌های متاثر از آن می‌باشد. به طور کلی از

سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ روند توسعه شهر هرات سرعت خوبی داشته و مهاجرین زیادی را از شهرها و روستاهای مختلف جذب کرده بود. از سال ۱۳۹۰ به بعد کمک‌ها جامعه جهانی کمتر می‌شود و تا حدی سرعت رشد شهری نسبت به قبل کمتر می‌شود. به طور کلی هرات شهری است که از وضعیت امنیتی مناسبی برخوردار است و همین عامل در جذب جمعیت بیشتر این شهر بسیار اثر گذار بوده است. از سال ۱۳۹۴ به بعد هرات به ۱۵ ناحیه شهری تقسیم می‌شود. طی دو سال اخیر وضعیت شهر هرات به لحاظ امنیتی دچار ضعف شده است. جرم‌هایی مثل قتل و دزدی در شهر زیاد شده است. وضعیت امنیتی خانم‌ها در هرات به لحاظ حضور در اجتماعات و امنیت روانی، نسبت به قبل بهتر شده است ولی امنیت به طور کلی نسبت به گذشته ضعیف‌تر شده است. در اطراف شهر این وضعیت امنیتی بسیار وخیم‌تر است. مشکلات اقتصادی، فقر، بیکاری از عوامل داخلی و حضور نیروهای مخالف حکومت، طالبان از عوامل خارجی هستند که باعث تشدید ناامنی در خارج و داخل شهر هرات شده‌اند.

با این وجود تهدید اصلی که در حال حاضر متوجه این شهر می‌باشد وجود طالبان و مسلحین و رویکرد تسلط جویانه این گروه برای مسلط شدن بر این شهر و سایر شهرهای افغانستان می‌باشد. در واقع بیشتر ناآرامی‌هایی که این شهر را متاثر می‌سازد به نوعی با طالبان یا گروه‌های متاثر از آن می‌باشد. به طور کلی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ متاثر از وجود امنیت نسبی در این شهر روند توسعه شهر هرات سرعت خوبی داشته و مهاجرین زیادی را از شهرها و روستاهای مختلف جذب کرده است. حضور آوارگان داخلی که از استان‌های فراه، بادغیس و غور به هرات آمده‌اند و در مناطق مختلف در چند کیلومتری شهر هرات زندگی می‌کنند، تا حدی سبب ایجاد ناامنی در هرات شده است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷).

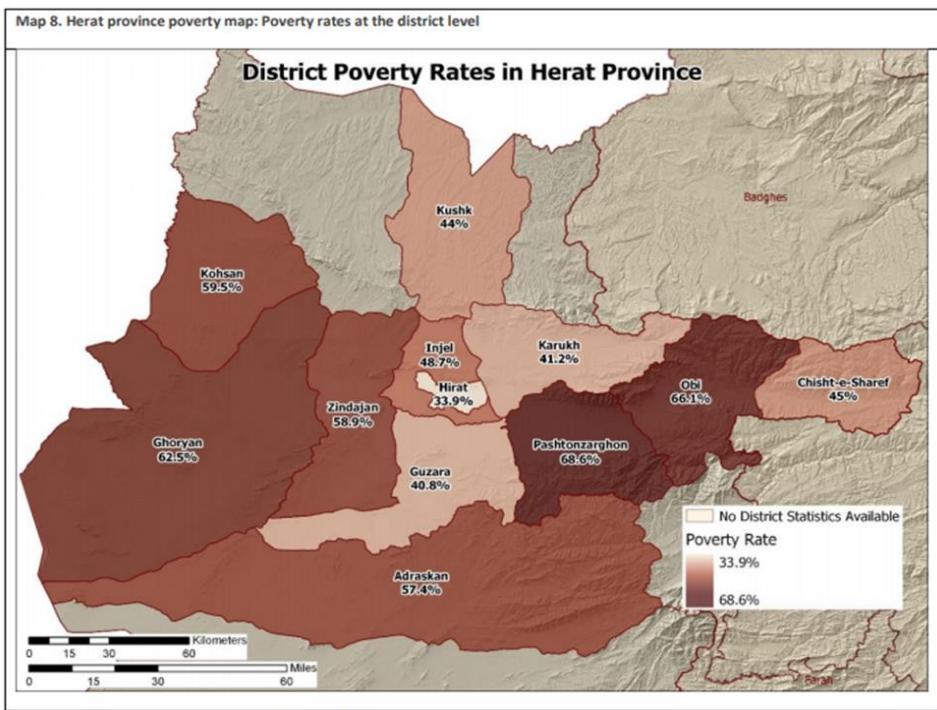
به طور کلی عوامل ایجادکننده ناامنی در محدوده هرات را بلید در دو دسته عمده طبقه‌بندی کرد یکی عواملی داخلی که به مشکلات اقتصادی، فقر، بیکاری و... شهروندان بر می‌گردد و دیگری عوامل خارجی که به حضور نیروهای مخالف حکومت فعلی افغانستان و طالبان مربوط می‌گردد.

در این ارتباط، براساس آمار بدست آمده عمده جنایات صورت گرفته در هرات متاثر از مسلحین جنایتکاری است که در بخش‌های مختلفی از این ایالت پراکنده‌اند و جنایاتی چون آدم‌ربایی، دزدی، ترور و مانند آن را در اقصا نقاط ایالت هرات رقم می‌زنند. در این بین ناپایدارترین منطقه‌ای که در نزدیکی شهر هرات قرار دارد شیندند (Shindand) می‌باشد که در فاصله ۱۳۰ کیلومتری از

شهر هرات قرار دارد و یک منطقه ۶۷۰۰ کیلومتر مربعی با جمعیتی حدود ۸۰۰ هزار نفری را شامل می‌شود. تنها در سال ۲۰۱۵ منطقه شینداند یک سوم تمام حوادث امنیتی در این استان را به خود اختصاص داد. تنها در ۹ ماهه اول سال ۲۰۱۷ به دلیل تعارضات داخلی در استان هرات نزدیک به ۵۸۰۰ نفر مکان اسکان خود را تغییر داده‌اند که از این میزان حدود ۳۸۰۰ نفر از آنها از منطقه شینداند به شهر هرات تغییر مکان داده‌اند (EASO, ۲۰۱۷).

به طور کلی، بین سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ بیش از ۷۳۰ حادثه امنیتی در ولایت هرات اتفاق افتاده است (جدول) که از این میزان حدود ۱۸۰ مورد آن در شهر هرات به وقوع پیوسته است (EASO, ۲۰۱۷). تعداد افراد غیر نظامی کشته شده در ولایت هرات در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال ۲۰۱۷ حدود ۴۸ درصد کاهش داشته است و تعداد آن به ۲۴۹ نفر رسیده است. بین سالهای ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ سه حمله انتہاری در شهر هرات اتفاق افتاده است (CPINA, ۲۰۱۹).

در کنار عوامل خارجی توجه به عوامل داخلی مثل فقر و بیکاری، حاشیه نشینی و مانند آن نیز در وضعیت امنیتی ایالت هرات نقش برجسته ای دارد. در واقع این استان همچون سایر استانهای افغانستان درگیر مشکلات اقتصادی عدیده ای می‌باشد و این مساله باعث گردیده که سطح فقر در این استان به طور نسبی بالا باشد به گونه ای که بر اساس گزارش بانک جهانی میزان فقر در این استان علرغم اینکه ۱۲ درصد از میانگین کشوری پایین تر می‌باشد حدود ۴۳ درصد می‌باشد. این فقر در بخشی قسمت های استان مثل قوریان (Ghoryan) تا مرز ۶۲.۵ درصد هم می‌رسد. کمترین میزان فقر در این ولایت به شهر هرات بر میگردد که حدود ۳۴ درصد می‌باشد نقشه (۳-۳) (World bank report, ۲۰۱۸). در واقع وجود فقر در اشکال مختلف آن به شدت می‌تواند زمینه تعدی به حریم افراد دیگر را فراهم سازد و ناهنجاری‌های اجتماعی در سطح جامعه را افزایش دهد. در نتیجه مشکلات اقتصادی خود می‌تواند یکی از عوامل اساسی در ایجاد ناامنی در فضای شهر باشد.



نقشه (۳-۳) پراکندگی فقر در ولایت هرات، منبع: (World bank report, ۲۰۱۸)

خلاصه فصل

ولایت هرات دارای ۱۶ شهرستان می‌باشد که در بین آنها شهر هرات از جایگاه برجسته ای برخوردار بوده و از هویت تاریخی فرهنگی ممتازی در افغانستان برخوردار می‌باشد و دارای بیشترین اثر تاریخی – فرهنگی می‌باشد. هرات با جمعیتی حدود ۷۰۰ هزار نفر بیشترین جمعیت را در بین دیگر شهرهای این ولایت دارد. این شهر از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار می‌باشد و این امر جایگاه ویژه ای به این شهر در ساختار حاکمیتی افغانستان داده و دولت وقت به دنبال تقویت نقش و جایگاه این شهر می‌باشد و به دنبال آن است که زمینه های لازم برای توسعه این شهر را بیش از پیش فراهم سازد. در این راستا در این فصل کلیاتی از وضعیت موجود شهر هرات و جایگاه آن در کشور افغانستان تشریح گردیده است.

به لحاظ طبیعی رودخانه هریرود را می‌توان نقطه قوت این شهر باستانی یاد کرد. هرات دارای تنوع آب و هوایی و فصول ۴ گانه است. هرات تنها قطب صنعتی افغانستان در غرب این کشور است. همین مورد باعث ایجاد ارتباطات گسترده اقتصادی با کشورهای همسایه شده است. این مبادلات می‌تواند آغازگر ارتباطات بیشتر در زمینه‌های غیر تجاری از جمله گردشگری نیز گردد. چرا که در این شهر بیش از ۲۲۰ اثر تاریخی - فرهنگی ثبت شده که پتانسیل فوق العاده ای به این شهر می‌دهد. در نتیجه دولت می‌تواند با استفاده از مشارکت شهروندان و بالابردن سطح امنیت در این شهر، زمینه رشد و توسعه این شهر را بیش از پیش فراهم نماید.

فصل چهارم

تجزیه و تحلیل

مقدمه

تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی اهداف و سوالات تحقیق برای هر نوع پژوهشی از اهمیت خاصی برخوردار است. در این فصل به تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از طریق پرسشنامه پرداخته می‌شود که دارای اهمیت ویژه‌ای در پاسخ به سوالات و نتیجه‌گیری تحقیق می‌باشد. فصل حاضر دربرگیرنده سه بخش توصیفی، استنباطی و تحلیل فضایی می‌باشد، بدین‌صورت که ابتدا در بخش توصیفی، با استفاده از روش‌های آمار توصیفی به ارائه نتایج توصیفی حاصل از یافته‌های پرسشنامه‌ای و نیز اطلاعات اخذشده از سازمان‌های زیربط به‌صورت جداول و شکلها پرداخته‌شده است و در بخش دوم با بهره‌گیری از روش‌های آمار استنباطی به تحلیل و آزمون فرضیات و چگونگی روابط بین متغیرها تحقیق پرداخته‌شده است و در بخش سوم به تحلیل فضایی منطقه مورد مطالعه در زمینه متغیرهای تحقیق پرداخته شده است.

بخش اول: توصیفی

آمارهای توصیفی

از منابع اطلاعاتی که ما را در شناخت بیش‌تر عرصه پژوهش یاری می‌کند، پیمایش میدانی و اطلاعات توصیفی حاصل از مشاهدات و تکمیل پرسشنامه است. بنابراین در این بخش پس از جمع‌آوری، طبقه‌بندی و کدگذاری با استفاده از نرم‌افزار SPSS اطلاعات پاسخ‌گویان در قالب جداول، نمودارها و نقشه‌ها طبقه‌بندی و تلخیص شده است. بنابراین در ادامه سعی بر آن است که مهم‌ترین اطلاعات توصیفی حاصل از مطالعات میدانی انجام‌شده ارائه شود. این بخش به زیر بخش ویژگی‌های فردی پاسخگویان و شاخص‌های تحقیق تقسیم‌شده است.

ویژگی‌های فردی پاسخگویان

در این بخش از تجزیه و تحلیل آماری به بررسی چگونگی توزیع نمونه‌های آماری جامعه‌ی مورد مطالعه از حیث متغیرهایی فردی چون، سن، وضعیت تأهل و... به کمک جداول و نمودارهای آماری به شرح زیر پرداخته شده است. در واقع در این تحقیق به منظور گردآوری داده‌های لازم در مجموع

۳۸۳ پرسشنامه جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در ادامه به بررسی ابعاد مختلف پرسشنامه های جمع آوری شده پرداخته خواهد شد.

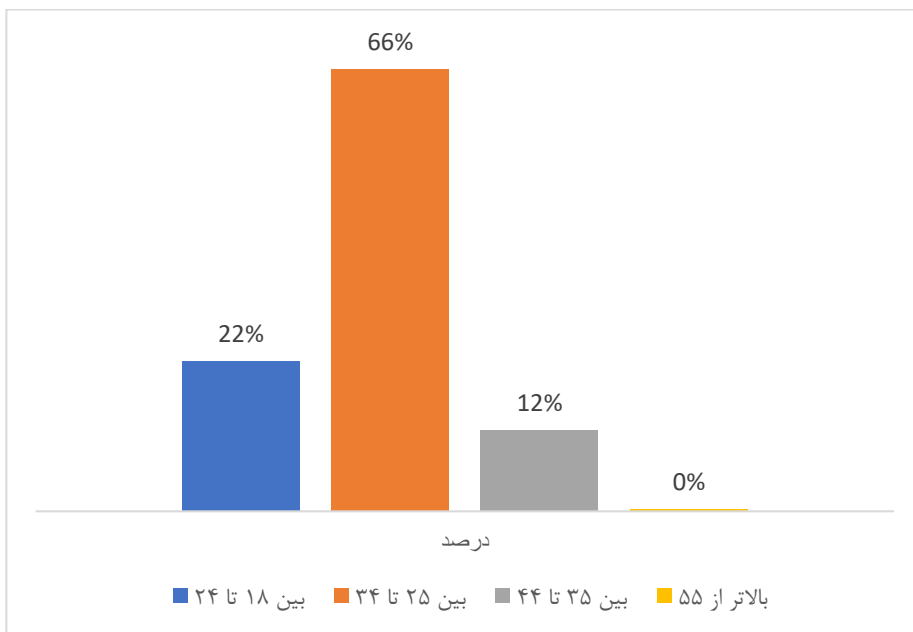
توزیع سنی

در این ارتباط پاسخگویان در چهار گروه سنی ۱۸-۲۴ سال، ۲۵-۳۴ سال، ۳۵-۴۴ سال، و بالاتر از ۵۵ سال طبقه بندی شده‌اند. فراوانی و توزیع گروه‌های سنی مربوط به افراد حجم نمونه به طور دقیق در جدول (۱-۴) و نمودار (۱-۴)، ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود عمده پاسخگویان در گروه سنی ۲۵-۳۴ سال با فراوانی ۲۵۱ نفر (۶۵.۵٪) قرار دارند. پس از آن گروه‌های سنی ۱۸-۲۴ سال با فراوانی ۸۵ نفر (۲۲.۲٪)، ۳۵-۴۴ سال با ۴۶ نفر (۱۲٪) قرار دارند. کم‌ترین تعداد پاسخگویان هم مربوط به گروه بالاتر از ۵۵ سال با فراوانی ۱ نفر (۰.۳٪) می‌باشد.

جدول ۷: توزیع فراوانی سنی پاسخگویان

گروه سنی پاسخگویان	۱۸ تا ۲۴ سال	۲۵ تا ۳۴ سال	۳۵ تا ۴۴ سال	بالاتر از ۵۵ سال	مجموع
فراوانی	۸۵	۲۵۱	۴۶	۱	۳۸۳
درصد	۲۲.۲	۶۵.۵	۱۲	۰.۳	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸



نمودار ۳: درصد توزیع فراوانی سنی پاسخگویان

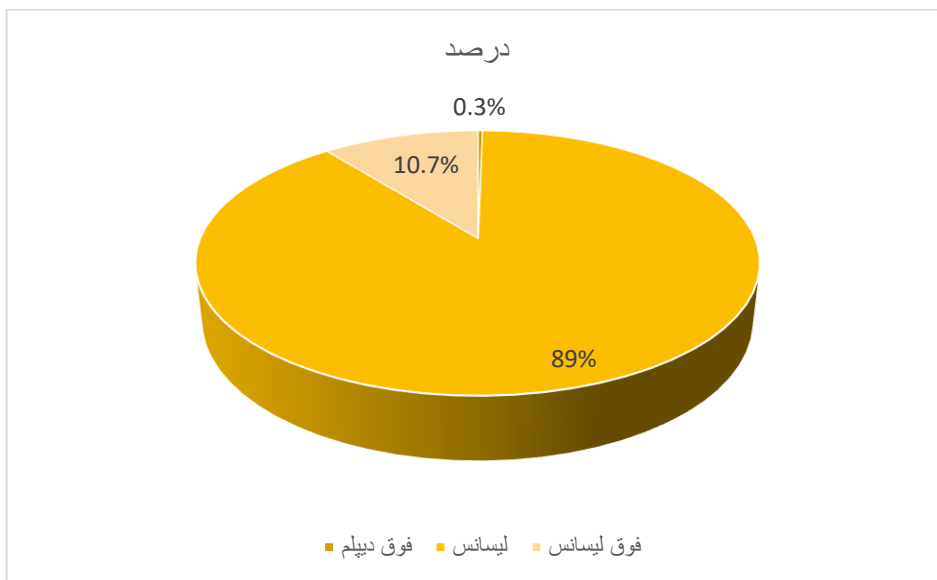
تحصیلات

توزیع افراد جامعه میزبان در شهر مورد مطالعه از نظر سطح سواد و تحصیلات بر طبق جدول (۴-۲) و نمودار (۴-۲)، قابل بررسی است. وضعیت تحصیلات بر حسب سه سطح فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس از افراد پرسیده شده است. همان طور که از جدول توزیع درصد فراوانی و نمودار مذکور بر می آید، سطح تحصیلات لیسانس و فوق لیسانس به ترتیب با ۸۹ و ۱۰.۷ درصد بیشترین افراد پرسش شونده را تشکیل می دهند. سطح تحصیلات فوق دیپلم با ۱ درصد کمترین تعداد افراد پاسخگو را در بر می گیرند.

جدول ۸: وضعیت تحصیلات پاسخگویان

سطح تحصیلات	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	مجموع
فراوانی	۱	۳۴۱	۴۱	۳۸۳
درصد	۰.۳	۸۹	۱۰.۷	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸



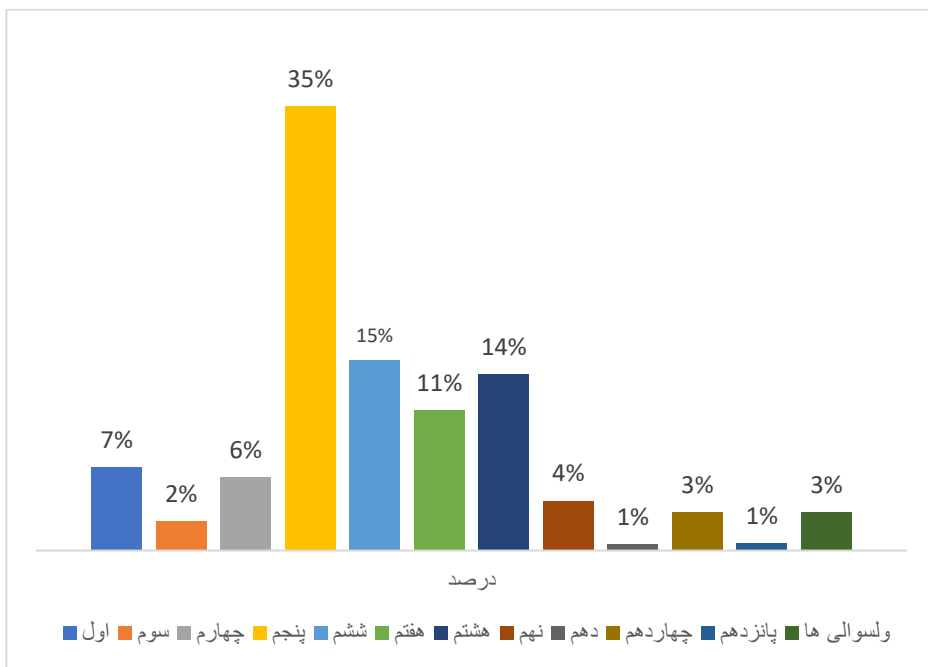
نمودار ۴: درصد توزیع فراوانی تحصیلی پاسخگویان

محدوده سکونت

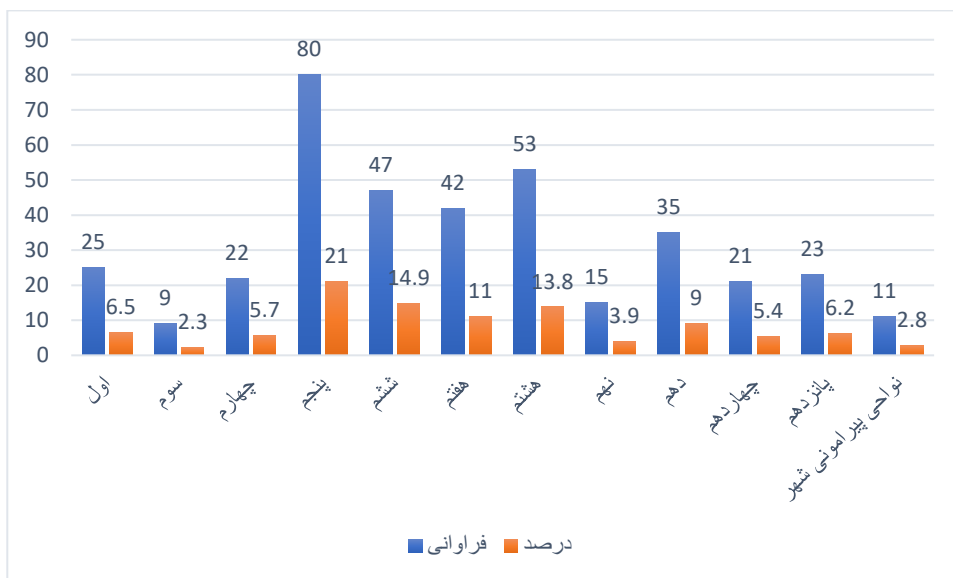
بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها، همان‌طور که در جدول ۹ و نمودار ۵ مشاهده می‌شود، بیشترین درصد پاسخگویان مربوط به ناحیه پنجم با ۳۴.۷ درصد می‌باشد و بعد از آن مناطق ششم و هشتم و هفتم به ترتیب با ۱۴.۹ و ۱۳.۸ و ۱۱ درصد در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند. نواحی اول، چهارم، ولسوالی‌ها، نهم و چهاردم به ترتیب با ۶.۵ درصد، ۵.۷ درصد، ۳.۹ درصد، ۳ درصد و ۳ درصد به ترتیب بیشترین تا کمترین تعداد پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. کمترین نواحی نیز شامل ناحیه سوم با ۲.۳ درصد، ناحیه پانزدهم با ۰.۶ و ناحیه دهم با ۰.۵ درصد می‌باشد. در نواحی دوم، یازدهم، دوازدهم و سیزدهم نیز هیچ پاسخگویی نداشتیم.

جدول ۹: توزیع فراوانی محدوده سکونت پاسخگویان

درصد	فراوانی	ناحیه
۶.۵	۲۵	اول
۲.۳	۹	سوم
۵.۷	۲۲	چهارم
۲۱	۸۰	پنجم
۱۴.۹	۴۷	ششم
۱۱	۴۲	هفتم
۱۳.۸	۵۳	هشتم
۳.۹	۱۵	نهم
۹	۳۵	دهم
۵.۴	۲۱	چهاردهم
۶.۲	۲۳	پانزدهم
۲.۸	۱۱	نواحی پیرامونی شهر
۱۰۰	۳۸۳	مجموع



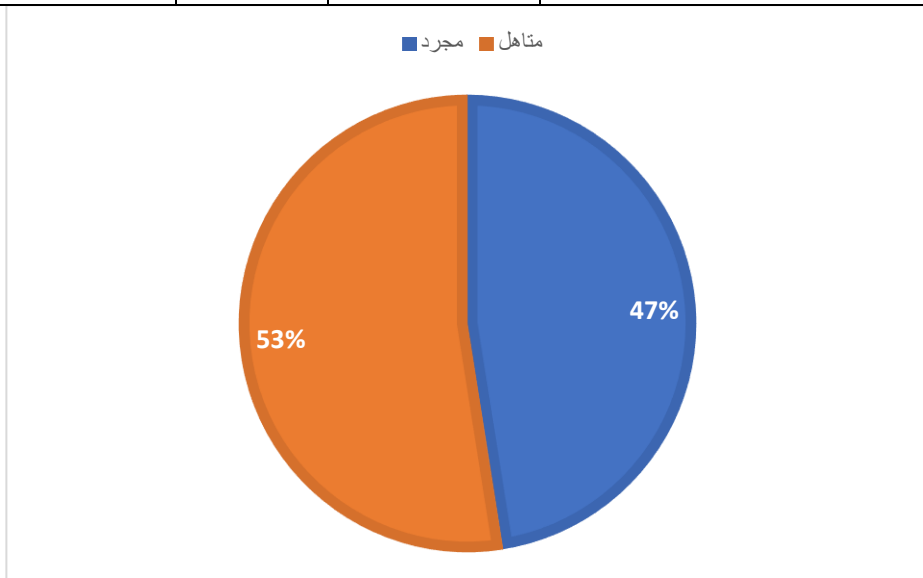
نمودار ۵: تعداد و درصد محدوده سکونت پاسخگویان



وضعیت تاهل

از نظر وضعیت تاهل پاسخگویان بر اساس جدول (۴-۴) و نمودار (۴-۴) بیشترین درصد مربوط به متاهلین بوده با ۵۲.۵ درصد (۲۰۱ نفر) و پاسخگویان مجرد در رتبه بعدی با ۴۷.۵ درصد (۱۸۲ نفر) قرار می‌گیرند.

تاهل	مجرد	متاهل	مجموع
فراوانی	۱۸۲	۲۰۱	۳۸۳
درصد	۴۷.۵	۵۲.۵	۱۰۰



نمودار ۶: درصد وضعیت تاهل پاسخگویان

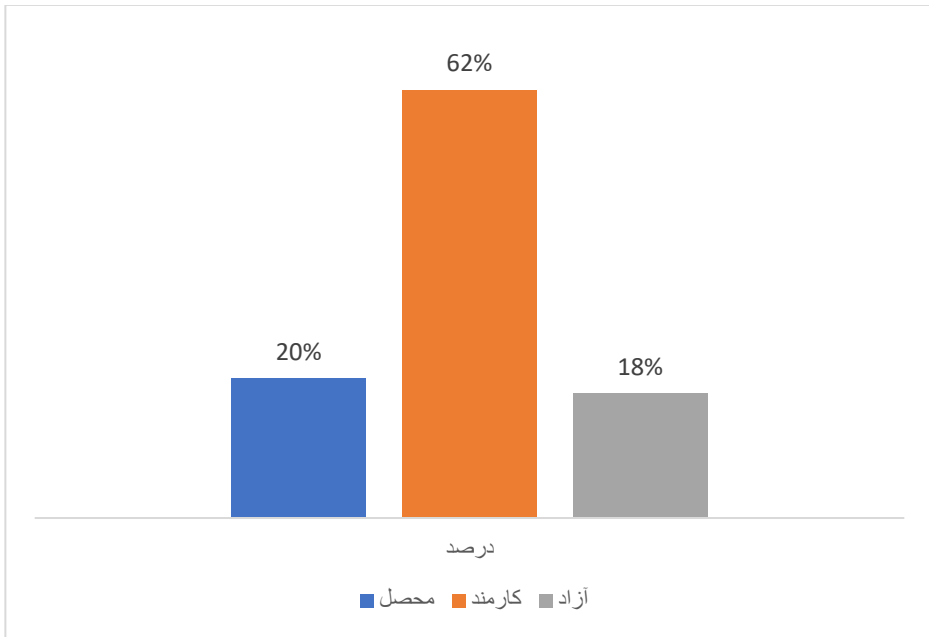
وضعیت اشتغال

بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها، همان‌طور که در جدول و نمودار (۴-۵) مشاهده می‌شود، در مورد وضعیت اشتغال اعضای نمونه آماری تحقیق می‌توان گفت ۶۱.۹ درصد کارمند، ۲۰.۱ درصد دانشجو و ۱۸ درصد دارای شغل آزاد می‌باشند.

جدول ۱۱: وضعیت شغلی پاسخگویان

شغل	دانشجو	کارمند	آزاد	مجموع
فراوانی	۷۷	۲۳۷	۶۹	۳۸۳
درصد	۲۰.۱	۶۱.۹	۱۸	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸



نمودار ۷: درصد توزیع فراوانی شغلی پاسخگویان

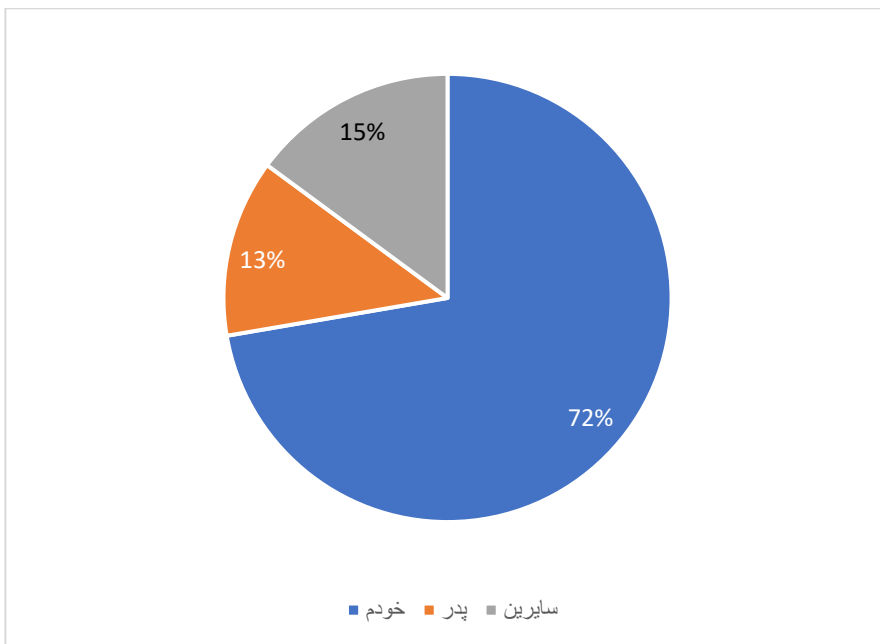
منبع درآمد

بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها، همان‌طور که در جدول و نمودار (۴-۶) مشاهده می‌شود، در مورد منبع درآمد اعضای نمونه آماری تحقیق می‌توان گفت که ۷۲.۳ درصد منبع درآمدی آنان شخصی، ۱۴.۹ درصد سایرین بودند. همچنین ۱۲.۸ درصد منبع درآمدی آنان پدر خانواده بوده است.

جدول ۱۲: وضعیت منبع درآمدی پاسخگویان

منبع درآمد	خودم	پدر	سایرین	مجموع
فراوانی	۱۷۷	۴۹	۵۷	۳۸۳
درصد	۷۲.۳	۱۲.۸	۱۴.۹	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸



نمودار ۸: درصد وضعیت منبع درآمدی پاسخگویان

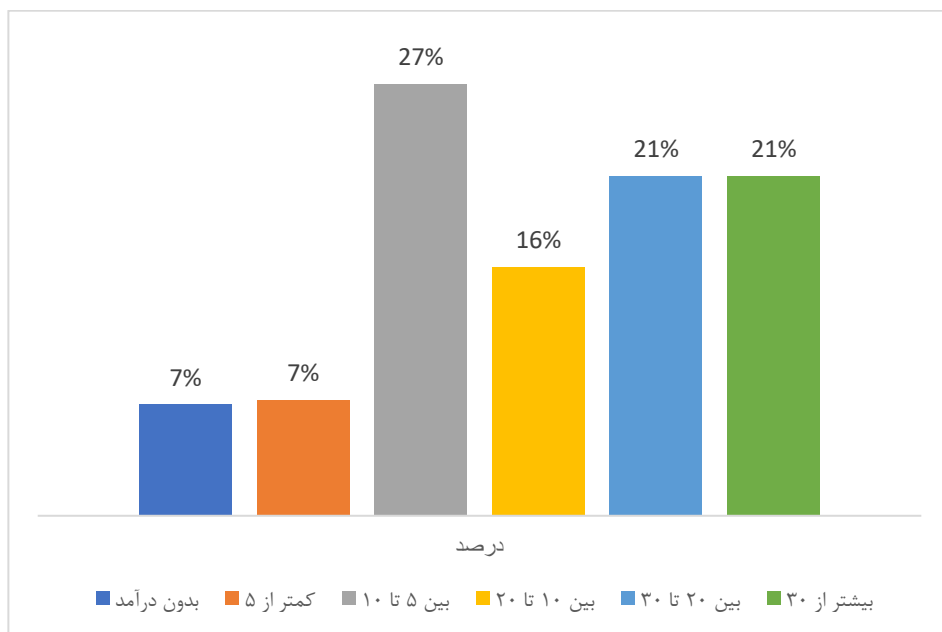
میزان درآمد ماهیانه

بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها، همان‌طور که در جدول و نمودار (۴-۷) مشاهده می‌شود، در مورد میزان درآمد ماهیانه اعضای نمونه آماری تحقیق می‌توان گفت ۲۷.۲ درصد بین ۵ تا ۱۰ هزار افغانی، ۲۱.۴ بین ۲۰ تا ۳۰ و بیشتر از ۳۰ هزار افغانی، ۱۵.۷ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ هزار افغانی، ۷.۳ درصد کمتر از ۵ هزار افغانی درآمد داشتند، ۷ درصد پاسخگویان نیز بدون درآمد می‌باشند.

جدول ۱۳: توزیع فراوانی درآمد ماهیانه پاسخگویان به هزار افغانی

درآمد ماهانه	بدون درآمد	کمتر از ۵	بین ۵ تا ۱۰	بین ۱۰ تا ۲۰	بین ۲۰ تا ۳۰	بیشتر از ۳۰	مجموع
فراوانی	۲۷	۲۸	۱۰۴	۶۰	۸۲	۸۲	۳۸۳
درصد	۷	۷.۳	۲۷.۲	۱۵.۷	۲۱.۴	۲۱.۴	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش ۱۳۹۸



نمودار ۹: درصد وضعیت درآمد ماهیانه پاسخگویان به هزار افغانی

میزان مشارکت با انواع نهادهای شهری

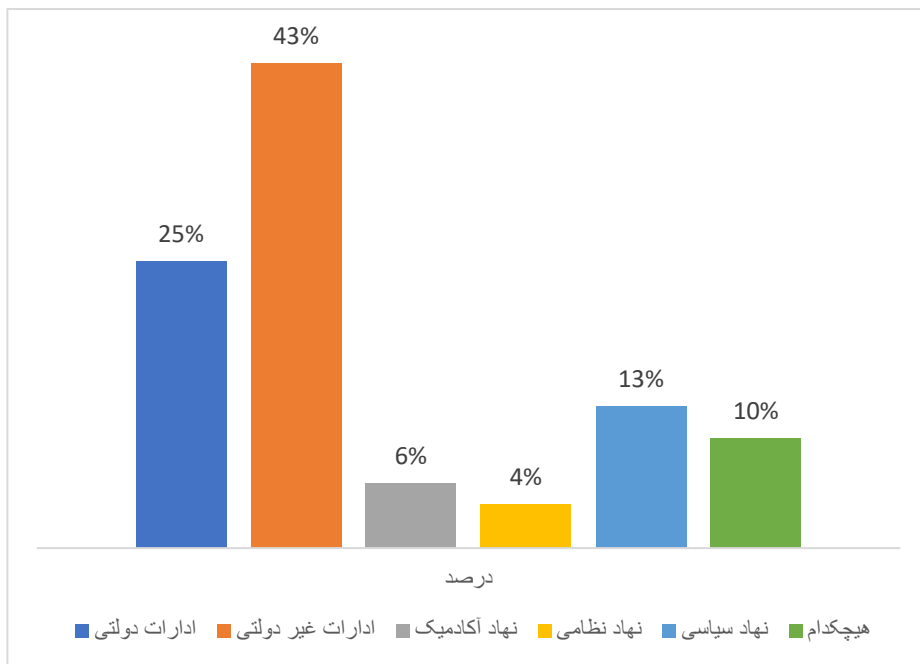
توزیع پاسخگویان در رابطه با وضعیت میزان ارتباط با مشارکت در انواع فعالیت‌های نهادی در سطح شهر را می‌توان در جدول و نمودار (۴-۸)، مشاهده نمود. بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها، همان‌طور که در جدول و نمودار (۴-۸) مشاهده می‌شود، بیشترین درصد به ترتیب

مربوط به ادارات غیر دولتی با ۴۲.۸ و ادارات دولتی با ۲۵.۳ درصد و نهاد های سیاسی با ۱۲.۵ درصد می باشد. ۹.۷ درصد پاسخگویان نیز در هیچ یک از نهاد های زیر مشارکت نداشتند. کمترین درصد نیز مربوط به نهاد های آکادمیک ۵.۷ درصد و نهاد نظامی با ۳.۹ درصد می باشد.

جدول ۱۴: توزیع فراوانی مشارکت در انواع نهادهای شهری پاسخگویان

مشارکت در نهاد ها	ادارات دولتی	ادارات غیر دولتی	نهاد آکادمیک	نهاد نظامی	نهاد سیاسی	هیچکدام	مجموع
فراوانی	۹۷	۱۶۴	۲۲	۱۵	۴۸	۳۷	۳۸۳
درصد	۲۵.۳	۴۲.۸	۵.۷	۳.۹	۱۲.۵	۹.۷	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸



نمودار ۱۰: درصد مشارکت در انواع نهادهای شهری پاسخگویان

مدت زمان فعالیت با نهاد های شهری

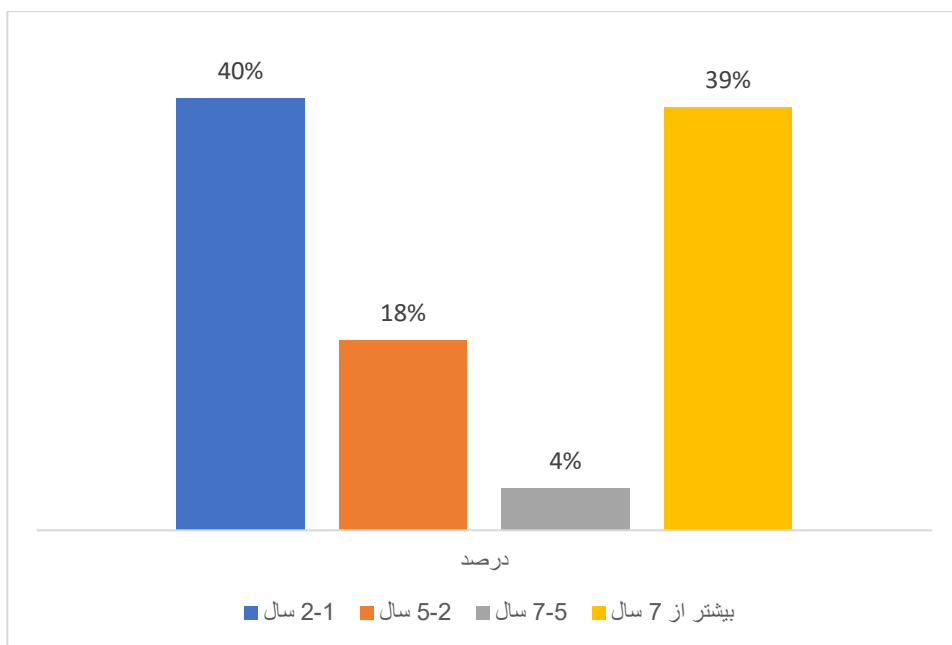
بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها، همان‌طور که در جدول و نمودار (۴-۹) مشاهده می‌شود، در مورد مدت زمان فعالیت در نهاد های اعضای نمونه آماری تحقیق می‌توان گفت

بیشترین زمان فعالیت به ترتیب ۳۹.۷ درصد مربوط به ۲-۱ سال و ۳۸.۹ درصد بیشتر از ۷ سال و ۵-۲ سال با ۱۷.۵ درصد می‌باشد. کمترین درصد نیز با ۳.۹ درصد مربوط به ۷-۵ سال می‌باشد.

جدول ۱۵: توزیع فراوانی مدت زمان فعالیت در نهادهای شهری

مجموع	بیشتر از ۷ سال	۷-۵ سال	۵-۲ سال	۲-۱ سال	مدت زمان فعالیت در نهاد
۳۸۳	۱۴۹	۱۵	۶۷	۱۵۲	فراوانی
۱۰۰	۳۸.۹	۳.۹	۱۷.۵	۳۹.۷	درصد

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸



نمودار ۱۱: درصد مدت زمان فعالیت در نهادهای شهری

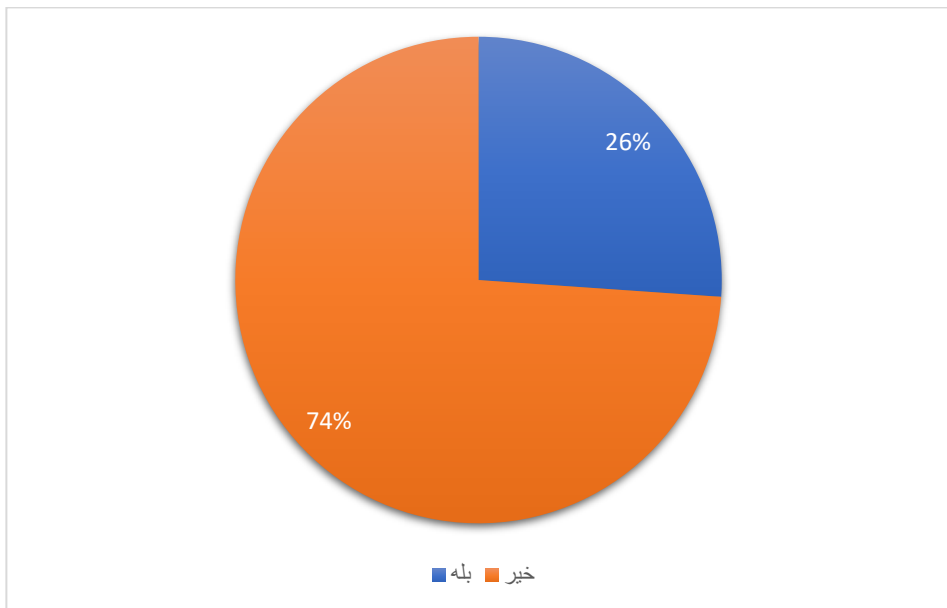
میزان مشارکت با نهادهای شهری

توزیع افراد جامعه نمونه در منطقه مورد مطالعه از نظر مشارکت با نهادهای شهری بر طبق جدول و نمودار (۴-۱۰)، چنین بررسی شده است. میزان مشارکت با نهادهای شهری از دید پاسخگویان ۷۳.۹ درصد پاسخ منفی و ۲۶.۱ درصد پاسخ مثبت داشتند. در واقع در این ارتباط شهروندان اذعان داشته اند که علی رغم داشتن ارتباط با نهادهای شهری مشارکت قابل توجهی با این نهادها نداشته و تنها دریافت کننده برخی از خدمات از این نهادها بوده اند. در نتیجه با مساله مشارکت که به نوعی رابطه دوطرفه را شامل می گردد بیگانه اند.

جدول ۱۶: توزیع فراوانی مشارکت با نهادهای شهری

مجموع	نخیر	بلی	مشارکت در نهادها
۳۸۳	۲۸۳	۱۰۰	فراوانی
۱۰۰	۷۳.۹	۲۶.۱	درصد

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸



نمودار ۱۲: درصد مشارکت با نهادهای شهری

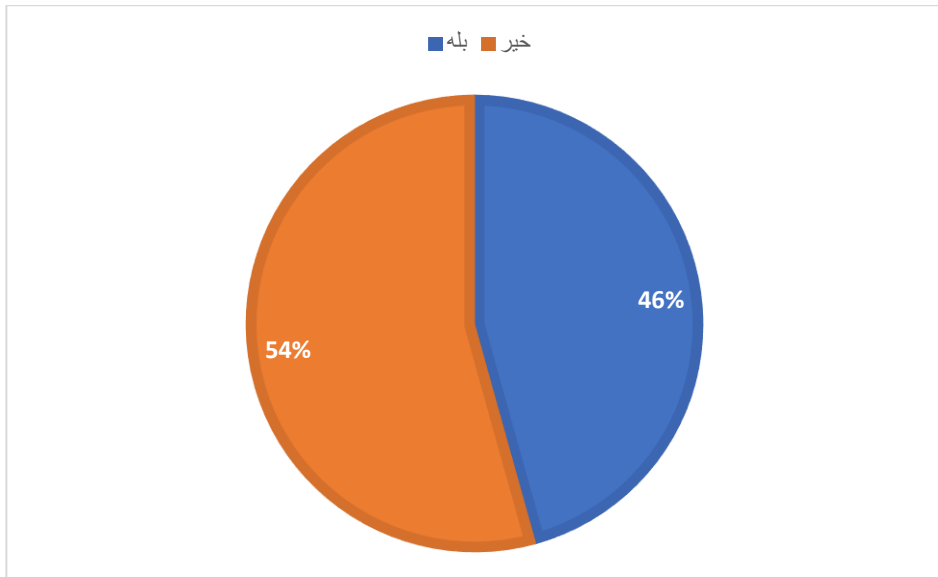
میزان مشارکت با NGO

توزیع پاسخگویان در رابطه با وضعیت مشارکت با NGO ها را می توان در جدول (۴-۱۱) و نمودار (۴-۱۱)، مشاهده نمود. بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل توصیفی داده ها، همان طور که در جدول و نمودار (۴-۱۱) مشاهده می شود، در مورد وضعیت مشارکت با NGO، ۵۴.۳ درصد پاسخ منفی و ۴۵.۷ درصد پاسخ مثبت دادند.

جدول ۱۷: توزیع فراوانی مشارکت با NGO

مجموع	نخیر	بلی	مشارکت با NGO
۳۸۳	۲۰۸	۱۷۵	فراوانی
۱۰۰	۵۴.۳	۴۵.۷	درصد

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۸



نمودار ۱۳: درصد مشارکت با NGO

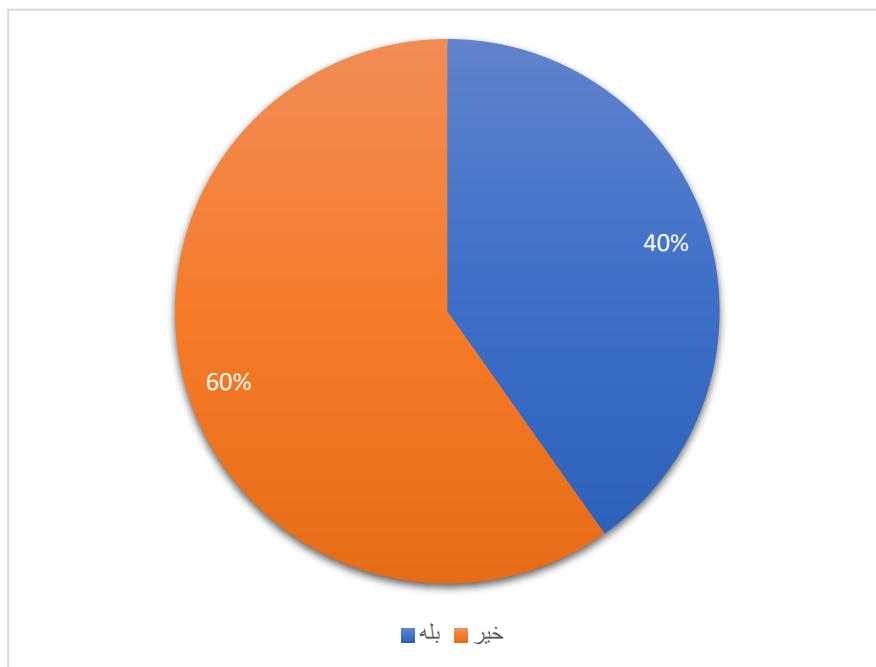
میزان مشارکت در جشنواره، کنفرانس یا نمایشگاه ها

توزیع پاسخگویان در رابطه با درصد شرکت در جشنواره، کنفرانس و نمایشگاه ها را می توان در جدول (۴-۱۲) و نمودار (۴-۱۲)، مشاهده نمود. بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل توصیفی داده ها، همان طور که در جدول و نمودار (۴-۱۲) مشاهده می شود، در مورد میزان مشارکت در جشنواره ها و ۵۹.۸ درصد پاسخگویان شرکت داشتند و ۴۰.۲ درصد آنان شرکت نداشتند.

جدول ۱۸: توزیع فراوانی شرکت در جشنواره، کنفرانس و نمایشگاه ها از دید پاسخگویان

مجموع	خیر	بلی	مشارکت در جشنواره
۳۸۳	۲۲۹	۱۵۴	فراوانی
۱۰۰	۵۹.۸	۴۰.۲	درصد

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۸



نمودار ۱۴: درصد شرکت در جشنواره، کنفرانس و نمایشگاه ها

تحلیل متغیرها و شاخص‌های اصلی تحقیق

بررسی شاخص مشارکت اجتماعی از دید شهروندان

با توجه به آنچه در جدول قابل مشاهده است شاخص مشارکت با استفاده از ۹ گویه مورد بررسی قرار گرفته است. که در جدول (۴-۱۳) فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و میزان معناداری کای اسکوتر هر یک از گویه‌ها قابل مشاهده است.

جدول ۱۹: شاخص مشارکت اجتماعی

گویه	آمار	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اصلا تمییزانم چگونه باید با شهرداری و مدیریت شهری مشارکت داشته باشیم	خیلی موافقم	۷۶	۱۹.۸۴	۱۴	۳.۶۶
	موافقم	۷۳	۱۹.۰۶	۱۴۰	۳۶.۵۵
نظری ندارم	۵۸	۱۵.۱۴	۷۹	۲۰.۶۳	
مخالفم	۱۳۳	۳۴.۷۳	۱۱۵	۳۰.۰۳	
خیلی مخالفم	۴۳	۱۱.۲۳	۳۵	۹.۱۴	
میانگین		۲.۹۸		۲.۹۶	
Chi-Square		۶۰.۹۵۶		۱۴۵.۵۵۱	
Sig		۰.۰۰۰		۰.۰۰۰	

گویه	با شرکت در برنامه های فرهنگی-آموزشی برگزار شده در سطح شهر به رونق و پیشرفت محله کمک کنیم		با شرکت در برنامه های فرهنگی- اجتماعی شهرداری ها طعم شیرین کار گروهی برایم خوشایند بود		با انجام فعالیت های مشارکتی آموختم که نسبت به محله و شهر خود مسئولیت دارم		با حضور در برنامه های سرای محله این بار در من ایجاد شده که نیاز به فعالیت جمعی در رشد شخصیتی من تاثیرگذار است.	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
موافقم خیلی	۱۴۳	۳۷.۳۴	۷۳	۱۹.۰۶	۱۳۰	۳۳.۹۴	۵۵	۱۴.۳۶
موافقم	۲۱۵	۵۶.۱۴	۱۳۴	۳۴.۹۹	۱۷۵	۴۵.۶۹	۱۸۸	۴۹.۰۹
نظری ندارم	۱۴	۳.۶۶	۱۰۴	۲۷.۱۵	۷۸	۲۰.۳۷	۸۰	۲۰.۸۹
مخالفم	۱۱	۲.۸۷	۷۲	۱۸.۸۰	۰	۰.۰۰	۴۹	۱۲.۷۹
خیلی مخالفم	۰	۰.۰۰	۰	۰.۰۰	۰	۰.۰۰	۱۱	۲.۸۷
میانگین	۴.۲۸		۳.۵۴		۴.۱۴		۳.۵۹	
Chi-Square	۳۱۶.۶۴۵		۲۷.۳۸۷		۲۶.۹۱۴		۲۳۴.۳۷۶	
Sig	۰.۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰	

گویه	آمار	
	فراوانی	درصد
به عنوان یک شهروند هر گاه فعالیت های فرهنگی - اجتماعی انجام میدهم تمایل بیشتری به مشارکت پیدا می کنم	۱۵۷	۴۰.۹۹
	۱۷۵	۴۵.۶۹
نظری ندارم	۵۱	۱۳.۳۲
مخالفم	۰	۰.۰۰
خیلی مخالفم	۰	۰.۰۰
میانگین	۴.۲۸	
Chi-Square	۷۰.۳۲۹	
Sig	۰.۰۰۰۰	
با حضور در برنامه های فرهنگی - آموزشی شهرداری اعتماد به نفس بالاتر رفته است	۴۷	۱۲.۲۷
	۱۵۹	۴۱.۵۱
مشارکت کردن در امور شهر می تواند باعث تامین منابع مادی من شود	۲۶	۶.۷۹
	۱۸۴	۴۸.۰۴
نظری ندارم	۱۰۰	۲۶.۱۱
مخالفم	۵۸	۱۵.۱۴
خیلی مخالفم	۱۵	۳.۹۲
میانگین	۳.۵۷	
Chi-Square	۱۲۷.۴۸۶	
Sig	۰.۰۰۰۰	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱

همانطور که در جدول (۴-۱۳) قابل مشاهده است در بین گویه‌های زیر بیشترین میانگین متعلق به گویه ای است که به تمایل شهروندان برای مشارکت در امور فرهنگی اجتماعی تاکید داشته اند. قابل ذکر است که با توجه به استفاده از آزمون X^2 برای گویه‌های این شاخص میزان معناداری برای تمام گویه‌ها کمتر از ۰.۰۵ محاسبه شد که می‌توان این را بیان نمود که این بعد در تمام گویه‌ها معنادار بوده و قابلیت تعمیم را به تمام جامعه دارد. بر اساس گویه‌ای که بیشترین فراوانی را داشته همان طور که در جدول مذکور مشاهده می‌شود، ۳۴.۷۳ درصد پاسخگویان با گویه « اصلا نمیدانم چگونه باید با شهرداری و مدیریت شهری مشارکت داشته باشم » مخالف هستند و ۳۶.۵۵ درصد

پاسخگویان با گویه «در سرای محله (یا هر نهاد وابسته به شهرداری....) به ما می آموزند که چگونه می توانیم برای پیشرفت و توسعه شهر مشارکت داشته باشیم»، ۵۶.۱۴ درصد پاسخگویان با گویه «با شرکت در برنامه های فرهنگی-آموزشی برگزار شده در سطح شهر به رونق و پیشرفت محله کمک کنیم»، ۳۴.۹۹ درصد پاسخگویان با گویه «با شرکت در برنامه های فرهنگی- اجتماعی شهرداری ها طعم شیرین کار گروهی برایم خوشایند بود»، ۴۵.۶۹ درصد پاسخگویان با گویه «با انجام فعالیت های مشارکتی آموختم که نسبت به محله و شهر خود مسئولیت دارم»، ۴۹.۰۹ درصد پاسخگویان با گویه «با حضور در برنامه های سرای محله این باور در من ایجاد شده که نیاز به فعالیت جمعی در رشد شخصیتی من تاثیرگذار است»، ۴۵.۶۹ درصد پاسخگویان با گویه «به عنوان یک شهروند هر گاه فعالیت های فرهنگی- اجتماعی انجام میدهم تمایل بیشتری به مشارکت پیدا می کنم»، ۴۱.۵۱ درصد پاسخگویان با گویه «با حضور در برنامه های فرهنگی- آموزشی شهرداری ... اعتماد به نفسم بالاتر رفته است» و ۴۸.۰۴ درصد پاسخگویان با گویه «مشارکت کردن در امور شهر می تواند باعث تامین منافع مادی من شود» موافق هستند به حدی که با سایر گویه ها تفاوت معناداری دارند.

در مجموع ارزیابی، گویه های مربوط به شاخص مشارکت نشان دهنده این است که در این شاخص بجز دو گویه، تمامی گویه ها در حد بالاتر از میانگین هستند و این خود بیانگر نقش بسیار پرنگ و تمایل شهروندان شهر هرات به مشارکت اجتماعی در شهر هرات می باشد. از آنجا که کمترین میانگین گویه مربوط به مسائل آموزشی و همچنین اطلاع رسانی در مورد مشارکت شهروندان می باشد، نیاز به توجه ویژه مدیران و برنامه ریزان شهری در اشتراک گذاشتن و آگاهی دادن از طریق مختلف، برای تقویت مشارکت شهروندان می باشد. بر اساس این میانگین ها شهروندان تمایل و پتانسیل لازم برای مشارکت اجتماعی را داند و این یک نقطه قوت قابل توجه در توسعه شهری و توسعه مشارکت اجتماعی می باشد.

بررسی شاخص توسعه اجتماعی شهری از دید شهروندان

با توجه به آنچه در جدول (۴-۱۴) قابل مشاهده است شاخص توسعه با استفاده از ۱۷ گویه مورد بررسی قرار گرفته است که در جدول (۴-۱۴) فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و میزان معناداری کای اسکوئر هر یک از گویه‌ها قابل مشاهده است.

جدول ۲۰: شاخص توسعه شهری

گویه	فراوانی		درصد	
آمار	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی موافقم	۸۵	۲۲.۱۹	۴۱	۱۰.۷۰
موافقم	۱۷۰	۴۴.۳۹	۸۷	۲۲.۷۲
نظری ندارم	۶۴	۱۶.۷۱	۷۲	۱۸.۸۰
مخالفم	۶۴	۱۶.۷۱	۱۰۸	۲۸.۲۰
خیلی مخالفم	۰	۰.۰۰	۷۵	۱۹.۵۸
میانگین	۳.۷۲۱		۳.۲۸۵	
Chi-Square	۷۹.۸۴۱		۱۱۱.۵۲۲	
Sig	۰.۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰	

گروه	مشارکت در برنامه های سرای محله..... فرصتی مغفتم است که استعدادهای بالقوه خوبش را به فعلیت برسانم		هزینه های دریاقتی شهرداری برای برخی فعالیت های مشارکت منطقی و قابل قبول است		به نظر من فعالیت های مشارکت جویانه شهرداری هرات به نزدیک تر شدن مردم به شهرداری منجر شده و من از این کار راضی هستم	
آمار	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی موافقم	۲۵	۶.۵۳	۴۸	۱۲.۵۳	۱۰	۲.۶۱
موافقم	۱۲۵	۳۲.۶۴	۱۱۹	۳۱.۰۷	۲۲۳	۵۸.۲۲
نظری ندارم	۱۵۷	۴۰.۹۹	۱۲۲	۳۱.۸۵	۹۳	۲۴.۲۸
مخالفم	۴۲	۱۰.۹۷	۵۷	۱۴.۸۸	۵۳	۱۳.۸۴
خیلی مخالفم	۲۴	۸.۸۸	۳۷	۹.۶۶	۴	۱.۰۴
میانگین	۳.۱۷۰		۳.۲۱۹		۳.۴۷۵	
Chi-Square	۱۸۹.۰۵۰		۸۶.۵۴۳		۴۱۷.۳۰۰	
Sig	

گروه	با شرکت در برنامه های شهرداری و با انواع جشنواره ها شهری، گاهی می توان با یک نقاشی یا عکس ساده و... مشکلات و کمبودهای محله را به مسئولین شهر نشان داد و از این طریق با مدیریت شهری مشارکت داشت		اگر چه حل مشکلات و معضلات شهری وظیفه شهرداری هاست اما من به عنوان یک شهروند نسبت به مسائل و مشکلات موجود در شهر احساس وظیفه می کنم و سعی می کنم در کارها حل بخشی از مشکلات مشارکت داشته باشم	
آمار	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی موافقم	۹۲	۲۴.۰۲	۱۰۹	۲۸.۴۶
موافقم	۱۷۲	۴۴.۹۱	۲۲۳	۵۸.۲۲
نظری ندارم	۲۵	۶.۵۳	۳۹	۱۰.۱۸
مخالفم	۸۱	۲۱.۱۵	۱۲	۳.۱۳
خیلی مخالفم	۱۳	۳.۳۹	۰	۰.۰۰
میانگین	۳.۶۵۰		۴.۰۸۹	
Chi-Square	۲۰۹.۷۲۸		۲۷۷.۸۳۶	
Sig	۰.۰۰۰		۰.۰۰۰	

گروه	در گذشته عمده فعالیت های شهرداری ها متمرکز بر امور نظافتی و خدماتی بوده ولی این روزها می بینیم که فعالیت های فرهنگی و مشارکتی آنها رو به افزایش هست		چون رویکرد شهرداری ها و مدیریت شهری نسبت به اقدامات مشارکتی افزایش یافته من هم به فعالیت های مشارکتی راغب شده ام		شهرداری ها (سرای محله ها) یک مرکز خدماتی است که در ازای گرفتن پول خدمات ارائه میدهند و هیچ تاثیری بر افزایش اطلاعات مردم شهر نسبت به مشارکت شهروندان ندارند	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی موافقم	۵۲	۱۳.۵۸	۲۷	۷.۰۵	۷۹	۲۰.۶۳
موافقم	۱۱۶	۳۰.۲۹	۱۹۲	۵۰.۱۳	۹۰	۲۳.۵۰
نظری ندارم	۱۳۷	۳۵.۷۷	۱۰۴	۲۷.۱۵	۹۰	۲۳.۵۰
مخالفم	۷۸	۲۰.۳۷	۶۰	۱۵.۶۷	۷۵	۱۹.۵۸
خیلی مخالفم	۰	۰.۰۰	۰	۰.۰۰	۴۹	۱۲.۷۹
میانگین	۳.۳۷۱		۳.۴۸۶		۲.۸۰۴	
Chi-Square	۴۵.۳۳۴		۱۶۰.۱۷۵		۱۴۷.۴۲	
Sig	۰.۰۰۰		۰.۰۰۰		۰.۰۰۰۵	

گروه	شهرداری ها هیچ تمایلی برای مشاکت شهروندان ندارند و اقداماتی برای این مورد انجام نداده اند		اگر مشکلی در شهر وجود داشته باشد به راحتی می توان به شهرداری و یا شورای شهر مراجعه کرد و با همکاری با مسئولین آنجا نسبت به حل آن اقدامات لازم را انجام داد		هدف واقعی شهرداری از اقدامات مشارکت جویانه بهبود شرایط زندگی شهروندان می باشد نه امر دیگری	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی موافقم	۶۴	۱۶.۷۱	۱۰	۲.۶۱	۴۹	۱۲.۷۹
موافقم	۷۰	۱۸.۲۸	۱۱۲	۲۹.۲۴	۱۲۹	۳۳.۶۸
نظری ندارم	۹۱	۲۳.۷۶	۹۲	۲۴.۰۲	۱۰۴	۲۷.۱۵
مخالفم	۱۱۷	۳۰.۵۵	۸۸	۲۲.۹۸	۷۸	۲۰.۳۷
خیلی مخالفم	۴۱	۱۰.۷۰	۸۱	۲۱.۱۵	۲۳	۶.۰۱
میانگین	۳۰.۰۳		۲۶.۹۲		۳.۲۶۹	
Chi-Square	۴۳.۳۰۱		۷۹.۳۱۱		۹۳.۱۲۳	
Sig	۰.۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰	

گروه	اگر شهرداری ها هم دنبال مشارکت شهروندان باشند منابع خودشان مد نظر هست نه منابع شهروندان		با وجود این که مشارکت ممکن است نتایج مثبتی هم داشته باشد، من حاضر نیستم که وقتم را صرف این کار کنم		با اینکه می دانم مشارکت در امور شهر می تواند تاثیرات خوبی بر رونق شهر داشته باشند ولی حاضر نیستم وقتم را صرف این کار کنم		امروزه مردم آفتد گرفتارند که دیگر حتی حوصله ی فکر کردن به مشارکت در شهر را ندارند	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی موافقم	۶۵	۱۶.۹۷			۳۲	۸.۳۶	۲۴	۶.۲۷
موافقم	۱۱۱	۲۸.۹۸	۶۹	۱۸.۰۲	۶۰	۱۵.۶۷	۱۵۸	۴۱.۲۵
نظری ندارم	۱۱۳	۲۹.۵۰	۸۰	۲۰.۸۹	۵۸	۱۵.۱۴	۵۸	۱۵.۱۴
مخالفم	۷۹	۲۰.۶۳	۱۸۰	۴۷.۰۰	۱۶۱	۴۲.۰۴	۹۵	۲۴.۸۰
خیلی مخالفم	۱۵	۳.۹۲	۵۴	۱۴.۱۰	۷۲	۱۸.۸۰	۴۸	۱۲.۵۳
میانگین	۲.۶۵۵		۳.۵۷۲		۳.۴۷۳		۲.۹۶۱	
Chi-Square	۸۴.۱۱۵		۱۰۲.۳۹۹		۱۲۷.۳۵۲		۱۴۲.۳۳۵	
Sig	۰.۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

قابل ذکر است که با توجه به استفاده از آزمون X^2 برای گویه‌های این شاخص میزان معناداری برای تمام گویه‌ها کمتر از ۰.۰۵ محاسبه شد که می‌توان این را بیان نمود که این بعد در تمام گویه‌ها معنادار بوده و قابلیت تعمیم را به تمام جامعه دارد. بر اساس گویه‌ای که بیشترین فراوانی را داشته همان‌طور که در جدول مذکور مشاهده می‌شود، ۴۴.۳۹ درصد پاسخگویان با گویه « من پرداخت عوارض یه شهرداری را با رغبت انجام میدهم و این کار را امری منطقی میدانم برای توسعه شهرم»، ۵۸.۲۲ درصد پاسخگویان با گویه « به نظر من فعالیت های مشارکت جویانه شهرداری هرات به نزدیک تر شدن مردم به شهرداری منجر شده و من از این کار راضی هستم»، ۴۴.۹۱ درصد پاسخگویان با گویه « با شرکت در برنامه های شهرداری و یا انواع جشنواره ها شهری، گاهی می‌توان با یک نقاشی یا عکس ساده و.. مشکلات و کمبودهای محله را به مسئولین شهر نشان داد و از این طریق با مدیریت شهری مشارکت داشت»، ۵۸.۲۲ درصد پاسخگویان با گویه « اگر چه حل مشکلات و معضلات شهری وظیفه شهرداری هاست اما من به عنوان یک شهروندن نسبت به مسائل ومشکلات موجود در شهر احساس وظیفه می‌کنم و سعی می‌کنم در کارها حل بخشی از مشکلات مشارکت داشته باشم»، ۵۰.۱۳ درصد پاسخگویان با گویه « چون رویکرد شهرداری ها و مدیریت شهری نسبت به اقدامات مشارکتی افزایش یافته من هم به فعالیت های مشارکتی راغب شده ام»، ۲۳.۵۰ درصد پاسخگویان با گویه « شهرداری ها (سرای محله ها) یک مرکز خدماتی است که در ازای گرفتن پول خدمات ارائه میدهند و هیچ تاثیری بر افزایش اطلاعات مردم شهر نسبت به مشارکت شهروندان ندارند»، ۲۹.۲۴ درصد پاسخگویان با گویه « اگر مشکلی در شهر وجود داشته باشد به راحتی می‌توان به شهرداری و یا شورای شهر مراجعه کرد و با همفکری با مسئولین آنجا نسبت به حل آن اقدامات لازم را انجام داد»، ۳۳.۶۸ درصد پاسخگویان با گویه « هدف واقعی شهرداری از اقدامات مشارکت جویانه بهبود شرایط زندگی شهروندان می‌باشد نه امر دیگری»، ۴۱.۲۵ درصد پاسخگویان با گویه « امروزه مردم آنقدر گرفتارند که دیگر حتی حوصله ی فکر کردن به مشارکت در شهر را ندارند» موافق، ۲۸.۲۰ درصد پاسخگویان با گویه « مشارکت در امور شهر وقت تلف کردن است چون کسی برای اقدامات ما ارزشی قائل نیستند»، ۴۷ درصد پاسخگویان با گویه « با وجود این که مشارکت ممکن است نتایج مثبتی هم داشته باشد، من حاضر نیستم که وقتم را صرف این کار کنم»، ۴۲.۰۴ درصد پاسخگویان با گویه « با اینکه می‌دانم مشارکت در امور شهر می‌تواند تاثیرات خوبی بر رونق شهر داشته باشند ولی حاضر نیستم وقتم را صرف این کار کنم» مخالف و ۴۰.۹۹ درصد پاسخگویان با گویه « مشارکت در برنامه

های سرای محله..... فرصتی مغتنم است که استعدادهای بالقوه خویش را به فعلیت برسانم»، ۳۱.۸۵ درصد پاسخگویان با گویه « هزینه های دریافتی شهرداری برای برخی فعالیت های مشارکت منطقی و قابل قبول است»، ۲۳.۷۶ درصد پاسخگویان با گویه « شهرداری ها هیچ تمایلی برای مشارکت شهروندان ندارند و اقداماتی برای این مورد انجام نداده اند»، ۲۹.۵۰ درصد پاسخگویان با گویه « اگر شهرداری ها هم دنبال مشارکت شهروندان باشند منافع خودشان مد نظر هست نه منافع شهروندان» و ۳۵.۷۷ درصد پاسخگویان با گویه « در گذشته عمده فعالیت های شهرداری ها متمرکز بر امور نظافتی و خدماتی بود ولی این روزها می بینم که فعالیت های فرهنگی و مشارکتی آنها رو به افزایش هست» نظری ندارند به حدی که با سایر گویه‌ها تفاوت معناداری دارند.

نتایج بدست آمده از تحلیل داده های مربوط به توسعه اجتماعی در شهر هرات به خوبی گویای این واقعیت هست که شهروندان شهر هرات در پویایی و توسعه آتی شهر می توانند نقشی فعال و قابل توجهی داشته باشند. موید این مساله احساس مسئولیتی است که شهروندان نسبت به شهر خود داشته و تاکید بر مشارکت فعال در تمامی سطوح با مسئولین شهر می باشد و این امر می تواند نقطه قوتی برای مدیران و مسئولین جامعه باشد و این اطمینان را حاصل سازد که وجود شهروندان نه تهدید که فرصتی است برای توسعه و امنیت هر چه بیشتر شهر.

بررسی شاخص امنیت شهری از دید شهروندان

با توجه به آنچه در جدول (۴-۱۵) قابل مشاهده است مساله امنیت با بهره گیری از ۱۲ گویه مورد بررسی قرار گرفته است و در جدول (۴-۱۵) تنظیم گردیده است و در آن ، فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و میزان معناداری کای اسکوئر هر یک از گویه‌ها ارائه گردیده است.

جدول ۲۱: شاخص امنیت شهری

گویه	آمار	میانگین	میانگین
من نمی‌دانم چطور باید با نهادهای امنیتی مشارکت داشته باشم	فراوانی	۴۶	۳۰۹۵
	درصد	۱۲۰/۱	۳۰۹۵
من برای افزایش سطح امنیت در سطح شهر با نهادهای امنیتی مشارکت داشته ام	فراوانی	۵۸	۳۰۹۵
	درصد	۱۵/۱۴	۳۰۹۵
اگر پلیس و نهادهای امنیتی نیاز به همکاری داشته باشند با آغوش باز استقبال می‌کنم	فراوانی	۷۷	۳۰۹۵
	درصد	۲۰/۱۰	۳۰۹۵
نظری ندارم	۵۳	۱۳۰۸۴	۱۳۰۸۴
مخالقم	۹۴	۲۴/۵۴	۱۶/۷۱
خیلی مخالفم	۲۵	۶/۵۳	۰/۰۰
میانگین		۳۰۹۵	۳۰۹۵
Chi-Square		۱۶۰/۳۲۵	۹۴/۳۴۵
Sig		۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰

گویه	اهمیت امنیت برای من در حدی است که حتی حاضرم خروم حضوری در صحنه های وارد شوم و به نهادهای امنیتی کمک کنم		مسائلی که امنیت شهر را تحت تاثیر قرار میدهد را به نهادهای امنیتی گزارش میدهم		مشارکت من با نهادهای امنیتی در حد گزارش می باشد		مشارکت من با نهادهای امنیتی در قالب گزارش و حتی کمک مالی به نهادهای امنیتی می باشد	
آمار	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی موافقم	۹۵	۲۴.۸۰	۱۲۳	۳۲.۱۱	۳۵	۹.۱۴	۱۱	۲.۸۷
موافقم	۱۴۰	۳۶.۵۵	۱۲۶	۳۲.۹۰	۱۶۲	۴۲.۳۰	۸۶	۲۲.۴۵
نظری ندارم	۶۴	۱۶.۷۱	۷۰	۱۸.۲۸	۸۳	۲۱.۶۷	۱۵۹	۴۱.۵۱
مخالفم	۵۳	۱۳.۸۴	۴۴	۱۱.۴۹	۸۳	۲۱.۶۷	۸۳	۲۱.۶۷
خیلی مخالفم	۳۱	۸.۰۹	۲۰	۵.۲۲	۲۰	۵.۲۲	۴۴	۱۱.۴۹
میانگین	۳.۵۶۱		۳.۷۵۲		۲.۷۱۵		۲.۸۳۶	
Chi-Square	۹۳.۳۸۴		۱۱۶.۳۳۰		۱۶۰.۶۹۵		۱۶۰.۳۸۱	
Sig	۰.۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰	

گویه	ضرورتی برای کمک به نهادهای امتیعی نمی بینم چون برای من اعتبار و ارزشی قابل نیستند		نوع برخورد نهادهای امتیعی با من به گونه ای بوده که رختی برای مشارکت با این نهادها ندارم حتی اگر برای توسعه شهرم مهم باشد		تعداد نهادهای امتیعی موجود در سطح شهر کم است و دسترسی به آنها مشکل می باشد که با آنها مشارکت داشته باشم	
آمار	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی موافقم	۴۱	۱۰.۷۰	۸۵	۲۲.۱۹	۵۷	۱۴.۸۸
موافقم	۵۹	۱۵.۴۰	۶۰	۱۵.۶۷	۱۵۵	۴۰.۴۷
نظری ندارم	۶۵	۱۶.۹۷	۷۴	۱۹.۳۲	۷۸	۲۰.۳۷
مخالفم	۱۵۵	۴۰.۴۷	۱۰۴	۲۷.۱۵	۷۹	۲۰.۶۳
خیلی مخالفم	۶۳	۱۶.۴۵	۶۰	۱۵.۶۷	۱۴	۳.۶۶
میانگین	۳.۳۳۶		۲.۹۸۴		۲.۵۷۷	
Chi-Square	۱۰۵.۰۰۳		۱۸.۰۰۵		۱۳۳۶.۵۱۷	
Sig	۰.۰۰۰۰		۰.۰۰۰۱		۰.۰۰۰۰	

گویه	آمار	خوبی موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	خیلی مخالفم	میانگین	Chi-Square	Sig
نهادهای امنیتی احساس نیاز به مشارکت من ندارند	فراوانی	۲۰	۱۲۵	۶۰	۱۳۲	۴۶	۳.۱۵۴	۱۲۸.۲۹۲	۰.۰۰۰۰
	درصد	۵.۲۲	۳۲.۶۴	۱۵.۶۱۷	۳۴.۴۶	۱۲.۰۱			
نهادهای امنیتی اقدامات لازم برای جذب مشارکت شهروندان را انجام نداده اند	فراوانی	۹۹	۱۳۵	۴۷	۸۷	۱۵	۲.۴۳۱	۱۱۳.۴۶۳	۰.۰۰۰۰
	درصد	۲۵.۸۵	۳۵.۲۵	۱۲.۲۷	۲۲.۷۲	۳.۹۲			

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

همانطور که در جدول (۴-۱۵) قابل مشاهده است در بین گویه‌های زیر بیشترین میانگین متعلق به گویه مسائلی که امنیت شهر را تحت تاثیر قرار میدهد را به نهادهای امنیتی گزارش میدهم با میانگین (۳.۷۵) است و کم‌ترین میانگین متعلق به گویه تعداد نهادهای امنیتی موجود در سطح شهر کم است و دسترسی به آنها مشکل می‌باشد که با آنها مشارکت داشته باشم با میانگین (۲.۵۷) است. قابل ذکر است که با توجه به استفاده از آزمون X^2 برای گویه‌های این شاخص میزان معناداری برای تمام گویه‌ها کمتر از ۰.۰۵ محاسبه شد که می‌توان این را بیان نمود که این بعد در تمام گویه‌ها معنادار بوده و قابلیت تعمیم را به تمام جامعه دارد. بر اساس گویه‌ای که بیشترین فراوانی را داشته همان‌طور که در جدول مذکور مشاهده می‌شود، ۴۳.۰۸ درصد پاسخگویان با گویه «من نمیدانم چطور باید با نهادهای امنیتی مشارکت داشته باشم»، ۴۹.۶۱ درصد پاسخگویان با گویه «اگر پلیس و نهادهای امنیتی نیاز

به همکاری داشته باشند با آغوش باز استقبال می‌کنم»، ۳۶.۵۵ درصد پاسخگویان با گویه «اهمیت امنیت برای من در حدی است که حتی حاضرم خودم حضوری در صحنه‌هایی وارد شوم و به نهادهای امنیتی کمک کنم»، ۳۲.۹۰ درصد پاسخگویان با گویه «مسائلی که امنیت شهر را تحت تاثیر قرار میدهد را به نهادهای امنیتی گزارش میدهم»، ۴۲.۳۰ درصد پاسخگویان با گویه «مشارکت من با نهادهای امنیتی در حد گزارش می‌باشد»، ۴۰.۴۷ درصد پاسخگویان با گویه «فراهم کردن امکانات و خدمات ورزشی»، ۳۵.۲۵ درصد پاسخگویان با گویه «نهادهای امنیتی اقدامات لازم برای جذب مشارکت شهروندان را انجام نداده‌اند» موافق، ۴۰.۴۷ درصد پاسخگویان با گویه «ضرورتی برای کمک به نهادهای امنیتی نمی‌بینم چون برای من اعتبار و ارزشی قائل نیستند»، ۲۷.۱۵ درصد پاسخگویان با گویه «نوع برخورد نهادهای امنیتی با من به گونه‌ای بوده که رغبتی برای مشارکت با این نهادها ندارم حتی اگر برای توسعه شهرم مهم باشد»، ۳۴.۴۶ درصد پاسخگویان با گویه «نهادهای امنیتی احساس نیاز به مشارکت من ندارند» مخالف، ۳۰.۸۱ درصد پاسخگویان با گویه «من برای افزایش سطح امنیت در سطح شهر با نهادهای امنیتی مشارکت داشته‌ام» و ۴۱.۵۱ درصد پاسخگویان با گویه «مشارکت من با نهادهای امنیتی در قالب گزارش و حتی کمک مالی به نهادهای امنیتی می‌باشد» نظری ندارند به حدی که با سایر گویه‌ها تفاوت معناداری دارند.

درمجموع ارزیابی گویه‌های شاخص توسعه نشان‌دهنده این است که شهروندان نقش مثبتی در امنیت شهری هرات دارند. نکته قابل توجه در پاسخ‌های دریافتی این می‌باشد که علی‌الرغم تمایل شهروندان در کمک به توسعه شاخص امنیت شهری، نقش مشارکت متقابل نهاد های شهری با شهروندان چندان رضایت بخش نمی‌باشد. این موضوع دو مساله اصلی را بیان می‌کند: عدم توجه نهاد های امنیتی به موضع اطلاع رسانی و آگاه کردن شهروندان در مورد چگونگی همکاری بین نیرو های امنیتی و شهروندان می‌باشد. دوم اینکه شهروندان تمایل به مشارکت دارند و این مشارکت در تامین امنیت را فقط در قالب گزارش دهی نمی‌خواهند انجام دهند و می‌خواهند نقش فراتری داشته باشند. در واقع می‌توان گفت با این ابراز علاقمند در ایجاد امنیت شهری از سوی شهروندان، نقطه بسیاری مثبتی هست. چرا که هر شهروند می‌تواند نقش پلیس کوچکی در سطح محله خودشان باشند و چون این حرکتی خود جوش هست مسلماً اولین شرط آن رعایت قوانین از سوی خود آن شهروند می‌باشد. به بیان بسیاری از نظریه پردازان بزرگ برنامه ریزی شهری، شاخص امنیت یکی از مسایل مهم در رسیدن به توسعه پایدار شهری می‌باشد. همانطور که در مبانی پژوهش ذکر شد اولین و بزرگترین

عاملی که در افغانستان در شهر هرات مانع رشد و توسعه شهرها شده است موضوع عدم تامین امنیت بوده است و تا زمانی که این موضوع حل نشود نمی‌توان هیچ برنامه ریزی پایدار و موفق را در این کشور و همچنین شهر باستانی هرات داشته باشیم. زمانی که شهروندان تا این حد علاقمند به تامین امنیت شهر خودشان هستند، می‌توان گام‌های اساسی را در این زمینه با همکاری شهروندان و نیروهای امنیتی در شهر برداریم.

بخش دوم: تحلیل و استنباط داده‌ها

آمار استنباطی

مرحله مهم و اساسی در تجزیه و تحلیل اطلاعات، استفاده از آمار استنباطی است. برای اینکه بتوان با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده، فرضیه‌های پژوهش‌آزمون شود و نتایج به دست آمده تعمیم یابد، باید از روش استنباطی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده نمود. مهمترین بخش آمار استنباطی بررسی نرمال بودن داده‌ها می‌باشد.

بررسی نرمال بودن متغیرها

برای بررسی نرمال بودن شاخص‌هایی که دارای طیف لیکرت هستند از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. در این آزمون فرضیه‌ی صفر نرمال بودن داده‌هاست، اگر $Kolmogorov-Smirnov Z$ بین $+1.96$ و -1.96 باشد و سطح معنی‌داری بیشتر از 0.05 باشد، فرضیه صفر رد می‌شود و نرمال بودن داده‌ها تأیید می‌شود (گودرزی، $1388: 115$). نتایج جدول (۲۶-۴) نشان می‌دهد که کلموگروف-اسمیرنوف هر سه شاخص مشارکت، توسعه اجتماعی و امنیت شهری بین $+1.96$ و -1.96 می‌باشد و سطح معنی‌داری آنها نیز از 0.05 بیشتر می‌باشد پس در نتیجه توزیع این شاخص‌ها نرمال می‌باشد. بررسی نرمال بودن توزیع صفات شاخص‌های مذکور از خطای استاندارد ضرایب چولگی و کشیدگی استفاده شد. بدین صورت که اگر مقدار این خطا کوچک‌تر از $2-$ و یا بزرگ‌تر از $2+$ باشد، در آن صورت فرض نرمال بودن توزیع رد می‌شود (حبیب پور و صفری، $1388: 190-191$). همچنین چنانچه ضرایب چولگی و کشیدگی بین $1.5-$ و $1.5+$ باشد نیز توزیع شاخص‌های تحقیق نرمال می‌باشد (جدول ۱۶-۴). بنابراین با توجه به آنچه که در جدول مذکور قابل مشاهده است، توزیع تمام شاخص‌هایی که با آزمون چولگی و کشیدگی نرمال بودن آنها مورد بررسی قرار گرفته‌اند، دارای توزیع نرمال می‌باشند.

جدول ۲۲: نتایج آزمون نرمال بودن در مورد شاخص‌های تحقیق

نتیجه آزمون	کشیدگی		چولگی		شاخص
	خطا	ضریب	خطا	ضریب	
Skewness & Kurtosis					
تایید نرمال بودن	۰.۲۴۹	۰.۲۶۳-	۰.۱۲۵	۰.۱۵۳	مشارکت
تایید نرمال بودن	۰.۲۴۹	۰.۴۲۵-	۰.۱۲۵	۰.۱۲۳	توسعه
تایید نرمال بودن	۰.۲۴۹	۰.۴۹۳	۰.۱۲۵	۰.۲۳۳	امنیت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

با توجه به نرمال شدن توزیع جهت بررسی توسعه شهری از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده می‌شود این آزمون می‌تواند اختلاف میانگین اطلاعات گردآوری شده از یک مقدار خاص و نیز معنادار بودن یا نبودن اختلافات مشاهده شده را نشان می‌دهد. در بیشتر موارد از این آزمون برای سنجش معناداری تفاوت میانگین نمونه از میانگین و حد متوسط جامعه استفاده می‌شود.

جدول ۲۳: نتایج آزمون T تک نمونه ای

شاخص	میانگین	انحراف از معیار	T آمار	درجه آزادی	معناداری	اختلاف از میانگین	اختلاف از فاصله اطمینان ۹۵٪ در سطح	
							پایین	بالا
مشارکت	۳۶۳۶	۰.۴۴۳	۲۸.۰۸۳	۳۸۲	۰.۰۰۰	۰.۶۳۶	۰.۵۹۱	۰.۶۸۰
توسعه	۳۲۸۸	۰.۴۲۸	۱۳.۱۷۲	۳۸۲	۰.۰۰۰	۰.۲۸۸	۰.۲۴۵	۰.۳۳۱
امنیت	۳۱۴۱	۰.۴۸۸	۵.۶۳۹	۳۸۲	۰.۰۰۰	۰.۱۴۱	۰.۰۹۲	۰.۱۹۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

با توجه به نرمال شدن توزیع جهت بررسی سه شاخص اصلی تحقیق؛ مشارکت مردمی، توسعه اجتماعی و امنیت شهر هرات، از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. در این بین، با توجه به اینکه سوالات در طیف لیکرت از خیلی موافقم (۱) تا خیلی مخالفم (۵) طراحی شده است، میانه نظری در آزمون تی استیودنت تک نمونه ای عدد ۳ در نظر گرفته شده است. این طیف برای سوالات منفی طیف لیکرت از خیلی موافقم (۵) تا خیلی مخالفم (۱) در نرم افزار SPSS طراحی شده است. براساس یافته‌های جدول (۴-۱۷)، میانگین شاخص مشارکت مردمی با ۳.۶۳ و همچنین فاصله اطمینان به دست آمده (حد بالا و حد پایین) مثبت می‌باشند. همچنین میانگین شاخص توسعه اجتماعی ۳.۲۸ و شاخص امنیت شهری ۳.۱۴ می‌باشد. بنابراین با توجه به مقدار آماره تی و سطح معنی داری کمتر از ۰.۰۵ بنابراین مشارکت مردمی شهروندان هرات در توسعه اجتماعی و امنیت شهری آن تاثیر مثبتی دارد و هر سه شاخص ذکر شده در حد مطلوب میانگین قرار گرفته اند.

نقش مشارکت مردمی در بالا بردن توسعه اجتماعی شهروندان شهر هرات چگونه است؟

برای بررسی رابطه مشارکت مردمی در افزایش توسعه اجتماعی شهروندان از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است که نتایج حاصله در جدول (۴-۱۸) قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۲۴: مقدار همبستگی، ضریب تعیین تعدیل شده و خطای استاندارد برآورد

مقدار همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	آماره دوربین واتسون
۰.۳۸۷	۰.۱۵۰	۰.۱۴۸	۰.۳۹۵	۲.۱۸۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

براین اساس با توجه به جدول شماره (۴-۱۸) مقدار همبستگی برابر با ۰.۳۸ است که همبستگی آن از نوع مستقیم با شدتی قوی است و همان گونه که در جدول مذکور مشخص است مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰.۱۵ می‌باشد. همچنین خطای استاندارد برآورد شده برابر با ۰.۳۹۵ است که در این بین هر چه اشتباه استاندارد برآورد شده کوچکتر باشد پیش بینی دقیق تر و ضریب همبستگی قوی تر است. همان گونه که در جدول (۴-۱۹) مشخص است مقدار رگرسیون برای این مدل برابر است

با ۱۰.۴۸ و مقدار باقی مانده برابر است با ۵۹.۳۶ و چون مقدار مجذورات باقی مانده کوچکتر از مجموع مجذورات رگرسیون است، نشان دهنده‌ی، قدرت تبیین بالای مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته است. در این مدل مقدار F برابر است با ۶۷.۳۰ و میزان معناداری آن هم برابر با ۰.۰۰۰ است که کوچکتر از ۰.۰۵ و معنادار است و این بیانگر اثبات نقش مشارکت مردمی در بالا بردن توسعه اجتماعی شهروندان شهر هرات می‌باشد و مدل رگرسیونی از لحاظ آماری معنی‌دار است.

جدول ۲۵: مجموع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات و سطح معناداری رگرسیون

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
		۱۰.۴۸۸	۱	۱۰.۴۸۸	رگرسیون
۰.۰۰۰	۶۷.۳۰۶	۰.۱۵۶	۳۸۱	۵۹.۳۶۹	باقی مانده
			۳۸۲	۶۹.۸۵۷	مجموع

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

با توجه به آنچه که در جدول (۴-۲۰) نشان داده شده است مقدار بتا که آماره T آن معنادار است ۰.۳۸۷ می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین مشارکت مردمی و بالارفتن توسعه اجتماعی وجود دارد.

جدول ۲۶: ضریب رگرسیون استاندارد نشده و شده، آماره تی و سطح معناداری رگرسیون

میزان معناداری	آماره تی	ضریب رگرسیون استاندارد شده (بتا)	ضریب رگرسیون استاندارد نشده	
۰.۰۰۰	۱۱.۵۵۲		۱.۹۲۸	(ضریب ثابت)
۰.۰۰۰	۸.۲۰۴	۰.۳۸۷	۰.۳۷۴	مشارکت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

نقش مشارکت مردمی در بالا بردن امنیت در شهر هرات چگونه است؟

برای بررسی نقش مشارکت مردمی در افزایش امنیت شهر از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. با توجه به آنچه که در جدول (۴-۲۱) مشاهده می‌شود. براین اساس با توجه به جدول شماره (۴-۲۱) مقدار همبستگی برابر با ۰.۰۷ است که همبستگی آن از نوع مستقیم با شدتی خیلی ضعیف است و همان‌گونه که در جدول مذکور مشخص است مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰.۰۰۳ می‌باشد. همچنین خطای استاندارد برآورد برابر با ۰.۴۸۷ است که هر چه اشتباه استاندارد برآورد کوچک‌تر باشد پیش بینی دقیق‌تر و ضریب همبستگی قوی‌تر نیست. مقدار دوربین واتسون نیز ۱.۱۰۹ می‌باشد.

جدول ۲۷: مقدار همبستگی، ضریب تعیین تعدیل شده و خطای استاندارد برآورد

مقدار همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	آماره دوربین واتسون
۰.۰۷۴	۰.۰۰۶	۰.۰۰۳	۰.۴۸۷	۱.۱۰۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

همان‌گونه که در جدول (۴-۲۲) مشخص است مقدار رگرسیون برای این مدل برابر است با ۰.۵۰۱ و مقدار باقی‌مانده برابر است با ۹۰.۴۰۴ و چون مقدار مجذورات باقی‌مانده کوچکتر از مجموع مجذورات رگرسیون است، نشان دهنده‌ی، قدرت تبیین بالای مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته است. در این مدل مقدار F برابر است با ۲.۱۱ و میزان معناداری آن هم برابر با ۰.۱۴۷ است که بزرگتر از ۰.۰۵ و معنادار نیست و این بیانگر رد نقش مشارکت مردمی در بالا بردن امنیت شهری شهروندان شهر هرات می‌باشد و مدل رگرسیونی از لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

جدول ۲۸: مجموع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات و سطح معناداری رگرسیون

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
۰.۵۰۱	۱	۰.۵۰۱	۲.۱۱۲	۰.۱۴۷
۹۰.۴۰۴	۳۸۱	۰.۲۳۷		
۹۰.۹۰۶	۳۸۲			

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

با توجه به آنچه که در جدول (۴-۲۳) نشان داده شده است مقدار بتا که آماره T آن معنادار است ۰.۰۷۴ - می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین مشارکت مردمی و بالارفتن امنیت شهری وجود ندارد.

جدول ۲۹: ضریب رگرسیون استاندارد نشده و شده، آماره تی و سطح معناداری رگرسیون

میزان معناداری	آماره تی	ضریب رگرسیون استاندارد شده (بتا)	ضریب رگرسیون استاندارد نشده	
۰.۰۰۰	۱۶.۶۸۹		۳.۴۳۸	(ضریب ثابت)
۰.۱۴۷	۱.۴۵۳-	۰.۰۷۴-	۰.۰۸۲-	مشارکت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

مهمترین گویه‌های مشارکت مردمی چه مواردی است؟

برای بررسی مهمترین گویه‌های مشارکت مردمی، با توجه به ترتیبی بودن گویه‌های شاخص مورد مطالعه از آزمون فریدمن استفاده شده است. با توجه به میزان معنی داری کای اسکوتر (۷۶۸.۰۲) که کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد می‌توان گفت که از نظر آماری با اطمینان ۹۵ درصد گویه‌های شاخص مشارکت مردمی معنی‌دار هستند و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارند.

جدول ۳۰: میزان معناداری آزمون فریدمن در گویه‌های شاخص مشارکت مردمی

تعداد	Chi-Square	درجه آزادی	میزان معناداری
۳۸۳.۰۰	۷۶۸.۰۲	۸.۰۰	۰.۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

حال برای اینکه بدانیم که میزان گویه‌های شاخص مشارکت مردمی در هر گویه نسبت با گویه دیگر چقدر متفاوت است و کدام گویه نسبت به بقیه بیشتر است باید از میانگین رتبه ای استفاده نمود. با توجه به آنچه که در جدول (۴-۲۵) می‌توان مشاهده نمود بالاترین رتبه مربوط به گویه ای است تحت عنوان «یک شهروند هر گاه فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی انجام میدهم تمایل بیشتری به مشارکت پیدا می‌کنم» و در مرتبه بعد «با شرکت در برنامه‌های فرهنگی-آموزشی برگزار شده در سطح شهر به رونق و پیشرفت محله کمک کنیم» می‌باشد و «گویه در سرای محله (یا هر نهاد وابسته به

شهرداری....) به ما می آموزند که چگونه می توانیم برای پیشرفت و توسعه شهر مشارکت داشته باشیم»
در رتبه آخر قرار دارد. رتبه بندی گویه های صورت گرفته در جدول (۴-۲۵) قابل مشاهده می باشد.

جدول ۳۱: رتبه و میانگین رتبه ای گویه های شاخص مشارکت مردم

رتبه	میانگین رتبه ای	شاخص
۸	۳.۸	اصلا نمیدانم چگونه باید با شهرداری و مدیریت شهری مشارکت داشته باشم
۹	۳.۲۹	در سرای محله (یا هر نهاد وابسته به شهرداری....) به ما می آموزند که چگونه می توانیم برای پیشرفت و توسعه شهر مشارکت داشته باشیم
۲	۶.۶۳	با شرکت در برنامه های فرهنگی-آموزشی برگزار شده در سطح شهر به رونق و پیشرفت محله کمک کنیم
۵	۴.۵۲	با شرکت در برنامه های فرهنگی-اجتماعی شهرداری ها طعم شیرین کار گروهی برایم خوشایند بود
۳	۶.۲۹	با انجام فعالیت های مشارکتی آموختم که نسبت به محله و شهر خود مسئولیت دارم
۴	۴.۹	با حضور در برنامه های سرای محله این باور در من ایجاد شده که نیاز به فعالیت جمعی در رشد شخصیتی من تاثیرگذار است.
۱	۶.۶۶	به عنوان یک شهروند هر گاه فعالیت های فرهنگی-اجتماعی انجام میدهم تمایل بیشتری به مشارکت پیدا می کنم
۷	۴.۴۴	با حضور در برنامه های فرهنگی-آموزشی شهرداری ... اعتماد به نفسم بالاتر رفته است
۶	۴.۴۷	مشارکت کردن در امور شهر می تواند باعث تامین منافع مادی من شود

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۸

مهمترین گویه های توسعه اجتماعی چه مسائلی است؟

برای بررسی مهمترین گویه های توسعه اجتماعی، با توجه به ترتیبی بودن گویه های شاخص مورد مطالعه از آزمون فریدمن استفاده شده است. با توجه به میزان معنی داری کای اسکوئر (۷۶۳.۰۲) که کمتر از ۰.۰۵ می باشد می توان گفت که از نظر آماری با اطمینان ۹۵ درصد گویه های شاخص مشارکت مردمی معنی دار دارند و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارند.

جدول ۳۲: میزان معناداری آزمون فریدمن در گویه های شاخص توسعه اجتماعی

تعداد	Chi-Square	درجه آزادی	میزان معناداری
۳۸۳.۰۰	۷۶۳.۲۷	۱۶.۰۰	۰.۰۰

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۸

حال برای اینکه بدانیم که میزان گویه های شاخص توسعه اجتماعی در هر گویه نسبت با گویه دیگر چقدر متفاوت است و کدام گویه نسبت به بقیه بیشتر است باید از میانگین رتبه ای استفاده نمود. با توجه به آنچه که در جدول (۴-۲۷) می توان مشاهده نمود بالاترین رتبه مربوط گویه ی "به اگر چه حل مشکلات و معضلات شهری وظیفه شهرداری هاست اما من به عنوان یک شهروندن نسبت به مسائل ومشکلات موجود در شهر احساس وظیفه می کنم و سعی می کنم در کارها حل بخشی از مشکلات مشارکت داشته باشم" و در مرتبه بعدی کویه ی "من پرداخت عوارض یه شهرداری را با رغبت انجام میدهم و این کار را امری منطقی میدانم برای توسعه شهرم" می باشد و نهایتا گویه "اگر شهرداری ها هم دنبال مشارکت شهروندان باشند منافع خودشان مد نظر هست نه منافع شهروندان" در آخرین رتبه قرار گرفته است.

جدول ۳۳: رتبه و میانگین رتبه‌ای گویه های شاخص توسعه اجتماعی

رتبه	میانگین رتبه ای	شاخص
۲	۱۰.۸۶	من پرداخت عوارض یه شهرداری را با رغبت انجام میدهم و این کار را امری منطقی میدانم برای توسعه شهرم
۱۱	۸.۸۶	مشارکت در امور شهر وقت تلف کردن است چون کسی برای اقدامات ما ارزشی قائل نیستند
۱۲	۸.۱۰	مشارکت در برنامه های سرای محله..... فرصتی مغتنم است که استعدادهای بالقوه خویش را به فعلیت برسانم
۱۰	۸.۹۹	هزینه های دریافتی شهرداری برای برخی فعالیت های مشارکت منطقی و قابل قبول است
۶	۹.۷۰	به نظر من فعالیت های مشارکت جویانه شهرداری هرات به نزدیک تر شدن مردم به شهرداری منجر شده و من از این کار راضی هستم
۳	۱۰.۷۲	با شرکت در برنامه های شهرداری و یا انواع جشنواره ها شهری، گاهی می توان با یک نقاشی یا عکس ساده و.. مشکلات و کمبودهای محله را به مسئولین شهر نشان داد و از این طریق با مدیریت شهری مشارکت داشت
۱	۱۲.۶۱	اگر چه حل مشکلات و معضلات شهری وظیفه شهرداری هاست اما من به عنوان یک شهروندن نسبت به مسائل ومشکلات موجود در شهر احساس وظیفه می کنم و سعی می کنم در کارها حل بخشی از مشکلات مشارکت داشته باشم
۸	۹.۱۲	در گذشته عمده فعالیت های شهرداری ها متمرکز بر امور نظافتی و خدماتی بود ولی این روزها می بینم که فعالیت های فرهنگی و مشارکتی آنها رو به افزایش هست
۷	۹.۶۸	چون رویکرد شهرداری ها و مدیریت شهری نسبت به اقدامات مشارکتی افزایش یافته من هم به فعالیت های مشارکتی راغب شده ام
۱۵	۶.۸۹	شهرداری ها (سرای محله ها) یک مرکز خدماتی است که در ازای گرفتن پول خدمات ارائه میدهند و هیچ تاثیری بر افزایش اطلاعات مردم شهر نسبت به مشارکت شهروندان ندارند
۱۳	۸.۰۷	شهرداری ها هیچ تمایلی برای مشاکت شهروندان ندارند و اقداماتی برای این مورد انجام نداده اند.

رتبه	میانگین رتبه ای	شاخص
۱۶	۶.۶۰	اگر مشکلی در شهر وجود داشته باشد به راحتی می توان به شهرداری و یا شورای شهر مراجعه کرد و با همفکری با مسئولین آنجا نسبت به حل آن اقدامات لازم را انجام داد.
۹	۹.۰۷	هدف واقعی شهرداری از اقدامات مشارکت جویانه بهبود شرایط زندگی شهروندان می باشد نه امر دیگری.
۱۷	۶.۰۹	اگر شهرداری ها هم دنبال مشارکت شهروندان باشند منافع خودشان مد نظر هست نه منافع شهروندان.
۴	۱۰.۰۸	با وجود این که مشارکت ممکن است نتایج مثبتی هم داشته باشد، من حاضر نیستم که وقتم را صرف این کار کنم.
۵	۹.۸۱	با اینکه می دانم مشارکت در امور شهر می تواند تاثیرات خوبی بر رونق شهر داشته باشند ولی حاضر نیستم وقتم را صرف این کار کنم
۱۴	۷.۷۳	امروزه مردم آنقد گرفتارند که دیگر حتی حوصله ی فکر کردن به مشارکت در شهر را ندارند.

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۸

مهم ترین گویه های امنیت شهری چه مسائلی است؟

برای بررسی مهمترین گویه های امنیت شهری، با توجه به ترتیبی بودن گویه های شاخص مورد مطالعه از آزمون فریدمن استفاده شده است. با توجه به میزان معنی داری کای اسکور (۶۰.۱۳۰) که کمتر از ۰.۰۵ می باشد می توان گفت که از نظر آماری با اطمینان ۹۵ درصد گویه های شاخص مشارکت مردمی معنی دار دارند و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارند.

جدول ۳۴: میزان معناداری آزمون فریدمن در گویه های شاخص امنیت شهری

تعداد	Chi-Square	درجه آزادی	میزان معناداری
۳۸۳.۰۰	۶۰.۱۳۰	۱۱.۰۰	۰.۰۰

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۸

حال برای اینکه بدانیم که میزان گویه های شاخص امنیت شهری در هر گویه نسبت با گویه دیگر چقدر متفاوت است و کدام گویه نسبت به بقیه بیشتر است باید از میانگین رتبه ای استفاده نمود. با توجه به آنچه که در جدول (۴-۲۹) می توان مشاهده نمود بالاترین رتبه مربوط به گویه ی "مسائلی

که امنیت شهر را تحت تاثیر قرار میدهد را به نهادهای امنیتی گزارش میدهم" می‌باشد و در در مرتبه بعد گویه ی " با شرکت در برنامه های فرهنگی-آموزشی برگزار شده در سطح شهر به رونق و پیشرفت محله کمک کنیم" اگر پلیس و نهادهای امنیتی نیاز به همکاری داشته باشند با آغوش باز استقبال می‌کنم" می‌باشد. این در حالی است که با توجه به چواب های بدست آمده ضعف نیروهای امنیتی در برقراری ارتباط با شهروندان جهت گسترش امنیت فوق العاده ضعیف بوده است چرا که گویه ی " نهادهای امنیتی اقدامات لازم برای جذب مشارکت شهروندان را انجام نداده اند" کمترین مقدار را بین سایر گویه ها داشته است.

جدول ۳۵: رتبه و میانگین رتبه ای گویه های شاخص امنیت شهری

رتبه	میانگین رتبه ای	شاخص
۵	۷.۲۴	من نمیدانم چطور باید با نهادهای امنیتی مشارکت داشته باشم
۶	۶.۷۴	من برای افزایش سطح امنیت در سطح شهر با نهادهای امنیتی مشارکت داشته ام.
۲	۸.۱۴	اگر پلیس و نهادهای امنیتی نیاز به همکاری داشته باشند با آغوش باز استقبال می‌کنم.
۳	۷.۵۶	اهمیت امنیت برای من در حدی است که حتی حاضرم خودم حضوری در صحنه هایی وارد شوم و به نهادهای امنیتی کمک کنم.
۱	۸.۲۵	مسائلی که امنیت شهر را تحت تاثیر قرار میدهد را به نهادهای امنیتی گزارش میدهم.
۱۰	۵.۳۳	مشارکت من با نهادهای امنیتی در حد گزارش می‌باشد
۹	۵.۵۰	مشارکت من با نهادهای امنیتی در قالب گزارش و حتی کمک مالی به نهادهای امنیتی می‌باشد.
۴	۷.۳۵	ضرورتی برای کمک به نهادهای امنیتی نمی بینم چون برای من اعتبار و ارزشی قائل نیستند.
۸	۵.۹۰	نوع برخورد نهادهای امنیتی با من به گونه ای بوده که رغبتی برای مشارکت با این نهادها ندارم حتی اگر برای توسعه شهرم مهم باشد.
۱۱	۴.۹۳	تعداد نهادهای امنیتی موجود در سطح شهر کم است و دسترسی به آنها مشکل می‌باشد که با آنها مشارکت داشته باشم.
۷	۶.۴۴	نهادهای امنیتی احساس نیاز به مشارکت من ندارند.
۱۲	۴.۶۰	نهادهای امنیتی اقدامات لازم برای جذب مشارکت شهروندان را انجام نداده اند.

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

رابطه بین مشارکت شهروندان و توسعه اجتماعی و امنیت شهری در شهر هرات چگونه است؟ برای تعیین رابطه بین مشارکت مردمی با شاخص توسعه اجتماعی و امنیت شهری مبادرت به برقراری همبستگی گردید. همانطوری که مشاهده می‌شود رابطه معناداری بین مشارکت شهروندان و توسعه اجتماعی وجود دارد. با توجه به نرمال بودن داده‌ها و نوع مقیاس داده‌ها که فاصله‌ای می‌باشد برای نشان دادن همبستگی بین شاخص از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. طبق جدول (۳۰-۴) بین شاخص مشارکت مردمی و امنیت شهری رابطه معناداری وجود ندارد و میزان معناری دار آن بیشتر از ۰.۰۵ می‌باشد و رابطه حذف می‌شود.

جدول ۳۶: رابطه بین مشارکت مردمی با توسعه اجتماعی و امنیت شهری

مشارکت		شاخص
میزان معناداری	آماره پیرسون	
۰.۰۰۰	۰.۳۸۷	توسعه
۰.۱۴۷	۰.۰۷۴-	امنیت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

ارتباط بین مشارکت شهروندان و سطح تحصیلات

برای تعیین رابطه بین مشارکت مردمی با سطح تحصیلات مبادرت به برقراری همبستگی گردید. همانطوری که مشاهده می‌شود رابطه معناداری بین مشارکت شهروندان و سطح تحصیلات وجود ندارد. با توجه به نرمال بودن داده‌ها و نوع مقیاس داده‌ها که فاصله‌ای می‌باشد برای نشان دادن همبستگی بین شاخص از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. طبق جدول (۴-۳۱) بین شاخص مشارکت مردمی و امنیت شهری آماره پیرسون برابر با ۰.۱۰۰- می‌باشد که عدم ارتباط را نشان می‌دهد. هر چند به لحاظ آماری ارتباطی بین این دو وجود ندارد ولی این موضوع بیانگر این است که شهروندان شهر هرات با هر سطح تحصیلاتی که هستند تمایل زیادی به مشارکت دارند و حضور فعال مشارکت‌های مردمی به سطح تحصیلات آنها مربوط نمی‌باشد بلکه نشانه سطح بالای فرهنگی و اجتماعی این شهروندان می‌باشد. به عبارتی مشارکت تحت تاثیر تحصیلات نبوده و فهم نسبت به آن به امری فراتر تبدیل گردیده و همه اقشار مردم را مایل به همکاری نموده است.

جدول ۳۷: رابطه بین مشارکت شهروندان با سطح تحصیلات

مشارکت		شاخص
میزان معناداری	آماره پیرسون	
۰.۰۵۱	-۰.۱۰۰	سطح تحصیلات

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

ارتباط بین مشارکت شهروندان و سطح درآمد

برای تعیین رابطه بین مشارکت مردمی با شاخص توسعه اجتماعی و امنیت شهری مبادرت به برقراری همبستگی گردید. با توجه به خروجی SPSS ضریب همبستگی پیرسون ۰.۰۶۲ می‌باشد مقدار عدد معناداری sig مشاهده شده ۰.۲۲۶ می‌باشد که بیشتر از سطح معناداری استاندارد ۰.۰۵ می‌باشد، لذا بین این دو متغیر به لحاظ آماری همبستگی وجود ندارد. نکته قابل توجه این می‌باشد که سطح مشارکتی شهروندان شهر هرات به حدی می‌تواند بالا باشد که گروه‌های مردمی با هر سطح درآمدی که باشند، تمایل به مشارکت در امورات شهری را دارند. در واقع داده‌ی حاصله به نوعی می‌تواند موید این مساله باشد که مشارکت مردمی در شهر هرات متأثر از سطح درآمد افراد نیست و فهم و آگاهی مردم نسبت به اهمیت مشارکت باعث گردیده که گروه‌های مختلف مردمی با درآمدهای مختلف به این انجام این مساله ابراز تمایل نمایند. موید این امر داده‌های بدست آمده از تحقیق می‌باشد.

جدول ۳۸: رابطه بین مشارکت شهروندان با سطح درآمد

مشارکت		شاخص
میزان معناداری	آماره پیرسون	
۰.۲۲۶	۰.۰۶۲	سطح درآمد

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

بخش سوم: تحلیل فضایی داده ها

تحلیل فضایی شاخص‌های تحقیق در شهر هرات

یکی از پارامترهایی که می‌تواند در انتخاب روش تصمیم‌گیری چند معیاره مورد توجه قرار می‌گیرد میزان دقت این مدل‌ها می‌باشد. همچنین این محققان پیشنهاد می‌کنند ترکیب دو مدل می‌تواند میزان دقت آن را بالا ببرد (زاوادسکاس و همکاران، ۲۰۱۲). میزان دقت نتایج مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه WSM (مدل جمع وزنی) و مدل WPS (مدل محصول وزنی) نسبتاً به خوبی شناخته شده است. نتایج بررسی‌های محققان تأکید کرده است میزان دقت مدل‌های ترکیبی در مقایسه با میزان دقت این مدل‌ها قبل از ترکیب شدن خیلی بالاتر است. یکی از این مدل‌های ترکیبی مدل ارزیابی تولید وزنی تجمعی (WASPAS^۴) هست. این مدل می‌تواند در مسائل پیچیده تصمیم‌گیری کارایی بالایی داشته باشد و همچنین نتایج حاصل از این مدل از دقت بالایی برخوردار باشند. در ادامه ماحل روش WASPAS به شرح زیر می‌باشد:

ابتدا ماتریس وضع موجود بر اساس شاخص‌های طراحی شده تشکیل می‌شود. سپس به بی مقیاس سازی ماتریس تصمیم بر اساس دو رابطه زیر پرداخته می‌شود.

$\bar{x}_{ij} = \frac{x_{ij}}{\max_i x_{ij}} \quad \text{for beneficial criteria}$	رابطه ۵
$\bar{x}_{ij} = \frac{\min_i x_{ij}}{x_{ij}} \quad \text{for non - beneficial criteria}$	رابطه ۶

در روش WASPAS، یک معیار مشترک از بهینه‌سازی به دنبال دو معیار بهینه است. اولین معیار بهینه‌سازی، یعنی معیار میانگین موفقیت وزنی، مشابه روش WSM است. این یک رویکرد محبوب و قابل قبول تصمیم‌گیری چند معیاره است که برای ارزیابی تعدادی از گزینه‌ها در رابطه با مجموعه‌ای

^۴weighted aggregated sum product assessment

از معیارهای تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس روش WSM اهمیت نسبی کل i امین گزینه به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$Q_i^1 = \sum_{j=1}^n \bar{x}_{ij} w_j$	رابطه ۷
---	---------

که در این رابطه w_j وزن j امین معیار است.

از طرفی دیگر طبق روش WPM ارزش نسبی کل گزینه‌ها از روش زیر محاسبه می‌شود.

$Q_i^2 = \prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j}$	رابطه ۸
--	---------

سپس یک معیار کلی برای ادغام روش مجموع وزنی (WSM) و محصول وزنی (WPM) به صورت زیر خواهد بود.

$Q_i = 0.5Q_i^1 + 0.5Q_i^2$ $= 0.5 \sum_{j=1}^n \bar{x}_{ij} w_j + 0.5 \prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j}$	رابطه ۹
--	---------

به منظور افزایش دقت و صحت رتبه‌بندی تصمیم‌گیری فرایند، در روش WASPAS بر اساس مدل بالا، یک مدل کلی تعمیم‌یافته به صورت زیر تشکیل خواهد شد.

$Q_i = \lambda Q_i^1 + (1 - \lambda) Q_i^2$ $= \lambda \sum_{j=1}^n \bar{x}_{ij} w_j + (1 - \lambda) \prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j}$ $= 0, 0.1, \dots, 1$	رابطه ۱۰
---	----------

بر اساس مقادیر مختلف λ شاخص Q_i مقادیر مختلف اختیار می‌کند. اگر $\lambda = 0$ شود مدل واسپاس تبدیل به مدل WPM می‌شود؛ و اگر $\lambda = 1$ شود مدل واسپاس به مدل WSM تبدیل می‌شود. برای مسائل تصمیم‌گیری مقدار بهینه λ از رابطه زیر محاسبه می‌شود (زاوادسکاس و همکاران، ۲۰۱۲).

$\lambda = \frac{\sigma^r(Q_i^r)}{\sigma^r(Q_i^1) + \sigma^r(Q_i^2)}$	رابطه ۱۱
---	----------

مقادیر واریانس $\sigma^2(Q_i^1)$ و $\sigma^2(Q_i^2)$ بر اساس روابط زیر محاسبه می‌شود.

$\sigma^r(Q_i^1) = \sum_{j=1}^n w_j^r \sigma^r(\bar{x}_{ij})$	رابطه ۱۲
---	----------

$\sigma^r(Q_i^r) = \sum_{j=1}^n \left(\frac{\prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j} w_j}{(\bar{x}_{ij})^{w_j} (\bar{x}_{ij})^{(1-w_j)}} \right) \sigma^r(\bar{x}_{ij})$	رابطه ۱۳
---	----------

تخمین واریانس مقادیر نرمال معیارها از رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$\sigma^r(\bar{x}_{ij}) = (0.05 \bar{x}_{ij})^r$	رابطه ۱۴
--	----------

بعد از محاسبه مقدار بهینه λ ، آن را در رابطه بالا قرار داده و امتیاز هر گزینه را محاسبه و سپس بر اساس آن گزینه‌ها را رتبه‌بندی می‌کنیم.

تحلیل فضایی شاخص مشارکت مردمی

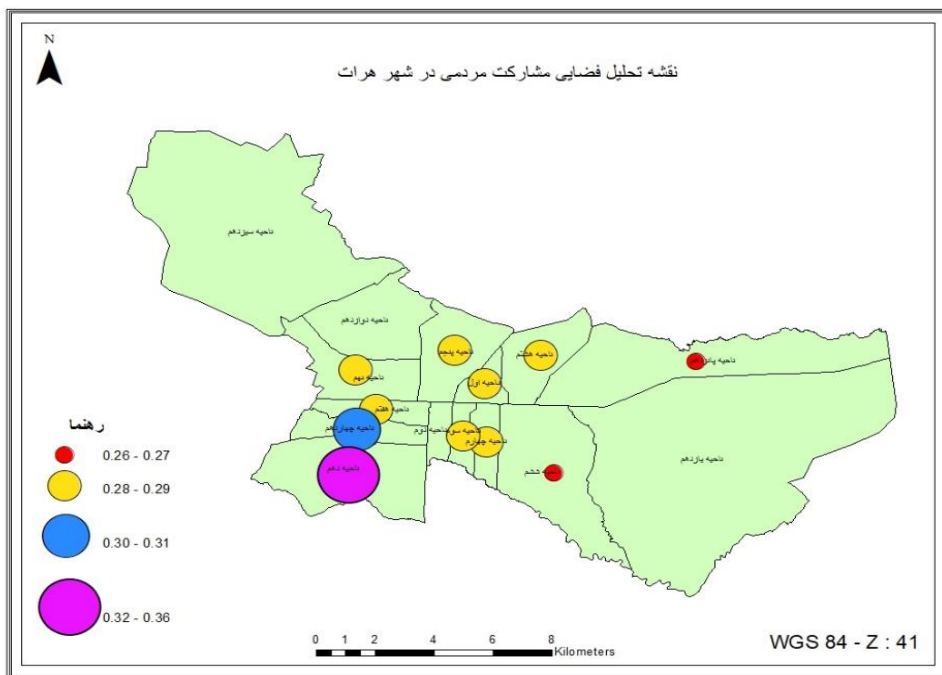
بر اساس تحلیل فضایی که در جدول (۴-۳۳) قابل مشاهده می‌باشد در نواحی ۱۵ گانه هرات وضعیت مشارکت مردم از نوسان ثابلی توجهی برخوردار می‌باشد به گونه ای که براساس برآوردهای به عمل آمده بیشترین سطح مشارکت مردمی و تمایل به رویکردهای مشارکت جویانه مربوط به ناحیه دهم می‌باشد و بعد از آن ناحیه چهاردهم شهری می‌باشد. این در حالی است که کمترین سطح مشارکت بعد از نواحی پیرامونی شهر به ناحیه نهم شهر هرات که ناحیه ای ضعیف با سطح امکانات پایین و فاقد توسعه اقتصادی لازم می‌باشد، مربوط می‌گردد. در نتیجه به خوبی می‌توان از نتایج بدست آمده به تجلیل فضایی این مناطق پرداخت.

جدول ۳۹: تحلیل فضایی شاخص مشارکت مردمی

رتبه	Qi	Λ	محاسبه λ و Qi
۳	۰.۲۷۹	۰.۷۸۷	ناحیه اول
۷	۰.۲۷۴	۰.۷۸۹	ناحیه سوم
۸	۰.۲۷۳	۰.۷۹۵	ناحیه چهارم
۶	۰.۲۷۵	۰.۷۹۲	ناحیه پنجم
۵	۰.۲۷۶	۰.۷۹۲	ناحیه ششم
۹	۰.۲۷۲	۰.۷۹۴	ناحیه هفتم
۴	۰.۲۷۸	۰.۷۸۹	ناحیه هشتم
۱۱	۰.۲۶۰	۰.۷۹۶	ناحیه نهم
۱	۰.۳۶۰	۰.۵۸۶	ناحیه دهم
۲	۰.۳۱۰	۰.۶۹۶	ناحیه چهاردهم
۱۰	۰.۲۶۹	۰.۸۰۳	ناحیه پانزدهم
۱۲	۰.۲۶۰	۰.۷۹۷	نواحی پیرامونی شهر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

در همین ارتباط توجه به نقشه خروجی نقشه (۴-۱) حاصل از داده‌های به دست آمده نیز موید نوسان مشارکت در مناطق مختلف شهر هرات می‌باشد. به گونه‌ای که مناطقی که زا سطح مشارکت بالاتری برخوردارند دایره بزرگتری را به خود اختصاص داده و هر دایره کوچکتر می‌شوند سطح مشارکت شهروند نیز تنزل می‌یابد.



نقشه (۴-۱) تحلیل فضایی شاخص مشارکت مردمی

تحلیل فضایی شاخص توسعه اجتماعی

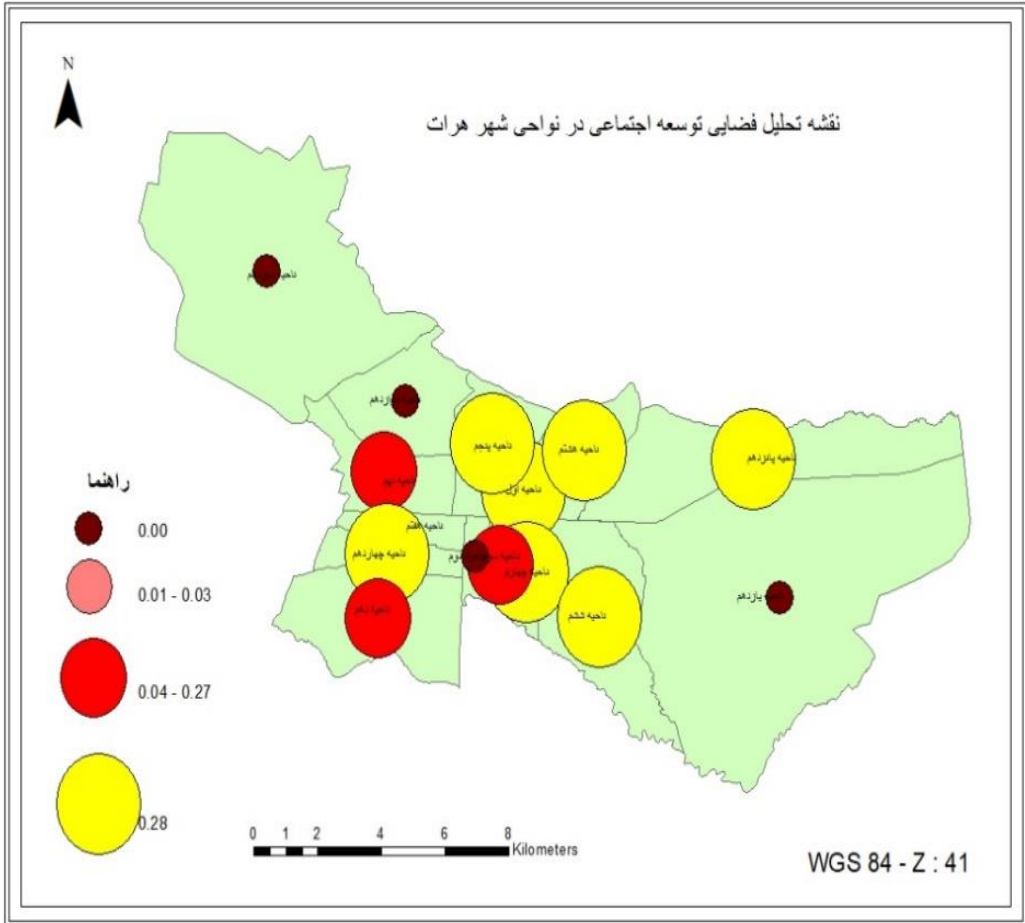
بر اساس تحلیل فضایی که در جدول (۴-۳۴) قابل مشاهده می‌باشد در نواحی ۱۵ گانه هرات شاخص توسعه اجتماعی و میزان مشارکت مردم در ارتباط با پارامترهای توسعه از نوسان نسبی برخوردار می‌باشد. در این ارتباط با توجه به تحلیل‌های بدست آمده بالاترین سطح توسعه اجتماعی و تمایل به مشارکت در فعالیتهای توسعه ای به ناحیه هفتم شهر هرات مربوط می‌گردد و بعد از آن ناحیه چهاردهم این شهر واقع گردیده است. این در حالی است که کمترین سطح توسعه اجتماعی بعد از ولسوالی‌ها مربوط ناحیه نهم شهر هرات می‌باشد. نکته قابل توجه این است که ناحیه نهم شهر هرات در شاخص مشارکت مردمی نیز کمترین سطح مشارکت را داشتند.

جدول ۴۰: تحلیل فضایی شاخص توسعه اجتماعی

رتبه	Qi	λ	محاسبه λ و Qi
۳	۰.۲۸۲	۰.۷۶۵	ناحیه اول
۱۰	۰.۲۶۶	۰.۸۱۸	ناحیه سوم
۸	۰.۲۷۶	۰.۷۲۲	ناحیه چهارم
۵	۰.۲۸۲	۰.۷۳۵	ناحیه پنجم
۶	۰.۲۸۲	۰.۷۳۵	ناحیه ششم
۱	۰.۲۸۷	۰.۷۳۰	ناحیه هفتم
۴	۰.۲۸۲	۰.۷۶۲	ناحیه هشتم
۱۱	۰.۲۶۶	۰.۷۷۱	ناحیه نهم
۹	۰.۲۷۱	۰.۷۷۶	ناحیه دهم
۲	۰.۲۸۴	۰.۴۵۴	ناحیه چهاردهم
۷	۰.۲۸۰	۰.۷۶۵	ناحیه پانزدهم
۱۲	۰.۲۴۱	۰.۷۷۲	نواحی پیرامونی شهر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

در این بین داده‌های بدست آمده در نقشه (۳-۴) نیز به خوبی موید این امر می‌باشد. به گونه‌ای که نواحی که با دواير زرد معرفی گردیده‌اند از سطح توسعه بالاتری برخوردار بوده و به همین ترتیب هر چه از قطر دواير کاسته می‌شود از سطح توسعه یافتگی نیز کاسته می‌شود.



تحلیل فضایی شاخص امنیت شهری

دیگر شاخصی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است به شاخص امنیت شهری بر می گردد که در نتایج حاصله در جدول (۴-۳۵) ارائه گردیده است. آنچه از نتایج حاصله برداشت می گردد این است که شهر هرات از این نظر نیز از نوسان قابل توجهی برخوردار می باشد و سطح شهر از تعادل بالایی برخوردار نمی باشد و این مسائل عدالت فضایی در سطح شهر را تحت تاثیر قرار داده و خود نیز

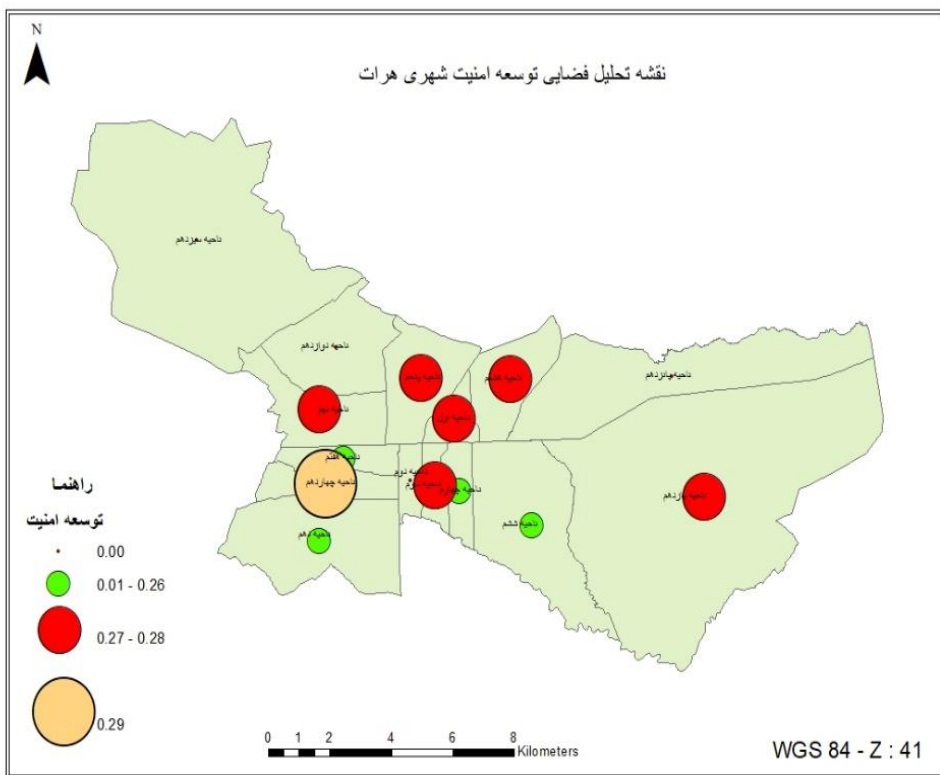
از ان متاثر گردیده است. آنچه از داده ها بدست می آید موید آن است که منطقه ۱۴ شهری دارای سطح مشارکت بالایی برای همکاری در امور مختلف امنیتی بوده‌اند و این در حالی است که از این نظر پایین رتبه به ناحیه دهم شهر هرات اختصاص دارد که این امر ضرورت توجه بیشتر به این فضاها را بیش از پیش مهم می‌نماید. چرا که جلب توجه مردم برای مشارکت در برقراری امنیت از ضروریاتی است که مسئولین امر باید به انحاء مختلف مورد توجه قرار دهند.

جدول ۴۱: تحلیل فضایی شاخص امنیت شهری

رتبه	Qi	λ	محاسبه λ و Qi
۵	۰.۲۷۷	۰.۷۷۵	ناحیه اول
۷	۰.۲۷۴	۰.۷۹۳	ناحیه سوم
۱۱	۰.۲۵۷	۰.۸۰۲	ناحیه چهارم
۸	۰.۲۶۹	۰.۷۸۳	ناحیه پنجم
۹	۰.۲۶۴	۰.۷۸۸	ناحیه ششم
۱۰	۰.۲۶۱	۰.۷۸۹	ناحیه هفتم
۶	۰.۲۷۶	۰.۷۸۲	ناحیه هشتم
۳	۰.۲۷۹	۰.۷۷۹	ناحیه نهم
۱۲	۰.۲۵۶	۰.۷۱۵	ناحیه دهم
۱	۰.۲۹۲	۰.۵۱۵	ناحیه چهاردهم
۴	۰.۲۷۹	۰.۷۶۱	ناحیه پانزده هم
۲	۰.۲۹۲	۰.۵۱۵	نواحی پیرامونی شهر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

در کنار داده های تنظیم شده در جدول، نقشه لازم برای مشخص شدن وضعیت امنیت و سطح مشارکت مردم در این مساله نیز تهیه و ارائه گردیده است. همانگونه که در نقشه ... نیز مشخص شده است بالاترین سطح مشارکت به ناحیه ۱۴ شهری مربوط می گردد که با دایره نارنجی مشخص گردیده است و بعد از آن متناسب با قطر دواير از شدت مشارکت افراد در نواحی مختلف شهر کاسته می شود.



نقشه (۳-۴) تحلیل فضایی شاخص امنیت شهری

خلاصه فصل

بر اساس نتایج پژوهشی این فصل می‌توان بیان کرد که بیشترین پاسخگویان (۲۲ درصد) در رده سنی بین ۱۸-۲۴ سال بوده‌اند که تحصیلات اکثر آنان (۸۹ درصد) مقطع تحصیلی لیسانس بوده است. ۶۲ درصد پاسخگویان کارمند بودند و ۵۲ درصد آنان متاهل بودند. ۵۴ درصد پاسخگویان منبع درآمدشان بجز گزینه پدر و شخص خودشان بوده است. ۲۷ درصد آنان بین ۵ تا ۱۰ هزار افغانی درآمد ماهیانه داشتند. بیشتر پاسخگویان (۳۵ درصد) محدوده سکونت آنان در ناحیه پنجم شهر هرات بوده است. ۴۳ درصد آنان بیان داشتند که در نهادهای ادارات غیر دولتی به صورت مشارکتی فعالیت دارند و بیشتر از یک تا دو سال در آنجا مشارکت داشتند. ۶۰ درصد پاسخگویان بیان داشتند که در جشنواره‌ها و کنفرانس و نمایشگاه‌ها شرکت می‌کنند. ۷۴ درصد پاسخگویان بیان داشتند که در نهاد های شهری نیز مشارکت دارند و همچنین ۵۴ درصد بیان داشتند که با NGO نیز مشارکت دارند. در ارتباط با شاخص‌های اصلی تحقیق می‌توان گفت که در هر سه شاخص مشارکت مردمی، توسعه اجتماعی و امنیت شهری بیشتر پاسخ‌ها بالاتر از حد میانگین بوده است که بیانگر نقش مثبت مشارکت مردمی و شهروندان در توسعه اجتماعی و امنیتی شهری شهر هرات می‌باشد. بر اساس آزمون‌هایی که انجام شد مشخص گردید که مشارکت مردمی نقش مثبتی در بالا بردن توسعه اجتماعی دارد و بیانگر همبستگی قوی بین این شاخص با شاخص توسعه شهری می‌باشد. در بین گویه‌های شاخص مشارکت مردمی، مهمترین گویه «به عنوان یک شهروند هر گاه فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی انجام می‌دهم تمایل بیشتری با مشارکت پیدا می‌کنم» می‌باشد. در ارتباط با شاخص توسعه اجتماعی بیشترین رتبه مربوط به گویه «اگر چه حل مشکلات و معضلات شهری وظیفه شهرداری‌هاست اما من به عنوان یک شهروند نسبت به مسائل و مشکلات موجود در شهر احساس وظیفه می‌کنم و سعی می‌کنم در کارها حل بخشی از مشکلات مشارکت داشته باشم» می‌باشد. همچنین برای شاخص امنیت شهری بیشترین رتبه برای مشارکت مربوط به گویه «مسائلی که امنیت شهر را تحت تاثیر قرار می‌دهد را به نهادهای امنیتی گزارش میدهم» بوده است. بر اساس تحلیل فضایی صورت گرفته در ارتباط با شاخص مشارکت مردمی بیشتری مربوط به ناحیه دهم، شاخص توسعه شهری مربوط به ناحیه هفتم و شاخص امنیت شهری مربوط به ناحیه چهاردهم می‌باشد. بر اساس آزمون همبستگی می‌توان گفت که بین شاخص‌های توصیفی از جمله سطح تحصیلات و سطح درآمدی شهروندان با میزان مشارکت آنها هیچ ارتباط معنایی وجود ندارد و این مساله بار معنایی منفی نداشته بلکه می‌توان آن را با

رویکردی کلانتر نگاه کرد. در واقع آگاهی و شناخت شهروندان هراتی نسبت به اهمیت مشارکت و تاثیر آن بر امنیت و توسعه باعث گردیده که رویکرد مردم نسبت به این امر مثبت بوده و همه اقشار جامعه با هر سطح از تحصیلات و یا درآمدی مایل به مشارکت برای رسیدن به این هدف باشند.

فصل پنجم

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مقدمه

در جامعه کنونی مشکلات عدیده‌ای وجود دارد که بر وضعیت و چگونگی مشارکت در سطح جامعه به شدت تاثیرگذار می‌باشد. در واقع نبود آشنایی مسئولین و مدیران شهری با تکنیک‌های جدید مربوط به شهر، ضعف فرهنگ مشارکت جوانه؛ مقابله در برابر نوآوری‌ها، خلاقیت‌ها و ابداعات و مانند آن باعث گردیده که سطح مشارکت شهروندان در شهر هرات به شدت تحت تاثیر قرار گرفته و مشارکت جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده باشد. این قبیل مسائل باعث کاهش تمایل مسئولین و به تبع آن تعویق در مشارکت شهروندان در مسائل شهری گردد.

مشارکت می‌تواند ابعاد مختلفی از شهر را تحت تاثیر قرار دهد. در واقع با مشارکت می‌توان از وضع موجود به سمت آینده‌ای روشنتر و برخوردار از برنامه ریزی دقیق‌تر حرکت کرد. در این بین اگر برنامه ریزی را حرکت از وضع موجود به طرف وضع مطلوب بدانیم، نگاه شناخت دقیق دو مقوله در امر برنامه ریزی ضرورت بالایی پیدا می‌کنند. یکی مربوط می‌شود به شناخت دقیق وضع موجود و دیگری شناخت صحیح وضع مطلوب. بنابراین روشن است که تا ندانیم در کجا هستیم و به کجا قرار است که برسیم اقدام روشنی نمی‌توانیم انجام دهیم. ممکن است وضعیت موجود جامعه‌ای را بدون حضور مردم آن جامعه نیز تا حدودی بتوان شناخت، اما وضعیت مطلوب که خواست مردم و آینده‌را مورد توجه قرار می‌دهد را چگونه می‌توان بدون حضور مردم شناسایی کرد؟ در برنامه ریزی و مدیریت شهری که از مشارکت مردم استفاده‌ای نمی‌گردد، آنچه به عنوان وضعیت مطلوب تصور می‌شود و به شکل اهداف برنامه تدوین می‌گردد، الزاما خواسته دقیق مردم نیست بلکه خواسته‌های تصمیم‌گیران است. برنامه ریزان ایده‌آلهای خود را به عنوان خواست مردم تلقی کرده و بر مبنای آنها اهداف برنامه‌ها را تنظیم می‌کنند. این در حالی است که در بسیاری از برنامه ریزی‌ها صحبت از عدم شناخت صحیح خواسته‌ها و نیازهای مردم است در نتیجه بسیاری از تصمیماتی که صورت می‌گیرد از قابلیت اجرایی بالایی برخوردار نبوده و کارایی لازم را ندارد. در این بین آندسته از سیاستها و برنامه‌هایی که رویکرد امنیتی و توسعه‌ای را دنبال می‌کنند از اهمیت بالاتری برخوردار بوده و نقش مهم و کلیدی در ساختار جامعه دارد. بنابراین توجه به مشارکت مردم در این قبیل تصمیمات جایگاه مهم‌تری دارد. در این بین، ناتوانی در درک و شناخت صحیح مسائل، نیازها و خواسته‌های مردم، و تاثیر

آنها بر مقوله امنیت و توسعه شهری ریشه در پیچیدگی اجتماع و تنوع خواسته ها و نیازهای اجتماعی آنها دارد. در چنین وضعیتی تنها راه برای دستیابی به شناختی صحیح از خواسته جامعه، مشارکت مردم است. مشارکت مستقیم مردم در فرآیند برنامه ریزی و مدیریت شهری می تواند به شناخت دقیق و درست خواست عمومی منجر گردد و تنها با درگیر کردن مردم در فرآیند برنامه ریزی و تصمیمات شهری می توان گامی اساسی در جهت توسعه و بالابردن سطح امنیت در جامعه برداشت.

علاوه بر شناخت وضع مطلوب که همان خواست مردم است و تنها از طریق مشارکت مردم حاصل می گردد، شناخت وضع موجود نیز می تواند بر میزان و چگونگی مشارکت مردم در امور مختلف به خوبی تاثیرگذار باشد به خصوص زمانی که این مساله از طرف مردم از اقبال حداکثری نیز برخوردار باشد. در این بین براساس نتایج بدست آمده از تحقیق به خوبی می توان به تمایل و رغبت شهروندان برای افزایش مشارکت و همکاری برای توسعه شهر هرات پی برد و این در حالی است که شهر هرات از این نظر همچنان از ضعف قابل توجهی برخوردار بوده و به ضرورت این مساله برای برخی از مسئولین مغفول مانده است. در ادامه به منظور ارتقای وضعیت مشارکت و تاثیرگذاری آن بر مساله توسعه و امنیت شهری پیشنهادهای ارائه می گردد.

در این بین بر اساس نتایج بدست آمده از وضع موجود، علیرغم تمایل بالای مردم جهت مشارکت در مسائل مختلف شهری، مسئولان و مدیران شهری هرات در زمینه استفاده از مشارکت مردمی و قابلیتها و ظرفیت هایی که این پدیده برای توسعه و امنیت شهری هرات به دنبال دارد، استفاده لازم را نبرده اند.

مشارکت شهری انگونه که در بخش های مختلف تحقیق به آن اشاره گردیده دارای چندین سطح گوناگون است که یکی از مهمترین آنها مشارکت شهری فعال یعنی همکاری مردم و مجریان برنامه ها در نظام مدیریت شهر بوده است. اما واقعیت این است که این بخش از پروژه مشارکت شهری به لحاظ این که نظام مدیریت شهری سیاسی در کشور افغانستان و به تبع آن شهر هرات از ضعف قابل توجهی چه از نظر پارادایمی و چه زیرساختهای فرهنگی برخوردار می باشد با مشکلات جدی روبه رو می باشد.

در این تحقیق ما به دنبال پاسخگویی به این سوالات بودیم که " نقش مشارکت مردمی در بالا بردن توسعه اجتماعی شهروندان شهر هرات چگونه است؟" و "نقش مشارکت مردمی در بالا بردن امنیت در شهر هرات چگونه است؟". در این بین به منظور پاسخگویی به این سوالات با استفاده از مطالعات اسنادی و کارهای میدانی داده های لازم جمع آوری گردیده سپس با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل

های لازم انجام گرفته است. آنچه از نتایج حاصله بدست آمده است را می‌توان در سه سرتیز مشخص یعنی جایگاه مشارکت در فضای شهری هرات، مشارکت و توسعه شهری هرات و نهایتاً مشارکت و امنیت شهروندان مورد بررسی قرار داد که به شرح زیر قابل تفسیر بوده است.

جایگاه مشارکت و وجود آن در بین شهروندان هراتی

مشارکت شهروندان از جمله مسائلی است که در یک دهه اخیر با اقبال زیادی از طرف محققین و مسئولین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مواجه گردیده است و از آن به عنوان یکی از زیرساخت های توسعه نام می‌برند. در این بین با توجه به اهمیت این موضوع، این مساله در شهر هرات مورد بررسی قرار گرفته است. آنچه از داده های بدست آمده قابل توجه می‌باشد این است که، از بین تمامی گویه هایی که به خود مساله مشارکت توجه داشته است بجز دو گویه، تمامی گویه ها در حد بالاتر از میانگین قرار گرفته اند. این مساله خود بیانگر تمایل بالای شهروندان شهر هرات به مشارکت اجتماعی در این شهر می‌باشد. به گونه ای که براساس نتایج بدست آمده ۶۴ درصد پاسخگویان مایل به همکاری و مشارکت با نهادهای شهری می‌باشند. این در حالی است که این میزان مشارکت با استفاده از اقدامات فرهنگی به طور قابل توجهی قابل افزایش می‌باشد به گونه ای که بیش از ۸۰ درصد از افراد وجود اقدامات فرهنگی و حضور خود در فعالیت های فرهنگی را زمینه ای برای افزایش مشارکت خود در فعالیت های شهری میدانند. این امر می‌تواند موید نقش و جایگاه اقدامات فرهنگی در بالابردن سطح مشارکت شهروندان در توسعه شهر هرات باشد.

این در حالی است که علی رغم تمایل بالای مردم برای مشارکت در مسائل مختلف در حوزه شهر مدیران و مسئولین امر توجه چندانی به این مساله نداشته اند. موید این امر این است که بیش از ۴۰ درصد افراد پاسخگو اذعان داشته اند که اصلاً راه های مشارکت با نهادهای شهری را نمی‌دانند و به آنها آموزشهای لازم داده نشده و یا اطلاع رسانی لازم انجام نگرفته است و در این بین ۱۵ درصد افراد هم نظری نداشته اند و تنها ۴۵ درصد از افراد نحوه مشارکت با نهادهای شهری را تا حدودی میدانند. در کنار این مساله بیش از ۷۰ درصد افراد در پاسخ سوالی مبنی مشارکت با نهادهای شهری ادعا داشتند که تا کنون مشارکتی با این نهادها نداشته اند و در تصمیماتی که در سطح شهر اتخاذ می‌گردد مشارکتی نداشته اند. این در حالی است که بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان با نهادهای شهری ارتباط داشته اند ولی مشارکتی با این نهادها نداشته اند و تنها از آنها برخی خدمات را دریافت کرده

اند. در این بین کمترین میانگین مربوط به گویه ای که به مسائل آموزشی و همچنین اطلاع رسانی در مورد مشارکت شهروندان توجه داشته است برمی گردد. این امر موید این است که مدیران و برنامه ریزان شهری به منظور تقویت مشارکت مردمی باید شفافیت های لازم را انجام داده و اطلاع رسانی لازم پیرامون مسائل مختلف در حوزه شهر را در پیش گیرند.

ضعف عملکرد مشارکتی مردم تنها به نهادهای دولتی و شهری محدود نمانده است. در واقع میزان مشارکت مردم با سازمانهای مردم نهاد (NGO) نیز بسیار پایین بوده به گونه ای که بیش از ۵۴ درصد افراد اذعان داشته اند که با این سازمانها مشارکت خاصی نداشته اند. بنابراین با توجه به داده های به دست آمده به خوبی می توان به نقش و جایگاه مشارکت مردم در تضمینات شهری پی برد. در واقع داده ها موید آن می باشد که شهروندان شهر هرات فاقد جایگاه مشخصی در ساختار مشارکتی این شهر می باشند.

این مساله موید این مهم می باشد که فلسفه مشارکت در ساختارهای مدیریتی شهر هرات هنوز جایگاه مشخصی ندارد. این در حالی است که قابلیت های فرهنگی و تمایل مردم به مشارکت می تواند این بعد از مشارکت را هویتی مشخص دهد.

مشارکت شهروندان و توسعه شهری هرات

در این بین نقش و جایگاه مشارکت در توسعه شهر هرات نیز قابل تامل و بررسی می باشد. در واقع از یک سو مردم خود را در برابر شهر مسئول میدانند به گونه ای که ۷۹ درصد از مردم انجام فعالیت های مشارکتی را امر مهمی در بالابردن احساس مسئولیت در برابر شهر خود دانسته اند و ۸۶ درصد مردم از عان داشته اند که راضی هستند که با شرکت در برنامه های شهرداری مشکلات و کمبودهای محله را به مسئولین شهر در میان گذاشته و در جشنواره های شهری مشارکت فعال داشته باشند. در کنار این قبیل اقدامات بیش از ۶۳ درصد از شهروندان پا را از این هم فراتر گذاشته و کمک های مالی را نیز مورد توجه قرار داده اند و پرداخت عوارض شهری را امری منطقی و قابل قبول برای توسعه شهر دانسته اند.

این در حالی است که علی رغم تمایل مردم برای حضور در فعالیت های فرهنگی - اجتماعی و تامین بخشی از هزینه های آن و تاثیری که این مساله در افزایش سطح مشارکت شهروندان می تواند داشته باشد، متأسفانه اقدامات قابل توجهی در این ارتباط از طرف مسئولین زیربط اتخاذ نمی گردد. این در

حالی است که این قبیل امور به خوبی می‌توانند در توسعه فرهنگی شهر تاثیرگذار باشند. در این ارتباط بیش از ۵۴ درصد پاسخگویان در این ارتباط نظر خاصی نداده اند و یا اینکه عملکرد نهادهای شهری را ضعیف ارزیابی کرده اند و تنها ۴۵ درصد افراد رویکرد رو به افزایش شهرداری در زمینه اقدامات فرهنگی-اجتماعی را مثبت ارزیابی کرده اند. داده های بدست آمده موید این امر می‌باشد که مسئولین شهری هنوز به نقش و جایگاه اقدامات فرهنگی-اجتماعی به خوبی پی نبرده اند و نقش این قبیل اقدامات را در بالابردن سطح مشارکت شهروندان در توسعه شهری به خوبی درک نکرده اند.

در کنار این مساله میزان اعتماد مردم به نهادهای شهری و در راس آن شهرداری تا حدی پایین می‌باشد به گونه که ۴۵ درصد مردم معتقدند شهرداری دنبال منافع خود هست و این در حالی است که تنها ۲۴ درصد مردم با این مساله مخالف هستند در نتیجه شهرداری نتوانسته نقش خود را به عنوان سازمانی که حامی منافع مردم شهر می‌باشد به عموم مردم معرفی نماید و این مساله می‌تواند سطح مشارکت شهروندان با نهادهای شهری را به شدت تحت تاثیر قرار دهد و توسعه سیاسی شهر را با مشکل مواجه سازد.

بنابراین با توجه به داده های بدست آمده به خوبی می‌توان به ضعف عملکردی نهادهای شهرداری در شناخت نقش و جایگاه مشارکت شهروندان در امور شهری پی برد و نوع عملکرد این نهادها در استفاده از مشارکت شهروندان در توسعه شهری را ضعیف ارزیابی کرد.

مشارکت شهروندان و امنیت شهری

ضروت توجه به امنیت برای هر جامعه ای مهم و حیاتی به شمار می‌آید. چرا که امنیت زیربنای است که بسیاری از امور دیگر برپایه آن شکل می‌گیرد. در این بین مسئولین کشور افغانستان و به تبع آن شهر هرات نیز نباید از آن غافل بوده و نسبت به آن بی توجه باشند چرا که این امر از مهمترین اصول توسعه شهر به شمار می‌آید. نکته قابل توجه در این ارتباط آگاهی مردم نسبت به اهمیت این مساله در توسعه آتی شهر و زندگی آینده خود می‌باشد به گونه ای که بسیاری از شهروندان از زمینه های مشارکتی که به تقویت امنیت شهری کمک می‌کند استقبال کرده اند. در این ارتباط بیش از ۷۰ درصد شهروندان ابراز تمایل به مشارکت با پلیس برای بالابردن مشارکت در فضای شهر نموده اند و از این تعداد بیش از ۶۰ درصد افراد پا را فراتر گذاشته و حتی سطح همکاری و مشارکت خود را با حضور فیزیکی در صحنه هایی که نیاز هست افزایش داده اند و اذعان داشته اند که اهمیت امنیت برای ما

در حدی است که حتی حاضریم حضوری در صحنه هایی که لازم هست وارد شویم و به نهادهای امنیتی کمک کنیم.

این در حالی است که علی رغم این سطح از تمایل برای همکاریهای امنیتی متاسفانه استقبال نهادهای امنیتی از این سطح از مشارکت بسیار ناچیز بوده است به گونه ای که بیش از ۵۵ درصد از مردم حتی راه های برقراری ارتباط با نهادهای امنیتی را به خوبی نمی دانند و تعدادی از افراد نیز به واسطه نوع برخوردهای نامناسبی که افراد امنیتی با آنها داشته اند تمایلی برای مشارکت با این نهادها ندارند.

از طرفی نهادهای امنیتی ضعف قابل توجهی در تعریف نقش مردم در امنیت شهر داشته اند به گونه ای که ضعف عملکردی این نهاد در جذب اعتماد مردمی تا حدی بوده که نزدیک به ۴۰ درصد افراد احساس نیاز این نوع نهادها را به مردم غیرضروری دانسته اند و بیش از ۶۰ درصد پاسخگوها عملکرد نهادهای امنیتی در انجام اقدامات لازم جهت جذب مشارکت مردمی را ضعیف ارزیابی کرده اند.

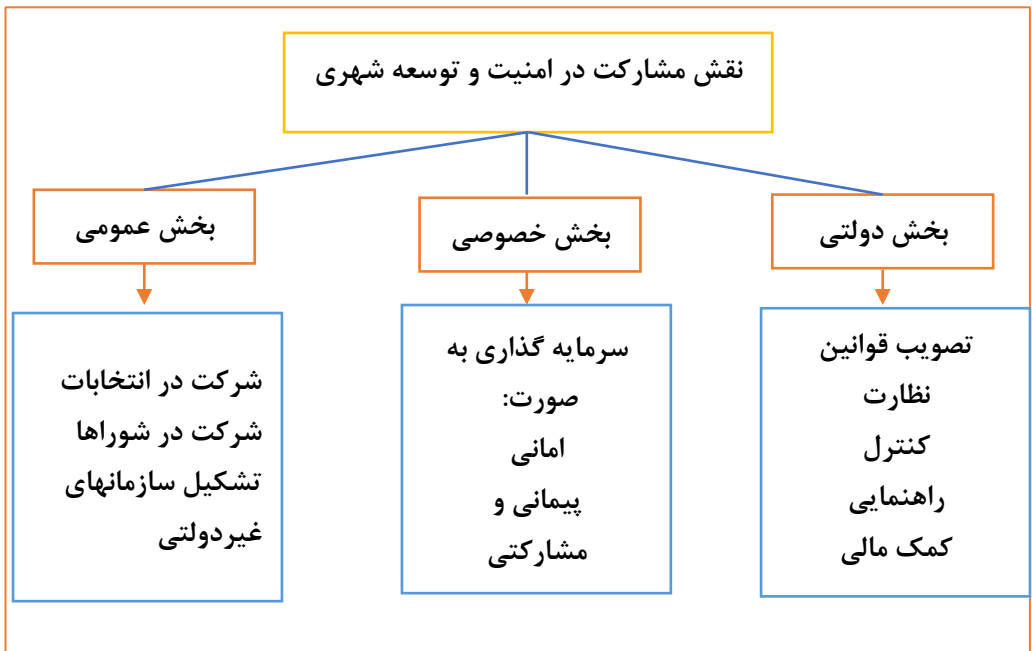
درمجموع ارزیابی گویه های شاخص توسعه نشان دهنده این است که شهروندان نقش مثبتی در امنیت شهری هرات دارند. نکته قابل توجه در پاسخ های دریافتی این می باشد که علی رغم تمایل شهروندان در کمک به توسعه شاخص امنیت شهری، نقش مشارکت متقابل نهاد های شهری با شهروندان چندان رضایت بخش نمی باشد. این موضوع دو مساله اصلی را بیان می کند: عدم توجه نهاد های امنیتی به موضوع اطلاع رسانی و آگاه کردن شهروندان در مورد چگونگی همکاری بین نیروهای امنیتی و شهروندان می باشد. دوم اینکه شهروندان تمایل به مشارکت دارند و این مشارکت در تامین امنیت را فقط در قالب گزارش دهی نمی خواهند انجام دهند و می خواهند نقشی فراتر داشته باشند. در واقع این میزان علاقه مندی از طرف شهروندان را می توان یک پتانسیل فوق العاده برای توسعه و امنیت شهر دانست. چرا که هر یک از شهروندان می تواند نقش یک پلیس یا نیروی حافظ امنیت در سطح محله خود را بر عهده گیرد و از این طریق زیربنای توسعه پایدار شهری را فراهم سازد. همانطور که در مبنای پژوهش ذکر شد اولین و بزرگترین عاملی که در افغانستان در شهر هرات مانع رشد و توسعه شهرها شده است موضوع عدم تامین امنیت بوده است و تا زمانی که این موضوع حل نشود نمی توان هیچ برنامه ریزی پایدار و موفقی را در این کشور و همچنین شهر باستانی هرات داشته باشیم. بنابراین ضرورت توجه به مولفه امنیت نقشی مهم و کلیدی در آینده شهر هرات خواهد داشت و این مساله محقق نخواهد شد مگر اینکه جایگاه شهروندان در حوزه امنیت شهری تعریف گردد و مسئولین امر

ضرورت توجه به شهروندان و مشارکت آنها را به عنوان یک اصل مهم در توسعه شهری بپذیرند و برای تحقق آن برنامه های لازم را طراحی نمایند.

بنابراین با توجه به جمیع داده های بدست آمده نقش و جایگاه مشارکت شهروندان در توسعه و امنیت شهری قابل دفاع می باشد و مساله ای که باید روز به روز بر اهمیت آن در بین مسئولین زیربط افزوده شود.

پیشنهادات کاربردی برای بالابردن سطح مشارکت

۱- جایگاه بخش های دولتی، خصوصی و عمومی در مشارکت: بررسی و شناخت کامل پیرامون نقش مشارکت در امنیت و توسعه شهری بدون شناخت همه جانبه و آگاهی از مشکلات موجود کامل نخواهد گردید. بنابراین ضرورت توجه و بررسی این مساله در سه بعد دولتی، بخش خصوصی و بخش مردمی (عمومی) اهمیت دارد. در این ارتباط می توان شکل (۱) زیر را مورد توجه قرار داد و ضرورت اهمیت به آن از طرف مسئولین مطرح گردد.



شکل ۱: نقش مشارکتی بخش های دولتی، خصوصی و عمومی در افزایش امنیت و توسعه شهری، منبع: نگارنده

در واقع بخش دولتی با تصویب قوانینی که ابعاد مشارکت شهروندان در مسائل مربوط به توسعه و امنیت شهری را شامل می گردد گام های نخستین را در این زمینه باید اتخاذ نماید. در این ارتباط توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی که از طرف مردم به شدت مورد توجه و تاکید قرار گرفته می تواند آغاز خوبی برای این امر باشد. در واقع اسفاده از قابلیت های احزاب و نهادهای مردمی در این بخش از کار می تواند دولت را در تدوین قوانین مشارکت جویانه کمک شایانی نماید. با تصویب قوانین مرتبط، توجه و تاکید بر آنها و الزامات لازم از طریق نظارتهای پیگیری امری مهم و حیاتی برای افزایش

مشارکت شهروندان به شمار می‌آید. در این بین دولت می‌تواند قوانین وضع نماید که بخشی از نظارتها از طریق بخش مردمی انجام گیرد و از این رو خود مردم را در امور دخیل دهد و در نتیجه زمینه مشارکت افراد را فراهم سازد. در کنار این مساله تصویب بودجه لازم برای افزایش مشارکت مردم در امور ملی و محلی امری مهم می‌باشد که از طریق تصویب قوانین لازم قابل اجرا می‌باشد.

در کنار بخش دولتی حضور بخش خصوصی نیز می‌تواند در افزایش مشارکت مردم در امور شهری و امنیتی نقش مهم و کلیدی داشته باشد. در واقع بخش خصوصی با سرمایه گذاری هایی که در امور مختلف شهر می‌تواند انجام دهد می‌تواند گام های موثری در زمینه توسعه شهر و حتی امنیت شهر اتخاذ نماید. مثلا رویکرد دولت به جذب سرمایه بخش خصوصی در مساله مسکن سازی و ارائه خدمات و مشوق های لازم می‌تواند زمینه رشد و توسعه شهری را به دنبال داشته باشد. چرا که یکی از دغدغه ها و مشکلاتی که هرات با آن روبه رو می‌باشد وجود سکونتگاه های غیررسمی است که چون خاری در چشم این شهر جلو می‌نماید. و یا می‌توان به جذب سرمایه بخش خصوصی در هوشمند سازی بخش هایی از شهر اشاره داشت که به خوبی می‌تواند مساله امنیت را در فضای شهر بالا ببرد. بنابراین فراهم ساختن زمینه های لازم برای بالابردن مشارکت بخش خصوصی در توسعه و امنیت شهرها نیازمند اتخاذ سیاستها و تصمیمات کلیدی از طرف مسئولین دولتی از یک سو و فراهم کردن زیرساختهای فرهنگی از سوی دیگر می‌باشد.

در کنار این دو بخش توجه به بخش عمومی و قابلیت های آن در بالابردن سطح مشارکت شهروندان در توسعه و امنیت شهری نقش کلیدی می‌تواند به دنبال داشته باشد. در واقع این قبیل نهادها به واسطه رابطه ای که با سطوح محلی جامعه دارند و از طرفی مدافع حقوق شهروندان به شمار می آیند به خوبی می‌توانند زمینه های لازم برای مشارکت شهروندان را فراهم سازند. این قبیل نهادها می‌توانند با تشویق مردم برای حضور در انتخابات و فعالیت های جمعی گامهای کلیدی را در این ارتباط بردارند. در کنار این مساله نهادهای مردمی و NGO ها می‌توانند زمینه حضور مردم در فعالیت های اجتماعی را فراهم کرده و سطح مشارکت مردم در این قبیل امور را بالا ببرند.

بنابراین عملکرد این سه نهاد در کنار هم می‌تواند به خوبی بر مساله مشارکت و توسعه شهری و در کنار آنها افزایش امنیت در این شهرها موثر واقع گردد و رشد و توسعه شهر را به دنبال داشته باشد.

با این وجود این نهادها در بطن خود مشکلاتی را می‌توانند در امر مشارکت و توسعه و امنیت شهری به دنبال داشته باشند. در این ارتباط می‌توان بخشی از این مشکلات را در شکل ۲ مشاهده کرد.



شکل (۲) مشکلات مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی و عمومی در امنیت و توسعه شهری منبع: نگارنده

با توجه به شکل (۲) ضرورت توجه به هر یک از موارد ذکر شده و مرتفع سازی مشکلات مربوط به آنها به طور قابل توجهی می‌تواند بر میزان مشارکت مردمی در توسعه و امنیت شهری تاثیرگذار باشد. مثلاً وجود سازکار تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی از بالا به پایین نقطه مقابل برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مشارکتی می‌باشد بنابراین توجه و ضرورت مطالعات مورد نیاز برای رفع هر یک از این مشکلات خود می‌تواند موضوع جدیدی باشد که در حوصله این جستار نمی‌گنجد و نیازمند وقت و زمان بیشتری می‌باشد.

با این وجود در کنار پیشنهادات ارائه شده توجه به موارد زیر نیز می‌تواند نقش مهمی در آینده مشارکت مردمی و توسعه و امنیت شهری در هرات داشته باشد.

۲- احزاب سیاسی محلی می‌توانند با استفاده از توانمندیهای خود در برقراری ارتباط با شهروندان در سطوح پایین جامعه اقدامات لازم را انجام دهند و از این طریق میزان مشارکت شهروندان در فعالیتهای سیاسی و خدماتی را بالا ببرند و زمینه مشارکت در طراحی و ارائه خدمات شهری و همچنین مدیریت توسعه شهر را فراهم سازند

۳- نهادهای محلی (مساجد و تکیه‌ها و ...) چون با بدنه اجتماعی جامعه شهری ارتباط مناسب و خوبی دارند به مراتب می‌توانند نقش مهم و کلیدی در افزایش مشارکت مردمی در سطوح مختلف امنیتی و توسعه ای داشته باشند.

۴- استفاده از همه پرسى‌ها در سطوح محلی برای تدوین قوانین می‌تواند در بالابردن سطح مشارکت مردمی در تصمیمات آتی شهر و تعلق مردم به آنها تاثیرگذاری مهمی داشته باشد.

۵- افزایش نهادهای فرهنگی متنوع اما یکپارچه می‌تواند در بالابردن سطح مشارکت مردمی نقشی مهم و کلیدی در شهر هرات داشته باشد.

۶- گروه‌های فعال شهری و مقامات رسمی دولتی می‌توانند در جستجوی ترتیبات مالی با ثبات (شامل قراردادهای بهای خدمات) باشند تا سازمانهای شهروندی را به موثرتر شدن قادر سازند.

۷- توجه به حقوق شهروندی در توسعه شهری نقشی مهم و کلیدی دارد در این ارتباط ضرورت تدوین الگوهای مشارکت شهروندی و حقوق شهروندی و قوانین ملی و محلی ضرورتی بی‌بدیل دارد.

۸- در حد امکان مردم در کلیه مراحل طرح‌های مدیریت و توسعه شهری؛ یعنی در مراحل تهیه، تصویب، اجرا همگام با مدیران شهری باشند و شرایط مشارکت برای تمامی شهروندان فراهم گردد.

۹- در این بین پیشنهاد می‌شود راه‌های چگونگی جذب شهروندان در کلیه مسائل شهری از جمله امنیتی، اجتماعی، فرهنگی، زیبا سازی شهر و حتی محیط زیست شهری مورد بررسی و شناسایی، سپس زمینه‌های مشارکت شهروندان از طریق بستر سازی و ایجاد انگیزه فراهم شود.

مخاطب و پاسخگوی عزیز

این پرسشنامه بدون درج نام و صرفاً به منظور انجام یک کار پژوهشی تحت عنوان « بررسی نقش مشارکت مردمی روی توسعه اجتماعی و امنیت فضای شهری » تهیه و تنظیم شده است. لذا خواهشمندم با کمال دقت و صداقت و با هدف ارج نهادن به تحقیقات علمی در جامعه اکادمیک، به سوالات زیر پاسخ دهید. لازم به ذکر است که میزان دقت شما می‌تواند ما را در انجام بهتر این پژوهش و سایر پیشنهادات یاری نماید.

۱- گروه سنی:

- زیر ۱۸ سال ۱۸-۲۴ سال ۲۵-۳۴ سال
 ۳۵-۴۴ سال ۴۵-۵۴ سال ۵۵ به بالا

۲- میزان سواد: _____

۳- شغل: _____

۴- وضعیت تاهل: مجرد متاهل

۵- منبع درآمد:

- خودم پدر همسر سایر

۶- میزان درآمد ماهیانه:

- بدون درآمد کمتر از ۵۰۰۰ افغانی
- تا ۱۰ هزار افغانی ۱۰ تا ۲۰ هزار افغانی
- ۲۰ تا ۳۰ هزار افغانی بیشتر از ۳۰ هزار افغانی

۷- محدوده سکونت:

_____ فعلی:

_____ قبلی:

۸- در کدام یک از گروه‌های زیر مشارکت دارید؟

- ادارات دولتی (ملکی) ادارات غیردولتی
- نهادهای اکادمیک نهادهای نظامی
- نهادهای سیاسی
- هیچکدام

در صورت مورد هیچکدام گروه کاری خویش را شریک سازید.

۹- مدت زمان فعالیت شما در این بخش ها

- ۱-۲ سال ۲-۵ سال ۵-۷ سال بیشتر از ۷ سال

۱۰- تاکنون در کدام جشنواره، کنفرانس و یا نمایشگاه شهری مشارکت داشته اید؟

- خیر بلی

در صورت جواب مثبت توضیح مختصر ارائه نمایید.

۱۱- آیا با نهادهای شهری موجود (ناحیه مربوطه شاروالی و وکیل گذر) مشارکت داشته اید؟

بلی خیر

نوع فعالیت شما ... (مدیر محله، عضو کارگروه، عضو کانون، کارشناس، استفاده کننده از خدمات

و...)

۱۲- آیا با NGOها ارتباط دارید؟ بلی خیر

(نوع مشارکت)

خیلی موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	خیلی مخالفم	
					من اصلا نمی‌دانم چگونه باید با شهرداری و مدیریت شهری مشارکت داشته باشم
					در سرای محله (یا هر نهاد وابسته به شهرداری....) به ما می‌آموزند که چگونه می‌توانیم برای پیشرفت و شهر مشارکت داشته باشیم
					با شرکت در برنامه‌های فرهنگی-آموزشی برگزار شده توسعه در سطح شهر به رونق و پیشرفت محله کمک کنیم
					با شرکت در برنامه‌های فرهنگی-اجتماعی شهرداری‌ها طعم شیرین کار گروهی برایم خوشایند بود
					با انجام فعالیت‌های مشارکتی آموختم که نسبت به محله و شهر خود مسئولیت دارم
					با حضور در برنامه‌های سرای محله این باور در من ایجاد شده که نیاز به فعالیت جمعی در رشد شخصیتی من تاثیرگذار است.
					به عنوان یک شهروند هر گاه فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی انجام میدهم تمایل بیشتری به مشارکت پیدا می‌کنم
					با حضور در برنامه‌های فرهنگی-آموزشی شهرداری ... اعتماد به نفسم بالاتر رفته است
					مشارکت کردن در امور شهر می‌تواند باعث تأمین منافع مادی من شود

					من پرداخت عوارض یه شهرداری را با رغبت انجام میدهم و این کار را امری منطقی میدانم برای توسعه شهرم
					مشارکت در امور شهر وقت تلف کردن است چون کسی برای اقدامات ما ارزشی قائل نیستند
					مشارکت در برنامه های سرای محله..... فرصتی مغتنم است که استعدادهای بالقوه خویش را به فعلیت برسانم
					هزینه های دریافتی شهرداری برای برخی فعالیت های مشارکت منطقی و قابل قبول است
					به نظر من فعالیت های مشارکت جوانه شهرداری هرات به نزدیک تر شدن مردم به شهرداری منجر شده و من از این کار راضی هستم
					با شرکت در برنامه های شهرداری و با انواع جشنواره ها شهری، گاهی می توان با یک نقاشی یا عکس ساده و.. مشکلات و کمبودهای محله را به مسئولین شهر نشان داد و از این طریق با مدیریت شهری مشارکت داشت
					اگر چه حل مشکلات و معضلات شهری وظیفه شهرداری هاست اما من به عنوان یک شهروند نسبت به مسائل و مشکلات موجود در شهر احساس وظیفه می کنم و سعی می کنم در کارها حل بخشی از مشکلات مشارکت داشته باشم
					در گذشته عمده فعالیت های شهرداری ها متمرکز بر امور نظافتی و خدماتی بود ولی این روزها می بینم که فعالیت های

				فرهنگی و مشارکتی آنها رو به افزایش هست
				چون رویکرد شهرداری ها و مدیریت شهری نسبت به اقدامات مشارکتی افزایش یافته من هم به فعالیت های مشارکتی راغب شده ام
				شهرداری ها (سرای محله ها) یک مرکز خدماتی است که در ازای گرفتن پول خدمات ارائه میدهند و هیچ تاثیری بر افزایش اطلاعات مردم شهر نسبت به مشارکت شهروندان ندارند
				شهرداری ها هیچ تمایلی برای مشارکت شهروندان ندارند و اقداماتی برای این مورد انجام نداده اند
				اگر مشکلی در شهر وجود داشته باشد به راحتی می توان به شهرداری و یا شورای شهر مراجعه کرد و با همفکری با مسئولین آنجا نسبت به حل آن اقدامات لازم را انجام داد
				هدف واقعی شهرداری از اقدامات مشارکت جویانه بهبود شرایط زندگی شهروندان می باشد نه امر دیگری
				اگر شهرداری ها هم دنبال مشارکت شهروندان باشند منافع خودشان مد نظر هست نه منافع شهروندان
				با وجود این که مشارکت ممکن است نتایج مثبتی هم داشته باشد، من حاضر نیستم که وقتم را صرف این کار کنم

				با این که می دانم مشارکت در امور شهر می تواند تاثیرات خوبی بر رونق شهر داشته باشند ولی حاضر نیستم وقتم را صرف این کار کنم
				امروزه مردم آنقد گرفتارند که دیگر حتی حوصله ی فکر کردن به مشارکت در شهر را ندارند
				من نمیدانم چطور باید با نهادهای امنیتی مشارکت داشته باشم
				من برای افزایش سطح امنیت در سطح شهر با نهادهای امنیتی مشارکت داشته ام
				اگر پلیس و نهادهای امنیتی نیاز به همکاری داشته باشند با آغوش باز استقبال می کنم
				اهمیت امنیت برای من در حدی است که حتی حاضرم خودم حضوری در صحنه هایی وارد شوم و به نهادهای امنیتی کمک کنم
				مسائلی که امنیت شهر را تحت تاثیر قرار میدهد را به نهادهای امنیتی گزارش میدهم
				مشارکت من با نهادهای امنیتی در حد گزارش می باشد
				کشارکت من با نهادهای امنیتی در قالب گزارش و حتی کمک مالی به نهادهای امنیتی می باشد
				ضرورتی برای کمک به نهادهای امنیتی نمی بینم چون برای من اعتبار و ارزشی قائل نیستند
				نوع برخورد نهادهای امنیتی با من به گونه ای بوده که رغبتی برای مشارکت با

					این نهادها ندارم حتی اگر برای توسعه شهرم مهم باشد
					تعداد نهادهای امنیتی موجود در سطح شهر کم است و دسترسی به آنها مشکل می باشد که با آنها مشارکت داشته باشم
					نهادهای امنیتی احساس نیاز به مشارکت من ندارند
					نهادهای امنیتی اقدامات لازم برای جذب مشارکت شهروندان را انجام نداده اند

نظریات و پیشنهادات:

- ارزانی بیرگانی، ساسان؛ مجدزاده، نرجس؛ سیدبرنجی، سیده کهریا؛ شهاب الملکی، الهام (۱۳۹۲)، ارائه راهکارهای کالبدی برای تعاملات اجتماعی در میدان‌های شهری، اولین همایش ملی معماری، مرمت شهرسازی و محیط زیست پایدار.
- اسماعیلی، آسیه (۱۳۹۲)، «بررسی نقش مخاطرات محیطی در تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی - نمونه موردی دهستان گرمخان شهرستان بجنورد»، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد، استاد راهنما، دکتر علی اکبر عنابستانی.
- احمدی، شفیقه (۱۳۹۴)، تحلیل اثرات اقتصادی گردشگری شهر هرات با تاکید بر جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی، (مطالعه موردی: آرامگاه خواجه عبدالله انصاری، مسجد جامع شریف، قلعه اختیارالدین)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد مشهد.
- افشانی، سید علیرضا و حسینی رامشه، زینب و نوریان، مرتضی و مهدوی زرقندی، مهدی (۱۳۹۰) مرجع کاربردی SPSS ۲۰، تهران، انتشارات بیشه.
- ازکیا، م و غفاری غ (۱۳۸۰)، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاسان، علوم اجتماعی، بهار و تابستان، ش ۱۹، صص ۳-۳۱.
- اولکی، پیترو دیویدمارسون. (۱۳۷۰). رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، توجه منصور محمدنژاد، مرکز تحقیقات مسایل روستایی، تهران: انتشارات روستا و توسعه. اینگلهارت، ر (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعت، ترجمه مریم، انتشارات کویر، تهران.
- بردی آنامرادنژاد، رحیم، بوذری، سیما و سودابه حسینی دوست؛ (۱۳۹۲)، «نقش مشارکت مردمی در اقتصاد و مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر آمل)»، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره سوم، تابستان، صص ۱۳۸-۱۲۷.
- بمانیان، محمدرضا و احمدی، سهیلا (۱۳۹۳)، تعاملات اجتماع در فضای عمومی شهرها، کنگره بین المللی پایداری در معماری و شهرسازی، شهرمصدر، دوی.
- بیرو، آلن. (۱۳۸۰) فرهنگ علوم اجتماعی، توجه به باقر ساروخانی، تهران. نشر کیهان.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و دیگران؛ (۱۳۸۷) نظریه های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران.

پلان انکشاف ظرفیت (۱۳۹۰)، ریاست شاروالی هرات.

پویان، رسول (۱۳۸۸)، جغرافیة عمومی هرات، انتشارات ترانه، چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد.
تاج فریبانی، علی اکبر، مشارکت سایسی جوانان، ابعاد و پویایی ها، فصلنامه مطالعات جوانان،
۱۳۸۲، شماره سوم، ص ۱۲۵.

تقوایی، مسعود و بابانسیب، رسول و موسوی، چمران. (۱۳۸۸)، تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر
مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (مطالعات موردی منطقه ۴ شهر تبریز) مطالعات و
پژوهش های شهری و منطقه ای، سال اول، شماره دوم، صص ۱۹-۳۶.

تیبالدر، فرانسیس (۱۳۸۳)، شهرسازی و شهروند گرا، ارتقاء عرصه های همگانی در شهرها و محیط
های شهری، ترجمه محمد احمدی نژاد، نشر خاک، چاپ اول، اصفهان.

سازمان اسکان بشر دفتر ملل متحد (۲۰۱۸)، گزارش دفتر هرات. افغانستان.
سعدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان های غیردولتی، تهران، سمت، ص
۱۱.

شادی طلب، ژاله، کمالی، افسانه؛ (۱۳۸۱)، زن در توسعه و سیاست، شماره ۴.
شریفیان تاین، مریم، (۱۳۸۰)، مشارکت شهروندی، حکمرانی، شهری و مدیریت شهری، فصلنامه
مدیریت شهری، شماره ۸، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، تهران، صص ۴۲-۵۵.

شوریابی، ح. (۱۳۸۶). ارزیابی الگوهای مشارکت شهروندان تهرانی در طرح های توسعه شهری و ارائه
الگوی بهینه. پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
جمیله توکلی نیا، فاطمه سوری، مهدی خداداد، (۱۳۹۷)، مقاله ۳۷ نقش نهادهای مردمی در
حمایت از ساختارها و کارکردهای محیط شهری پایدار، مقاله پژوهشی، دانشگاه شهید بهشتی -
دانشگاه گلستان، صفحه ۶۲۲-۶۳۱.

چلیپی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظم، تهران، سنی، ص ۲۹۰.
حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۹)، «مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، چاپ هفدهم، انتشارات
سمت.

حبیبی، سید محسن، سعیدی رضوانی، هادی، (۱۳۸۴)، شهرسازی مشارکتی کاوشی نظری در شرایط
ایران، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران شماره ۲۴.

حناچی، سیمین و وراز مرادی مسیحی، (۱۳۸۰)، مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی و توسعه شهری، شهرسازی مشارکتی، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

خباز، معصومه (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در توسعه پایار شهر خلخال، پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال.

درودیان، یاسین (۱۳۹۱)، ترسیم سیمای کلی شهرها، مناطق، ساختگاه‌ها و بناهای تاریخی افغانستان، مجله معماری و ساختمان، شماره ۳۱، تهران.

دهقان، علیرضا، غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴). تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی شهر تهران. مجله جامعه شناسی ایران - شماره ۱.

ربانی، رسول، قاسمی، وحید و عباس زاده، محمد (۱۳۸۸). رابطه ابعاد مادی و غیرمادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۹۱-۱۰۸.

رجبی، آریتا، شیوه‌ها مشارکت شهروندی در فرایندهای توسعه شهری، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۲، ۱۳۹۰، صص ۱۰۲.

رضویان، محمد تقی. (۱۳۸۱). مدیریت عمران شهری. تهران. انتشارات پیوند نو. روشه، گی. (۱۳۷۴)، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی. رهنما، محمدرحیم؛ (۱۳۷۷)، «جدایی گزینی فضایی-مکانی شهری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره اول.

ریترز، جورج. (۱۳۷۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه احمدرضا غروی زاد، تهران، قاجر. رزمجویی، ب. (۱۳۸۲). راهبردهای مشارکت مردمی در طرحهای شهری، همایش مسائل شهرسازی ایران، شیراز.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۸۳)، طرح مطالعات زیست بوم بویراحمد علیا، ساختار اجتماعی.

صفایی پور، زهرا؛ (۱۳۹۶)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در توسعه شهری (مطالعه موردی: شهر ایلام)، فصلنامه مطالعات عمران شهری، دوره اول، شماره اول، صص ۱۱۱.

ضابطیان، الهام. خدایی، زهرا؛ (۱۳۸۸)، رویکرد مشارکتی و اجتماعی محور در ایجاد فضاهای امن شهری، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال اول / پیش شماره سوم.

طرح جامع راهبردی هرات، چشم اندازی برای آینده، (۲۰۱۳). دانشگاه فلورانس ایتالیا.

طوسی، م.ع. (۱۳۸۰). مشارکت در مدیریت و مالکیت. چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات سازمان مدیریت دولتی.

عدالت خواه، محمد. (۱۳۷۵). برای تحقق مشارکت مردم، مجله معماری و شهرسازی، دوره ۶، شماره ۳ و ۴. تهران

عظیمی، محمد عظیم، (۱۳۹۱)، جغرافیای توریستی افغانستان (اصول و مبانی)، چ اول، انتشارات خراسان.

علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۹). الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تهران مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهرداری تهران.

عنبری، موسی (۱۳۹۰)، جامعه شناسی توسعه، تهران، انتشارات سمت.

غفاری - غلامرضا؛ تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی، اقتصادی سازمان یافته روستائیان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی ایران، (۱۳۸۰)، پایان نامه دکتری، رشته جامعه شناسی توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. ص ۱۴۷.

غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن، (۱۳۸۶)، جامعه شناسی مشارکت، تهران، ص ۱۶.

کوثری، م و نجاتی حسینی، م. (۱۳۷۹). مشارکت فرهنگی، تهران.

گلایی، فاطمه؛ اخشی، نازیلا (۱۳۹۴)، مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی، جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره پیاپی ۵۸، شماره دوم. تابستان.

گودرزی، سعید (۱۳۸۸) کاربرد آمار در علوم اجتماعی همراه با دستورات SPSS و نحوه تفسیر خروجی ها، تهران، انتشارات جامعه شناسان.

مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه شناسی ایران، (۱۳۸۳)، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، ص ۴۹۹.

محسنی تبریزی، علیرضا و مریم آقاحسنی، (۱۳۸۹)، «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه شهری (مورد پژوهشی: شهر محلات)»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۶.

محسنی، منوچهر و جاراللهی، (۱۳۸۲)، عذرا، مشارکت اجتماعی در ایران، تهران، آرون، ص ۱۲.

مدنی پور، علی (۱۳۸۷)، فضاهای عمومی و خصوصی شهر، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری شهرداری، چاپ اول، تهران.

مصفا، نسرین. (۱۳۷۵). مشارکت سایی زنان در ایران، تهران، وزارت امور خارجه .
منطقى تبار، جواد. (۱۳۸۵). نقش مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۲۸، صص ۳۳-۷.

معصومی، سلمان؛ (۱۳۹۰)، «توسعه محله ای در راستای پایداری کلانشهر تهران، مدیریت شهری و شهر تهران ۴»، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، نشر جامعه و فرهنگ، چاپ باران.

موسوی، م (۱۳۸۵)، مشارکت اجتماعی یکی از مولفه های سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، ش ۲۳، صص ۹۲-۶۷.

مؤمنی، مصطفی، (۱۳۸۶)، بحثی در شهرنشینی و جغرافیای اوقات فراغت و گردشگری در کتاب: توسعه شهرنشینی و صنعت گردشگری در ایران (از مفهوم تا راهکار) بهمن کارگر، سازمان جغرافیایی نیروهای مصلح.

نجاتی، س.م. (۱۳۷۹). پارادایم جدید مدیریت شهری. فصلنامه مدیریت شهری، سال اول.

نشریه اداره احصائیه هرات. ۱۳۹۳.

نجفی، محمدعلی، عبدالهی، اسماعیل، فرهادی، کوروش، حیدری، مسلم (۱۳۸۹)، چشم انداز توسعه روابط اقتصادی ایران و افغانستان (سرمایه گذاری و توسعه روابط تجاری)، چ اول، موسسه هدایت اسکندر.

نوربخش، زهرا (۱۳۹۲)، تحلیل نقش کارآفرینی فعالیت‌های غیر کشاورزی در ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان (مطالعه موردی: روستاهای بخش شاندیز شهرستان بینالود)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد.

نیازی، محسن، (۱۳۸۳)، تأملی در مورد رابطه بین ساختار قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاستان، ناهه علوم اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۱۱۸-۱۱۲.

وضعیت شهرهای افغانستان (۲۰۱۵)، شهرداری کابل. بخش دوم.

هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۳)، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، احمد شهسا، تهران. روزنه، ص ۷۷.

یوانز، مارتین (۱۳۸۶)، افغانستان مردم و سیاست، نشر ققنوس، تهران.
یوسفی بهلولی، محمد؛ غلامحسن، هاشمی، سیده راضیه (۱۳۹۱)، تاثیر امنیت فضای شهری در توسعه پایدار شهرهای مرزی (مرودی: شهر زاهدان)، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش ها و رهیلفت ها، ص ۲۱۳۳-۲۱۴۱.

Abedi S.A. The place of foster in development with emphasis on participation. Journal of Rural and Development, ۲۰۰۶: ۱۳۷-۱۶۹. [In Persian] ۲-Midgley J. Social development, London: Sage; ۱۹۹۵.

Andrews patricia & Herschel Richard, (۱۹۹۷), "organizational communication: Empowerment in a Technological society", Delhi Houghton Mifflin, co.

Arnsteiin, sherry R., (۱۹۶۹); A Ladder of citizen participation, Aip journal, PP: ۲۱۶-۲۲۴.

Becke, B & Damian, K.E (۲۰۰۹). "Community planning", Island Press.

Brinkherhoff, D (۲۰۰۰) Democratic governance and sectoral policy reform: Tracing Linkages and exploring. Syneryies. World Development, No. ۲۸, vol. ۴.

Carmona, Matthew & Others (۲۰۰۳), "Places Urban Spaces" Architectural press, Amesterdam & Others.

Chua, H.-w., A. K. Wong, et al. (۲۰۱۰). "Social development in Hong Kong: development issues identified by Social Development Index (SDI)." Social Indicators Research ۹۵(۳): ۵۳۵-۵۵۱.

Cohen. ۱۹۹۹, "changing paradigms of citizen ship and the Exelusiveness of the Demos", International sociology, ۱۴(۳): ۲۴۵-۲۶۸.

Cozens, P (۲۰۰۸), crime prevention through environmental design in Western Australia: planning for sustainable urban futures, department of Urban and regional planning, curtin university of technology, western Australia.

- Country Policy and Information Note Afghanistan (CPINA): security and humanitarian situation (٢٠١٩). AFG security situation, Home Office.
- Dempsey, N, C. Brown, G. Bramley. (٢٠١٢), the key to sustainable urban development in UK cities? The influence of density on social sustainability. *Proress in planning* ٧٧ (٢٠١٢) ٨٩-١٤١.
- Estes, R. J. (٢٠٠٠). "Social development trends in the Middle East, ١٩٧٠-١٩٩٧: The search for modernity." *Social Indicators Research* ٥٠(١): ٥١-٨١.
- EASO (٢٠١٧). Country of Origin Information Report Afghanistan Security Situation, Key socio-economic indicators, state protection, and mobility in Kabul City, Mazar-e Sharif, and Herat City. ISBN: ٩٧٨-٩٢-٩٤٩٤-٨٣٧-٣ and doi: ١٠.٢٨٤٧/٥٧٤١٣٦.
- European Asylum Support Office (EASO) (٢٠١٩). Country of Origin Information Report Afghanistan Security Situation, Key socio-economic indicators, state protection, and mobility in Kabul City, Mazar-e Sharif, and Herat City. ISBN: ٩٧٨-٩٢-٩٤٧٦-١٤١-٥ and doi: ١٠.٢٨٤٧/٠٣٣٤٨.
- Faurks, keith (٢٠٠٠) citizenship. London: Rutledge.
- Griffin J. Economic development strategies. Translated by Hossein Raghfar and Mohammad Hosseini. ١th ed. Tehran: Ney Publication; ١٩٩٨.
- ٤-Jakob, social development perspective, Newdehli, flimen shain. ١٩٩٢.
- Kruter, m.w, young, L.A & Lezin, N.A. (١٩٩٨). Measuring social capital in small communities. Atlanta, Georgio: Health ٢٠٠٠, Inc.
- Kweit, M.G. and citizen support, American politics Research, Number ٣, volume ٣٥, ١٨-٢٩.
- IPA (٢٠٠٤), "Design Standards: A Framework for Delaware"
- Jacobs, Jan (١٩٩٣), "Tod und Lebengrober Amerikanischer Stadte", Verlage uhlstein GmbH, Frankfurt.
- Macdonald, Iaura (٢٠٠٠) citizenship participation the public sphere in the Americans univervdity.
- Mensch, j. (٢٠٠٧). Public space. *Contiental Philosophy Review*, ٤٠, pp. ٣١-٤٧.

- Saartes, T (۲۰۰۲). Social capital and trust in government institutions from an ethnic perspective, Riigkogu toimetised, vol ۶ pp ۷۰۷-۹۷.
- Sarafi, M. (۲۰۰۳), "The foundations of sustainable development in Tehran metropolis", publication citizen, Number ۱۱ (in Persian).
- Soares, R. R. (۲۰۰۴), Development, crime and punishment: accounting for the international differences in crime rates. *Journal of Development Economics*, ۷۳(۱), ۱۵۵-۱۸۴.
- Samuel, Martin, Murard, Frederic (۲۰۰۷), Urban Security: preventing incivilities and crimes to encourage more walking in public areas in OECD countries, Centre for the Study of Urban Planning, Transport and Public Facilities.
- Robinson, Matthew, (۱۹۹۶), "The Theoretical of CPTED ۲۰ Yers of Responses to C. Rray Jeffry", edite by: William laufer and Freda Adler, Appalachiaan State university.
- UNDP-(۱۹۹۹). Human Development Report, New York.
- Verba, Sidney. Nie, Norman, & kino, jao. Participation and Political equality: a sevnation comparison, Cambridge and Newyork, Cambridge university press. ۱۹۷۸.
- World Bank (۲۰۰۲). Strategic Directions for the World Bank in Social Development. Brainstorming Workshop Notes. October, ۱۵-۱۶, Washington, D.C.
- World bank report (۲۰۱۸) Mapping Poverty In Afghanistan: Technical Report, Public Disclosure Authorized
- ۱- <https://worldpopulationreview.com/countries/safest-countries-in-the-world/>.
- ۲- www.wikipedia.org.

معرفی نویسنده

دکتر سیدجلال‌الدین فرجی، پژوهش‌گر همکار انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان و فارغ‌التحصیل مقطع دکتری منظر و مدیریت شهری از دانشگاه نانجینگ فورستری کشور چین می‌باشد. پایان‌نامه دکتری وی در زمینه «مطالعه تطبیقی سکونت‌گاه‌های غیررسمی و نقش مدیریت شهری در شکل‌گیری آنها و تأثیر آنها بر منظر شهری در دو کشور ایران و چین» بوده است. او هم‌اکنون عضو هیات علمی گروه مدیریت شهری دانشگاه علامه طباطبایی ایران می‌باشد و مقالات متعددی را در حوزه‌های شهری برای ژورنال‌های بین‌المللی به رشته تحلیل آورده است.

دستیار پژوهش

شفیقه احمدی، دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. وی چندین پژوهش در حوزه برنامه‌ریزی شهری هرات انجام داده است. او هم‌اکنون کارشناس ارشد مرکز پژوهشی مطالعات شهری دانشگاه فردوسی می‌باشد.



ISBN 978-9936-655-09-6



9 789936 655096



@AISS_Alg



www.facebook.com/AISSAfghanistan



https://t.me/AISS_Alg



www.aiss.af



contact@aiss.af



+93 79984-161